

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علوم خبری

(علمی)

سال یازدهم - شماره ۴۲ - تابستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر عباس اسدی

مدیر اجرایی و علمی: حامد بابازاده مقدم

مدیر داخلی: سمیه عقبائی

این فصلنامه با همکاری قطب علمی ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران و انجمن علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، منتشر می‌شود.

- فصلنامه علوم خبری از کلیه پژوهشگران، استادان و صاحب‌نظران در زمینه‌های علوم ارتباطات (روزنامه‌نگاری، روابط عمومی، مدیریت رسانه، حقوق ارتباطات، سیاست‌گذاری ارتباطات، اقتصاد ارتباطات و...) برای ارسال مقالات علمی - مروری دعوت می‌نماید.
- مشاوران علمی فصلنامه، مقالات را بررسی کرده و تصمیم‌گیری در خصوص چاپ آنها برعهده هیئت تحریریه می‌باشد.
- فصلنامه در قبول، رد یا ویرایش مقالات دریافتی آزاد است.
- مسئولیت آراء و نظرات ابراز شده در مقالات بر عهده نویسندگان بوده و چاپ آنها به معنی تأیید مطالب نیست.

نشانی: تهران، بلوار دهکده المپیک، تقاطع بلوار شهید همت، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده

علوم ارتباطات، طبقه سوم، اتاق ۳۰۸

تلفن: ۱۹-۴۴۷۳۷۵۱۰ داخلی ۲۵۲۳

درگاه اینترنتی: www.jourcom.com

پست الکترونیکی: mag.jourcom@gmail.com

چاپ و صحافی: نگار نقش

طراحی، صفحه‌آرایی و ویراستاری: آثار فکر

شمارگان: ۲۱۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

اعضای هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبا) :

عباس اسدی	دانشیار روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی
محمدجعفر جوادی ارجمند	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
محمد باقر خرمشاد	استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
آسیه ذبیح‌نیاعمیران	دانشیار ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
عباسعلی رهبر	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
زهرا طاهری‌پور	استادیار معارف اسلامی دانشگاه سوره
ابراهیم کلانتری	دانشیار معارف اسلامی دانشگاه تهران
علی اصغر کیا	استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی
محمد رضا مجیدی	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
مصطفی ملکوتیان	استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران
علی نجفی	استادیار ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان
محمد هادی همایون	دانشیار فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)
اردشیر زابلی زاده	دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه صدا و سیما

داوران این شماره :

استاد روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبائی	علی اصغر کیا
کاندیدای دکتری حقوق بین الملل عمومی	حامد بابازاده مقدم
استادیار ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی	سمیه تاجیک اسماعیلی
دکترای مدیریت رسانه ای دانشگاه آزاد اسلامی	نرجس عباداتی
استادیار و دکترای علوم ارتباطات اجتماعی	نازنین ملکیان

شیوه نامه تدوین مقالات در فصلنامه علوم خبری

هیئت تحریریه فصلنامه علوم خبری، از کلیه‌ی اساتید، پژوهشگران و دانشجویان فرهیخته دعوت می‌نماید، مقالات علمی خود را برای چاپ در مجله با رعایت نکات زیر ارسال نمایند:

۱- مقالاتی که برای چاپ از سال می‌گردند باید محصول مطالعات و تحقیقات نویسندگان بوده و متضمن دست‌آوردهای علمی جدید باشد.

۲- مقالات از سالی نباید قبلاً در مجله‌ای چاپ شده و یا همزمان برای نشریه دیگر ارسال شده باشد.

۳- مقاله در قالب برنامه‌ی ورد ۲۰۱۰ با قلم Bzar ۱۲ با حاشیه‌های ۳ سانتی‌متر و حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۵ صفحه (یا حداکثر ۱۰۰۰۰ کلمه) همراه با فایل PDF ارسال شود.

۴- مقاله شامل قسمت‌های زیر باشد:

- صفحه‌ی اول دربرگیرنده: عنوان مقاله (فارسی و انگلیسی)، مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل نام و نام خانوادگی (در بالا بعد از عنوان)، مرتبه دانشجویی و تخصص، ذکر نام مؤسسه یا سازمان متبوع (بصورت پاورقی در همان صفحه) هر کدام به فارسی و انگلیسی و آدرس Email و شماره تماس نویسندگان. در این بخش عهده‌دار مکاتبات یا نویسنده‌ی مسئول مشخص شود. همچنین برای هر نویسنده صرفاً یک عنوان از یک مؤسسه معرفی شود.
- صفحه‌ی دوم شامل عنوان و چکیده مقاله به فارسی و انگلیسی (چکیده حداکثر در ۱۵۰ کلمه) و کلید واژگان فارسی و انگلیسی (حداکثر ۵ واژه) آورده شود.
- متن اصلی مقاله شامل مقدمه، پیشینه تحقیق، سؤال تحقیق، روش تحقیق و نتایج باشد.

جداول به تعداد محدود با شماره و عنوان در زیر آنها و مناسب برای چاپ باشد. شکل‌ها، نمودارها و تصاویر به تعداد محدود با شماره و عنوان در زیر آنها و مناسب برای چاپ باشد.

۵- روش ارجاع دهی:

منابع به صورت درون متنی (نام خانوادگی، سال، صفحه) نوشته شوند. مسئولیت ارجاع دهی دقیق و کامل به منابع بر عهده نویسنده است. در منابع کتابها، مقالات، اسناد و آرای دادگاهها و سایت‌های اینترنتی به ترتیب حروف الفبا آورده شوند.

منابع در پایان مقاله به صورت حروف الفبایی نام خانوادگی آورده شوند و منابع پایان متنی شماره گذاری نشوند؛ (با تیره مشخص شوند)

کتاب:

- نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، جلد چندم، چاپ چندم، محل انتشار، ناشر.

مقاله:

- نام خانوادگی، نام، (سال)، «عنوان مقاله»، نام مجله، شماره، دوره، ماه. در عناوین انگلیسی حروف اول همه‌ی کلمات (بجز حروف اضافه و حروف ربط) به صورت حرف بزرگ و در عناوین فرانسه بصورت حرف کوچک نوشته شوند. عناوین کتابها به صورت ایتالیک نوشته شده و عنوان مقاله‌ها در داخل گیومه قرار داده شوند.

در ارجاع سایت‌های اینترنتی موارد ذیل رعایت شوند:
حداالامکان نام و نام خانوادگی نویسنده‌ی مقاله استنادی موجود در سایت و تاریخی که مقاله در سایت قرار داده شده است.

عنوان سایت

آدرس سایت

تاریخ مراجعه‌ی نویسنده به سایت

نحوه‌ی ارسال مقالات:

پست الکترونیکی mag.jourcom@gmail.com

فهرست مطالب

مطالعه تغییرات فرهنگی در چارچوب کارکرد روزنامه‌نگاری موسیقی
۱۱.....

احمد افروز

بررسی رابطه بین هویت جوانان با گرایش آنها به موضوعات خبری در رسانه
اجتماعی تلگرام..... ۳۳

علیرضا پورجعفری - رضا تقی‌پور

اندیشه‌های نوین و نقش آن در ظهور و رشد مطبوعات
دینی..... ۷۱

حبیب شرفی صفا - فاطمه رحیمی

مسائل حقوقی حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها در کتابخانه‌ها؛ مطالعه قوانین
کپی‌رایت و کتابخانه‌های ملی منتخب..... ۹۵

زینب پایی

بررسی انقلاب مشروطه با تأکید بر نظریه چالمرز جانسون..... ۱۲۵

غلامرضا لطیفی - داریوش قاسمی - سحر لطیفی

تحلیل شبکه‌های اجتماعی با روش داده‌کاوی وب (وب‌کاوی) داده‌کاوی روابط بین
نسلی و ارزش‌های خانوادگی در شبکه‌های اجتماعی..... ۱۵۷

سیدرضا نقیب‌السادات

Studying cultural changes in the framework of music journalism

Ahmad Afrooz¹ 

1. Department of Media Management, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
E-mail: Afrooz.Ahmad@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 11 July 2022

Received in revised form 23 July 2022

Accepted: 19 August 2022

Published online: 21 September 2022

Keywords:

artistic media, cultural communication, Music journalism, music, journalistic function

ABSTRACT

Objective Music journalism is a practice that evaluates and judges' music and its developments. This dimension of journalism focuses on criticizing the nature, effects and methods of music as a facet of intellectual-cultural activities. Based on this, the role of music on the cultural changes of the society and of course the listening culture of the audience, public opinion and also its background can be clearly seen and analyzed due to the social changes in this type of journalism. Criticism is the key word in the field of journalism, so music journalism can also provide useful information and data for the study of cultural and perhaps social processes. Consequently, music is also a universal and universal media that has the ability to influence popular culture, and based on this, its field of study can be analyzed in the field of cultural studies. Therefore, in this research, the researcher investigates the role of music and its journalism position on the cultural and communicative changes of the audience with a descriptive-analytical method and a critical perspective. Examining the data obtained from this approach shows that music can be a way to understand the communication culture of countries, places and cultures and connect these social elements together, provided that the rights of the audience are respected. In addition, music changes the boundaries of art and popular culture, and at the same time, depending on the perspective of the journalism included in it, it can become a tool for the development of social subcultures.

Methods: Using the "descriptive and analytical" method, the current research obtains its sources and information from documentary and library sources, which, of course, with the approach of obtaining new and comprehensive sources and citing current cultural and media analyzes, is not only descriptive Rather, it finally comes to the position of analysis. Therefore, he explores the subject of the research with an explanatory view and reaches a conclusion in the framework of the discussion.

Results: Examining the data obtained from this approach shows that music can be a way to understand the communication culture of countries, places and cultures and connect these social elements together, provided that the rights of the audience are respected. In addition, music changes the boundaries of art and popular culture, and at the same time, depending on the perspective of the journalism included in it, it can become a tool for the development of social subcultures. Unfortunately, there is no more formal and advanced journalism training in this field. In general, the development of music journalism in other national spaces and its role in the cultural changes of a society has rarely been considered.

Cite this article: Afrooz Ahmad. (2022). Studying cultural changes in the framework of music journalism. *News Science*, 11 (42), 11-33





مطالعه تغییرات فرهنگی در چارچوب کارکرد روزنامه‌نگاری موسیقی

احمد افروز^۱

۱. گروه مدیریت رسانه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی سمنان، سمنان. رایانامه: afrooz.ahmad@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۳۰

کلیدواژه‌ها:

ارتباطات فرهنگی، رسانه‌های هنری، ژورنالیسم موسیقی، کارکرد روزنامه‌نگاری، موسیقی،

روزنامه‌نگاری موسیقی رویه‌ای است که به ارزیابی و قضاوت درباره موسیقی و تحولات آن می‌پردازد. این بُعد از ژورنالیسم بر نقادی ماهیت، اثرات و شیوه‌های موسیقایی به‌عنوان یک وجه از فعالیت‌های فکری-فرهنگی متمرکز می‌شود. بر این اساس هم نقش موسیقی بر تغییرات فرهنگی جامعه و البته فرهنگ شنیداری مخاطب، افکار عمومی و نیز پساگرد آن را به‌واسطه تحولات زیست‌جمعی در این نوع روزنامه‌نگاری می‌توان به عینه دید و به تحلیل نشست. نقد، کلیدواژه عرصه روزنامه‌نگاری است بنابراین ژورنالیسم موسیقی نیز می‌تواند اطلاعات و داده‌های مفیدی را برای مطالعه فرآیندهای فرهنگی و شاید اجتماعی در اختیار بگذارد. بالتبع موسیقی نیز رسانه‌ای است عام‌پذیر و عام‌الشمول که قابلیت تأثیرگذاری بر فرهنگ عامه را دارد و بر همین اساس می‌توان حوزه مطالعه آن را در میدان مطالعات فرهنگی به تحلیل نشست. بنابراین محقق در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و نگاهی انتقادی، به بررسی نقش موسیقی و جایگاه ژورنالیسم آن بر تغییرات فرهنگی و ارتباطی مخاطب می‌پردازد. بررسی داده‌های حاصل از این رویکرد نشان می‌دهد که موسیقی به شرط رعایت حقوق مخاطب می‌تواند راهی برای درک وسیع از فرهنگ ارتباطی کشورها، مکان‌ها و فرهنگ‌ها باشد و این عناصر اجتماعی را به هم پیوند دهد. مضافاً اینکه موسیقی دست به تغییر مرزهای هنر و فرهنگ عامه می‌زند و در عین حال بسته به بازروایت ژورنالیسم محصور در آن قادر است ابزاری درجهت تحولات خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی شود.

استناد: افروز احمد (۱۴۰۱). مطالعه تغییرات فرهنگی در چارچوب کارکرد روزنامه‌نگاری موسیقی. علوم خبری، ۱۱ (۴۲)، ۲۳-۱۱.



مقدمه

هنر به عنوان یکی از مظاهر فرهنگی می‌تواند بخشی از زندگی افراد بوده و ارزش‌های اساسی زندگی را کیفیت شرطی بخشید در واقع می‌توان این‌گونه بیان کرد که موسیقی به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی حوزه هنر از عناصر مهم تشکیل دهنده فرهنگ می‌باشد، از سوی دیگر رسانه‌ها در دوران کنونی بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی مخاطبان شده و جوامع و ملل مختلف در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز بخش عظیمی از فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کنند، به عبارتی بخش عظیمی از جامعه‌پذیری مخاطبان از طریق رسانه‌ها صورت می‌پذیرد و روزنامه‌نگاری موسیقی تأثیر مهمی بر استقرار فرهنگ موسیقی داشته است. روزنامه‌نگار موسیقی اغلب به عنوان آفت تجارت موسیقی معرفی شده که البته این دیدگاه منفی در کلیت صنعت روزنامه‌نگاری نیز موجود بوده تا جایی که در سلسله مراتب آرنولدی (Storey 2003) وجود دارد با این وجود ژورنالیسم موسیقی اغلب به شکل ابزاری در نظر گرفته می‌شوند و در ساختار مطبوعات خبری، جایی که خطوط تعیین‌کننده با وضوح بیشتری مشخص است، اغلب روزنامه‌نگاری موسیقی به عنوان یک امر نادیده گرفته می‌شوند.

امروزه روزنامه‌نگاری موسیقی شاخه‌ای بدون آموزش یا بدون مهارت روزنامه‌نگاری در رویکردهای مطالعه روزنامه‌نگاری باقی مانده به گونه‌ای که نونس (۲۰۰۴: ۱۳۲) استدلال می‌کند "روزنامه‌نگاری موسیقی در هر دو حوزه روزنامه‌نگاری و فرهنگ و به وضوح در بخش روزنامه‌نگاری فرهنگی نسبتاً بی‌ارزش شده است". با این حال، شوکر (۲۰۰۱) پیشنهاد کرده است که روزنامه‌نگاری موسیقی و مطبوعات موسیقی مرتبط در سرمایه‌گذاری موسیقی با اهمیت فرهنگی ضروری است. در یک تجربه روزنامه‌نگاری و از طریق تجزیه و تحلیل گفتمان، توماتیس نشان می‌دهد که چگونه این مطبوعات از آنچه یک گفتمان روزنامه‌نگاری نوآورانه بوده و برای مخاطبان جوان جذاب می‌باشد می‌توان استفاده کرد. او نتیجه می‌گیرد که با تحلیل گفتمان در چنین نشریات «توده‌ای»، می‌توان فهمید که جوامع نسلی خاص چگونه موسیقی را تفسیر و ارزش قائل شده‌اند. در این مقاله نگاهی خواهیم انداخت به روزنامه‌نگاری موسیقی و نقش و اهمیت آن در توسعه هنر موسیقی و جایگاه آن در تغییرات فرهنگی.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های کمی در موضوع این مقاله تاکنون منتشر شده است. سیمون واریال (۲۰۱۲) در مقاله موسیقی، روزنامه‌نگاری، و مطالعه تغییرات فرهنگی به نقش نقد در روزنامه‌نگاری فرهنگی اشاره کرده است. وی با بیان اینکه پیامدهای روش شناختی مطالعه نقد از منظر فراملی را مورد بحث قرار خواهد داد ابراز می‌دارد که نقد را می‌توان با نگاه کردن به آن مطالعه کرد. جک پادربورن و مارتین جیمز (۲۰۱۴) در مقدمه سرمقاله روزنامه‌نگاری موسیقی نقش اصلی روزنامه‌نگاری موسیقی عامه پسند را در ساخت معنا از فرم موسیقی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان چنین عنوان داشته‌اند که در چنین زمینه‌هایی، خود روزنامه‌نگاری موسیقی فکری تأثیر مهمی در استقرار فرهنگ موسیقی عامه به عنوان یک موضوع دانشگاهی داشته است. محمد فاضلی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان جامعه‌شناسی مصرف موسیقی به بررسی نقش و تأثیر موسیقی بر تغییرات فرهنگی از نگاه جامعه‌شناسی پرداخته است. در مجموع می‌توان گفت مطالعات کمی در این خصوص انجام شده است و از این حیث منابع کافی در اختیار پژوهشگران نیست.

روش

پژوهش فعلی با دستمایه قرار دادن روش «توصیفی و تحلیلی»، منابع و اطلاعات خود را از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به دست می‌آورد که البته با رویکرد دستیابی به منابع تازه و جامع و استناد به تحلیل‌های روز فرهنگی و رسانه‌ای، خود نیز نه فقط در مقام توصیف بلکه نهایتاً در مقام تحلیل برمی‌آید. بنابراین با نگاه تبیینی موضوع پژوهش را به کنکاش می‌گذارد و در چارچوب بحث دست به نتیجه‌گیری می‌زند.

۱- درباره روزنامه‌نگاری موسیقی

حرفه روزنامه‌نگاری (Journalism) عبارت است از گردآوری، ارزیابی، تحلیل گفتمان، نقدگری (Criticism)، ویرایش و نشر اخبار، گزارش‌ها (Reportages)، مقالات مرتبط و اطلاعات مهم روزمره و جاری برای روزنامه‌ها، مجلات، تلویزیون و یا رادیو که اغلب با مشورت و راهنمایی سردبیران و یا تهیه‌کنندگان صورت می‌گیرد. این در حالیست که در گذشته، روزنامه‌نگاران گزارش‌های خود را تنها به خبرنگارها، بخش‌نامه‌ها، روزنامه‌ها و فصل‌نامه‌ها ارایه می‌کردند، اما امروزه با پیشرفت‌های فن‌شناختی، روزنامه‌نگاری به جرگه دیگر رسانه‌ها، نظیر رادیو، فیلم‌های

مستند، فیلم‌های خبری، تلویزیون و اینترنت پیوسته است. از این رو می‌توان چنین عنوان کرد که روزنامه‌نگاری موسیقی رویه‌ای است که به تولید قضاوت و ارزیابی درباره موسیقی می‌پردازد و مهم‌ترین رویکرد این نوع روزنامه‌نگاری انجام نقد بر محصولات تولیدی بوده و به عنوان دیگر اشکال نقد، به «فرهنگ» به معنای «آثار و شیوه‌های فعالیت فکری و به ویژه هنری» می‌پردازد (ویلیامز ۱۹۹۳، صص ۸۷-۹۳). در این تعریف نقد به عنوان مهم‌ترین کارکرد روزنامه‌نگاری موسیقی عنوان شده است در واقع می‌توان این‌گونه بیان کرد که امروزه روزنامه‌نگاری از اهمیت دوچندانی برخوردار است به طوری که هم روزنامه‌نگاری موسیقی و هم نقد در علوم اجتماعی و انسانی مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته‌اند.

نقد همچنین داده‌های مفیدی را برای مطالعه فرآیندهای اجتماعی-فرهنگی بزرگتر (مانند تغییر مرزهای بین هنر و فرهنگ عامه) و مطالعه روش‌های قابل قبول اجتماعی که از طریق آن مرزهای اولویت‌های فرهنگی «مشروع» ترسیم و توجیه می‌شوند، فراهم می‌کند، که این مسئله گاهی اوقات بازتولید اجتماعی موجود است. نقد همچنان ژانر روزنامه‌نگاری غالب است نقد را می‌توان با نگاهی به زمینه‌های نهادی و فضاها اجتماعی که میان معانی، عملکرد روزنامه‌نگاران و فضای ملی-تاریخی میانجیگری می‌کنند، مطالعه کرد.

با این حال، با در نظر گرفتن تعریف بوردیو از حوزه اجتماعی به طور کلی، نقد را می‌توان حداقل از پنج منظر مختلف تحلیل کرد:

- الف) تمایز داخلی مطبوعات موسیقی به عنوان یک حوزه.
- ب) روابط حوزه در کل (یا برخی از بازیگران آن) با سایر حوزه‌های اجتماعی واقع در همان فضای ملی (مثلاً حوزه سیاسی).
- ج) روش‌هایی که میدان در کل (یا برخی از بازیگران آن) در جریان‌های فراملی کالاهای فرهنگی (مانند موسیقی جاز و پاپ آمریکایی) واسطه می‌شوند.
- د) شباهت‌ها و تفاوت‌های بین رشته‌های واقع در فضاها ملی مختلف (مثلاً تفاوت‌ها و شباهت‌های بین اشکال قابل مقایسه روزنامه‌نگاری موسیقی ایتالیایی، بریتانیایی و آمریکایی در لحظات تاریخی معین).
- ه) روش‌هایی که میدان در کل (یا برخی از بازیگران آن) در زمینه‌های مصرف احتمالی واسطه می‌شوند.

به طور کلی باید خاطرنشان کرد که روزنامه‌نگاری موسیقی و سایر اشکال نقد در ارتباط با گردش جهانی کالاهای فرهنگی تأثیر بسزایی دارند. همچنین، از روزنامه‌نگاری موسیقی برای مطالعه فرآیندهای تاریخی و نقد اجتماعی فرهنگی بزرگ‌تر استفاده شده است، مانند راه‌هایی که مرزهای بین هنر (یعنی فرهنگ عالی) و فرهنگ عامه تغییر کرده و دوباره تعریف می‌شوند (لیندبرگ و همکاران ۲۰۰۵). همه این مسائل را می‌توان در مطالعه ژورنالیسم موسیقی به عنوان یک رسانه فراملی به طور متمرث‌تری بررسی کرد. روزنامه‌نگاری موسیقی حجم زیادی از تخیل جهانی را بسیج می‌کند و موسیقی را به درک وسیع‌تر از دیگر کشورها، مکان‌ها و فرهنگ‌ها و همچنین به مفاهیم جدید فضای «قومی-ملی» خود پیوند می‌دهد (Regev 2007).

پیشینه روزنامه‌نگاری موسیقی را می‌توان در سه دوره بررسی کرد: دوره نخست؛ از سال ۱۷۰۰ تا سال ۱۹۰۰ میلادی، یعنی مقارن با اواخر دوره باروک (Baroque) تا آخر دوره رمانتیک (Romantic)، دوره مدرن؛ از سال ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۵۱ میلادی، یعنی مقارن با دوره مدرن (Modern) و دوره معاصر؛ از سال ۱۹۵۱ میلادی تا کنون، که مقارن با تغییر و تحول در فن‌شناسی ضبط صدا و پیدایش عصر الکترونیک، دیجیتال و دنیای مجازی است.

۱-۱- نگاهی به روزنامه‌نگاری فرهنگی

با توجه به رشد ساختاری و محتوایی فرهنگ در جوامع مختلف و به تبع آن خرده فرهنگ‌ها و رفتارهای ذیل آن تولید محتوا تحت عنوان روزنامه‌نگاری فرهنگی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که تغییر شکل رسانه‌ها از چاپی به دیجیتال و قواعد مربوط به آن شکل تولیدات رسانه‌ای را نیز دست‌خوش تغییر کرده است. لزوم رو از مزایای عصر دیجیتال برای رسانه‌ها رشد فرآیندهای آنها است که با بهره‌گیری از درگاه‌های مختلف در بستر اینترنت به فعالیت پرداخته و برای بقا و دیده شدن به رقابت نفس‌گیر می‌پردازند. البته به نظر می‌رسد افزایش رقابت بین رسانه‌ها، پراکندگی مخاطبان رسانه‌ها و کاهش خوانندگان روزنامه‌های چاپی منجر به تولید اخبار کارآمدتر و گرایش به سبک زندگی یا روزنامه‌نگاری خدماتی می‌شود (ایده و نایت ۱۹۹۹؛ کریستنسن ۲۰۱۲).

این ممکن است به گرایش‌های حرفه روزنامه‌نگاران فرهنگی مرتبط باشد، زیرا به نظر می‌رسد نسل‌های جوان از طریق برنامه‌های تحصیلی در روزنامه‌نگاری یا مطالعات رسانه‌ای به جای مطالعه گسترده در علوم انسانی وارد این حرفه می‌شوند (Hovden and Knapskog, 2015). البته نمی‌توان از این نکته غافل شد که در روزنامه‌نگاری فرهنگی، این به ظاهر تمرکز

بر اخبار و سرگرمی به جای انتقاد جدی از هنر و پاسخگویی به نیازهای خواننده تبدیل شده است (هلمن و جاکولا ۲۰۱۱؛ وربورد و یانسن ۲۰۱۵). محققان تغییری را به سمت تلقی محصولات فرهنگی به عنوان کالاهای مصرفی به جای مصنوعات فرهنگی نشان داده‌اند (جانسون ۲۰۰۲؛ کریستنسن و از ۲۰۱۲)، و حضور رو به رشد روزنامه‌نگاری به جای رویکرد زیبایی‌شناختی به روزنامه‌نگاری هنری (هلمن و جاکولا ۲۰۱۱). کریستنسن (۲۰۱۰) استدلال می‌کند که روزنامه‌نگاری فرهنگی کنونی برای نشان دادن پیوستاری بین فرهنگ، سبک زندگی و مصرف توسعه یافته است.

به گفته اید و نایت (۱۹۹۹، ۵۲۶)، رسانه‌های خبری در دموکراسی‌های بازار پیشرفته به طور فزاینده‌ای وظیفه «خدمات روزنامه‌نگاری» را بر عهده گرفته‌اند چرا که محتوا، قالب تمایل دارند با دنیای زندگی روزمره مخاطبان تنظیم شوند. مطالعات مرتبط نشان داده است که با گذشت زمان، مطبوعات به شکل فزاینده‌ای به اشکال فرهنگی محبوب مانند موسیقی عامه پسند، فیلم و داستان‌های تلویزیونی نسبت به هنرهای عالی سنتی مانند موسیقی کلاسیک، ادبیات و تئاتر اولویت داده‌اند (Janssen, Kuipers 1999; Janssen, Verboord 2011). بدینسان توسعه این را به عنوان نشانه‌ای از زوال روزنامه‌نگاری فرهنگی جدی می‌دانند (کریستنسن ۲۰۱۰). با این حال، این تغییر در توجه روزنامه‌نگاری لزوماً به معنای کاهش مستقیم استانداردهای مورد تأیید روزنامه‌ها نیست.

Janssen و Verboord (2015) دریافته‌اند که در حالی که روزنامه‌ها به طور فزاینده‌ای نیازهای خوانندگان امروز را با تمرکز بیشتر بر فرهنگ عامه برآورده می‌کنند، این روند لزوماً با افزایش دیدگاه‌های سبک زندگی همراه نیست. علاوه بر این، بسیاری از اشکال فرهنگ عامه تاکنون چارچوب‌های نهادی را توسعه داده‌اند که به شدت شبیه به چارچوب‌های هنرهای عالی است (یانسن، کوپرز، و وربورد ۲۰۱۱).

بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که برای مثال، موسیقی و فیلم عامه پسند چگونه به اشکال فرهنگی متنوعی که شامل محصولات هنری می‌شود رها شده‌اند (باومن ۲۰۰۱؛ ون و نروبیچ و اشموتز ۲۰۱۰). در بخش‌هایی مانند موسیقی عامه‌پسند، موسیقی راک، فیلم و داستان‌های تلویزیونی، بخش‌های هنرمندان تری متمایز شده‌اند (Regev 1994; Baumann 2001; Van Venrooij and Schmutz 2010; Lavie 2014) به این ترتیب،

به اصطلاح "جنگ فرهنگی" در روزنامه‌ها، مبارزه بین اصول هنر عالی و فرهنگ تجاری، ممکن است در قالب‌های فرهنگی بین آنها رخ دهد.

هلمن و جاکولا (۲۰۱۱، ۷۸۵) پیشنهاد می‌کنند که روزنامه‌نگاران فرهنگی اکنون تمایل دارند به جای پارادایم زیبایی‌شناختی به پارادایم روزنامه‌نگاری تکیه کنند و به‌عنوان نمایندگان حوزه روزنامه‌نگاری در حوزه هنری به جای نمایندگان حوزه هنری در روزنامه عمل می‌کنند. در حالی که رویکرد زیبایی‌شناختی حول تحلیل عمیق گذشته‌نگر و نقد نظری توسط یک متخصص می‌چرخد، رویکرد روزنامه‌نگاری شامل گزارش‌های عینی و آموزنده توسط روزنامه‌نگاران غیرمتخصص است و شامل ژانرهای مختلف روزنامه‌نگاری است. این که آیا این تغییر تمرکز را می‌توان به سادگی به عنوان نشانه‌ای از کاهش در روزنامه‌نگاری جدی فرهنگی درک کرد یا نه یک سؤال جدی است. همچنین قلمروهای مختلف آنچه معمولاً «فرهنگ مردمی» نامیده می‌شود از نیمه دوم قرن بیستم رها شده است. این ژانرها چارچوب‌های نهادی را توسعه داده‌اند که بی‌شبهت به هنرهای عالی نیست، از جمله حمایت گسترده دولت از صنایع فرهنگی، جوایز معتبر، جشنواره‌ها و بورس تحصیلی دانشگاهی (Janssen, Kuipers, and Verboord 2011).

۱-۲- روزنامه‌نگاری فرهنگی رو به افول است؟

با شروع عصر دیجیتال و روند رشد رسانه‌های اینترنتی بحران روزنامه‌نگاری بیش از پیش مشهود شد. از سوی دیگر تجاری سازی صنعت رسانه در دهه‌های گذشته منجر به رقابت شدیدی شده است از این رو مخاطبان پراکنده توسط رسانه‌های آنلاین از روزنامه‌ها دور می‌شوند و نشریات مجبور به یافتن رویکردهای جدید و کارآمد برای موضوعات روزنامه‌نگاری می‌شوند (هلمن و جاکولا ۲۰۱۱) همین مسئله یک سؤال اساسی را مطرح می‌کند؛ آیا روزنامه‌نگاری فرهنگی رو به افول است؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان وضعیت این نوع روزنامه‌نگاری را در دهه اخیر مورد ارزیابی قرار داد. در یک جامعه مصرفی پیچیده و تحت تأثیر روابط نزدیک بین تبلیغ‌کنندگان و مطبوعات، مهمترین خدماتی که روزنامه‌نگاری ارائه می‌کند راهنمایی‌هایی در رابطه با موضوعات مصرف و مصرف‌گرایی است (کریستنسن و از ۲۰۱۲).

دیده می‌شود که روزنامه‌ها به‌جای اطلاع‌رسانی به شهروندان، به مصرف‌کنندگان توصیه می‌کنند و روزنامه‌نگاران از اتخاذ «موقعیت آموزشی آشکارا در برابر مخاطبان خود» اجتناب می‌کنند (ایده و نایت ۱۹۹۹، ۵۲۷) و از گفتمان محبوب‌تری استفاده می‌کنند که با توجه

به وضعیت پوشش هنری و فرهنگی، محققان پیامدهای مختلفی از این روندها را مشاهده می‌کنند. از سوی دیگر، تجاری‌سازی روزنامه‌نگاری فرهنگی، همراه با فرآیندهای طبقه‌بندی فرهنگی در اواخر قرن بیستم (DiMaggio 1991، ۱۹۹۲) به این معنی است که در حالی که پوشش کلی فرهنگی در حال کاهش است، اشکال فرهنگی که عموماً به عنوان فرهنگ عامه طبقه‌بندی می‌شوند، برجسته می‌شوند (Heilbrun 1997، Janssen, Janssen 1999، Verboord and Janssen 2015، Kuipers, and Verboord 2011).

۱-۳- کارکردهای روزنامه‌نگاری در حوزه فرهنگی

همواره این خبرنگاران فرهنگی بودند که به عنوان دروازه‌بانان مهم عرصه فرهنگی در این امر نقش مهمی ایفاء کرده‌اند. آنها با اعمال اصول هنری عالی و معیارهای زیبایی‌شناختی در فرهنگ پاپ، محصولات و زیرژانرهای ارزشمند فرهنگی را از همتایان کمتر خود متمایز کردند و از این طریق به این اشکال فرهنگی به عنوان یک کل مشروعیت بخشیده‌اند (Schmutz et al 2010). بنابراین، افزایش توجه و ارزیابی انتقادی آنها از آلبوم‌های موسیقی یا سریال‌های تلویزیونی را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان عدم جدیت در روزنامه‌نگاری فرهنگی تلقی کرد، بلکه ممکن است نشان‌دهنده اعتلای فرهنگ عامه باشد. این که آیا واقعاً چنین است یا نه بستگی به این دارد که روزنامه‌نگاران به کدام نوع یا زیرژانر توجه کنند و چگونه این کار را انتخاب کنند. با این حال، به نظر نمی‌رسد که این رشد تعداد مقالات روزنامه‌ها به عنوان مثال درباره فیلم‌ها، نشان‌دهنده افول مستقیم روزنامه‌نگاری فرهنگی جدی باشد. در این موارد، نشان داده شده است که مطبوعات اصول هنر را در مورد آنچه که به طور سنتی فرهنگ پاپ تلقی می‌شود، به کار می‌گیرند (هیکس و پتروا ۲۰۰۶؛ کرسن و بیللی ۲۰۱۲؛ کرسن ۲۰۱۴)، و در نتیجه به ایجاد تمایز و مشروعیت کلی آن کمک می‌کنند.

۲- نقش روزنامه‌نگاری در توسعه موسیقی

روزنامه‌نگاری موسیقی رویه‌ای است که به تولید قضاوت و ارزیابی درباره موسیقی می‌پردازد. مانند انواع دیگر نقد، به «فرهنگ» به معنای «آثار و عملکردها» می‌پردازد (ویلیامز ۱۹۹۳، صص ۸۷-۹۳). مطالعات مختلف گزارش می‌دهند که روزنامه‌نگاری فرهنگی به طور فزاینده‌ای

بر خدمات و سرگرمی به جای پوشش هنری جدی تمرکز می‌کند. مطبوعات به طور فزاینده‌ای فرهنگ عامه را بر هنرهای عالی سنتی اولویت می‌دهند. با این حال، این تغییر در توجه ژورنالیستی لزوماً به معنای کاهش مستقیم استانداردهای زیبایی‌شناختی نیست، زیرا اشکال فرهنگی رایج مانند فیلم در دهه‌های گذشته در امتداد اصول هنر عالی توسعه یافته‌اند.

۲-۱- موسیقی، فرهنگ و مردم

هنر زبان مشترک و ملموس ملل مختلف جهان است که می‌تواند باعث ارتباط و همبستگی تمدن‌ها و اقوام مختلف گیتی گردد و شاید بتوان یکی از ناب‌ترین مفاهیم هستی را به آن اطلاق کرد. هنرکوششی است برای ایجاد یک عالم ایده‌آل، یک عالم تصور و عواطف بی‌آیش در کنار عالم واقعی (سید صدر، ۲۳۳۳: ۲). بدیهی است که هنر انواع مختلفی دارد و یکی از این انواع موسیقی است. به موسیقی زبان احساسات گفته می‌شود، این یک استعاره نابجا و غیرمعقول نیست. موسیقی همچون زبان، مقاصدی از معنای ارتباطی دارد. همچون زبان یک قواعد، یک ترکیب و یک بدیع دارد. نوع متفاوتی از زبان است، کلمات به هم پیوسته‌اند و صداها روان و لمس‌ناپذیرند (ماچلیس ۱، ۲۳۱۳: ۵). موسیقی جنبه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد و ابعاد چندگانه دارد. می‌توان موسیقی به مثابه دانش اجتماعی، متن اجتماعی، واقعیت اجتماعی، موسیقی به مثابه هنر، موسیقی به مثابه زبان، موسیقی به مثابه رسانه و موسیقی به مثابه صنعت را مورد پژوهش قرار داد (علیزاده، ۲۳۳۲؛ فاضلی ۲۳۳۱) و همچنین دارای انواع مختلفی است که مخاطبان و مقاصد مختلفی دارد. موسیقی مردم‌پسند یکی از انواع موسیقی است که در معنایی کلی موسیقی مردم‌پسند، آن نوع موسیقی‌ای است که مخاطب آن وسیع‌ترین بخش شنوندگان باشد (شوکر، ۲۳۳۱). این نوع موسیقی در یک معنای خاص آن (به‌ویژه در آغاز شده بیستم) موسیقی طبقه‌ی کارگر بود. معنای امروزی آن مجموعه‌ای از انواع مختلف موسیقی است که باهم تفاوت‌های هنری دارند بسیاری از انواع موسیقی که با این عنوان معرفی می‌شوند موردعلاقه‌ی همه‌ی مردم نیستند بلکه صرفاً شماری از جوانان آن هم درسین خاصی از زندگی خود به این انواع دل بسته‌اند. سلیقه‌ی موسیقایی به امور متفاوت و متنوع فرهنگی و اقتصادی وابسته است و دشوار بتوان از موسیقی مردم‌پسند حتی به‌عنوان موسیقی‌ای که اکثریت مردم به آن علاقه دارند حرف زد. با این همه اصطلاح «موسیقی مردم‌پسند» دیگر رایج شده است (احمدی، ۲۳۳۳: ۱۱۱).

۲-۲- درباره موسیقی و ارتباطات اجتماعی

موسیقی ابزاری انسانی است که به صورت گسترده در جوامع بشری کارکرد دارد. به این معنا که اگر تصور کنیم موسیقی یک فرهنگ برای فرهنگی دیگر به طور کامل قابل درک نباشد، اما کارکردی که به صورت عمومی می‌توان برای موسیقی متصور شد در فرهنگ‌های متفاوت ویژگی‌های مشترک دارد. مطالعات مربوط به نقش موسیقی در اجتماع، اثرگذاری آن را در حکم یک عامل ارتباط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری ساختار یک جامعه را «جامعه‌شناسی موسیقی» می‌نامند. ارتباط اجتماعی از طریق موسیقی منحصر به افراد درون یک جامعه نیست. در مواردی که امکان ارتباط افراد یک جامعه با جامعه دیگر مستقیماً وجود ندارد، موسیقی یکی از ابزارهایی بوده است که تمدن‌های مختلف را به هم پیوند داده است و بین آنها رابطه برقرار کرده است. ارتباطات متقابل اجتماعی می‌تواند شامل ارتباط یک گروه یا طبقه اجتماعی با گروه یا طبقه دیگر نیز بشود.

۲-۳- نقش موسیقی در تغییرات فرهنگی

در ابتدا شاید این موسیقی بوده که از فرهنگ مردم نشات می‌گرفت و آینه‌ای از آداب و رسوم و اتفاقات زمان خود بود اما به مرور و با گذشت زمان کم‌کم موسیقی بخشی از فرهنگ هر مرز و بوم شد و به عنوان رکنی از ارکان جامعه بر فرهنگ، تأثیر انکارناپذیری گذاشت. فرهنگ عبارت است از اندیشه مشترک یا ویژگی‌های فکری یک جامعه یا ملت. فرهنگ موروثی نیست و وجود مستقل از خود ندارد و در همهٔ زمان‌ها از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و به‌عنوان یک ساختار اجتماعی شناخته می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت که هم فرهنگ بر موسیقی اثر می‌گذارد و هم موسیقی بر فرهنگ و این که تأثیر کدام یک بیشتر است بستگی به عوامل متعددی دارد و بسیار نسبی است. معمولاً هنرمندان و به ویژه شاعران از پیشگامان تأثیرگذاران بر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده‌اند. این عده به علت داشتن تفکری متفاوت، خلاق و در عین حال برخوردار از ذوق هنری همواره درد جامعه را بهتر درک کرده و در قالب شعر و موسیقی از بطن جامعه، مشکلات و معضلات روز سخن گفته‌اند. موسیقی نشأت گرفته از احساس افراد بوده پس به سادگی بر احساسات دیگران تأثیر می‌گذارد و در صورت برخوردار از جذابیت و خلاقیت کافی به مرور در جامعه تسری یافته و بر سطحی وسیع‌تر تأثیر می‌گذارد و فرهنگ را دست‌خوش تغییراتی هرچند اندک می‌کند. این تغییرات کوچک در طی زمان رشد

کرده و تغییرات اساسی را در هر فرهنگی شکل می‌دهد. تأثیر موسیقی معمولاً بر نسل جوان بیش از سایر اقشار جامعه است. سبک موسیقی مورد علاقه افراد می‌تواند نشان‌دهنده طبقه فرهنگی آنها نیز باشد، لذا سبک پوشش، گویش، رفتار و... همه و همه نشان از میزان گره‌خوردگی عمیق فرهنگ و موسیقی دارد. موسیقی برای مدت طولانی تنها خاص فرهنگ هر نقطه‌ای از این کره خاکی بود اما به مرور و با گسترش مرزها و حرکت به سمت دهکده جهانی، موسیقی تبدیل به ابزاری برای انتقال فرهنگ به نقاط دور دست شد. موسیقی با حرکت خود در میان ملل مختلف، فرهنگ خود را نیز یدک می‌کشد و آن را با فرهنگ و موسیقی آن ناحیه تلفیق می‌کند و از این طریق بر فرهنگ آن مرز و بوم به صورت ریشه‌ای و آهسته تأثیر می‌گذارد.

در حالی که تکامل فرهنگی هرگز تمام جنبه‌های موسیقی را توضیح نمی‌دهد اما یک چارچوب نظری مفید برای درک تنوع و تغییر در موسیقی جهان ارائه می‌دهد. مفهوم تکامل فرهنگی برای پایه و اساس موسیقی‌شناسی دانشگاهی و زیرشاخه موسیقی‌شناسی تطبیقی اساسی بود، اما به رغم ظهور مجدد علاقه به تکامل فرهنگی در زمینه‌های دیگر، تا حد زیادی پس از جنگ جهانی دوم از بحث ناپدید شد. در حالی که تکامل فرهنگی هرگز تمام جنبه‌های موسیقی را توضیح نمی‌دهد، یک چارچوب نظری مفید برای درک تنوع و تغییر در موسیقی جهان ارائه می‌دهد. امروزه تنوع موسیقی بالا رفته و افراد می‌توانند در ژانرها و سبک‌های مختلف، موسیقی مورد نظر خود را انتخاب نموده و به طیف گسترده‌ای از موسیقی گوش دهند. از طرفی دیگر رسانه‌ها مانند رادیو، تلویزیون و موسیقی فیلم‌ها، می‌توانند بر ذائقه موسیقی جامعه تأثیر بگذارند. به طور کلی خط سیر موسیقی، می‌تواند جوامع را به سمت تمدن پیش برده و یا باعث از هم گسیختگی فرهنگی شود. موسیقی غنی، برخاسته از فرهنگی غنی بوده و به همان تناسب در بازگرداندن جوامع به ذات خویش، مؤثر واقع می‌شود. شاید یکی از بهترین نمونه‌های تأثیرپذیری جوامع از موسیقی را تفاوت فرهنگی میان نسل‌هایی بینم که به سبک‌های موسیقی متفاوتی گوش داده و گوش موسیقایی با پسند مختلفی دارند. به میزانی که محصولات فرهنگی در جوامع گسترش می‌یابند، مصرف فرهنگی نقش مهمتری در خلق هویت‌ها و همچنین اقتصاد فرهنگ ایفا می‌کنند.

۲-۴- موسیقی در ژورنالیسم

مهم‌ترین چیزی که وجود دارد، این است که هر مدیوم هنری یک رسانه دارد. یعنی سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی و... هرکدام به رسانه خاص خودشان نیازمند هستند تا بتوانند با مخاطب‌شان ارتباط برقرار کنند. به‌طور سنتی، روزنامه‌نگاران و منتقدانی که در مورد هنر می‌نویسند علاوه بر توانایی در روزنامه‌نگاری دارای یک پس زمینه در نوشتن از هنر؛ جدا از مطالعات کارشناسی در نقد ادبی، علوم انسانی، و تاریخ هنر هستند. متأسفانه آموزش رسمی و پیشرفته دیگر روزنامه‌نگاری در این زمینه وجود ندارد. به طور کلی، توسعه روزنامه‌نگاری موسیقی در سایر فضاهای ملی و نقش آن در تغییرات فرهنگی یک جامعه به ندرت مورد توجه قرار گرفته است.

۳- جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی

اخیراً، جامعه‌شناسان فرهنگ برای بررسی بیشتر ارتباط بین موقعیت اجتماعی و ترجیحاتی «سلیقه» فرهنگی، انتقاداتی را مطرح کرده‌اند. به دنبال کار بورديو (۱۹۸۴)، برخی از محققان نقد را تحلیل کرده‌اند تا آن معانی را مورد بررسی قرار دهند که از طریق آنها اشیاء به همان اندازه متفاوت هستند. در واقع، نقد راه‌های اجتماعی قابل قبولی را نشان می‌دهد که از طریق آن می‌توان «مرزهای نمادین» ترجیحات فرهنگی مشروع را ترسیم و توجیه کرد و اوقات اجتماعی موجود را بازتولید کرد (Lamont and Pachucki, Lamont and Molnár 2002). برخی از روزنامه‌نگاران اغلب ارزش زیبایی‌شناختی «موسیقی‌های آوانگارد» را به امکان تغییر اجتماعی مرتبط می‌دانند و بر این ایده تأکید می‌کنند که مردم نمی‌توانند بدون «تغییر فرهنگ» جامعه را تغییر دهند. مجالتی که سعی در تعریف مجدد مفهوم نقد فرهنگی و عملکردهای آن داشتند، از نظر زیبایی‌شناختی و سیاسی ارزشمند است. آنچه ما باید در نظر بگیریم، برعکس، فضاهای مختلف میانجی‌گری بین شیوه‌های روزنامه‌نگاران، موسیقی‌هایی است که آنها از طریق «جریان‌های» ارتباطات فراملی و یک فضای ملی-تاریخی معین با آن مواجه می‌شوند (Appadurai 1990).

۳-۱ ارتباطات فرهنگی در جامعه

ارتباط انسان‌ها سنگ بنای جامعه انسانی است و بدون آن هرگز فرهنگ به عنوان خصیصه جامعه انسانی پدید نمی‌آید. فرهنگ یک عامل بسیار مهم در ارتباطات است. از آنجایی که

ارتباطات یکی از اهرم‌ها و وسایل مؤثر در زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌رود، نقش ارتباطات را در جریان توسعه جوامع بشری نمی‌توان امری ساده تلقی کرد. آنچه در حال حاضر به صورت یک پدیده متحول در جوامع مختلف نمود عینی یافته و همه کنش‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده، پدیده‌ای است که باید آن را شکل تکامل یافته شبکه‌های ارتباطی بشر نخستین تا به امروز دانست. رشد و تکامل فعالیت‌های ارتباطی و وابستگی جوامع حاضر به نقش کلیدی آن برای ایجاد تحولات اساسی، چنان پرشتاب و عمیق بوده است که به حق بایستی آن را به مثابه انقلابی عظیم دانست و زمینه اصلی هرگونه دگرگونی اجتماعی و فرهنگی را در گسترش شبکه‌های ارتباطی دانست. ارتباطات روندی است که به تأثیر منتهی می‌شود، روند و فرایند انتقال پیام از منبع به مخاطب یا مخاطبان از یک کانال که با هدف تأثیرگذاری صورت می‌گیرد، موقعیت ارتباطات در گروه توجه به معنی، درک مشترک، فهم نمادها، ارتباطات کلامی و غیر کلامی و... است که نتیجه فرهنگ قلمداد می‌شود.

۳-۲- «جنبش‌های اجتماعی» در درون و در میان زمینه‌ها

یکی از این فضاها را می‌توان با مفهوم «میدان» که توسط پیر بوردیو (۱۹۹۳، ۱۹۹۶) ابداع شد، فراهم کرد. اگرچه نمی‌توان یک مرور کلی طاققت فرسا در مورد این مفهوم ارائه کرد، اما به روش‌هایی می‌توان اشاره کرد که می‌توان از آن برای مطالعه نقد در یک دیدگاه فراملی استفاده. به عقیده بوردیو، «زمینه تولید فرهنگی» زمانی پدید می‌آید که تولید فرهنگ توسط کنشگران (یا «مواضع») نهادی مختلف در رقابت بین یکدیگر انجام شود. چنین میدانی توسط اتحادها و مبارزات شکل می‌گیرد و استراتژی‌های هر بازیگر به تعریف اعمال، اشیاء و دانش ممکن کمک می‌کند (آنچه بوردیو «فضای ممکن‌ها» می‌نامد). در نتیجه، حوزه‌های فرهنگی «ساختارهای اجتماعی» هستند به این معنا که شرایط «عینی» را فراهم می‌کنند که تولید فرهنگی از آن بیرون می‌آید.

همچنین میدان به مفهومی که در آن قرار می‌گیرد یک ساختار است در نتیجه، مفهوم میدان امکان تحلیل «جنبش‌های اجتماعی» در حوزه‌های مختلف و بین آن‌ها را ممکن می‌سازد. به عنوان مثال، اتحاد یا مبارزه بین تولیدکنندگان فرهنگی و سایر نهادها یا بازیگران، مداخلات بازیگران خاص در حوزه‌های اجتماعی مختلف، روش‌هایی که موقعیت‌های مختلف رسانه‌ای و جریان‌های رسانه‌ای مشابه (مانند ژانرهای موسیقی مشابه) را واسطه می‌کنند، و روش‌های فرهنگی. تولیدکنندگان با ادعاهای مصرف‌کنندگان یا ادعاهای گروه‌های اجتماعی خاص درگیر

می‌شوند. برای نتیجه‌گیری، بعد فراملی نقد را می‌توان با در نظر گرفتن طیف وسیعی از فضاهای میانجی بین عملکرد روزنامه‌نگاران و بافت تاریخی ملی و جنبش‌های بین و درون حوزه‌های مختلف اجتماعی، به‌طور متمرث‌تری تحلیل کرد. در این پرتو، فضای ملی به‌عنوان واقعیتی پیچیده‌تر، ساختارمندتر و ساختارمندتر ظاهر می‌شود. در عین حال، عاملیت تولیدکنندگان فرهنگی را می‌توان در رابطه با مطالبات متنی متفاوت و حتی متناقض تحلیل کرد. مجلات و مطبوعات پرتیراژیا «محبوب» - تمایل دارند تفاوت‌هایی را بین طبقات اجتماعی ایجاد کنند، به طوری که منتقدان و مجلات مختلف برای گروه‌های اجتماعی مختلف صحبت می‌کنند.

۳-۳- خرده فرهنگ‌های اجتماعی

انسان موجودی فرهنگی است. فرهنگ مجموعه‌ای از خرده فرهنگ‌هاست که هر خرده فرهنگ بر بخشی از روش زیسته ما تأثیر می‌گذارد. سبک زندگی در نهایت چیزی نیست، جز مجموعه‌ی مصارف فرد یا گروه. این مصرف نیز در معنایی عام می‌تواند مصرفی فرهنگی تلقی شود. تلقی این مصرف در چارچوب فرهنگی و البته با در نظر گرفتن عام‌ترین معنای فرهنگ است: نوع غذا، لباس و آرایش، نوع رفت و آمدها و روابط اجتماعی، نوع سلايق هنری و گذران اوقات فراغت، نوع کار و مشارکت در تولید مادی جامعه و... برای مثال، ارزیابی‌های موسیقی به اصطلاح «عامه‌پسند» از نظر تاریخی از مفروضات کلیشه‌ای در مورد مردم پشتیبانی می‌کند که موسیقی، به‌عنوان «فرهنگ» به معنای مردم‌شناختی، قرار بود آن‌ها را بازنمایی کند. چنین فانتزی‌ها یا اسطوره‌های فرهنگی (Arthes: 1972) معمولاً در مورد تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ژانرهای مختلف موسیقی ساخته می‌شوند و متضمن فرضیاتی در مورد ماهیت گروه‌های اجتماعی خاص هستند. برای مثال، «سیاه‌پوستان» از نظر تاریخی به‌طور طبیعی مستعد ساخت موسیقی هستند و مصرف‌کنندگان «متعصب» یا اجباری موسیقی اغلب به‌عنوان زن معرفی می‌شوند (Thornton 1995). کلیشه‌های مشابهی نیز در مورد نهادهایی مانند صنعت موسیقی ساخته شده است که در تعدادی از روایت‌های اجتماعی به‌عنوان بهره‌کشی از موسیقی‌دانان و مخاطبان آنها در نظر گرفته شده است (Frith, 1981). این پرسش‌ها، که می‌توان آن‌ها را بازنمایی نامید، از جمله مواردی است که اخیراً علاقه محققان را به روزنامه‌نگاری موسیقی برانگیخته است. در واقع، به محققان اجازه می‌دهد تا معانی را مطالعه کنند که از طریق آنها کالاهای فرهنگی (و کاربران آنها) از نظر اجتماعی معنادار می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد موسیقی بخشی از ساختار فرهنگی جامعه است. روزنامه‌نگاری موسیقی در ذیل روزنامه‌نگاری فرهنگی به گردآوری، ارزیابی، نقدگری، ویرایش و نشر اخبار، گزارش‌ها، مقالات مرتبط و اطلاعات مهم روزمره و جاری برای روزنامه‌ها، مجلات، تلویزیون و یا رادیو که اغلب با مشورت و راهنمایی سردبیران و یا تهیه‌کنندگان انجام می‌شود می‌پردازد. می‌توان گفت عمده‌ترین ماهیت روزنامه‌نگاری موسیقی در ارزیابی و قضاوت درباره موسیقی و تحولات مرتبط با آن است این بُعد از ژورنالیسم بر نقادی ماهیت، اثرات و شیوه‌های موسیقایی به‌عنوان یک وجه از فعالیت‌های فکری - فرهنگی متمرکز می‌شود. روزنامه‌نگاری موسیقی رویه‌ای است که به ارزیابی و قضاوت درباره موسیقی و تحولات آن می‌پردازد. در این مقاله تلاش شد رابطه بین فرهنگ و تغییرات اجتماعی در یک جامعه در بستر کارکرد روزنامه‌نگاری موسیقی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

بررسی داده‌های حاصل از این رویکرد نشان می‌دهد که موسیقی به شرط رعایت حقوق مخاطب می‌تواند راهی برای درک وسیع از فرهنگ ارتباطی کشورها، مکان‌ها و فرهنگ‌ها باشد و این عناصر اجتماعی را به هم پیوند دهد. مضاعفاً اینکه موسیقی دست به تغییر مرزهای هنر و فرهنگ عامه می‌زند و در عین حال بسته به باز روایت ژورنالیسم محصور در آن قادر است ابزاری در جهت تحولات خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی شود. متأسفانه آموزش رسمی و پیشرفته دیگر روزنامه‌نگاری در این زمینه وجود ندارد. به طور کلی، توسعه روزنامه‌نگاری موسیقی در سایر فضاها ملی و نقش آن در تغییرات فرهنگی یک جامعه به ندرت مورد توجه قرار گرفته است.

سپاسگزاری

از تمام اساتید و بزرگانی که در راه کسب علم و دانش از اولین روز تحصیل تا به امروز بزرگوارانه دستگیر من بوده‌اند سپاسگزارم. از اساتید ارجمندی مانند دکتر عباس اسدی که در فراگیری دانش روزنامه‌نگاری تحقیقی بسیار از ایشان آموختم کمال تشکر و امتنان را دارم.

منابع

۱. آشوری، داریوش: *دانش‌نامهٔ سیاسی، ویرایش دوم، چاپ یازدهم*، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات مروارید. (شابک: ۲-۲۲-۶۰۲۶-۹۶۴).
۲. آشوری، داریوش: *فرهنگ علوم انسانی، ویراست دوم، چاپ یکم*، ۱۳۸۴، تهران، نشر مرکز. (شابک: ۴-۸۶۵-۳۰۵-۹۶۴).
۳. باطنی، محمدرضا: *فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی، ویراست دوم، چاپ نهم*، ۱۳۸۱، تهران، نشر فرهنگ معاصر. (شابک: ۹-۲۶-۵۵۴۵-۹۶۴).
۴. سیدصدر، ابوالقاسم: *دایرهٔ المعارف هنر*. تهران: انتشارات سیمای دانش.
۵. علیزاده، محمدامین: *نگرشی آسیب‌شناختی به موسیقی پاپ‌کردی در ایران*، مجله هنر موسیقی، ۲۱. تهران. ۱۹-۳۳: ۲۳۵)
۶. فاضلی، محمد: *جامعه‌شناسی مصرف موسیقی*. تهران: پژوهشگاه هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. احمدی، بابک: *موسیقی‌شناسی فرهنگ تحلیلی مفاهیم تهران*: نشر مرکز.
۸. شوکر، روی: *شناخت موسیقی مردم‌پسند*. ترجمه محسن الهامیان. تهران: مرکز چاپ و انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

References

1. Williams, R. (1976). *Keywords: A Vocabulary of Culture and Society*. London: Croom Helm.
2. Regev, M. (2007). "Cultural Uniqueness and Aesthetic Cosmopolitanism." *European Journal of Social Theory*, 10(1): 123-138.
3. Regev, M. (2007). "Cultural Uniqueness and Aesthetic Cosmopolitanism." *European Journal of Social Theory*, 10(1): 123-138.
4. Frith, S. (1981). *Sound Effects: Youth, Leisure and the Politics of Rock 'n' Roll*, Pantheon.
6. Lindberg, U., Guðmundsson, G., Michelsen, M., Weisethaunet, H. (2005). *Rock Criticism From*
7. Lindberg, U., Guðmundsson, G., Michelsen, M., Weisethaunet, H. (2005). *Rock Criticism From*

8. The Beginning: *Amusers, Bruisers & Cool-Headed Cruisers*. New York: Peter Lang.
9. Baumann, S., Johnston J. (2007). "Democracy versus Distinction: A Study of Omnivorousness in
10. Baumann, S., Johnston J. (2007). "*Democracy versus Distinction: A Study of Omnivorousness in*
11. Gourmet Food Writing", *American Journal of Sociology*, 113(1): 165-204.
12. Cheyne, A., Binder, A. (2010). "*Cosmopolitan Preferences: The Constitutive Role of Place in*
13. *American Elite Taste for Hip-Hop Music 1991-2005*", *Poetics*, 38: 336-364.
14. Lamont, M., Molnár V. (2002), "*The Study of Boundaries in the Social Sciences*", *Annual Review*
15. *of Sociology*, 28: 167-195.
16. Regev, M. (2007). "Cultural Uniqueness and Aesthetic Cosmopolitanism." *European Journal of*
17. *Social Theory*, 10(1): 123-138.
18. Appadurai, A. (1990). "*Disjuncture and Difference in the Global Cultural Economy*", *Public*
19. *Culture* 2(2): 1-24
20. Eide, Martin, and Graham Knight. 1999. "Public/Private Service: Service Journalism and *the Problems of Everyday Life*." *European Journal of Communication* 14 (4): 525-47. doi:10.1177/0267323199014004004.
21. Hellman, Heikki, and Maarit Jaakkola. 2011. "From Aesthetes to Reporters: *The Paradigm Shift in Arts Journalism in Finland*." *Journalism* 13 (6): 783-801. doi:10.1177/1464884911431382.
22. Hovden, Jan Fredrik, and Karl Knapskog. 2015. "Doubly Dominated: *Cultural Journalists in the Fields of Journalism and Culture*." *Journalism Practice* 9 (6): 791-810. doi:10.1080/17512786.2015.1052214.
23. Kristensen, Nete Nørgaard. 2010. "The Historical Transformation of Cultural Journalism" *Northern Lights: Film and Media Studies Yearbook* 8: 69-92. doi:10.1386/nl.8.69_1
24. Janssen, Susanne, Giseline Kuipers, and Marc Verboord. 2011. "Comparing Cultural Classification: *High and Popular Arts in European and US Elite Newspapers, 1955-2005*." *Kölner Zeitschrift für Soziologie und Sozialpsychologie* 63 (Special Issues 51): 139-68. hdl.handle.net/1765/41392.

25. Storey, J. 2003. *Inventing Popular Culture*. Oxford: Blackwell.
26. Nunes, P. 2004. *Popular Music and the Public Sphere: The Case of Portuguese Music Journalism*. PhD. University of Stirling. http://www.storre.stir.ac.uk/bitstream/1893/24/1/Nunes_Thesis_Complete.pdf
27. Shuker, R. 2001. *Understanding Popular Music (second edition)*. Abingdon, Oxon: Routledge.
28. Routledge.
29. La Mara (Lipsius, Marie), ed. Franz Liszt's Briefe. 8 vols. (Volume 1, Von Paris bis Rom, quoted.) Leipzig, 1893–1905. Translation by Constance Bache, Published by New York: Greenwood Press, 1969 (again 1995). ISBN: 0837111048
30. Walker, Alan. *Franz Liszt: The Weimar Years, 1848–1861*. Ithaca, New York: Cornell University Press, 1989, paperback (c) 1993. Pages 395–7. ISBN: 0801497213.
31. Kennedy, Michael & Bourne, Joyce. *The Concise Oxford Dictionary of Music. Fourth Edition*. Oxford University Press, 1996. ISBN: 0-19-280037-X.
32. Machlis, J. (1963). *Enjoyment of Music: An Introduction to Perspective Listening*. WW Norton



Alzahra Tabrizi University



Iranian Association of the Islamic Revolution of Iran



Iranian Political Sociology Association

Examining the relationship between the identity of young people and their orientation towards News topics on Telegram social media

Alireza Pourjafari¹ | Reza Taghipour²

1. Ph.D. Candidate, Department of Communications, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, center Branch, Tehran, Iran. (Responsible author) E-mail: cyberman113@gmail.com
2. Master of Communication Sciences, Social Sciences, Islamic Azad University, Sari Branch, Gilan, Iran. E-mail: rt0124.rt@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 5 June 2022
Received in revised form 24 June 2022
Accepted: 16 August 2022
Published online: 21 September 2022

Keywords:
media, identity, youth, Telegram social media, youth media identity, News topics

ABSTRACT

Objective: “The formation of identity happens in all societies, but in the late 20th century, the factors that shape identities increasingly go beyond local borders, so that in the present era, with the significant entry of young people into virtual space and social networks, these networks have many effects. have put on them One of the important aspects that are affected by virtual social networks is personal identity. For this reason, the present research has examined the relationship between the identity of young people and their orientation to topics in Telegram social media. The main question of the research is what role does the use of Telegram social networks have in their personal identity to choose topics in this media among the youth of Tehran?”

Methods: The research method is survey type. The statistical population of the research consists of all the youths of Tehran, of which 326 people were selected and examined in a multi-stage cluster method. **Results:** The findings of the research showed: Telegram social network users are more interested in social issues and they show less interest in economic issues in the Telegram social network environment. So that the results of multiple regression analysis, identity styles account for 50% of the variance of users' cultural themes, 71% of the variance of social themes, 64% of the variance of political themes, and 61% of the variance of economic themes.

Conclusions: Young users of the Telegram social network have been influential.

Cite this article: Pourjafari, Alireza., Taghipour, Reza, (2022). Examining the relationship between the identity of young people and their orientation towards News topics on Telegram social media .*News Science*, 11 (42), 33-70.



بررسی رابطه بین هویت جوانان با گرایش آنها به موضوعات خبری در رسانه

اجتماعی تلگرام

علیرضا پورجعفری^۱ | رضا تقی پور^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران. رایانامه: cyberman113@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، گیلان. رایانامه: rt0124.rt@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>شکل‌گیری هویت در همه جوامع اتفاق می‌افتد، اما در اواخر قرن بیستم، عواملی که هویت‌ها را شکل می‌دهند، به طور فزاینده‌ای از مرزهای محلی فراتر می‌روند به طوری که در عصر حاضر با ورود چشمگیر جوانان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی این شبکه‌ها تأثیرات فراوانی بر آنها گذاشته‌اند. یکی از جنبه‌های مهمی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر می‌پذیرد هویت شخصی است. به همین دلیل پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین هویت جوانان با گرایش آنها به موضوعات در رسانه اجتماعی تلگرام پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش این است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلگرام چه نقشی در هویت شخصی آنها برای انتخاب موضوعات در این رسانه در میان جوانان شهر تهران دارد؟ روش پژوهش از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی جوانان شهر تهران تشکیل می‌دهد که از بین آنها تعداد ۳۲۶ نفر به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و بررسی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد: کاربران شبکه اجتماعی تلگرام بیشتر به موضوعاتی می‌پردازند که حول محور مسائل اجتماعی باشد و همچنین آنان در محیط شبکه اجتماعی تلگرام به موضوعات اقتصادی علاقه پایین‌تری نشان می‌دهند. به طوری که نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه، سبک‌های هویتی به مقدار ۵۰ درصد از واریانس مضامین فرهنگی کاربران، به مقدار ۷۱ درصد از واریانس مضامین اجتماعی، به مقدار ۶۴ درصد از واریانس مضامین سیاسی، به مقدار ۶۱ درصد از واریانس مضامین اقتصادی کاربران جوان شبکه اجتماعی تلگرام را تأثیر پذیر بوده است.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۴/۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: رسانه، هویت، جوانان، رسانه اجتماعی تلگرام، هویت رسانه‌ای جوانان، موضوعات خبری</p>

استناد: پورجعفری، علیرضا؛ تقی پور، رضا (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین هویت جوانان با گرایش آنها به موضوعات خبری در رسانه اجتماعی تلگرام. علوم خبری، ۱۱ (۴۲)، ۷۰-۳۳.

مقدمه

هویت اجتماعی مبتنی بر این واقعیت است که افراد نیاز اجتماعی به تعلق دارند (باومیستر و لیری، ۱۹۹۵) و هویت آنها با عضویت در گروه تعیین می‌شود (تاجفل و ترنر، ۱۹۷۹). مردم تمایل دارند با دیگران همذات‌پنداری کنند و به صورت آنلاین نیز گروه تشکیل دهند. (چونگ، چيو، و لی، ۲۰۱۱؛ گابیدینی، ماری، ولپاتو، و مونسسی، ۲۰۱۴؛ گریو، هند، ویتوین، تولان، و مارینگتون، ۲۰۱۳). این گروه‌ها اغلب با دیگران هم‌فکر تشکیل می‌شوند (مک فرسون، اسمیت-لویین و کوک، ۲۰۰۱). در رسانه‌های اجتماعی و اینترنت، یافتن افرادی که عقاید و نظرات یکسانی دارند بسیار آسان است. (رادین و گفن، ۲۰۰۴). در نهایت، این اطلاعات کاربران را در معرض اطلاعات هم‌فکر قرار می‌دهد (باکشی، مسینگ، و آدامیک، ۲۰۱۵) که احتمالاً مغرضانه است (فلکسمن، گوئل و راثو، ۲۰۱۶). تئوری هویت رسانه‌های اجتماعی این عناصر روانشناختی اجتماعی را در همان مدل ادغام می‌کند تا رفتار آنلاین را بهتر درک کند (کاکینن و همکاران، ۲۰۲۰؛ کیپی و همکاران، ۲۰۱۷).

مانند فرآیند هویت اجتماعی به طور کلی (تاجفل و ترنر، ۱۹۷۹؛ ویگنولز، ۲۰۱۱)، حساب‌های هویت رسانه‌های اجتماعی شامل انگیزه‌های روانی اجتماعی مختلفی مانند جستجو برای عزت نفس، تعلق اجتماعی، و کاهش عدم اطمینان است. در نهایت، این تمایل به این معناست که فعالیت‌های اصلی افراد در زندگی آنلاین است. (راسان، اوکسان و کوولا، ۲۰۱۹) برای مثال نشان دادند که فعالیت سیاسی آنلاین به طور مثبتی با دخالت در حساب‌های هویت آنلاین مرتبط است. کسانی که در حساب‌های هویت رسانه‌های اجتماعی هستند نیز در به اشتراک‌گذاری محتوا و تصاویر خود در رسانه‌های اجتماعی فعال‌تر هستند و به احتمال زیاد کاربران اینترنت اجباری هستند. (کاکینن و همکاران، ۲۰۲۰) فعالیت آنلاین بالا همچنین آنها را به‌طور بالقوه آسیب‌پذیرتر می‌کند. مطالعات قبلی در مورد قربانی شدن آنلاین در واقع نشان می‌دهد که کاربران بسیار فعال بیشتر احتمال دارد به صورت آنلاین قربانی شوند. کاکینن، کیپی، و اوکسان و دیگران، ۲۰۱۷).

در ایران نیز صاحب‌نظران و محققان مسائل فرهنگی و اجتماعی عموماً بر این رأی متفق‌اند که هویت انسان ایرانی آمیزه‌ای است از میراث فرهنگی سرزمین ایران به عنوان یک واحد سیاسی دارای تمدن، تاریخی دین اسلام هویت‌های قومی ناشی از تنوع ساختار اجتماعی و قبایلی ایران و همچنین فرهنگ غربی (سروش ۱۳۷۷؛ رجایی ۱۳۸۲؛ اسلامی ندوشن ۱۳۷۶؛

داوری اردکانی، ۱۳۸۳، بشیریه ۱۳۸۱؛ سروش ۱۳۸۰ و فکوهی (۱۳۸۱). جداسازی این مؤلفه‌های بنیادین هویت ایرانیان ناممکن می‌نماید در هر حال این ابعاد در هویت و زندگی ما ایرانیان دخالت حضور و نفوذ داشته و دارد اما مسأله اصلی تعیین سهم و میزان و جایگاه هر کدام در کلیت هویت ایرانی است؛ با در نظر گرفتن این پیش فرض هویت ایرانی مرکب از چهار بعد هویت ملی مذهبی، قومی و مدرن است (حاجیانی، ۱۳۸۷). (به نقل از فولادیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۰)

اما واقعیت این است که حضور جوانان ایرانی در دنیای مجازی تنها به چت کردن و تعاملات مجازی محدود نمی‌شود. در واقع اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث به وجود آمدن فضای عمومی جدیدی شده‌اند که در آن جوانان نیز مانند اقشار دیگر جامعه امکان بحث در مورد مسائل مختلف را با افراد گوناگون می‌یابند و این امر به نوبه خود باعث به وجود آمدن تغییراتی در سبک زندگی و هویت آنان می‌شود. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی برای جوانان به مثابه امکانی برای توسعه حوزه عمل آنان است. از این رو فضای مجازی تجربه جدیدی به جوانان ارائه می‌دهد و به این ترتیب، درک شناخت و مطالعه خود در فضای مجازی امکانی برای درک درست دنیای جوانان و چگونگی استفاده آنان از رسانه‌های نوین و تأثیرپذیری از این رسانه‌هاست. از آنجا که نتایج فردی و اجتماعی گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی در بین جوانان ایرانی موضوعی است که با وجود اهمیت آن چندان مورد بررسی پژوهشگران علوم انسانی به ویژه علوم ارتباطات قرار نگرفته است؛ پژوهش حاضر در نظر دارد به رابطه بین هویت جوانان با گرایش آنها به موضوعات در رسانه اجتماعی تلگرام بپردازد. رسانه اجتماعی تلگرام نیز با توجه به این که بیشترین تعداد کاربران را در میان شبکه‌های اجتماعی دارد برای بررسی انتخاب شده‌اند. بنابراین هدف، تحقیق دستیابی به پاسخ مناسب برای این پرسش اصلی است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلگرام چه نقشی در هویت شخصی و انتخاب موضوعات رسانه‌ای جوانان شهر تهران دارد؟ بدین ترتیب سوالات تحقیق عبارتند از:

سؤال اصلی: چه رابطه‌ای بین مضامین فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟.

سوالات فرعی:

- ۱- چه رابطه‌ای بین مضامین فرهنگی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟
- ۲- چه رابطه‌ای بین مضامین اجتماعی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟
- ۳- چه رابطه‌ای بین مضامین سیاسی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟
- ۴- چه رابطه‌ای بین مضامین اقتصادی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۱. مطالعات داخلی

بوربور، تاجیک اسماعیلی (۱۴۰۰) با تحلیل وضعیت هویت اجتماعی زنان شهر تهران بر اساس استفاده از رسانه‌های اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای، اظهار می‌دارند: این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی علی است که با تکنیک پیمایش و ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری، شامل کلیه زنان ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۹، و نمونه آماری بر اساس جدول مورگان ۳۰۰ نفر است. برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه محقق ساخته مربوط به میزان و نوع استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پرسش‌نامه استاندارد هویت اجتماعی (صفاری نیا و روشن، ۱۳۹۰) استفاده شده است. یافته‌های حاصل از آزمون، فرضیه اصلی پژوهش را، مبنی بر "میزان و نوع استفاده از رسانه‌های اجتماعی و تحصیلات در هویت اجتماعی زنان شهر تهران نقش دارد" تأیید کرد. نتایج پژوهش، نشان داد که زنان شهر تهران، با میانگین ۷۷/۳٪ از نظر "هویت اجتماعی" در سطحی بالاتر از حد متوسط قرار دارند. در مورد میزان و نوع استفاده زنان از رسانه‌های اجتماعی، یافته‌ها بیانگر این است که ۱۰/۹٪ درصد از زنان کمتر از یک ساعت در شبانه روز و حدود ۹۰٪ درصد آنها، بیش از یک ساعت از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. همچنین ۹۰٪ درصد زنان مورد مطالعه از تلگرام استفاده می‌کنند، که فقط حدود ۵٪ درصد آنها سابقه حضور کمتر از یک سال داشته‌اند. از نظر سابقه حضور زنان مورد

مطالعه در اینستاگرام نیز، یافته‌ها نشان داد، ۸۴/۵ درصد زنان مورد مطالعه از اینستاگرام استفاده می‌کنند، و ۱۵/۵ درصد زنان عضو اینستاگرام نبوده‌اند. نتایج پژوهش همچنین، بیانگر این است که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، در تبیین هویت اجتماعی زنان، حدود ۳ درصد نقش داشته و تحصیلات نیز، ۲ درصد دیگر به تبیین هویت اجتماعی اضافه کرده، در کل ۵ درصد از هویت اجتماعی آنها را نشان می‌دهد.

فولادیان، رضایی بحرآباد، سوهانیان حقیقی (۱۳۹۹) با بررسی تحولات هویت جوانان ایرانی (۱۳۹۴-۱۳۵۳) می‌نویسند: با توجه به اتخاذ پیش فرض ترکیبی بودن هویت، سوالات اصلی این تحقیق این است که عناصر سازنده این ترکیب در قشر جوان جامعه ایرانی کدام‌اند. تحولات هر کدام از این عناصر در طول چند دهه اخیر چگونه بوده است و چه فراز و فرودی را داشته است. مناسبات میان اجزا سازنده هویت جمعی جوانان ایرانی چگونه است. این ترکیب چه نوع ترکیبی است و نحوه آرایش، هم نشینی، داد و ستد و تعامل میان این عناصر به چه ترتیبی است؛ روش تحقیق این پژوهش مطالعه طولی و ملی است که بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های کمی متغیرهای مورد مطالعه در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۵۳ انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، هویت مذهبی با میانگین ۸۳/۱۱ در مقیاس ۱۰۰ غالب‌ترین نوع هویت در این سال‌ها در جامعه جوانان ایرانی بوده است. پس از آن هویت ملی با میانگین ۸۰/۲۹ بیشترین گسترش را در میان جوانان دارد. هویت قومی با ۵۳/۴۶ و همچنین هویت مدرن با ۵۲/۰۳ در رده‌های بعدی قرار دارند. برحسب آزمون‌های همبستگی و براساس نمودار هم تغییر به طور کلی می‌توان استنباط کرد بین هویت ملی و هویت قومی در میان جوانان در سال ۸۶ رابطه وجود دارد. ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد متوسط است. همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن بین هویت ملی و هویت مذهبی در میان جوانان در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۴، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۸ نشان از وجود رابطه بین این دو هویت است. ضریب همبستگی این دو متغیر مستقیم و معنادار در حد متوسط است.

فرامرزیانی، جعفری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان: نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر هویت شخصی مدرن در میان جوانان شهر اردبیل، می‌نویسند: در عصر حاضر با ورود چشمگیر جوانان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، این شبکه‌ها تأثیرات فراوانی بر آنها گذاشته‌اند. یکی از جنبه‌های مهمی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر می‌پذیرد، هویت شخصی است. به همین دلیل پژوهش حاضر به بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه (فیس بوک و تلگرام) با شکل‌گیری هویت شخصی مدرن، در میان جوانان شهر اردبیل،

پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش این است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی فیس بوک و تلگرام چه نقشی در هویت شخصی مدرن در میان جوانان شهر اردبیل دارد؟ روش پژوهش از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی جوانان شهر اردبیل تشکیل می‌دهد که از بین آنها تعداد ۳۸۰ نفر به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و بررسی شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی و مؤلفه‌های هویت شخصی مدرن (توسعه فردی، توسعه نظام ارتباطات بین فردی، توسعه انتخاب‌ها و تغییر در نظام ارزشی و ترجیحی فرد، تغییر در پیوندها، دلبستگی‌های فردی و حوزه خصوصی زندگی و دسترسی فوری یا فرهنگ فوری) همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. بیشترین همبستگی مربوط به توسعه فردی و کمترین همبستگی نیز مربوط به توسعه ارتباطات بین فردی است. نتایج پژوهش نشان داد که گسترش استفاده از شبکه‌های مبتنی بر تلفن همراه به فردیت و فردی شدن می‌انجامد.

کنعانی، موسوی دیزکوهی، بیگ زاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «رسانه به مثابه ابژه نسلی: بررسی نقش مصرف رسانه بر هویت نسلی» اظهار داشتند: ابژه نسلی پدیده‌ای مرتبط با نظام معرفتی نسل هاست که در اثر تغییرات سریع و برخورد تازه با پدیده‌های نوظهور از نسلی به نسل دیگر تفاوت پیدا می‌کند. هدف پژوهش حاضر، تبیین تفاوت نسل‌ها بر اثر مصرف رسانه‌هایی است که برای هر نسل حکم ابژه نسلی را پیدا کرده‌اند. بدین منظور با استفاده از نظریه‌های مانهایم و بالس و نظریه استفاده و خشنودی و اثرات جابه‌جایی و مکمل رسانه، این موضوع بررسی شد که آیا بین نسل‌ها به لحاظ مصرف انواع رسانه تفاوت وجود دارد یا خیر. روش پژوهش، پیمایشی و بر پایه پرسش‌نامه محقق ساخته انجام شده است. جامعه آماری همه شهروندان ۱۸ ساله و بالاتر شهر رشت بودند. روش نمونه‌گیری از نوع طبقه‌بندی بود و ۴۰۰ نفر برای حجم نمونه انتخاب شدند. یافته‌ها نشان دادند بین ابژه‌های رسانه‌ای نسل‌ها تفاوت معنادار وجود دارد و می‌توان تقسیم‌بندی نسل‌ها را براساس رسانه مورد علاقه هر نسل در نظام معرفتی آنها شناسایی کرد؛ زیرا هر نسل در انتخاب نوع رسانه خاص خود درگیر تجربه مشترک تاریخی است و به صورت انتخابی و فعال عمل می‌کند.

اشرفی، محسنی و شیرینی (۱۳۹۸) با بررسی جامعه شناختی تأثیرات کارکردی نظام اجتماعی بر هویت اجتماعی جوانان (نمونه مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه تهران) می‌افزایند: مسئله اصلی پژوهش که در نمونه ۴۴۵ نفری انتخاب شده با روش احتمالی طبقه‌ای از دانشجویان دانشگاه تهران بررسی شده است، این بود که آیا ضعف کارکردی نظام اجتماعی در جامعه، بر میزان پایین شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان دانشجو اثرگذار بوده است؟ روش پژوهش، پیمایشی و کمی بود که علاوه بر استفاده از روش اعتبار سازه‌ای (تحلیل عامل و پیش‌آزمون) از روش‌های کیفی اعتبار محتوایی و مصاحبه به همراه پرسش‌نامه نیز بهره برده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته تبلت-محور با روایی و پایایی تأییدشده با آلفای کرونباخ بوده و داده‌ها با آزمون‌های تی تک نمونه‌ای و فریدمن تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌ها: میزان پایین شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان دانشجو نسبت به نظام اجتماعی، در اثر ضعف تأثیرات کارکردی نظام اجتماعی در برساخت هویت اجتماعی بوده است. نتیجه‌گیری نتیجه پژوهش، منجر به ارائه مدل کاربردی شکل‌گیری هویت اجتماعی تحت تأثیرات کارکردی نظام اجتماعی به همراه شاخص‌های سنجش و آزمون میدانی آن و تأیید فرضیه اصلی شد.

آهنگری، ساروخانی، سلطانی‌فر (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان: شناسایی گونه‌های هویت اجتماعی و نقش رسانه‌های نوین (اینترنت) بر این هویت‌ها (مطالعه موردی: جوانان شهر تهران) می‌نویسند: برای تحقق این هدف، از روش ترکیبی کمی-کیفی استفاده شد و بر روی جوانان ۱۸-۳۰ سال ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۷ تمرکز گردید. در واقع، ابتدا برای شناسایی گونه‌های هویتی در بین جوانان تهرانی، از روش کیفی اکتشافی استفاده شد و با نمونه‌گیری نظری، ۴۲ نفر انتخاب و پرسش‌نامه هویتی «من کیستم» به آنان داده شد. بعد از کدگذاری باز، محوری و گزینشی، در نهایت ۶ گونه هویتی از جمله هویت ملی، هویت قومی، هویت ارتباطی، هویت عقیدتی، هویت دینی و هویت مدرن شناسایی گردید. در واقع، بعد از شناسایی این گونه‌های هویتی، روش کمی پیمایشی در جهت تأثیر اینترنت بر آنها به کار گرفته شد و با استفاده از فرمول کوکران، ۵۲۴ جوان تهرانی ۱۸-۳۰ سال انتخاب و بر مبنای نمونه‌گیری خوشه‌ای پرسش‌نامه استاندارد در بین آنان توزیع گردید. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل بر مبنای spss و lisrel صورت گرفت. یافته‌ها بیانگر آن است که تنها ۱۲ درصد از جوانان یا به طور کامل از اینترنت استفاده نمی‌کنند و یا اگر استفاده می‌کنند، کمتر از یک ساعت در شبانه روز می‌باشد. تنها ۱۶ درصد در وبلاگ‌ها سایت‌های اینترنتی جستجو می‌کنند، در حالی

که ۸۳ درصد در تلگرام عضویت دارند. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که میزان مصرف اینترنت، تأثیر معناداری بر هویت ملی، قومی، مدرن و هویت ارتباطی داشته، ولی میزان مصرف اینترنت بر هویت دینی و هویت عقیدتی تأثیری نداشته است.

نواح، رشیدی، رستمی (۱۳۹۸) با بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر اهواز) اظهار داشتند: تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال در شهر اهواز انجام گرفته است. در این پژوهش از نظریات استوارت هال، امانوئل کاستلز، پیتز برگر، آنتونی گیدنز و جنکیز استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه جوانان شهر اهواز، بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ می‌باشند که تعداد ۳۸۴ نفر از آنان به عنوان نمونه، پس از محاسبه با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. روش به کار گرفته شده در این پژوهش، پیمایشی و گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته انجام گرفته است. یافته‌های این پژوهش بر اساس داده‌های حاصل از نتایج آزمون‌های همبستگی، نشان می‌دهد که میان متغیرهای مستقل میزان حضور در فضای مجازی، انگیزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با متغیرهای وابسته هویت اجتماعی، هویت ملی و هویت دینی جوانان ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که متغیر سن با متغیر هویت اجتماعی دارای ارتباط معنادار و با متغیر هویت دینی و هویت ملی ارتباط معناداری ندارد و میان متغیر میزان استفاده از شبکه اجتماعی مجازی با متغیر وابسته هویت دینی ارتباط معکوس و منفی برقرار است. نتایج رگرسیونی نشان می‌دهد که این متغیرها در مجموع ۰/۲۳ درصد از تغییرات مربوط به متغیر هویت اجتماعی، ۰/۱۵ درصد مربوط به هویت ملی و ۰/۱۰ درصد از تغییرات مربوط به هویت دینی را تبیین می‌کنند.

بهار، و بیژنی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: رسانه‌های اجتماعی و هویت جهانی، مطالعه پلتفرم اینستاگرام، می‌نویسند: عاملیت نه به صورت صرف در دست آدمیان بلکه به صورت شبکه‌ای بین آدمیان و غیر آدمیان ظهور پیدا می‌کند. فلسفه تکنولوژی و به تبع فلسفه رسانه‌ها در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است؛ تمرکز این مقاله بر روی عاملیت پلتفرم

اینستاگرام است. این که چگونه این پلتفرم دارای کنش‌مندی می‌شود که هویت جهانی را به وجود می‌آورد. چهار میانجی‌گر تکنیکی برونو لاتور شامل: ("ترجمه"، "ترکیب"، "نهان‌سازی بازگشت پذیر" و "واگذاری دستورالعمل‌ها") است؛ که می‌توانند ابزاری باشند برای فهم ماهیت و هستی‌شناسی پلتفرم اینستاگرام و با این چهار میانجی‌گر، توصیف، تحلیل و تبیینی از آن ارائه داد. اساس و ماهیت پلتفرم اینستاگرام، "انسان" و به صورت خاص، "فردگرایی" است. که نزدیک‌ترین پارادایم فکری به آن لیبرالیسم است. در نتیجه این تحقیق با توجه به شاخص‌هایی که از اینستاگرام، از طریق میانجی‌گری تکنیکی لاتور به دست می‌آید؛ "هویت جهانی" در بستر پلتفرم اینستاگرام محقق می‌شود.

مقصودی، صبوری، هاشم‌زاده (۲۰۲۰) با تبیین تأثیرات فضای مجازی بر هویت اجتماعی جوانان شهر تهران، می‌افزایند: این پژوهش به منظور تبیین تغییرات هویت اجتماعی جوانان از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی است. این پژوهش در چارچوب نظری نظریه تزکیه، نظریه گیدنز و نظریه جامعه شبکه کاستلز انجام شده است. داده‌ها از طریق نظرسنجی از ۳۸۴ جوان ۱۸ تا ۳۵ ساله با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. نمونه‌گیری با استفاده از فرمول کوکران و روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. نتایج تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نشان داد که شبکه‌های اجتماعی مجازی ۱۵/۵ درصد از تغییرات هویت اجتماعی جوانان را پیش‌بینی می‌کنند. از سوی دیگر، علیرغم گسترش در بین کاربران، استفاده از شبکه‌های اجتماعی توئیتر و فیس‌بوک، متغیر هویت اجتماعی را توضیح نمی‌دهد. استفاده از یوتیوب با مقدار ۲۹۵/۰ بیشترین میزان توضیحی را داشت که شامل رابطه مستقیم و غیرمستقیم بود. دومین شبکه اجتماعی تأثیرگذار در تبیین این متغیر سروش بود که برخلاف توئیتر در تبیین هویت اجتماعی جوانان تأثیر معکوس داشت.

۲. مطالعات خارجی

اوکسان و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «قربانی آزار سایبری در محل کار: رویکرد حباب هویت رسانه‌های اجتماعی» می‌نویسند: زورگویی سایبری در محل کار اشکال مختلفی دارد، از رفتارهای تهاجمی و تهدیدآمیز گرفته تا طرد اجتماعی. همچنین می‌تواند عواقب نامطلوبی بر رفاه عمومی داشته باشد که ممکن است برای افرادی که هویت آنها به طور مرکزی مبتنی بر ارتباطات رسانه‌های اجتماعی است، شدیدتر باشد. ما این نوع استفاده از رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر هویت را از طریق مفهوم حباب‌های هویت رسانه‌های اجتماعی بررسی

کردیم. ابتدا عوامل خطر و محافظتی مرتبط با قربانی شدن آزار اینترنتی در محل کار را تجزیه و تحلیل کردیم و سپس اثرات آن را بر رفاه مورد بررسی قرار دادیم. ما انتظار داشتیم که کارگرانی که به شدت درگیر حساب‌های هویت رسانه‌های اجتماعی، در بدترین موقعیت زمانی که با آزار و اذیت سایبری مواجه می‌شوند، باشند. داده‌ها شامل نمونه‌ای از کارگران از پنج سازمان متخصص فنلاند ($N = 563$) و نمونه نماینده کارگران فنلاندی ($N = 1817$) است. ما آزار و اذیت اینترنتی در محل کار را با ۱۰ سؤال اقتباس شده از پرسشنامه رفتار آزار سایبری بررسی کردیم. سایر معیارها شامل مقیاس‌هایی برای استفاده از رسانه‌های اجتماعی خصوصی و حرفه‌ای، حساب‌های هویت رسانه‌های اجتماعی (مقیاس تقویت حساب هویت شش ماده‌ای)، رفاه در محل کار، عوامل اجتماعی جمعیت‌شناختی، و اطلاعات مربوط به شغل بود. نتایج نشان داد: شیوع ماهانه قربانی آزار سایبری در محل کار ۱۳ درصد در سازمان‌های خبره و ۱۷ درصد در جمعیت شاغل فنلاند بود. قربانیان جوان و کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی حرفه‌ای و به شدت درگیر حساب‌های هویت رسانه‌های اجتماعی بودند. قربانیانی در حساب‌های هویت رسانه‌های اجتماعی: ناراحتی روانی، خستگی و استرس فنی بیشتری را نسبت به سایر قربانیان را گزارش کردند. آزار و اذیت سایبری در محل کار یک پدیده شایع است و پیامدهای منفی بر رفاه در کار دارد. پیامدهای منفی در میان افرادی که از رسانه‌های اجتماعی به شدت هویت محور استفاده می‌کنند، شدیدتر است.

کاکین و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «هویت مشترک و اطلاعات مشترک در رسانه‌های اجتماعی: توسعه و اعتبار سنجی مقیاس تقویت حساب هویت» می‌نویسند: رسانه‌های اجتماعی شکل‌گیری حساب‌های هویتی را تسهیل می‌کنند که هویت‌های مشترک، اجتماعی و تکیه بر اطلاعات به اشتراک گذاشته شده در حساب‌ها را تقویت می‌کنند. در حال حاضر، محققان به اقدامات روانشناختی اجتماعی بیشتری برای ارزیابی نحوه درک افراد از روابط خود با شبکه‌های آنلاین و اطلاعات به اشتراک گذاشته شده در رسانه‌های اجتماعی نیاز دارند. این مقاله توسعه و اعتبار سنجی فنلاندی و انگلیسی مقیاس تقویت حساب هویت را گزارش می‌کند که از خرده‌مقیاس‌های شناسایی اجتماعی و سوگیری اطلاعاتی تشکیل شده است. مطالعات ۱ و ۲ ($N = 1200$ ، $N = 160$ ؛ سن (۱۵ تا ۲۵ سال) معیار ۶ موردی

(IBRS-6) را در فنلاند تأیید کرد و مطالعه ۳، نتایج را با ۶ مورد و ۹ مورد «مقیاس تقویت حباب هویت» تکرار کرد. اقدامات در ایالات متحده ($N = 501$ ، سن ۱۸-۲۵ سال). در هر ۳ مطالعه و ۲ کشور، «مقیاس تقویت حباب هویت» اعتبار سازه خوبی را نشان داد و با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و معیارهای رفتار گروهی «مقیاس تقویت حباب هویت» همبستگی مثبت داشت. بنابراین نتایج نشان داد: مقیاس تقویت حباب هویت، یک معیار قابل اجرا برای رفتار گروه رسانه‌های اجتماعی است و خرده مقیاس‌های آن نیز می‌تواند به طور جداگانه مورد استفاده قرار گیرد.

مفاهیم

هویت

هویت به لحاظ معنوی از ریشه لاتین (ایدم) به معنای شباهت و پیوستگی گرفته شده است (مارشال، ۲۰۰۸: ۲۹). ساروخانی در دایرة المعارف علوم اجتماعی از زبان گافمن هویت را چنین تعریف نموده است «کوشش» فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن است در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش می‌باشد. در این صورت فرد بین من در «شرایط موجود» و «من» «واقعی قرار می‌گیرد در حالی که من در شرایط موجود به پایگاه اجتماعی و نقش‌های محول فرد اشاره دارد. من واقعی به توانایی‌های او بیرون از شرایطی که در آن جای یافته است، بر می‌گردد. (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۸۳). هویت جمعی معرف احساس تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی یا واحدهای جمعی نظیر خانواده طبقه اجتماعی، قوم، ملت و احساس تعهد و وفاداری در برابر آنهاست این نوع هویت که معمولاً با ضمیر جمع ما بیان میشود رابطه فرد را با گروه‌های اجتماعی تنظیم میکند؛ ما کیستیم و دیگران کسبند. (عبداللهی و حسین بر، ۱۳۸۱: ۱۰۷). از طرفی مفهوم هویت ابتدا در روانشناسی توسعه یافت و سپس در جامعه‌شناسی نیز مطرح شد. از نقطه نظر روان شناختی هویت به معنای خود و تکوین تفاوت‌های شخصیتی کودک با والدین و اطرافیان مربوط می‌شود از این دیدگاه شناخت جایگاه کودک در جامعه به تدریج و در تقابل با دیگران تکوین می‌یابد. (گیدنز، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر در این بعد بیشتر بر تمایزات شخصی تاووم شخصی و استقلال شخصی تأکید می‌شود در مقابل مفاهیمی که در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی بکار گرفته میشوند معنای هویت را شکل یافته از دیالکتیک بین فرد و جامعه می‌دانند. (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵) اساساً رویکرد تعامل اجتماعی به هویت

رویکردی مبتنی بر رابطه است. تجربه هر فردی از هویت به زندگی تاریخی - اجتماعی وی پیوند خورده است. هویت دارای اساسی اجتماعی بوده و در تعاملات اجتماعی به طور مداوم در حال بازسازی خویش است «هویت چیزی است که بر سر آن کشاکش در میگیرد و به واسطه آن ترفندها پیش برده می‌شود... دستاوردی عملی و ... یک فرایند است» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴). بنابراین هویت به عنوان مفهومی نسبی اکتسابی و تاریخی ترکیبی از تجربیات فردی مرتبط با عوامل متعددی همچون ریشه‌های تاریخی محیط جغرافیایی نظام‌های سیاسی و آموزشی، مصرف اقتصادی فهم، مذهبی، عقاید و اعمال است. (به نقل از فولادیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۶)

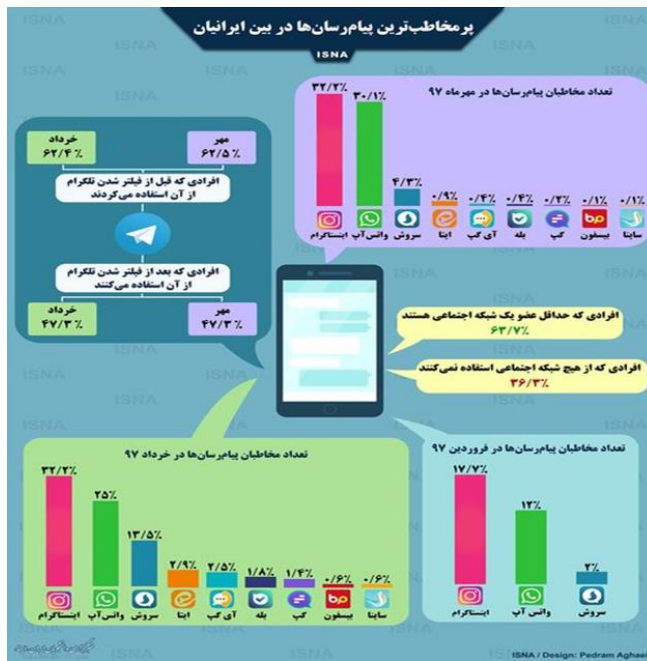
هویت اجتماعی

همه هویت‌ها به نوعی هویت اجتماعی محسوب می‌شوند. (جنکینز، ۱۳۸۱)، چراکه هیچ هویتی جدا از سپهر اجتماعی معنی ندارد و شکل‌گیری هویت در فرایندهای اجتماعی شدن ریشه دارد. با مروری بر پژوهش‌های ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که مصرف رسانه بر هویت یابی نسل‌ها و الگوهای رفتاری هر نسل تأثیر گذاشته است؛ اما این تأثیر بر هر نسل به گونه‌ای متفاوت بوده است. بنابراین بحث رسانه به منزله ابژه نسلی دارای نقش بسزا در نگرش نسل‌ها تاکنون کمتر بررسی شده است. با استناد به اینکه بیشتر پژوهش‌ها در زمینه نسل و رسانه بحث ابژه نسلی را نادیده گرفته‌اند و بیشتر میزان تأثیر گذاری رسانه‌ها بر روابط نسلی را بررسی کرده‌اند، هیچ کدام از پژوهش‌ها بحث ابژه (فاعل) بودن رسانه بین نسل‌ها را به صورت تجربی و عملیاتی مطرح نکرده‌اند. پژوهش‌های اندکی به صورت نظری و اسنادی انجام شده‌اند که به مطالعه حاضر در این زمینه عمق بیشتری میبخشند؛ از جمله مقالات جعفرزاده پور (۱۳۹۶) وستلند و فاردی (۲۰۱۲)، بولین (۲۰۱۴) و ناپولی (۲۰۱۴). (به نقل از کنعانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۰)

شبکه اجتماعی تلگرام

آمارها در چندین مورد اخیر تاکنون نشان داده رسانه تلگرام در صدر پر مخاطب‌ترین رسانه اجتماعی در بین ایرانیان است و بعد از آن به ترتیب رسانه‌های اجتماعی واتساپ و اینستاگرام سپس پیام‌رسان‌های داخلی قرار دارند.

در ادامه اینفوگرافی آماری: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) را در رابطه با پر مخاطب‌ترین رسانه اجتماعی در ایران را مشاهده می‌کنید:



شکل (۱): پر مخاطب‌ترین رسانه اجتماعی در ایران - منبع: ایسپا، ۱۴۰۰

تأثیرات شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی مجازی تنها ابزارهای تکنولوژیکی جدیدی نیستند که امکانات جالب‌توجهی را در اختیار کاربران اینترنتی قرار داده باشند. شبکه‌های اجتماعی را فراتر از گونه‌ای وب‌سایت می‌توان به‌عنوان رسانه‌های جدیدی در نظر گرفت که در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تغییراتی ایجاد کرده‌اند. چالش‌هایی که شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر با آن‌ها مواجه بوده‌اند، حوزه‌هایی فراتر از فضای مجازی را تحت تأثیر قرار داده است.

شبکه‌های اجتماعی از سویی به‌عنوان یکی از گونه‌های رسانه‌های اجتماعی امکانات تعاملی قابل توجهی برای کاربران اینترنتی فراهم کرده‌اند و در افزایش مشارکت شهروندان در برخی فرآیندها مؤثر بوده‌اند (فرامرزیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۲۳).

از سویی این شبکه‌ها با آسیب‌های گسترده‌ای در حوزه‌هایی از قبیل حریم خصوصی، کپی‌رایت، اعتیاد مجازی، دزدی اطلاعات و هویت و مواردی این‌چنینی مواجه بوده‌اند. چالش حریم خصوصی از مهم‌ترین مباحثی است که همواره درباره‌ی شبکه‌های اجتماعی مطرح بوده است. کاربران اینترنتی در این شبکه‌ها بخشی از اطلاعات شخصی خود را در اینترنت منتشر می‌کنند که می‌تواند مخاطراتی برای آن‌ها به همراه داشته باشد. وبسایت‌های شبکه‌ای اجتماعی حجم قابل توجهی از اطلاعات شخصی میلیون‌ها کاربر را در اختیار دارند و امکان سوءاستفاده شرکت‌های تجاری از این اطلاعات همراه از دغدغه‌های اصلی مطرح شده درباره‌ی این شبکه‌هاست. رسانه‌های نوین دارای تأثیرات بسیار مهمی بر مخاطبان هستند و می‌توانند زمینه و بستر مناسبی را برای استفاده‌ها و سوءاستفاده‌ها ایجاد کنند (همان منبع).

هانسن، اشنایدر و اسمیت (۲۰۱۱) معتقدند در مورد آسیب‌های روانی وارده بر مخاطبان شبکه‌های اجتماعی، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- کاهش احساسات: به دلیل اینکه اغلب ارتباطات در این فضا، به‌صورت نوشتاری است، اغلب فاقد احساسی است که در فضای واقعی، از طریق قدم زدن، سخن گفتن و ... به‌دست می‌آید. افراد باوجود امکانات ارتباطی در فضای مجازی، دیگر اهمیتی به کیفیت روابط نمی‌دهند و این مسئله، به کاهش بیشتر احساسات منجر می‌شود.

۲- متن گرایی: علیرغم امکانات چندرسانه‌ای موجود در فضای مجازی، هنوز هم قسمت عمده‌ای از ارتباطات در فضای مجازی را ارتباطات متنی در قالب ایمیل و چت تشکیل می‌دهد. ارتباطات متنی می‌تواند شکل جدیدی از هویت مجازی را شکل دهد.

۳- انعطاف‌پذیری هویتی: افراد در فضای مجازی، به دلیل نبود راهنماهای چهره‌ای، می‌توانند بازنمایی‌های متفاوتی از خود ارائه دهند.

۴- دریافت‌های جایگزین: در ارتباطات مجازی، شما می‌توانید دیوارها را بشکنید، به حوزه‌ی خصوصی دیگران وارد شوید و حرف‌هایی را که حاضر نیستند، در ارتباط چهره به چهره به شما بگویند، بشنوید.

فضای مجازی و هویت ملی - فرهنگی

از مهم‌ترین ویژگی‌های فضای مجازی گسترش اهمیت فرد و حیطه خصوصی در برابر جمع و حوزه عمومی است. افراد در فضای مجازی درعین حال که می‌توانند در گروه‌های مختلف و گاه متضاد با هویت حقیقی خود حضورداشته باشند؛ می‌توانند خود را جدا از دیگران و تنها نیز حس کنند. نبود مراتب قدرت در فضای مجازی باعث می‌شود، فردیت افراد در جمع حل نشود. در جهان واقعی قدرت انتخاب افراد، همواره تحت تأثیر عواملی چون جبر مکان، زمان، فرهنگ، حکومت و... محدود بوده است؛ اما در جهان مجازی مرزهای محدودکننده از میان برداشته می‌شود و شخص در مقیاس جهانی با گزینه‌های فراوانی برای انتخاب روبروست. حاصل پویایی فرهنگ و سیر تحولی آن، تغییر پوسته ذهنیت اجتماعی است، که طی آن ارزش‌های فرهنگی به صورت لایه‌های تفکیک‌پذیر، در پی یکدیگر قرار می‌گیرند. ارزش‌های منسوخ نیز در بعضی شرایط احیا می‌شوند و رفتار اجتماعی را با ایدئولوژی جدید تحت تأثیر قرار می‌دهند (نورایی، ۱۳۸۸).

نظریه‌ها

جامعه اطلاعاتی؛ کاستلز

کاستلز معتقد است زندگی امروز ما در عمده‌ترین وجوه خود با دو جریان متضاد جهانی شدن و هویت شکل می‌گیرد و در دهه‌های پایانی قرن بیستم همراه با انقلاب، فناوری تغییر شکل سرمایه‌داری و فروپاشی شوروی این موج‌های نیرومند هویت‌های جمعی است که جهان ما را به لرزه درآورده است. کاستلز (۱۳۸۵:۴۳۳) برداشت وی از هویت عبارت است از: فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر الویت داده می‌شوند به اعتقاد وی شبکه اینترنت ستون فقرات ارتباطات جهانی از دهه ۱۹۹۰ به بعد است چراکه به تدریج بیشتر شبکه‌های اجتماعی را به یکدیگر پیوند خواهد داد. مسئله بدین جا ختم نمی‌شود بلکه انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباطی کامپیوتری به تدریج فرهنگ کاربران شبکه و حتی الگوهای

ارتباطی آینده را نیز شکل می‌دهد از نظر کاستلز جامعه شبکه‌ای که محصول اصلی اینترنت است در بر ساخته شدن هویت افراد مؤثر خواهد افتاد. به نظر وی فرآیند جهانی شدن و به دنبال آن جامعه شبکه‌ای باتولید و رشد آگاهی در مردم به تضعیف مسائلی چون هویت ملی و سیاسی مرتبط با آن منجر می‌شود. بدین صورت که با برجسته شدن بسیاری از هویت‌های خاص گرایانه همانند هویت‌های قومی و مذهبی در داخل کشورها سلطه دولت و نقش آن در تعریف هویت ملی و سیاسی به چالش کشیده خواهد شد. بنابراین وی بر این باور است که فناوری‌های نوین با تضعیف پدیده-دولت ملت و ایجاد شکاف در هویت ملی باعث تقویت هویت‌های فروملی هویت مقاومت می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۹:۵۳). هویت مقاومت در نگاه کاستلز یک نوع هویت ویژه است و غالباً به دست آن کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه بی ارزش دانسته شده و یا داغ ننگ به آنها زده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۹:۵۲). بنابراین طبق نظر کاستلز مشارکت در فضای مجازی می‌تواند زمینه تضعیف هویت‌های ملی، دینی، عقیدتی ملی و قومی را فراهم کند و در مجموع می‌توان گفت «مشارکت فعال در اینترنت بر هویت اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارد».

دیدگاه هابرماس به هویت و رسانه

از دیدگاه هابرماس هویت در محیط‌های تعاملی اینترنتی، ایمیل، وبلاگ، چت‌روم، شبکه‌های اجتماعی مجازی و غیره شکل می‌گیرد. در واقع شرایط آرمانی مورد نظر هابرماس به خوبی تحقق می‌یابد در این محیط‌ها افراد معمولاً راحت‌تر می‌توانند نیازهای خود را مطرح کنند و این طرح کردن نیازها باعث شکل‌گیری یک فضای گفتگو و مباحثه می‌شود کاربران در آن فضا به گفتگو می‌پردازند احساسات خود را ابراز می‌کنند. از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و در پاسخ به سؤال من کیستم؟ خود را در ارتباط با دیگری دوستان قهرمانان و ... تعریف می‌کند (زنجان‌زاده و محمد جوادی، ۱۳۸۴:۱۳۶). با توجه به این که در فضای اینترنتی به ویژه در شبکه‌های مجازی نوعی اعتماد صمیمیت در میان کاربران شکل می‌گیرد بنابراین آنها ممکن است الگوهای هویت‌یابی خود را نیز در این محیط‌ها بازاندیشی، تولید و بازتولید می‌کنند و این دریافت‌ها احتمالاً بر احساس تعلق فرد به هویت خود نیز می‌تواند مؤثر واقع شود. بنابراین می‌توان

گفت که «میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی بر هویت‌های اجتماعی روابط، دینی ملی و ...» تأثیر معنی داری دارد.

دیدگاه گیدنز به هویت و رسانه

براساس نظریه ساخت یابی گیدنز می‌توان استنباط کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول و مخلوق کنش معنادار آدمیان است و افراد چنین محیطی را خلق کرده‌اند اما این محیط پس از شکل گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند. ساختار شبکه‌های اجتماعی اینترنتی براساس بازتولید یا تکرار همان رفتار مداوم آدم‌ها دوام می‌یابد. افراد در رویارویی با شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خلاف سایر رسانه‌های متعارف صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند. بلکه می‌توانند در صورت تمایل به طور همزمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و بازتولید بپردازند اما افراد در برخورد با این ساختار میزان فعالیت و مشارکت متفاوتی دارند (لوی، ۲۰۰۸: ۹۷). در واقع با استفاده از نظریه ساخت یابی می‌توان استنباط کرد که هرچه کاربران با فعالیت مشارکت جویانه در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و لذا احتمال تأثیرپذیری هویت فرهنگی آنها بیشتر است ولی هر چه کاربران منفعل و غیر مشارکت جویانه در اینترنت حضور یابند کمتر در تولید معنا سهیم هستند و هویت‌های رایج را در جامعه می‌پذیرند. بنابراین مشارکت فعال یا غیرفعال بر هویت اجتماعی تأثیر مثبتی دارد.

دیدگاه گرینر به هویت و رسانه

نظریه کاشت یا پرورش، گرینر (M) بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می‌کنند و نیز بر چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌ها بر مخاطبان تأکید دارد. فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت پنداری در محتوا و برنامه‌های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد؛ به این صورت که ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود. در واقع نظریه پرورش با تعیین میزان و نوع برنامه‌های مورد استفاده از رسانه‌ها میزان تأثیر را مطالعه می‌کند تا به سازوکار و نحوه تأثیر دست پیدا کند (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۸۱) نظریه کاشت یکی از اشکال اثر رسانه‌ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها تا چه حد می‌تواند به باورها و تلقی عموم از واقعیت

خارجی شکل دهد. نظریه کاشت با اشاعه برای ارائه‌الگویی از تحلیل تبیین شده است تا نشان دهنده تأثیر بلندمدت رسانه‌هایی باشد که اساسا در سطح برداشت اجتماعی عمل می‌کنند. احمدزاده، کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۶) محور بحث گرینر این است که اهمیت تاریخی رسانه‌ها بیشتر در ایجاد شیوه‌های مشترک در انتخاب مسائل و موضوعات و چگونگی نگرستن به رخدادها و وقایع است این شیوه‌های مشترک محصول استفاده از تکنولوژی و نظام ارائه پیام است که نقش واسطه را به عهده دارند و به دیدی مشترک و درک مشترک از جهان اطراف منجر می‌شود. گرینر محصول چنین فرایندی را کاشت «الگوهای مسلط ذهنی» می‌نامد. از نظر وی رسانه‌ها متمایل به ارائه دیدگاه‌های هم‌شکل و کم و بیش یکسان از واقعیت اجتماعی هستند و مخاطبان آنها براساس این چنین مکانیسمی فرهنگ‌پذیر می‌شوند. گرینر تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید رسانه‌ها به دلیل نظم و هماهنگی که در ارائه پیام در طول زمان دارند قدرت تأثیرگذاری فراوانی دارند؛ به طوری که باید آنها را شکل دهنده جامعه دانست. گرینر بعدها در پاسخ به انتقادات وارده بر نظریه کاشت مبنی بر لحاظ نکردن سایر متغیرهای متداخل بر، کاربران این نظریه را مورد تجدید قرار داد. وی دو مفهوم «جریان اصلی» و «تشدید» را به این نظریه اضافه کرد با این مفاهیم این واقعیت‌ها در نظر گرفته می‌شود که میزان مواجهه با رسانه‌ای خاص نتایج متفاوتی را برای گروه‌های اجتماعی مختلف در بردارد. جریان اصلی هنگامی رخ می‌دهد که میزان مواجهه با رسانه به تقارن دیدگاه‌ها در گروه‌ها منجر شود و تشدید زمانی روی می‌دهد که اثر کاشت در گروه خاصی از جمعیت بیشتر شود. (سورین و تانکار، ۱۳۸۴: ۳۹۳) بنابراین فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و محتوای برنامه‌های رسانه بر هویت‌های اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

نظریه پیتر برگر

دو قلمرو اصلی جامعه‌شناسی معرفت عبارت‌اند از «زیست جهان اجتماعی» و «ساخت اجتماعی واقعیت»؛ زیست جهان اجتماعی از آگاهی، کنشگران یعنی شیوه‌ای که انسان‌ها واقعیت اجتماعی را بر می‌سازند، سخن می‌گوید این آگاهی روزمره رشته‌ای از معانی مشترک بین فرد و دیگران است و یک «زیست جهان اجتماعی» را می‌سازد. از منظر جامعه‌شناسی، معرفت هر

نوع آگاهی تنها در موقعیتی خاص موجد و معنادار است. لذا دیالکتیک بین آگاهی و واقعیت (ذهن) و (عین) باعث برساخته شدن واقعیت اجتماعی می‌شود و توجه به بعد (آگاهی ذهن) و درون فرایندهای نهادی فهم واقعیت اجتماعی را مقدور می‌سازد. در این، چارچوب برگر و همکارانش با بررسی و تحلیل رابطه بین مدرنیته و تغییرات چارچوب‌های شناختی و به تبع آن واقعیت‌های اجتماعی به این نتیجه می‌رسند که تفاوت چشمگیر و علی مابین سنت (زیست) جهان (سنتی و جهان مدرن) آنها اشاره‌ای به تفکیک مدرن و پست مدرن نمی‌کنند. آنها معتقدند انسان به حکم انسان بودنش ناگزیر از زیستن در یک جهان یعنی واقعیتی است که به زندگی معنا می‌بخشد و زیست جهان درصدد بیان همین ویژگی بنیادی هستی انسانی است همچنین فهم زیست جهان برای تحلیل جامعه شناختی موقعیت‌های انضمامی بسیار مهم است. (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۵۴) با توجه به چارچوب نظری برگر و همکارانش مرکزیت برنامه‌ریزی زندگی فرد، در معنایی است که او به زندگی نامه خویش و نیز معانی فراگیر (جامعه) نسبت می‌دهد که همگی به بروز پیامدهای بسیار مهم هویتی برای فرد در جامعه مدرن دامن می‌زنند. از دیدگاه او منظور آنها از هویت چیزی که در روانشناسی علمی توصیف می‌شود نیست، بلکه بیشتر تجربه واقعی فرد درباره خود در یک موقعیت اجتماعی خاص منظور است به سخن دیگر، منظور آنها از هویت طریقی است که در آن افراد به تعریف خود می‌پردازند. هویت به این معنا بخشی از یک ساختار معین آگاهی است و از این رو تابع توصیفی پدیدارشناسانه فارغ از هرگونه داوری معرفت شناختی یا روانشناسانه است. (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۴)

روش تحقیق

روش پژوهش پژوهش حاضر، از نظر شیوه گردآوری اطلاعات از نوع پیمایشی، به لحاظ بعد زمانی از نوع مقطعی و از نظر دستیابی به هدف از نوع کاربردی است. جامعه آماری پژوهش، جوانان شهر تهران (۲۰ تا ۴۰ سال) در نظر گرفته شد حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران، ۳۲۶ نفر به دست آمد. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است؛ به این ترتیب که در مرحله اول، از میان مناطق شهر تهران با توجه به حجم، نمونه سه منطقه مناطق شمال، جنوب و مرکز شهر و در مرحله دوم در داخل هر منطقه متناسب با حجم جمعیت و تعداد بلوک‌ها تعدادی بلوک به صورت تصادفی انتخاب شد و در مرحله سوم نیز داخل هر بلوک (متناسب با حجم خانوار هر بلوک تعدادی، نمونه به

صورت کاملاً تصادفی انتخاب شد. هم چنین در پژوهش حاضر برای سنجش اعتبار پرسش نامه از اعتبار صوری و برای سنجش میزان قابلیت اعتماد پرسش نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای تمام متغیرها میزان آلفا بیش از ۷/۰ به دست آمد که دارای پایایی قابل قبولی است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با استفاده از نرم افزار SPSS جهت ارائه آمار توصیفی از شاخصه‌های جمعیت شناختی، میانگین و انحراف معیار و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخ به فرضیه‌های پژوهش پس از ارزیابی پیش فرض‌های آماری از تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

الف- یافته‌های توصیفی (جنسیت آزمودنی‌ها)

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۶۳	۵۰,۰
زن	۱۶۳	۵۰,۰
مجموع	۳۲۶	۱۰۰,۰

جدول ۱- توزیع نمونه بر اساس جنسیت

در پژوهش حاضر تعداد ۳۲۶ کاربر تلگرام حضور داشتند که بر طبق جدول ۱-، از مجموع ۳۲۶ نفر عضو نمونه، هر دو گروه زن و مرد با تعداد ۱۶۳ نفر در پژوهش حضور داشتند.

ب- یافته‌های توصیفی (سطح تحصیلاتی آزمودنی‌ها)

سطح تحصیلاتی	فراوانی	درصد فراوانی
زیر دیپلم	۸۴	۲۵,۸
دیپلم	۶۷	۲۰,۶
فوق دیپلم	۴۵	۱۳,۸
لیسانس	۱۰۵	۳۲,۲
فوق لیسانس و بالاتر	۲۵	۷,۷
مجموع	۳۲۶	۱۰۰,۰

جدول ۲- توزیع نمونه بر اساس سطح تحصیلات

در پژوهش حاضر تعداد ۳۲۶ کاربر تلگرام حضور داشتند که بر طبق جدول ۲-، از مجموع ۳۲۶ نفر عضو نمونه، به ترتیب بیشترین و کمترین تعداد شرکت کنندگان بر اساس سطح تحصیلات مربوط به شرکت کنندگان با مدرک تحصیلی لیسانس با تعداد ۱۰۵ نفر و فوق لیسانس و بالاتر با تعداد ۲۵ نفر بود.

پ- یافته‌های توصیفی (سن آزمودنی‌ها)

سن	فراوانی	درصد فراوانی
۲۰-۲۳	۸۴	۲۵,۸
۲۴-۲۸	۶۷	۲۰,۶
۲۹-۳۲	۴۵	۱۳,۸

۳۲,۲	۱۰۵	۳۳-۳۵
۷,۷	۲۵	۳۶-۴۰
۱۰۰,۰	۳۲۶	مجموع

جدول ۳- توزیع نمونه بر اساس متغیر سن

در پژوهش حاضر تعداد ۳۲۶ کاربر تلگرام حضور داشتند که بر طبق جدول ۳- از مجموع ۳۲۶ نفر عضو نمونه، به ترتیب بیشترین و کمترین تعداد شرکت کنندگان بر اساس «سن» مربوط به شرکت کنندگان در سنین بین «۳۳-۳۵» با تعداد ۱۰۵ نفر و سنین «۳۶-۴۰» با تعداد ۲۵ نفر بود.

یافته‌های استنباطی

بررسی مفروضه‌های رگرسیون

پیش از استفاده از تحلیل رگرسیون مفروضه نرمال بودن باقیمانده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف بررسی شد. نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف نشان داد باقیمانده‌ها برای کلیه متغیرهای پژوهش نرمال است.

آزمون کولموگروف- اسمیرنوف			
متغیر	آماره	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
هویت کسب‌شده	۱,۸۹۶	۳۲۶	۰,۱۰۱
هویت پیش رس	۳,۰۶۳	۳۲۶	۰,۰۵۵
هویت آشفته	۱,۶۳۷	۳۲۶	۰,۱۰۳
هویت تعلیقی	۰,۰۳۹	۳۲۶	۰,۸۴۳
مضامین فرهنگی	۱,۳۱۶	۳۲۶	۰,۱۰۰

۰,۱۰۱	۳۲۶	۱,۱۶۴	مضامین اجتماعی
۰,۷۴۱	۳۲۶	۰,۰۹۱	مضامین سیاسی
۰,۱۳۲	۳۲۶	۰,۱۲۵	مضامین اقتصادی

جدول ۴- نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف (n=۳۲۶)

نتایج آزمون سؤالات

سؤال اصلی پژوهش: چه رابطه‌ای بین مضامین فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد
مضامین فرهنگی	۶	۲۴	۱۲,۸۵	۶,۲۸
مضامین اجتماعی	۱۰	۲۴	۱۶,۲۱	۶,۵۰
مضامین سیاسی	۸	۲۲	۱۴,۷۹	۶,۰۸
مضامین اقتصادی	۶	۲۱	۱۱,۹۶	۵,۸۴

جدول ۵ - میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها در جدول فوق نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد آزمودنی‌ها در بین نمرات مضامین موضوعات تلگرامی، در متغیر مضامین اجتماعی نمره بالاتر و در متغیر مضامین اقتصادی نمرات پایین‌تری کسب کردند. این یافته بدین معنی است که کاربران شبکه اجتماعی تلگرام بیشتر به موضوعاتی می‌پردازند که حول محور مسائل اجتماعی باشد و همچنین آنان در محیط شبکه اجتماعی تلگرام به موضوعات اقتصادی علاقه پایین‌تری نشان می‌دهند.

سؤال فرعی اول پژوهش: چه رابطه‌ای بین مضامین فرهنگی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

R2	R	معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰,۵۰۰	۰,۷۰۷	۰,۰۰۰۱	۸۰,۱۳۹	۱۶۰۲,۳۲۶	۴	۶۴۰۹,۳۰۲	رگرسیون

				۱۹,۹۹۴	۳۲۱	۶۴۱۸,۲۰۷	خطا
					۳۲۵	۱۲۸۲۷,۵۰۹	کل

جدول ۶- خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داده است، سبک‌های هویتی به مقدار ۵۰ درصد از واریانس مضامین فرهنگی کاربران شبکه تلگرام را تبیین کرده است. این یافته بدین معنی است که سبک‌های هویتی توان پیش‌بینی مضامین فرهنگی را داراست. در جدول (۶) ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون ارائه شده است.

متغیر	B	Bخطای	Beta	T	P
ثابت	۲۱,۸۸۲	۶,۳۶۸		۳,۴۳۶	۰,۰۰۱
هویت کسب‌شده	۰,۰۵۰	۰,۰۰۶	۰,۵۷۷	۸,۵۶۴	۰,۰۰۰۱
هویت پیش‌رس	-۰,۰۳۴	۰,۰۴۶	-۰,۰۷۶	۰,۷۲۴	۰,۴۶۹
هویت آشفته	-۰,۰۶۸	۰,۰۳۵	-۰,۳۴۸	-۱,۹۶۰	۰,۰۴۹
هویت تعلیقی	-۰,۲۲۱	۰,۰۶۱	-۰,۹۲۵	-۳,۶۰۵	۰,۰۰۰۱

جدول ۷- ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل نهایی رگرسیون

در جدول فوق ضرایب غیراستاندارد B و همچنین ضرایب استاندارد بتا برای پیش‌بینی مضامین فرهنگی در کاربران شبکه اجتماعی تلگرام بر اساس متغیر پیش‌بین یعنی هویت ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه نمرات در هویت کسب‌شده و نمرات کاربران در مضامین فرهنگی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش هویت کسب‌شده بر نمرات کاربران در مضامین فرهنگی افزوده می‌گردد و با کاهش هویت کسب‌شده، نمرات کاربران در مضامین فرهنگی کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت آشفته و تعلیقی و نمرات کاربران در مضامین فرهنگی منفی است که نشان می‌دهد با افزایش هویت آشفته و تعلیقی از

نمرات کاربران در مضامین فرهنگی کم می‌گردد و با کاهش هویت آشفته و تعلیقی، نمرات کاربران در مضامین فرهنگی افزایش پیدا می‌کند. ضرایب بتا بیانگر این است که متغیر هویت تعلیقی با ضریب بتا ۰/۹۲ تأثیر زیادی را در نمرات کاربران در مضامین فرهنگی داشته است. سؤال فرعی دوم پژوهش: چه رابطه‌ای بین مضامین اجتماعی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

R2	R	معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰,۷۱۱	۰,۸۴۴	۰,۰۰۰۱	۱۹۷,۹۱۱	۲۴۴۸,۰۸۱	۴	۹۷۹۲,۳۲۴	رگرسیون
				۱۲,۳۷۰	۳۲۱	۳۹۷۰,۶۴۶	خطا
					۳۲۵	۱۳۷۶۲,۹۶۹	کل

جدول ۸- خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داده است، سبک‌های هویتی به مقدار ۷۱ درصد از واریانس مضامین اجتماعی کاربران شبکه تلگرام را تبیین کرده است. این یافته بدین معنی است که سبک‌های هویتی توان پیش‌بینی مضامین اجتماعی را داراست. در جدول (۹) ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون ارائه شده است.

P	T	Beta	Bخطای	B	متغیر
۰,۵۴۸	-۰,۶۰۱		۵,۰۰۹	-۳,۰۱۲	ثابت
۰,۰۰۰۱	۹,۹۵۶	۰,۷۶۷	۰,۰۳۶	۰,۳۵۰	هویت کسب‌شده
۰,۰۴۵	۱,۷۲۶	۰,۲۱۴	۰,۰۲۳	۰,۰۴۰	هویت پیش‌رس
۰,۷۷۴	-۰,۳۲۶	۰,۰۴۴	۰,۰۲۷	۰,۰۰۹	هویت آشفته
۰,۷۳۴	-۰,۳۴۰	۰,۰۶۶	۰,۰۴۸	۰,۰۱۶	هویت تعلیقی

جدول ۹- ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل نهایی رگرسیون

در جدول فوق ضرایب غیراستاندارد B و همچنین ضرایب استاندارد بتا برای پیش‌بینی مضامین اجتماعی در کاربران شبکه اجتماعی تلگرام بر اساس متغیر پیش‌بین یعنی هویت ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه نمرات در هویت کسب‌شده و هویت پیش‌رس با نمرات کاربران در مضامین اجتماعی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش هویت کسب‌شده و پیش‌رس بر نمرات کاربران در مضامین اجتماعی افزوده می‌گردد و با کاهش هویت کسب‌شده و پیش‌رس، نمرات کاربران در مضامین اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت آشفته و تعلیقی و نمرات کاربران در مضامین اجتماعی معنادار نبود. ضرایب بتا بیانگر این است که متغیر هویت کسب‌شده با ضریب بتا ۰/۷۶ تأثیر زیادی را در نمرات کاربران در مضامین اجتماعی داشته است.

سؤال فرعی سوم پژوهش: چه رابطه‌ای بین مضامین سیاسی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

R2	R	معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰.۶۴۵	۰.۸۰۳	۰.۰۰۰۱	۱۴۶.۱۲۰	۱۹۴۱.۶۱۲	۴	۷۷۶۶.۴۴۷	رگرسیون
				۱۳.۲۸۸	۳۲۱	۴۲۶۵.۳۶۸	خطا
					۳۲۵	۱۲۰۳۱.۸۱۶	کل

جدول ۱۰- خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داده است، سبک‌های هویتی به مقدار ۶۴ درصد از واریانس مضامین سیاسی کاربران شبکه تلگرام را تبیین کرده است. این یافته بدین معنی است که سبک‌های هویتی توان پیش‌بینی مضامین سیاسی را داراست. در جدول (۱۱) ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون ارائه شده است.

متغیر	B	B خطای	Beta	T	P
ثابت	-۴,۱۸۰	۵,۱۹۱		-۰,۸۰۵	۰,۴۲۱
هویت کسب شده	۰,۰۶۷	۰,۰۲۴	۰,۳۸۱	۲,۷۶۷	۰,۰۰۶
هویت پیش‌رس	۰,۲۸۳	۰,۰۳۸	۰,۶۶۳	۷,۴۹۰	۰,۰۰۰۱
هویت آشفته	۰,۰۱۰	۰,۰۲۸	۰,۰۵۲	۰,۳۵۰	۰,۷۲۷
هویت تعلیقی	۰,۰۳۴	۰,۰۵۰	۰,۱۴۶	۰,۶۷۷	۰,۴۹۹

جدول ۱۱- ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل نهایی رگرسیون

در جدول فوق ضرایب غیراستاندارد B و همچنین ضرایب استاندارد بتا برای پیش‌بینی مضامین سیاسی در کاربران شبکه اجتماعی تلگرام بر اساس متغیر پیش‌بین یعنی هویت ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه نمرات در هویت کسب‌شده و هویت پیش‌رس با نمرات کاربران در مضامین سیاسی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش هویت کسب‌شده و پیش‌رس بر نمرات کاربران در مضامین سیاسی افزوده می‌گردد و با کاهش هویت کسب‌شده و پیش‌رس، نمرات کاربران در مضامین سیاسی کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت آشفته و تعلیقی و نمرات کاربران در مضامین سیاسی معنادار نبود. ضرایب بتا بیانگر این است که متغیر هویت کسب‌شده با ضریب بتا ۰/۶۶ تأثیر زیادی را در نمرات کاربران در مضامین سیاسی داشته است.

سؤال فرعی چهارم پژوهش: چه رابطه‌ای بین مضامین اقتصادی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	R	R2
رگرسیون	۶۷۷۷,۷۰۱	۴	۱۶۹۴,۴۲۵	۱۲۵,۷۳۱	۰,۰۰۰۱	۰,۷۸۱	۰,۶۱۰
خطا	۴۳۲۵,۹۹۲	۳۲۱	۱۳,۴۷۷				
کل	۱۱۱۰۳,۶۹۳	۳۲۵					

جدول ۱۲- خلاصه مدل رگرسیون و آماره‌های تحلیل واریانس

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داده است، سبک‌های هویتی به مقدار ۶۱ درصد از واریانس مضامین اقتصادی کاربران شبکه تلگرام را تبیین کرده است. این یافته بدین معنی است که سبک‌های هویتی توان پیش‌بینی مضامین اقتصادی را داراست. در جدول (۱۳) ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون ارائه شده است.

متغیر	B	خطای B	Beta	T	P
ثابت	-۰,۳۳۳	۵,۲۲۸		-۰,۰۶۴	۰,۹۴۹
هویت کسب‌شده	۰,۱۰۴	۰,۰۳۴	۰,۶۱۱	۴,۲۳۵	۰,۰۰۰۱
هویت پیش‌رس	۰,۱۲۵	۰,۰۳۸	۰,۳۰۶	۳,۲۹۲	۰,۰۰۱
هویت آشفته	-۰,۰۹۱	۰,۰۲۸	-۰,۲۴۱	-۲,۱۴۵	۰,۰۲۱
هویت تعلیقی	-۰,۰۱۷	۰,۰۵۰	-۰,۰۷۸	-۰,۳۴۴	۰,۷۳۱

جدول ۱۳- ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مدل نهایی رگرسیون

در جدول فوق ضرایب غیراستاندارد B و همچنین ضرایب استاندارد بتا برای پیش‌بینی مضامین اقتصادی در کاربران شبکه اجتماعی تلگرام بر اساس متغیر پیش‌بین یعنی هویت ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه نمرات در هویت کسب‌شده و هویت پیش‌رس با نمرات کاربران در مضامین اقتصادی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش هویت کسب‌شده و پیش‌رس بر نمرات کاربران در مضامین اقتصادی افزوده می‌گردد و با کاهش هویت کسب‌شده و پیش‌رس، نمرات کاربران در مضامین اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت آشفته و نمرات کاربران در مضامین اقتصادی منفی است که نشان می‌دهد با افزایش هویت آشفته از نمرات کاربران در مضامین سیاسی کم می‌گردد و با کاهش هویت آشفته نمرات کاربران در مضامین اقتصادی افزایش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت تعلیقی و نمرات کاربران در مضامین اقتصادی معنادار نبود. ضرایب بتا بیانگر این است که متغیر هویت

کسب‌شده با ضریب بتا ۰/۶۱ تأثیر زیادی را در نمرات کاربران در مضامین اقتصادی داشته است.

بحث

پلتفورم تلگرام فرد را با هویت فردگرایی خود به درون ساختارش راه می‌دهد؛ او را محترم می‌شمارد و تمام آزادی‌ها را به او می‌دهد حقوقش را محفوظ می‌دارد و ابزارهایی مانند «لایک، بلاک»، اختیار عضو کردن و پذیرفتن را به او می‌دهد. اما در عین حال در قسمت جستجو، همین فرد آزاد، با بستر جبری - چیده می‌شود به سمت رادیکال بودن می‌رود چرا که دامنه اختیار را از او می‌گیرد و به بهانه علایق و سلایقی که خود می‌اندیشد؛ به او محتوا، کانال و اطلاعات چند رسانه‌ای می‌دهد این پیشنهادها بیشتر در سمت و سوی لایک‌ها و جستجوهای اولیه کاربر است، فلذا رابطه دیالکتیکی بین فردگرایی و رادیکالیسم را می‌توان در ذات رسانه‌های اجتماعی همچون تلگرام، فارغ از هرگونه محتوایی مشاهده کرد. تلگرام فرد را از تعریف محلی و ملی به سمت هویت جهانی سوق می‌دهد؛ او را از تمام ساختارها حذف می‌کند و به او قدرت می‌دهد. بنابراین فرد خودش را مبری از تمام ساختارهاست و محدودیتی برای او وجود ندارد و از آن طرف کنشش براساس کنش تکنولوژیکی ترجمه شده است. اختیار و دستورالعمل اختیاری آن در دستان کاربر است.

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب همان‌طور که ادبیات و نظریه‌ها پیش‌بینی نموده‌اند هویت افراد به طور مستقیم متأثر از موضوعات است که آنها در رسانه‌های اجتماعی گرایش دارند که دنبال کنند در این تحقیق نیز براساس یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه کمی دریافتیم که به طور اعم ارتباط بین هویت و رسانه ارتباطی مستقیم و معنادار است. تبیین و خلاصه نتایج تحقیق حاضر به طور اخص به شرح ذیل است:

پاسخ یافته‌ها به سؤال اصلی پژوهش: چه رابطه‌ای بین مضامین فرهنگی،

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و هویت افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟
با توجه به نتایج حاصل از بررسی‌های به‌عمل‌آمده، کاربران در بین نمرات مضامین موضوعات تلگرامی، در متغیر مضامین اجتماعی نمره بالاتر و در متغیر مضامین اقتصادی نمرات پایین‌تری کسب کردند. این یافته بدین معنی است که کاربران شبکه اجتماعی تلگرام بیشتر به موضوعاتی می‌پردازند که حول محور مسائل اجتماعی باشد و همچنین آنان در محیط شبکه اجتماعی تلگرام به موضوعات اقتصادی علاقه پایین‌تری نشان می‌دهند. این یافته با نتایج حاصل از بررسی‌های کاستلز (۲۰۰۲) و امامی (۱۳۹۵) همسوست. به‌صورت کلی مطالعات نشان داده‌اند که کاربران تلگرام بیشتر مسائل اجتماعی را دنبال می‌کنند.

پاسخ یافته‌ها به سؤال فرعی اول: چه رابطه‌ای بین مضامین فرهنگی و هویت

افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه، سبک‌های هویتی به مقدار ۵۰ درصد از واریانس مضامین فرهنگی کاربران شبکه تلگرام را تبیین کرده است. همان‌گونه که مشاهده شد رابطه نمرات در هویت کسب‌شده و نمرات کاربران در مضامین فرهنگی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش هویت کسب‌شده بر نمرات کاربران در مضامین فرهنگی افزوده می‌گردد و با کاهش هویت کسب‌شده، نمرات کاربران در مضامین فرهنگی کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت آشفته و تعلیقی و نمرات کاربران در مضامین فرهنگی منفی است که نشان می‌دهد با افزایش هویت آشفته و تعلیقی از نمرات کاربران در مضامین فرهنگی کم می‌گردد و با کاهش هویت آشفته و تعلیقی، نمرات کاربران در مضامین فرهنگی افزایش

پیدا می‌کند. ضرایب بتا نیز نشان داد که متغیر هویت تعلیقی با ضریب بتا $0/92$ تأثیر زیادی را در نمرات کاربران در مضامین فرهنگی داشته است. این یافته با نتایج حاصل از بررسی‌های وینستن و همکاران (۲۰۱۴)، ساعی و همکاران (۱۳۹۱)، نوابخش و همکاران (۱۳۸۹) و علوی و همکاران (۱۳۸۷) می‌باشد.

پاسخ یافته‌ها به سؤال فرعی دوم: چه رابطه‌ای بین مضامین اجتماعی و هویت

افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه، سبک‌های هویتی به مقدار 71 درصد از واریانس مضامین اجتماعی کاربران شبکه تلگرام را تبیین کرده است. همان‌گونه که مشاهده شد رابطه نمرات در هویت کسب‌شده و هویت پیش‌رس با نمرات کاربران در مضامین اجتماعی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش هویت کسب‌شده و پیش‌رس بر نمرات کاربران در مضامین اجتماعی افزوده می‌گردد و با کاهش هویت کسب‌شده و پیش‌رس، نمرات کاربران در مضامین اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت آشفته و تعلیقی و نمرات کاربران در مضامین اجتماعی معنادار نبود. ضرایب بتا نیز نشان داد که متغیر هویت کسب‌شده با ضریب بتا $0/76$ تأثیر زیادی را در نمرات کاربران در مضامین اجتماعی داشته است. این یافته با نتایج حاصل از بررسی‌های وینستن و همکاران (۲۰۱۴)، ساعی و همکاران (۱۳۹۱)، نوابخش و همکاران (۱۳۸۹)، علوی و همکاران (۱۳۸۷) می‌باشد.

پاسخ یافته‌ها به سؤال فرعی سوم: چه رابطه‌ای بین مضامین سیاسی و هویت

افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه، سبک‌های هویتی به مقدار 64 درصد از واریانس مضامین سیاسی کاربران شبکه تلگرام را تبیین کرده است. همان‌گونه که مشاهده شد رابطه نمرات در هویت کسب‌شده و هویت پیش‌رس با نمرات کاربران در مضامین سیاسی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش هویت کسب‌شده و پیش‌رس بر نمرات کاربران در مضامین سیاسی افزوده می‌گردد و با کاهش هویت کسب‌شده و پیش‌رس، نمرات کاربران در مضامین سیاسی کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت آشفته و تعلیقی و نمرات کاربران در مضامین سیاسی معنادار نبود. ضرایب بتا نیز نشان داد که متغیر هویت کسب‌شده با ضریب بتا $0/66$ تأثیر زیادی را در نمرات کاربران در مضامین سیاسی داشته است. این یافته با نتایج حاصل از بررسی‌های وینستن و همکاران (۲۰۱۴)، ساعی و همکاران (۱۳۹۱)، نوابخش و همکاران (۱۳۸۹)، علوی و همکاران (۱۳۸۷) می‌باشد.

پاسخ یافته‌ها به سؤال فرعی چهارم: چه رابطه‌ای بین مضامین اقتصادی و هویت

افراد در شبکه اجتماعی تلگرام وجود دارد؟

باتوجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه، سبک‌های هویتی به مقدار ۶۱ درصد از واریانس مضامین اقتصادی کاربران شبکه تلگرام را تبیین کرده است. همان‌گونه که مشاهده شد رابطه نمرات در هویت کسب‌شده و هویت پیش‌رس با نمرات کاربران در مضامین اقتصادی مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش هویت کسب‌شده و پیش‌رس بر نمرات کاربران در مضامین اقتصادی افزوده می‌گردد و با کاهش هویت کسب‌شده و پیش‌رس، نمرات کاربران در مضامین اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت آشفته و نمرات کاربران در مضامین اقتصادی منفی است که نشان می‌دهد با افزایش هویت آشفته از نمرات کاربران در مضامین سیاسی کم می‌گردد و با کاهش هویت آشفته نمرات کاربران در مضامین اقتصادی افزایش پیدا می‌کند. همچنین رابطه نمرات در هویت تعلیقی و نمرات کاربران در مضامین اقتصادی معنادار نبود. ضرایب بتا نیز نشان داد که متغیر هویت کسب‌شده با ضریب بتا ۰/۶۱ تأثیر زیادی را در نمرات کاربران در مضامین اقتصادی داشته است. این یافته با نتایج حاصل از بررسی‌های وینستن و همکاران (۲۰۱۴)، ساعی و همکاران (۱۳۹۱)، نوابخش و همکاران (۱۳۸۹)، علوی و همکاران (۱۳۸۷) می‌باشد.

منابع

۱. آهنگری، گلاره، ساروخانی، باقر، و سلطانی فر، محمد. (۱۳۹۸). شناسایی گونه‌های هویت اجتماعی و نقش رسانه‌های نوین (اینترنت) بر این هویت‌ها (مطالعه موردی: جوانان شهر تهران). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۸(۴۵). SID. <https://sid.ir/paper/400503/fa>
۲. اشرفی، ابوالفضل، محسنی، رضاعلی، و شیرینی، طهمورث. (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی تاثیرات کارکردی نظام اجتماعی بر هویت اجتماعی جوانان (نمونه مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه تهران). *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۹(۴) (پیاپی ۳۳)، ۵۸۷-۶۰۸. SID. <https://sid.ir/paper/406994/fa>
۳. بهار، مهری، و بیژنی، محمدجواد. (۱۳۹۸). رسانه‌های اجتماعی و هویت جهانی، مطالعه پلتفرم اینستاگرام. *جهانی رسانه*، ۱۴(۲) (پیاپی ۲۸)، ۵۳-۷۶. SID. <https://sid.ir/paper/520204/fa>
۴. برگر، پیتر و لاکمان توماس (۱۳۷۵) ساخت اجتماعی واقعیت ترجمه فریبرز مجیدی، تهران انتشارات علمی فرهنگی.
۵. بوربور، اکرم، و تاجیک اسماعیلی، سمیه. (۱۴۰۰). تحلیل وضعیت هویت اجتماعی زنان شهر تهران بر اساس استفاده از رسانه‌های اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای. *رسانه*، ۳۲(۴)، ۱۳۱-۱۶۴. SID. <https://sid.ir/paper/960490/fa>
۶. بیرو، آلن (۱۳۸۵) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی تهران نشر کیهان
۷. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
۸. دانایی، ابوالفضل بابائی ساروئی، مصطفی (۱۳۹۶)؛ «نقش رسانه‌های مجازی در گرایش به هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی پیاپی*، ۷۱ س، ۱۸، ش ۳، ص ۶۸-۲۳.
۹. ساروخانی، باقر (۱۳۸۷) «اینترنت جهانی شدن و هویت فرهنگی دانشجویان دانشگاه تهران» *مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات* شماره ۱۳، صص ۱۴۵-۱۷۴.
۱۰. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) عصر اطلاعات ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: نشر طرح نو. - کرایب، یان (۱۳۸۸) نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگه. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) *چکیده آثار آنتونی گیدنز* ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ققنوس.
۱۱. عبداللهی محمد و حسین بر محمد عثمان (۱۳۸۱) «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران».

۱۲. فرامرزیانی، سعید، و جعفری، علی. (۱۳۹۹). نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر هویت شخصی مدرن در میان جوانان شهر اردبیل. *مطالعات ملی*، ۲۱(۲) (پیاپی ۸۲)، ۶۹-۸۸. SID. <https://sid.ir/paper/88888/fa>
۱۳. فولادیان، مجید، رضایی بحرآباد، حسن، و سوهانیان حقیقی، محسن. (۱۳۹۹). بررسی تحولات هویت جوانان ایرانی (۱۳۹۴-۱۳۵۳). *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۲۱(۴۹)، ۱۴۷-۱۷۹. SID. <https://sid.ir/paper/399700/fa>
۱۴. کنعانی، محمدمین، موسوی دیزکوهی، سیدهاشم، و بیگ زاده، زهرا. (۱۳۹۸). رسانه به مثابه ابژه نسلی: بررسی نقش مصرف رسانه بر هویت نسلی. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)*، ۸(۳) (پیاپی ۲۶)، ۳۵-۵۶. SID. <https://sid.ir/paper/371662/fa>
۱۵. مانهایم، ک. (۱۳۸۹). مقاله‌هایی درباره جامعه‌شناسی شناخت‌ترجمه فریبرز مجیدی تهران ثالث.
۱۶. نواح، عبدالرضا، رشیدی، سارا، و رستمی، ایوب. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر اهواز). *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۸(۲)، ۳۹۱-۴۲۱. SID. <https://sid.ir/paper/268057/fa>

References

1. Maghsoudi, Sepideh, SabouriKhosro Shahi, Habib, & Hashemzehi, Norouz. (2020). Explaining the Effects of Cyberspace on Social Identity of Young People in Tehran. *STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS*, 19(48), 323-341. SID. <https://sid.ir/paper/411950/en>
2. Oksanen a, Reetta Oksa a, Nina Savela a, Markus Kaakinen b, Noora Ellonen a(2020)Cyberbullying victimization at work: Social media identity bubble approach,*Computers in Human Behavior*, Volume 109, August 2020, 106363 <https://doi.org/10.1016/j.chb.2020.106363>.
3. Markus Kaakinen, Anu Sirola, Iina Savolainen &Atte Oksanen (2020) Shared identity and shared information in social media: development and validation of the identity bubble reinforcement

scale, *Media Psychology*, Volume 23, 2020 - Issue 1, Pages 25-51,
Published online: 17 Nov 2018.



Allameh Tabataba'i University



Iranian Association of the Islamic Revolution



Iranian Political Sociology Association

The Role of the Modern Ideas in The Manifestation and Growth of Religious Press

Habib Sharafi Safa^{1✉} | Fatemeh Rahimi²

1. Corresponding author, Ph.D. of Islamic History of Iran, Kharazmi University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: sharafihabib@yahoo.com
2. MA Student in Quran and Hadith Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: f.rahimi1@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history

Received :11 July 2022

Received in revised

form 16 August 2022

Accepted: 30 August 2022

Published online: 21 September 2022

Keywords:

Confrontation of the ideas,

Hijab,

intellectualism,

Modernity and religious

Modern schools,

Religious press.

Objective: Despite the several millennim precedent of writing among Iranians, the popularity of the press has not much history in Iran which also was a kind of cultural import and impressed by the West societies. This Penetration of West in the culture and politics of the Qajar era as well as the new religious ideas and thoughts such as Babism and Bahaimism that manifested in Iran, set alarm bells ringing about the Islamic traditions and Shiism, So it has led to the remarkable presence of the Clergy to resist the foreign newfaungled ideas what cultural activities and at the heart of them, Publishing the religious journals and publishing articles in the other kind of journals were the way of their confrontation. Therefore, the emergence of religious press and their growth as the first specialized publications in Iran, provided

Methods: In this regard, the current research aims to consider the manifestation of the first religious press in Iran introuducing some components namely the new educational system and modernity and religious intellectualism which somehow played a role in the extension of the religious press, meanwhile using a descriptive-analytical approach and relying on the library sources to examin the developemnet process of religious publications.

Conclusions: The outcomes of the present study represent that the growth of the religious press in Iran has taken place in a couter current with West imported modern thoughts, likewise some interior ideas that popularized in Iran mainly during the constitutional period and after that.

Cite this article: Sharafi Safa¹, Habib., Rahimi, Fatemeh (2022). The Role of the Modern Ideas in The Manifestation and Growth of Religious Press *News Science*, 11 (42),71-94





اندیشه‌های نوین و نقش آن در ظهور و رشد مطبوعات دینی

حبیب شرفی صفا^۱ | فاطمه رحیمی^۲

۱. دکتری تاریخ ایران - دوره اسلامی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران. رایانامه: sharafihabib@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: f.rahimi1@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	علیرغم وجود سابقه چند هزار ساله کتابت در میان ایرانیان، اما مطبوعات در تاریخ ایران سابقه چندانی ندارد که آن نیز برگرفته از جوامع غربی و به نوعی وارداتی بوده است. همین امر یعنی نفوذ غرب در فرهنگ و سیاست دوره قاجاریه و در کنار آن ظهور برخی اندیشه‌ها و تفکرات مذهبی جدید در داخل ایران نظیر بایبه و بهائیه، زنگ خطری به سنت‌های اسلامی و تشیع بوده و موجب حضور پر رنگ روحانیت جهت مقابله با تفکرات تازه و اندیشه‌های وارداتی گردیده که راه مواجهه با آن‌ها راه فعالیت‌های فرهنگی و در بطن آن، انتشار نشریات مذهبی و درج مقالات در سایر مجلات می‌دانستند. لذا همین موضوع، زمینه‌ساز ظهور مطبوعات دینی و رشد آن‌ها به عنوان نخستین مطبوعات تخصصی در ایران گردید. در این راستا پژوهش حاضر در تلاش است تا با نگاهی به ظهور نخستین مطبوعات دینی در ایران، به معرفی برخی مؤلفه‌ها نظیر: نظام آموزشی نوین، تجدّد و نو اندیشی دینی که به نوعی در رشد مطبوعات دینی نقش داشته‌اند، پرداخته و ضمن یک رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، روند رشد مطبوعات دینی را بررسی نماید. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رشد مطبوعات دینی در ایران، کاملاً در یک جریان مقابله‌ای با اندیشه‌های نوین وارداتی از غرب و نیز برخی اندیشه‌های داخلی که عمدتاً در ایام مشروطه و پس از آن در ایران رواج یافته، صورت گرفته است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۳۰	
کلیدواژه‌ها:	
تقابل اندیشه‌ها، تجدّد و نو اندیشی دینی، حجاب، مدارس جدید، مطبوعات دینی.	

استناد: شرفی صفا، حبیب؛ رحیمی، فاطمه (۱۴۰۱). اندیشه‌های نوین و نقش آن در ظهور و رشد مطبوعات دینی. علوم خبری، ۱۱ (۴۲)، ۷۱-۹۴



مقدمه

آغاز مطبوعات در ایران با دو روایت همراه بوده‌است؛ نخست، برخی از محققان انتشار جراید فارسی زبان صرف‌نظر از محل انتشار آن را، سرآغاز انتشار مطبوعات در ایران دانسته‌اند، برخی دیگر نیز سرآغاز نشر نخستین نشریه در ایران را فارغ از زبان آن – که فارسی یا دیگر زبان‌های رایج بوده – یا ترکیبی از زبان‌ها استفاده شده باشد، آغاز روزنامه‌نگاری در ایران می‌دانند (گودرزی، ۱۳۹۴: ۳۲). در این خصوص، نخستین روزنامه فارسی زبان با عنوان «مرآت‌الاحوال» یا «مرآت‌الخبار» در سال ۱۳۲۴ قمری / ۱۸۲۰ م. در هند انتشار یافته، یعنی قریب به ۲۰ سال پیش از انتشار «کاغذ اخبار» (۱۲۵۳ق / ۱۲۱۵ش) نخستین روزنامه فارسی‌زبان در ایران. اما با این حال آمارها نشان می‌دهند که نشریات منتشر شده از ابتدا تا انقلاب مشروطه، بسیار اندک و آن هم وابسته به دولت بوده‌اند. این رویکرد تک بعدی به نشریات، موجب تأخیر در ظهور نشریات آزاد و تخصصی بوده که نشریات اسلامی نیز در زمره آنان قرار می‌گیرد.

تا پیش از سال ۱۲۸۱، نشریه دینی مستقل در ایران شکل نگرفت. در این سال بود که با گسترش اندیشه‌های جدید که احتمالاً نقد برخی مسائل سنتی را به دنبال داشته، در اصفهان با رأی و نظر آقا نورالله اصفهانی، معروف به «ثقه‌الاسلام»، فردی از علاقمندان به علوم اسلامی مأمور مباحثه با علمای مسیحی در جلفای اصفهان گردید که صورت مذاکرات آن‌ها، در مجله‌ای با نام «الاسلام» یا «گفتگوی صفاخانه» به صورت ماهنامه انتشار یافت. اما با این حال نشریه مذکور، به صورت روزانه چاپ نشده و بیشتر به صورت ماهنامه، منتشر می‌شده‌است. نکته قابل توجه در انتشار این اثر، نه به جهت نخستین نشریه منتشره در زمینه دینی، بلکه علل انتشار آن بوده‌است. نگاهی به فاصله زمانی انتشار این اثر از نخستین روزنامه‌های منتشره در ایران، یک فاصله حدوداً شصت‌ساله را، از انتشار نخستین روزنامه ایران یعنی «کاغذ اخبار»، نشان می‌دهد. این امر خود گویای افزایش شمارگان روزنامه‌ها و مطالب احتمالاً مخالف با دین اسلام، می‌باشد. هرچند که دلایلی نیز، بر آن وارد است: از جمله اینکه نشریات آزاد و غیر دولتی تنها از زمان مظفرالدین‌شاه بوده که اجازه نشر یافته‌اند و چون نشریات دینی در زمره مطبوعات غیردولتی قرار دارند، از این رو در نخستین سال‌های اجازه نشر مطبوعات آزاد، شاهد شکل‌گیری نشریات اسلامی در ایران هستیم؛ دوم، مباحث دینی جنبه خبری و اطلاع‌رسانی نداشتند و بیشتر در زمره مجله‌های تخصصی قرار می‌گرفتند و چون مطبوعات در ایران نیز با روزنامه‌نگاری آغاز شده، بنابراین مجلات دینی تا حد بسیاری متأثر از فضای حاکم

بر جراید، تا آن زمان امکان حضور نداشتند (همان: ۷۶). نشریات اسلامی نیز همچون نخستین نشریات که در صدد ایجاد ارگانی برای پاسخ و مقابله با برخی اخبار منتشره بود، برای مقابله با اندیشه‌ها و تفکرات تازه که به سرعت در حال رشد بودند، تأسیس شدند.

حال پژوهش حاضر با در نظر گرفتن مسأله مذکور و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، در تلاش برای تحلیل اهمیت ورود اندیشه‌های جدید و تأثیر آن بر وضعیت ظهور و رشد نشریات دینی است و در این رابطه، مطالب در دو بخش معرفی نشریات دینی و روند مقابله‌ای آن‌ها با اندیشه‌های نوظهور دسته‌بندی گردیده که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

از جمله آثاری که در آن‌ها مطالعه‌ای در خصوص موضوع این پژوهش، دیده می‌شود، کتاب «سرآغاز نواندیشی دینی» (۱۳۷۷) از مقصود فراستخواه است که در آن، ضمن اشاره به سیر تحول نگاه به دین در میان جوامع عرب و ترک و شبه‌قاره هند و پاکستان، به بررسی و نقد روند اندیشه‌های دینی و دیدگاه‌های متجددان در عصر مشروطه در ایران، پرداخته و نقش مطبوعات و نوع عملکرد آن‌ها را در این دوران، تبیین می‌نماید. همچنین کتاب «کشف حجاب، پیامدها و واکنش‌ها» (۱۳۸۴) تألیف مهدی صلاح نیز، جزو آثاری است که ضمن توجه به نقش تجدد در کشف حجاب، به مطبوعات بازتاب‌دهنده و موثر در این امر نیز، پرداخته‌است و با تکیه بر اسناد، روزنامه‌ها و مجلات، سیر وقوع و رسمیت‌یافتن و پیامدها و واکنش‌های این پدیده را، بررسی می‌کند. از جمله مهم‌ترین تألیف‌ها در این حوزه، کتاب «بررسی تحلیلی نشر مطبوعات دینی در ایران» (۱۳۹۴) است که حاصل پژوهش کمی و کیفی حسین گودرزی بر مطبوعات دینی ایران بوده و گزارش وضعیت انتشار این مطبوعات از ابتدا تا دوران معاصر، می‌باشد. از دیگر پژوهش‌های محققان در این زمینه، مقاله «حوزه‌های علمیه و مطبوعات (دهه ۳۰ تا ۷۰)» (۱۳۸۷) نوشته محمدجواد چیت‌ساز است که به ضمن اشاره به نقش حوزه و روحانیون در ترویج افکار دینی، نمونه‌هایی از نشریات حوزوی در میان دهه ۳۰ تا ۷۰ را، همراه با ویژگی‌هایشان برمی‌شمارد. دیگر مقاله، «جریان‌شناسی تطبیقی مطبوعات دینی در دوره مشروطه و پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۲۸۶)» (۱۳۹۸) از حسن زندیه و حسینعلی قربانی است که به بررسی تطبیقی

اندیشه‌های مطبوعات دینی و مذهبی در دفاع از معتقدات دینی و نقد دیدگاه‌های غربی در دو عصر مشروطه و پهلوی اول، می‌پردازد. هم‌چنین می‌توان به پژوهش‌های «مجله‌ الاسلام، نماینده مطبوعاتی نوگرایان دینی در عصر مشروطیت» (۱۴۰۰) و «بررسی اندیشه‌های اجتماعی در مطبوعات دینی عصر مشروطیت و پهلوی اول» (۱۴۰۱) از حسینعلی قربانی اشاره کرد که ویژگی‌ها و محتوای یک نشریه تأثیرگذار (الاسلام) در عصر مشروطه یا تمامی نشریات دینی دوران مشروطه و پهلوی اول را، بر اساس دیدگاه حاکم بر آن‌ها، بازتاب داده‌اند.

با وجود اطلاعات ارزشمندی که از این پژوهش‌ها، به‌دست داده می‌شود، همچنان مسئله تأثیرگذاری مواردی چون استبداد حکومتی، کشف حجاب و تغییر نظام آموزشی و فرهنگی و... بر عملکرد مطبوعات دینی و جریان مقابله‌ای با اندیشه‌های نوظهور و تجدد دین که در دوران‌های مختلف تاریخ معاصر ایران و توسط این نشریات به‌وجود آمد، بدون داشتن پاسخی تفصیلی و کافی، باقی مانده و بدین جهت، بررسی تحلیلی این موضوع و تأثیر نواندیشی‌های به‌وجودآمده در آن اعصار بر توسعه و گسترش مطبوعات دینی و مذهبی، هدف و امتیاز پژوهش حاضر می‌باشد.

مطبوعات در دوران مشروطه و پهلوی

روزنامه‌های منتهی به دوره مشروطه را می‌توان به داخلی (دولتی و غیر دولتی) و خارجی تقسیم کرد. روزنامه‌های داخلی دولتی، با توجه به حمایت دولت و حکومت از آن‌ها، محتوای خاصی داشته و روزنامه‌های داخلی غیر دولتی نیز به دلیل استبداد و انحطاط، عاری از استواری و اصالت یا فرصت مناسب و آزادی بیان بودند؛ اگرچه این محدودیت برای روزنامه‌هایی که در خارج از کشور انتشار می‌یافتند، وجود نداشت. هم‌چنین غالباً روزنامه‌ها چندان در رسالت روشنگری و تربیت خود، موفق نبوده و بیشتر به مطالب سطحی و مدح و وصف شاه و شاهزاده، می‌پرداختند. با این حال در دوره آزادی نیز، روزنامه‌ها محتوای چندان مفیدی نداشته و در واپسگرایی به سر می‌بردند. آزادی مطبوعات به موجب ضعف‌های فرهنگی، منجر به هرج و مرج ژورنالیسم شد و روزنامه‌ها به بیان سخنانی تند، روی آوردند. سپس از دوره مجلس دوم به بعد، رویکردی به

شدت انتقادی و آشوب طلب یافته و با جزم و تکفیر یا ارتجاع و کهنه‌گرایی، نابودی احزاب نوپای سیاسی را دنبال کردند. با این همه، تأثیر مهم مطبوعات در تحولات دوران منتهی به مشروطه، غیر قابل انکار است (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۳۱۴).

مطبوعات زمینه‌ساز تحولات مثبت و پیشرفت هستند. چنان‌که روزنامه‌نگاری آزاد، موجب رویش اجتماعی و سیاسی یک کشور شده و مطبوعات نوپا، نوید تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری جدید را می‌دهند و تعطیلی و فترت و محدودسازی و فرمایشی‌ساختن نشریات، جوامعی بسته و بیمار می‌سازند. بر این اساس، با توجه به آزادی مطبوعات در اواخر سده سیزده و اوایل سده چهارده هجری قمری، مشروطه به وقوع پیوست و پس از روی کار آمدن مجدد استبداد صغیر، مطبوعات دوباره در تنگنا قرار داده شدند تا راه انتقاد، بسته بماند (همان: ۳۲۳).

اگرچه نقش روزنامه‌نگاری در ایران، از ابتدای پیدایش تا تکوین جنبش مشروطه، چندان دولتی نیست، اما دو مؤلفه تشکیل مطبوعات در تبعید و مطبوعات ملی دوران مشروطه، از عوامل اثربخش این نهضت بودند که هم‌راستایی کانون‌های مشروطه‌خواهی و مطبوعات، موجب وسعت این تأثیرگذاری شد. به طوری که انجمن‌های سری که از جمله این کانون‌ها و تشکیل شده از ملیون و آزادی‌خواهان بودند، از یک سو، هیئت نویسندگان مقالات انقلابی و از سوی دیگر، ناظر و ناشر مطبوعات ملی، تلقی می‌شدند. این هم‌سویی میان مشروطه‌خواهان و روزنامه‌نگاران، سبب شکوفایی مطبوعات در ایران و توسعه آن تا حتی دورترین نقاط کشور شد، با این حال این روند، چندان ادامه نیافت (خانیکی، ۱۳۹۷: ۳۴).

به طور کلی پس از اعلام مشروطیت و آزادی مطبوعات، تعداد روزنامه‌ها افزایش یافته است (همان: ۳۶۲)؛ با این حال، توجه در دو دوره پس از جنبش مشروطه و پس از کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹، نشان‌دهنده دو ساختار مطبوعاتی متفاوت است. در دوره اول، با توجه به عدم تمرکز قدرت سیاسی، دخالت و استبداد حکومتی، تبدیل به نظارتی قانونی می‌شود و مطبوعات در کنار نهادهای جدیدی چون مجلس و انجمن‌ها، توسعه پیدا کرده و یا تعطیل می‌شوند. هم‌چنین کار جمعی مطبوعاتی و تشکل‌های خودانگیخته، شکل گرفته و توقیف

نشریات، با اعتراض مواجه می‌گردد و لذا مطبوعات در آزادی بیشتری، قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، در دوره دوم و متأثر از ساخت خودکامه قدرت، دخالت دولت به وسیله وضع قوانین جدید و تأسیس نهاد نظارتی، افزایش یافته و اقدام جمعی مطبوعاتی، غیرممکن می‌شود. به علاوه، توقیف نشریات بیشتر شده و فرهنگ تملق گسترش می‌یابد و شاهد فزونی مداخله و مدیریت مطبوعات توسط خارجیان، هستیم (همان: ۳۷۳؛ هم‌چنین در مورد دوره دوم نک: همان: ۳۸۴). در سال ۱۳۲۵ و نیمه سال بعد، مطبوعات در خدمت حرکات اجتماعی و عرصه اندیشه‌های مردمی بودند. مطبوعات این دوران، به دلیل داشتن سبک نگارش جدید، نثر روان و بیان ساده افکار، مورد اقبال عمومی واقع شدند، با این حال، دربار و دولتیان، با فشار آوردن به مطبوعات، خواستار تغییر روش آن‌ها می‌شدند (همان: ۳۶۳).

بر این اساس می‌توان گفت که توسعه مطبوعات، تابعی از موضوع کلی‌تر توسعه سیاسی است و از اهداف و لوازم آن، پیروی می‌کند. توسعه مطبوعاتی نیز، به دنبال بالابردن سطح مشارکت و رقابت مردم و گروه‌های اجتماعی در ایجاد و مدیریت نهادهای مطبوعاتی، می‌باشد (همان: ۴۴). با توجه به این مطلب و رابطه توسعه مطبوعات با ساختار قدرت و دولت یک جامعه، می‌توان عمده‌ترین دلیل توسعه‌نیافتگی مطبوعات را، وجود موانع توسعه سیاسی در دو دوره پایانی عصر قاجار (۱۲۸۵-۱۲۹۹) و تکوین قدرت رضاشاه (۱۳۰۰-۱۳۲۰)، عنوان کرد (همان: ۴۹).

عدم ثبات دستاوردها در طول صد و ده سال پس از مشروطه، موجب نامگذاری ایران به «کشور انقلاب‌ها» شده‌است، چرا که تکوین جنبش مشروطه، زمینه‌ساز آغاز دموکراسی برای مردم شد، با این حال در مدتی کوتاه، استبداد مجدد به کشور بازگشت. نهضت ملی‌شدن نفت و دولت دکتر مصدق، فزای دیگر برای آزادی ایرانیان بود که با کودتای رژیم، پایان یافت. اگرچه انتقال قدرت به ملت، زمینه‌هایی برای گسترش و توسعه مطبوعات را در هر دو دوره، فراهم ساخت، اما با تمرکز قدرت‌های کودتایی در سوم اسفند سال ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، این روند، صورتی معکوس به خود گرفت و با طلوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، عرصه دیگری

برای آزادی فراهم شده و با تجربه‌های جدیدی برای مطبوعات در ایران، همراه شد (همان: ۴۶۴-۴۶۵).

تأسیس نخستین نشریات مذهبی در ایران

نشریات مذهبی در حدود نیم سده بعد از تأسیس نخستین نشریه در ایران، پا به عرصه وجود نهادند. هرچند تأخیر در انتشار مطبوعات دینی، به شرایط استبداد کشور در آن بازه زمانی باز می‌گشت، اما وقایع تأسیس این مطبوعات نشان داد که احساس خطر علمای دینی از ورود اندیشه‌های جدید، فراتر از قدرت استبدادی بود و این احساس نیاز برای مقابله با چنین اندیشه‌هایی بود که به رشد نشریات دینی، نیز یاری رساند.

نخستین نشریه دینی ایران، «مجله الاسلام» یا «گفتگوی صفاخانه» در اصفهان بود؛ که با مدیریت سید محمدعلی داعی‌الاسلام تأسیس و شماره اول آن، در رمضان سال ۱۳۲۰ق، مطابق با سال ۱۲۸۱ شمسی و ۱۹۰۳ میلادی منتشر شد (براون، ۱۳۸۶: ۴۹۱). در خصوص علت تأسیس این مجله، در شماره اول آن این‌گونه آمده است: «چون سال‌هاست دعوات عیسویه می‌گفتند که چرا اهل اسلام جواب ما را نمی‌دهند؛ با آنکه از دول فرنگستان [به] بلدان اسلام می‌آییم و اداره دعوت مفتوح می‌نماییم، کوررها در هر سال مخارج این کار می‌کنیم، در هر سال کتاب‌های فراوان در رد اسلام طبع می‌کنیم و به دست اهل اسلام می‌دهیم» (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۳۲). از این جهت، در سال ۱۳۲۰ قمری، حاج شیخ نورالله ثقه‌الاسلام، دعوت اسلامی به نام «صفاخانه» را، برای پاسخگویی به شبهات مسیحیان، در اصفهان تأسیس کرد (همان). با تأسیس صفاخانه اصفهان که موسوم به اداره دعوت اسلامی گردید، یکی از مطلعین و آشنایان به مذهب مسیح، موسوم به سید محمدعلی، ملقب به داعی‌الاسلام، از طرف جامعه روحانیون اصفهان مأمور به مباحثه و مناظره با علما و مبلغین دین مسیح که در این تاریخ به وفور در این شهر رفت‌وآمد داشته، گردیده است. صفاخانه اصفهان، در آغاز امر در خود شهر و جلسات آن، در یکی از حجرات مدرسه صدر اصفهان، واقع در بازار بزرگ که محل سکونت داعی‌الاسلام بود، تشکیل می‌شده و از آن پس، دعوتخانه به نام صفاخانه اصفهان، به جلفا که

مرکز مبلغین و مسیحیان بوده، منتقل گردیده است (همان). در این محل بود که مذاکراتی که دربارهٔ مذهب اسلام و مسیح، بین داعی‌الاسلام و مبلغین مسیحی در صفاخانه می‌شد، همه ماهه در یک رسالهٔ طبع و به نام مجلهٔ الاسلام و یا گفتگوی صفاخانه اصفهان منتشر می‌گردید (همان: ۲۳۴-۲۳۵).

الاسلام مجله‌ای کاملاً دینی و ویژهٔ انتشار مذاکرات و مباحثات داعی‌الاسلام با مبلغان مسیحی بوده‌است. در هر شمارهٔ از مجله، گفتگوهای یک روز درج می‌شده و اگر گاهی صفحات مجله برای درج تمام گفتگو کافی نبود، بقیه در شمارهٔ بعدی منتشر می‌شد. در یکی از مندرجات، این روزنامه به گفتگوی داعی مسیحی با داعی الاسلام پرداخته که چنین است: «داعی مسیحی: فی‌الحقیقه صفاخانهٔ شما در اسلام خیلی تازگی دارد، زیرا هیچ وقت چنین مجلسی در اسلام منعقد نشده بود که اهل هر ملت به طور آزادی حاضر شوند [و] دربارهٔ دین اسلام و ادلهٔ آن، گفتگو نمایند. پیش از اینها گمان می‌کردیم دلیل دین اسلام فقط شمشیر است، حال که این مجلس صفا و گفتگوی شما را می‌بینیم، خیلی تعجب می‌کنیم» (همان).

تجدد و نواندیشی دینی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اندیشه‌های مذهبی در ایران در دو برهه از تاریخ معاصر، مورد تهاجم و تهدید تفکرات غربی قرار گرفته و این موضوع، فرصت بازخوانی این اندیشه‌ها و سنت اسلامی را فراهم کرده‌است. مقطع نخست مربوط به اوج انقلاب مشروطه (۱۲۸۵-۱۲۹۰ق) و رواج اندیشه‌های جدید در قالب مشروطه‌خواهی و دورهٔ دوم در اواسط قرن بیستم و مصادف با روی کار آمدن رضاخان است که نیروهای سیاسی تحت حاکمیتش، از سال‌های ابتدایی دههٔ ۱۳۱۰ شمسی، برنامه‌های مدرن‌سازی برگرفته از الگوهای غربی را پیاده می‌کردند؛ با این حال، دههٔ ۱۳۲۰ را می‌توان به عنوان عصر شروع انتشار عقاید مارکسیستی در بین جوانان، در نظر گرفت. این دو واقعه تهدیداتی بزرگ برای تشکیلات مذهبی محسوب می‌شدند که به تدریج زمینه‌های ضعف آن را، فراهم کردند، چنان‌که در حقیقت واکنش اولیه به این تحریکات، با انگیزهٔ دفاع از دین و ارزش‌های مذهبی صورت گرفت (مبلغی، ۱۳۹۳: ۱۷۷). با این حال می‌توان موج افکار مارکسیستی را، خصوصاً در دههٔ چهل، سبب پویایی تفکر اسلامی دانست (همان: ۱۷۶). در واقع ورود مدرنیته به ایران، موجب تحول اندیشه در دو حوزهٔ نظام سیاسی و حوزهٔ باورهای دینی شده و حوادث سیاسی- اجتماعی پس از آن، زمینه‌ساز از هم‌گسستگی انسجام

فکری گردید. در دوران مشروطه، ورود افکار مشروطه‌خواهی علاوه بر زیر سؤال بردن اعتبار سلطنت، تفکر دینی را نیز به بحران کشید، چنان‌که مشروطه‌خواهان بی‌توجه به عاقبت امر و علمای مشروطه‌خواه، فارغ از تصور نظام جدید که مستلزم به حاشیه رانده شدن دین است، خواستار آن بودند. هم‌چنین در اثر ورود مدرنیته در دوره پهلوی، کارکرد دین در عصر صفویه و قاجاریه به پنداری غیرمدرن تبدیل شده و تفکرات جدید، جایگزین‌هایی برای آن، ارائه دادند (همان: ۱۷۴-۱۷۵).

در پی این تحولات و وقایع، دو جریان عمده اسلامی یعنی جریان «سنتی»، با آغازگری برخی شخصیت‌های حوزوی و به رهبری روحانیون و جریان «نوگرا» همراه با تفکر نواندیشی دینی، در دو مسیر متفاوت و موازی با یکدیگر، شروع به فعالیت نمودند (همان: ۱۷۷). ورود نواندیشی دینی در دوران قاجار و نیز رواج اندیشه‌های مدرن با رویکرد لیبرالیستی و در قالب ملی‌گرایی از سال‌ها قبل، با تأثیرپذیری از تحولات غرب، سبب نقد بنیان‌های دینی و ایجاد شبهه ناکارآمدی دین شد. علاوه بر این، در دوران رضاخان، حکومت مخالفت خود را با برخی مظاهر دینی، به طور رسمی اعلام کرد و قانون‌های کشف حجاب، ممنوعیت عزاداری، اتحاد لباس و منع لباس روحانیون را، به اجرا گذاشت (همان: ۲۰۰). ناکارآمدی دستگاه‌های حل و فصل تعارض‌های اجتماعی در این دوران، سبب فزونی تجزیه فرهنگ ایران، شکاف میان سنت و مدرنیسم و تفرقه‌های اجتماعی و فرهنگی، شد و با بی‌توجهی به پیمان‌های مذهبی و ملی و قانون‌گرایی، زمینه‌های فردیت و حاکمیت نظامی خشونت اجتماعی و به‌کارگیری ساختارهای پنهان را، توسعه داد (خانیک، ۱۳۹۷: ۴۵۷). رضاشاه پس از به‌دست گرفتن کامل قدرت، سیاست مدرن‌سازی جامعه و مذهب زدایی را، دستور کار خود قرار داده و در جهت تثبیت قدرت و جلوگیری از موانع اقتدار خود، کوشید با وضع قوانین عرفی، به ایجاد محدودیت برای روحانیون و تضعیف موقعیت آنان در میان مردم، بپردازد. چنان‌که توسعه نظام آموزشی جدید به سبک اروپا، در راستای تضعیف مکتب‌خانه‌ها - که غالباً به وسیله روحانیون اداره می‌شدند - بود. هم‌چنین طرح قانون اتحاد لباس و ایجاد موسسه وعظ و خطابه نیز، از دیگر اقدامات وی برای مبارزه با این قشر بود که حتی موجب کاهش تعداد روحانیون شد (صلاح، ۱۳۸۴: ۱۸۵). حوزه‌های علمیه در این دوران، با ایفای نقش روحانیون در مبارزه با رژیم پهلوی، پاسخ‌گویی و دفاع از اسلام در مواجهه با اندیشه‌های نوظهور و تلاش برای مقابله با جریانات انحرافی و التقاطی درون حوزه، وارد میدان دفاع از تمامیت ارزش‌های اسلامی شدند و در

جهت حفظ اندیشه‌های اصیل دین اسلام از تهاجم داخلی و خارجی و حکومتی، تلاش کردند (مبلغی، ۱۳۹۳: ۱۹۹-۲۰۰).

ورود عنصر فرهنگی غرب در شرایطی اتفاق افتاد که فرهنگ ملی و دینی از بالندگی فاصله گرفته و افراد بسیاری در داخل و خارج از مرزها، شدیداً متمایل به فرهنگ غربی بوده و چاره و حل مشکلات را، در پیروی از آنان می‌دیدند. به هر میزان که ضرورت تصفیۀ منابع فرهنگی و تقویت انسجام و پیوستگی عناصر دینی و ملی برای مقابله با فرهنگ استعماری غرب، افزایش می‌یافت، تجزیه میان این دو بخش و رواج افراط و تفریطها، بیشتر می‌شد. بر این اساس، استعمار فرهنگی غرب با آگاهی از عنصر مقاومت در فرهنگ دینی، تلاش خود را در راستای ترغیب بیشتر ملی‌گرایان افراطی و پالایش فرهنگ ایرانی از فرهنگ اسلامی و غربی و در نتیجه زمینه‌سازی جامعه برای پذیرش نوسازی‌های مدنظر خود، افزایش داد. غرب‌گرایان ایرانی نیز، با توجه به حقیرپنداری و جستجوکردن راه‌هایی در ماندنشان به فرهنگ غربی، نزدیکی بیشتری با غرب پیدا کردند. در نتیجه این زمینه‌ها، انفصال میان فرهنگ اسلامی و ایرانی، به ویژه در دوران پهلوی، افزایش یافت و فرهنگ اسلامی در معرض تمسخر و تهدید قرار گرفته و در حوزه‌های غیر ملی محصور شد، هم‌چنین در فرهنگ اجتماعی، نفی و طرد اجزای ایرانی، مورد توجه قرار گرفت (خانیکی، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۳۰).

برای نمونه، میرزا فتعلی آخوندزاده، از جمله متجددان مشروطه‌خواه بود که به انتقاد از سنت‌های دینی از جمله عزاداری‌های شیعیان پرداخت: «مگر مصیبت و درد خود آدم کم است که با نقل گزارش هزارساله، اوقات خود را دائماً تلخ بکند و به جهت عمل بی‌فایده، از کسب و کار باز بماند، از این تعزیه‌داری اصلاً نه برای تو فایده‌ای است و نه به جهت امام. وقت خود را به کارهای عظیم صرف بکن؛ بین خلق عالم چه ترقیات می‌کنند. آخر تو نیز حرکتی بکن و قدمی به عالم پروقره بگذار» (آدمیت به نقل از آخوندزاده، ۱۳۴۹: ۲۱۰-۲۱۱). وی هم‌چنین لازمه تهذیب‌نفس و حسن‌رفتار و ارتقای فرهنگ در جوامع آسیایی را، گسترش علم و معرفت در میان آنان، می‌داند (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۷۹): «وقتی که عمل چاپ در آن اقلیم اختراع یافت و خلق به رهنمایی فیلسوفان یوغ اطاعت پایاپایان را از گردن خودشان برانداختند و به تحصیل علم و معرفت، شروع کردند، علاوه بر ترقیاتی که نموده‌اند، شرارت و فساد در یوروپا، نسبت به ممالک آسیا، به اعلا درجه تخفیف رسیده‌است. ما طائفۀ اسلام از هجرت تا امروز، پیوسته در منابر و مساجد و مجامع و مجالس به توسط علما، جهال را به نیکوکاری و حسن اخلاق دعوت می‌کنیم و به ایشان در این باب، انواع و اقسام وعظ و نصیحت می‌دهیم. آیا وعظ

و نصیحت ما در ایشان چه تأثیر بخشیده‌است و نتیجه زحمت ما در مدت هزار و دویست و هشتاد و شش سال، چه شده‌است؟ از طائفه جهال همیشه دزدان و راهزنان و قاتلان بوده‌اند و هستند و زحمت ما به جهت تهذیب اخلاق ایشان به واسطه وعظ و نصایح، بیهوده بوده‌است. پس ثابت می‌گردد که وعظ و نصیحت ما با نوید بهشت و تهدید به دوزخ برای تهذیب اخلاق و ترک معاصی، سبب کافی نیست» (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۱۵۸-۱۵۹).

تقابل مطبوعات دینی و اندیشه‌های نوظهور

۱. نظام آموزشی جدید

پس از به ثمر نشستن انقلاب مشروطیت، مظاهر تمدن جدید غرب، ظهور و بروز گسترده یافته و برخی مطبوعات دینی به مقابله با این عناصر و لوازم و انتقاد به آن‌ها، پرداختند. از جمله این ظواهر، نظام آموزشی جدید بود که زمینه‌ساز موضع‌گیری مطبوعات دینی گشت (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). اگرچه این حرکت با دارالفنون میرزاتقی‌خان در سال ۱۲۶۶ شروع شد، با این حال پس از چندی، به دلیل اوضاع اجتماعی و سیاسی، رو به افول و نابودی رفت (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۳۲۸-۳۲۷). هم‌چنین در پی توجه میرزا حسن رشدیه (فرزند آخوند ملا مهدی تبریزی) (۱۲۶۷-۱۳۶۳) به روزنامه‌آختر و الگوهای جدید غربی در بحث آموزش و نیز سفر وی به بیروت و بازدید از مدارس فرانسوی آنجا (رشدیه، ۱۳۷۰: ۲۰) در سال ۱۳۰۵ اولین دبستان ملی به سبک جدید، توسط او در محله ششگلان تبریز، تأسیس شد (همان، ۲۸). در کنار این مدرسه، مدرسه‌ای جدید نیز در پی سفر وی به تهران، افتتاح گردید (همان: ۳۹). او به دلیل افکار، شیوه و روحیاتش مورد انتقاد طلاب بود و این انتقاد در بهم‌ریختن مدرسه و شکستن تخته‌ها و نیمکت‌ها توسط آن‌ها و اخراج وی از جایی به جای دیگر، نمود داشت. با این حال، بعدها پشتیبانی شیخ هادی نجم‌آبادی و سید محمد طباطبایی، موجب رواج نهضت دبستان‌سازی شد (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۳۲۸). آیت‌الله طباطبایی خود نیز با وجود مخالفت‌ها، به تأسیس مدرسه «اسلام» در تهران با نظام «ناظم‌الاسلام»، روحانی تجددخواه، اقدام نمود (همان: ۳۲۹). ناظم‌الاسلام درباره وضعیت حاکم بر آن دوران و تأسیس این مدرسه می‌گوید: «همه می‌دانید که ابتدای افتتاح مدارس، بعضی از مغرضین به عوام‌الناس مشتبه کرده‌بودند که مباشرین مکاتب و اجزاء مدارس، کافر و نجس‌اند و به مردم گفته‌بودند که این مدارس، اطفال مسلمانان را بی‌دین و خارج از مذهب می‌کنند، نزدیک بود که رشته مکاتب از هم‌گسیخته گردد که جناب حجت‌الاسلام

مدرسهٔ اسلام را تأسیس نمود، آن وقت مردم دانستند که مدرسه و علم منافاتی با دین‌داری ندارد» (ناظم‌الاسلام، ۱۳۸۴: ۱/۱۶۴).

شروع این جریان آموزشی در قرن نوزدهم و با هدف تربیت کادر نظامی بود که بعداً در تامین کادر دیگر سازمان‌ها و نهادهای دولتی نیز، مورد توجه قرار گرفت. با این همه، با توجه به جو حاکم بر این موسسات، ارتباط دست‌پرورگان این نظام آموزشی با فرهنگ و اعتقادات جامعه، ضعیف بوده و غالباً تفکر و فرهنگ آن‌ها، از نوع آداب و رسوم غربی بود (صلاح، ۱۳۸۴: ۸۶). این تغییر نظام آموزش اسلامی که از طریق برچیدن مکتب‌خانه‌ها و جایگزینی نظام آموزش جدید غربی به جای آن، صورت گرفت و کم‌رنگی‌های اعتقادی و فرهنگی بزرگی را، نسبت به عقاید و فرهنگ اصیل جامعهٔ ایرانی رقم زد، موجب نگرانی مطبوعات دینی شد: «رشتهٔ معارف از سیستم اسلامی خود، یعنی تدریس فقه و قرآن و سایر کتب دینی کاملاً تغییر یافته و به سیستم جدید اروپا، تبدیل گشته‌است. مکاتب قدیمه که آن روزها و همه نشانه قدرت اسلام بوده‌اند، امروز به جدیدترین مدارس اروپا تبدیل شده‌اند» (زندیه و قربانی به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). در واقع بیشتر دغدغهٔ آن‌ها، مربوط به عدم رعایت موازین دینی و اسلامی در نظام آموزش جدید غربی و رواج سکولاریسم در میان پرورش‌یافتگان این مدارس بود (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «نمی‌دانیم چه اثری در فضای این مدارس جدید است و چه کلماتی در مغز ساده و بی‌آلایش بچه تزریق می‌کنند که هنوز در کلاس چهار یا پنج مدارس ابتدائی است، به کلی بدبین به موازین و قواعد دیناتی شده، مقدسات و شعائر اسلامی را مکروه شمرده، نسبت به حقایق مذهبی لاقید و لابلالی بر می‌آید. هرچند این مسئله عمومیت ندارد، ولی با غالب این طور دیده شده... وضع پروگرام مدارس و تعلیمات عمومی وضع و دستوری نیست که بچه تعصب از مدرسه بدرآید» (زندیه و قربانی به نقل از صلاح‌بشر، ۱۳۹۸).

پس از روی کار آمدن رضاخان و سیاست‌های غربی وی، وابستگی به نظام آموزشی غرب، افزایش یافته و به اعزام دانشجو به کشورهای اروپایی، اهتمام بیشتری شد. هم‌چنین با توجه به سیاست اسلام‌ستیزانهٔ وی، در نظام آموزش و پرورش جدید، تعلیمات دینی، نخست از آموزش ابتدایی و سپس از مواد درسی، حذف شده (صلاح، ۱۳۸۴: ۸۶) و برای اولین بار دختران، قدم بر دانشگاه‌های مختلط، گذاشتند (رک: بامداد، ۱۳۴۷: ۹۸) و نظام آموزشی مختلط، رسمیت یافت. در واقع این اقدامات رضاشاه، مقابله‌ای جدی‌تر با «نظام قدیم مکتب‌خانه‌ها» بود (آوری به نقل از عیسی صدیق، بی‌تا: ۲/۶۰). این تحولات غربی در نظام آموزشی، بعدها زمینه‌ساز کشف حجاب شد (صلاح، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۷).

همچنین می‌توان رد پای مطبوعات دینی را، در بحث مدارس زنانه نیز دید. اگرچه صاحبان قلم در مطبوعات دینی، نافی تحصیل علم برای زنان نبودند اما قائل به میزان و مقداری برای آن، بودند. این نشریات، علوم مورد توجه متجددین را بی‌فایده دانسته و آن را مایه نابودی زنان، تلقی می‌کردند (زندیه و قربانی به نقل از الاسلام (شیراز)، ۱۳۹۸). برخی از این مجلات اعتقاد داشتند که: «زنان می‌توانند علوم و معارف جدید را نزد پدر و مادر و سایر محارم یا زن‌های عالمه، فرا گیرند» (همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). این موضع‌گیری‌ها تا آنجا پیش رفت که برخی مجلات، با حضور و فعالیت زنان در خارج از خانه، مخالفت کردند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «هرکس به دقت در ساختمان زن و خلقت این جنس لطیف و ضعف و نفس و عقل و دانش او در اصل فطرت و طبیعت تامل کند، حکم قطعی خواهد کرد که وظیفه زن همان است که دین اسلام مقرر داشته و باید فقط و فقط به تنظیم امور منزلیه و تشکل عائله داخلیه بپردازد» (همان به نقل از الاسلام، ۱۳۹۸). بنابر نظر آنان، حضور زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، موجب فساد و از هم‌پاشیدگی خانواده، می‌شد (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). «دعوت‌اسلامی» بیشترین میزان مقاله را در موضوع زنان داشت که تعداد آن‌ها در شماره‌های موجود از این نشریه، به ۲۸ مقاله می‌رسد (همان).

۲. کشف حجاب

در عصر مشروطه، مسئله حجاب و زنان، چندان در مطبوعات دینی مطرح نبوده‌است، بلکه تنها برخی از مطبوعات غیردینی به این موضوع پرداخته‌اند (همان)، برای نمونه روزنامه نسیم‌شمال که روزنامه‌ای ادبی به سرپرستی یکی از تحصیل‌کردگان علوم دینی است، شعری مفصل در مورد حجاب منتشر ساخت (ر.ک همان به نقل از نسیم‌شمال، ۱۳۹۸).

با این حال در دوران پهلوی، این موضوع در میان مطبوعات به شدت مورد توجه قرار گرفته و مدیران مسئول مطبوعات دینی، بخشی از فعالیت‌های خود را، به پاسخ‌گویی به حامیان کشف حجاب و ترجمه کتاب‌ها و رسائلی در این زمینه، اختصاص دادند. مطبوعات این عصر، مکرراً به ضررها و زیان‌های کشف حجاب می‌پرداختند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸) برای مثال این موضوع را سبب پریشان‌حالی و تیره‌بختی دانسته (همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸) و یا اینطور عنوان می‌کردند که: «نفاق و شقاق در بین اهالی کشور ایجاد می‌کند و این نظم و امنیت که به واسطه شاهنشاه رضا پهلوی ایجاد شده‌است دچار مخاطره می‌شود» (همان به نقل از الاسلام (شیراز)، ۱۳۹۸). به علاوه، نویسندگان این مطبوعات، بر دلایل ایجابی حجاب

نیز، تأکید می‌کردند: «حجاب توده نسوان را از بدبختی بیرون کشیده و به شاهراه سعادت سوق می‌دهد؛ آنان را از هرگونه حملات مصون و محفوظ نگاه خواهد داشت» (همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸).

از سال ۱۳۱۲ که فضای کشور، تحت تأثیر تبلیغات حامیان کشف حجاب قرار گرفت، فعالیت مطبوعات دینی نیز در این زمینه، افزایش یافت و مجلاتی نظر «دعوت اسلامی» و «الاسلام» که هنوز باقی مانده بودند، در هر شماره مقاله‌ای را به موضوع زنان و حجاب، اختصاص دادند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). با این وجود از شماره ۱۳۱۳ش، دیگر مقاله‌ای در این زمینه در مطبوعات دینی، منتشر نشده و این توقف مقالات، احتمالاً به دلیل هشدار دولت به مدیر مسئول این مجلات، بوده است. نزدیکی این تاریخ با زمان اعلام رسمی کشف حجاب، چنین گمانی را تقویت می‌کند. شاید بتوان گفت که تعطیلی مجله «دعوت اسلامی» نیز، نه به واسطه تصمیم مدیریت آن که به دلیل فشار حاکمیت بوده است. چنان که وجود اسنادی مبنی بر سخت‌گیری و سوءظن دولت نسبت به این نوع مجلات، می‌تواند شاهی بر این مطلب باشد (همان به نقل از سازمان اسناد همدان، ۱۳۹۸).

۳. تحولات فرهنگی

رمان‌ها و کتاب‌های غربی، از دیگر مصادیق تمدن جدید غرب بودند که مشهوریت چندانی در بین برخی جوانان داشتند و با توجه محتوای باطل خود، زمینه نابودی و هلاکت ایشان را فراهم می‌کردند. به همین علت، مطبوعات دینی نسبت به این اتفاق ابراز نگرانی کرده (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸) و توصیه به مطالعه کتب فارسیه اخلاق و دستورات حکیمانه دیانت اسلام، به جای خواندن مطالب دروغ و غیر حقیقی این دست کتاب‌های غربی، می‌نمودند (نک: همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). آن‌ها در مقابل، توجه جوانان را به مطالعه داستان‌های تاریخی قرآن جلب کرده و خود نیز، در راستای حفظ آنان از خیالات و موهومات و مطالب باطل کتاب‌های غربی و عواقب مطالعه آن‌ها، به شرح و توصیف قصص قرآن همچون داستان حضرت یوسف، اهتمام ورزیدند (رک: همان به نقل از الاسلام (شیراز)، ۱۳۹۸).

از دیگر مصنوعات فرهنگی رایج غرب در ایران عصر پهلوی اول، سینما و گرافون بود که نشریات دینی، ضررهای آن‌ها را، در کنار زیان‌های رمان و داستان‌های غربی، متذکر می‌شدند: «اگر ما دانستیم که اخلاق اساس زندگی است و اینها (رمان، سینما و گرامافون) هم می‌توانند در اخلاق، تصرفات مهمی کنند، باید توجه بیشتری به آن‌ها داشته باشیم؛ ولی افسوس

که امروز گذشته از اینکه رعایت جنبه اخلاقی در آن‌ها نشده، بیشترش باعث فساد اخلاق است» (همان به نقل از همایون، ۱۳۹۸). این مطبوعات هم‌چنین در پی نقد صنعت سینما، آن را بی‌اهمیت و فایده دانسته و معتقد بودند که تنها افراد اندکی در غرب، مخاطب سینما هستند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «... در یک شهر اروپا در میان هزاران تماشاچی، ۵۰ نفر اشخاص متین زحمتکش رنجبر پیدا نخواهی کرد که در اثر خستگی روح و دماغ از کارهای رسمیه یومیه، برای ساعاتی رفع‌خستگی در آن منظره حاضر شده‌باشد» (همان به نقل از دعوت‌اسلامی در پاسخ به نشریه طهران مصور، ۱۳۹۸). با این‌وجود، به دلیل عمومیت گرامافون در میان تمامی افراد، آن را موثرتر در تنزل مردم، می‌دانستند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «رمان را تنها مردم باسواد می‌توانند بخوانند و سینما را، تنها مردم متمدن شهری می‌توانند ببینند، ولی از گرامافون هرکسی در هرجا، می‌تواند نتیجه بگیرد» (همان به نقل از همایون، ۱۳۹۸). علاوه بر این موارد، شبیه‌سازی ظاهری به غرب و فرنگ نیز، مورد نقد نویسندگان مطبوعات دینی قرار داشت و به مصادیق آن از جمله کروات، می‌تاختند (همان).

۴. عقب‌ماندگی مسلمانان

با توجه به عوامل ساختاری موجود، مطبوعات دینی این اعصار در موضوع عقب‌ماندگی مسلمانان، تفاوت‌هایی داشتند. دو دهه نخست مشروطه، دورانی با ساختار سیاسی بی‌ثبات و تزلزل کابینه‌ها و در نتیجه ناامنی و آشوب در کشور بود، لذا مطبوعات در این سال‌ها، توجه و تأمل بیشتری بر عقب‌ماندگی و علل و راهکارهای رفع آن داشتند. اما با روی کار آمدن سلسله پهلوی و افزایش ثبات و امنیت و به تبع آن، پیشرفت در برخی ابعاد خصوصاً بعد اقتصادی، دغدغه‌های دیگری مطرح شده و اولویت‌ها در مطبوعات دینی، تغییر یافتند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸).

مطبوعات دینی عصر مشروطه، به دو دسته عوامل داخلی و خارجی در علت عقب‌ماندگی مسلمانان، اشاره می‌کردند. از نگاه این نشریات، جزم‌اندیشان دینی و غرب‌گرایان بی‌دین هر دو به یک میزان، مانع ترقی و تکامل جامعه اسلامی بودند (همان): «دسته اول دارای جمود و خمود فکری هستند و صاحب نظریات و افکار سطحی و محدود که حقیقت اسلام نزد اینان، فقط عبارت است از یک مقداری عبادات بدنی که در او بذل مالی نیست و اما سایر اصول مهمه اسلام که متکلف فضائل اخلاق و علم و تمدن صحیح و بذل نفس و نفیس در فواید نوعیه است، نزد اینان از اصول اسلام محسوب نیست» (همان به نقل از الاسلام

(تهران، ۱۳۹۸، ۷۳). گروه دوم نیز: «اعتقادی به ایمان نداشته و سعادت و ترقی بشر را در آزادی از قید و بند می‌دانستند و نه تنها دین اسلام، بلکه کلیه ادیان را مانع از ترقی و تکامل می‌پنداشتند. از جمله افکار مسمومه این صنف، آن است که سنن حیات انسانی را منوط به نوامیس دینی ندانسته و حافظ و حارس این مقام را فقط قانون مدنی دیده‌اند» (همان). هم‌چنین در بحث عوامل خارجی، با توجه به تسلط گسترده کشورهای غربی بر اقصی نقاط جهان و اخبار مکرری که از تعرضات کشورهای اروپایی به ممالک اسلامی به ویژه عثمانی، مراکش، طرابلس غرب و بالکان می‌رسید، نویسندگان مطبوعات دینی، پی‌درپی، نسبت به دشمنی اروپاییان با قرآن و اسلام هشدار داده و در این مورد سخن می‌گفتند: «اروپاییان به طرق مختلف می‌کوشند که حکومت اسلامی را نابود کنند و مسلمانان را به بندگی بکشند» (همان). شاخص‌ترین طرح مطبوعات دینی دوره مشروطه، برای نجات مسلمانان از انحطاط و عقب‌ماندگی و چند دستگی و تفرقه به وجود آمده، احیای وحدت اسلامی در میان امت و تشکیل جامعه اسلامی بود که با تأسی از پیشینه درخشان اسلام، ارائه شده بود (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «آیا وقت آن نرسیده یک هیئت اتحادیه اسلامی رسمی تشکیل داده و دست اتحاد بیک (به یک) دیگر بدهید و ناظر اعمال یکدیگر بوده و در موارد مقتضیه، دفاع از یکدیگر کرده و دست متعدیان به یکدیگر راه، کوتاه کنید» (همان به نقل از تذکر، ۱۳۹۸).

در دوره پهلوی اول، دیدگاه‌ها در مورد عقب‌ماندگی مسلمانان، در مطبوعات دینی تغییر کرده و حتی تحلیل‌هایی برخلاف نظرات پیشین، داده شدند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). به باور برخی از این نشریات، زمامداری رضاشاه، زمینه‌های تکامل ایران را فراهم کرده و عقب‌ماندگی علمی مسلمانان، در حال ترمیم بود (همان به نقل از دعوت اسلامی، الاسلام شیراز) و آفتاب شرق، ۱۳۹۸). با این وجود این مطبوعات به معضل گسترش کفر و الحاد در جامعه و خطر تضعیف باورهای اسلامی اشاره کرده و راهکار را در تأسیس مدارس حوزوی با هدف تبلیغ، می‌دانستند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «امروز لزوماً برای تشدید دیانت و ترمیم مفاسد اجتماعی هیئت مسلمین مملکت اسلامی ایران، مدارس تبلیغی و تعلیمات اخلاقی و دیانتی محتاج است» (همان به نقل از دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). این نظر که با کمی تفاوت، دیدگاه اکثر نشریات دینی بود (همان به نقل از الدین والاحیاء، ۱۳۹۸)، نشان از تلاش گسترده ایشان، برای جلوگیری از گسترش مدارس دولتی به سبک اروپایی داشت (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸) و به همین علت، از حامیان شریعت و زمامداران اسلامی تقاضا می‌شد که با قلم‌زدن در این حوزه، به انتشار حقایق اسلامی در مقابل جریان کفر و الحاد، مبادرت ورزند (زندیه و قربانی به نقل از

دعوت اسلامی، ۱۳۹۸). در این زمینه شایان ذکر است که انعکاس آشکار مخالفت مطبوعات با سیاست‌های فرهنگی دولت و انتقاد صریح به آن‌ها، میسر نبوده و توقیف فوری این نشریات را، به دنبال داشت (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸).

از منظر تعدادی دیگر از مجلات دینی، همچون عصر مشروطه، بی‌سوادی و جهل مردم عاملی مؤثر در عقب‌ماندگی بود (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸). صاحبان قلم هشدار می‌دادند که: «اگر به این منوال پیش برویم به خاک مذلت دچار می‌شویم» و لذا، در جهت توجه ویژه به موضوع تعلیم و تربیت، بخشی از یک مجله در سال دوم، به این موضوع اختصاص داده شده بود (همان). این اهتمام به علم‌آموزی همراه با توصیه به فراگیری علوم غربی، برای ایجاد پیشرفت و تمدن‌سازی بود (همان به نقل از بلاغ، ۱۳۹۸). هم‌چنین درپیش‌گرفتن راه تقلید موهوم و بدعت‌ها و عدم اهتمام و پیروی از آموزه‌های دین اسلام، عاملی دیگر برای جدایی و پریشانی جامعه، تلقی می‌شد (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «اگر ملت را ملت واحد می‌کردیم؛ یعنی در تحت حاکمیت هیئت علمی از طراز اول که خود، به طور وضوح کسب مسلمیت کرده‌اند، هر کس را آزادی داده که در مرکز همان هیئت معتقدات خود را به مذاکره گذاشته، با جرح و تعدیل تشخیص حق از باطل فرمود، حق را تصدیق و باطل را مردود فرمایند، آن وقت در سایه توحید مذهبی، اتحاد کلمه، وحدت ملی، گوی سبقت از همگان ربوده، کوس قهرمانیت در همه‌جا کوبیده» (همان به نقل از الدین‌والحیات، ۱۳۹۸).

۵. تعارضی دین اسلام و علم

سال‌ها پیش از مشروطه، عده‌ای از روشنفکران با الگوبرداری از غرب، دین اسلام را در تعارض با علم روز و پیشرفت‌های آن دانسته و با بیان انتقادات تند، زمینه واکنش مطبوعات دینی را، فراهم ساختند. بر این اساس، تعدادی از مطبوعات این دوره، با انتشار مقالاتی، به دفاع از اعتقادات دینی پرداختند. این نشریات بر لزوم بازسازی و احیای برخی احکام اسلامی و خالص کردن امور دینی از خرافات، تأکید می‌کردند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸) و از این طریق، به دنبال نشان دادن هماهنگی و عدم تنافی دین اسلام با تمدن جدید و نیز، نمایان ساختن شایستگی و استعداد‌های وجودی بیشتر دین اسلام در مقایسه با علوم و پیشرفت‌های غربی بودند (همان به نقل از الاسلام (تهران)، ۱۳۹۸). «... غرض، رفع سوء تفاهم متجددین و فرزندان امروزی است؛ چه مکرر از آن‌ها شنیده شده که می‌گویند قرآن مجید تقویت می‌کند هیئت بطلمیوسی را که بطلان او به سر حد ضرورت و بداهت رسیده. خواستیم مدلل بداریم که این سخن خطاست؛ قرآن و

اخبار اهل بیت رسالت، به هیئت جدید نزدیک‌تر است تا هیئت قدیم؛ بلکه بعضی آیات تصریح دارد به بعض مقاصد آن‌ها» (همان به نقل از الاسلام (شیراز)، ۱۳۹۸). «به دلیل و برهان ثابت خواهیم کرد که بر خلاف بعضی از ادیان که با ترتیبات علمیّه حاضره، منافات دارند، تعلیمات شرع شریف اسلام، مطابق و موافق قوانین صحیّه جدیده‌است!» (همان به نقل از صدای اسلام، ۱۳۹۸). در این زمینه، مجله «دعوت اسلامی» با ۱۷ مقاله، بیشترین توجه را به این موضوع داشته‌است (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸).

۶. ضرورت اجرای احکام اسلامی

از وجوه اشتراک مطبوعات دینی در دوران مشروطه و پهلوی اول، ضرورت اجرای قوانین و احکام اسلامی در جامعه و جلوگیری از منکرات بود. این موضوع در اغلب مطبوعات دینی، مورد دقت نظر قرار گرفت و انتقادات و موضع‌گیری‌های آشکاری، نسبت به فضای روشن‌فکرانه حاکم بر جامعه و عدم اجرای احکام و دستورات اسلامی، بیان گردیدند (همان).

در این میان، تنها یک نشریه به صراحت به نظام مشروطه و آورده‌های ضدّ دین آن، تاخت (نک: زندیه و قربانی به نقل از جریده اسلامی، ۱۳۹۸) و سایر مطبوعات دینی، ضمن پذیرش ساختار مشروطیت و تعامل با نهادهای سیاسی جدید، در پی اجرای احکام اسلامی در جامعه ایران، بودند: «از یک قرن قبل به بعد، حالت اسلام و پیروان طریقه حضرت خیرالانام، به واسطه عدم اجرای قوانین سیاسی قرآن، رو به تنزل و انحطاط گزارده و اگر دیگر بدین منوال بگذرد، از اسلامیت و ملیت و قومیت ما، اثری باقی نخواهد ماند» (همان به نقل از الحق، ۱۳۹۸). به‌علاوه نویسندگان این مطبوعات، با انتشار شرح حال علمای سیاسی، بر ضرورت همراهی و دخالت دین در امور اجتماعی، تأکید می‌کردند (زندیه و قربانی به نقل از روزنامه عظمت اسلام، ۱۳۹۸). در این راستا، کناره‌گیری برخی علما از سیاست، موجب شده بود تا هر دو نهاد روحانیت و حاکمیت، به طور غیرمستقیم، مسئول اِشائۀ منہیات و انتشار مطالب ضدّ دینی، معرفی شوند (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «اگر روحانیون ما قدری به فکر ما می‌بودند؛ اگر هیئت دولت قدری به فکر ملت می‌بود؛ کار به این رسوایی نمی‌کشید که امور مذهبی و دینانی، به تقاضای ملت از مجلس ملی رعایت گردد. در محیط اسلامیت با بودن قرآن مجید، کسی چه حقی دارد که بر خلاف مذهب، نگارش دهد» (همان به نقل از الکمال، ۱۳۹۸).

با روی کار آمدن رضاشاه، سکولاریسم و تفکیک دین از سیاست، شدت گرفته و حضور دین در صحنه‌های جامعه، محدود شد. لذا در این دوره، شاهد افزایش انتشار مقالات در این زمینه در مطبوعات دینی، هستیم (زندیه و قربانی، ۱۳۹۸): «ماه مبارک با این برکت و عظمت، جز دو سه مسجد، همه آن‌ها یا درش بسته و قفل شده و یا از کثرت گردوغبار، قدم (در آن) نمی‌توان گذاشت. کو آن مساجد و جمعیت که در صف جماعت سر جا، گردن هم می‌شکستید و برای شنیدن موعظه، دوش هم سوار می‌شدید...» (همان به نقل از الدین‌والحیات، ۱۳۹۷).

بحث و نتیجه‌گیری

مدتی پس از انتشار «مرآت‌الخبار» در هند (۱۳۲۴ق/ ۱۸۲۰م.) و «کاغذ اخبار» در ایران (۱۲۵۳ق/ ۱۲۱۵ش)، به عنوان نخستین نشریات خارجی و داخلی فارسی زبان و در پی بهتر شدن شرایط و کنار رفتن رویکرد تک بعدی، نشریات آزاد و تخصصی رواج یافتند. سرانجام به دنبال احساس نیاز علما و تلاش‌های آنان و نیز غلبه بر استبداد حکومتی، در سال ۱۲۸۱ و حدود نیم قرن پس از انتشار نخستین جراید فارسی زبان، اولین نشریه دینی و مذهبی ایران با نام «الاسلام» یا «گفتگوی صفاخانه» با موضوع مناظره درباره دین اسلام و مسیحیت جهت پاسخ‌گویی به شبهات مسیحیان، به سرپرستی داعی‌الاسلام، عالم آشنا با مذهب مسیح، تأسیس شد. نکته شایان توجه، علت انتشار این مجله، یعنی فاصله زمانی شصت‌ساله این نشریه از نخستین روزنامه ایران و احیاناً افزایش شمارگان روزنامه‌ها و مطالب احتمالاً مخالف با دین اسلام است. بنابراین علمای دینی ضمن توجه به این مندرجات و نیز شرایط به وجود آمده و ورود اندیشه‌های جدید و نوظهور موثر بر جامعه، به مقابله با این اندیشه‌ها و دستاوردهای آن‌ها، در مطبوعات دینی گوناگون عصر مشروطه و پهلوی پرداختند. مطالعات نشان می‌دهد که این مواجهه، در مسائل مرتبط با تجدد دینی و به طور خاصه کشف حجاب، نظام آموزشی جدید، تحولات فرهنگی، دلایل عقب‌ماندگی مسلمانان، تعارض دین اسلام با علم و لزوم اجرای احکام اسلامی در جامعه و جلوگیری از تفکیک دین از سیاست، بوده‌است.

منابع

۱. آوری، پیتر. (بی تا). تاریخ معاصر ایران، از تأسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۳، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: موسسه انتشارات عطایی.
۲. آدمیت، فریدون. (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتعلی آخوندزاده، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۳. آخوندزاده، میرزا فتعلی. (۱۳۵۷). مکتوبات و الفبای جدید، گرآوری حمید محمدزاده، تبریز: نشر احیاء.
۴. براون، ادوارد. (۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات علم.
۵. بامداد، بدرالملوک. (۱۳۴۷). زن ایرانی، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران: انتشارات ابن سینا.
۶. خانیکی، هادی. (۱۳۹۷). قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: طرح نقد.
۷. رشیدی، فخرالدین. (۱۳۷۰). زندگی نامه پیر معارف رشیدی، تهران: انتشارات هیرمند.
۸. زندیه، حسن و قربانی، حسینعلی. (۱۳۹۸). جریان شناسی تطبیقی مطبوعات دینی در دوره مشروطه و پهلوی اول (۱۲۸۶-۱۳۲۰). معرفت، ۲۸(۶)، ۶۷-۷۷.
<http://marifat.nashriyat.ir/node/3532>
۹. صلاح، مهدی. (۱۳۸۴). کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۰. صدر هاشمی، محمد. (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران (مجموعه چهار جلدی)، اصفهان: کمال.
۱۱. گودرزی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی نشر مطبوعات دینی در ایران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۷). سرآغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیر دینی)، بی جا: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. مبلغی، عبدالمجید. (۱۳۹۳). نواندیشی دینی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
۱۴. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی. (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر.

Legal issues of digital and archiving preservation of newspapers in libraries; Studying copyright laws and selected national libraries

Zeinab Papi 1  |

1. Ph.D., Assistant Professor, Information Management and Knowledge Organization department, National Library and Archives of Iran, Tehran. E-mail: zeinab.papi12@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 20 July 2022

Received in revised form 28 July 2022

Accepted: 28 August 2022

Published online: 21 September 2022

2022

2022

2022

Keywords:

Copyright, digital archiving, digital preservation, newspapers, selected national libraries

ABSTRACT

Objective: Digital preservation and archiving of newspapers, especially old newspapers, is very important. An issue that is also important from a legal point of view and has shaped the issue of the current research. Therefore, the purpose of the current research is investigating the legal issues of digital preservation and archiving of newspapers in the national libraries of Iran, Australia, and the US Congress. **Methods:** The current research with a qualitative and comparative approach and documentary analysis method studied and analysed related documents and laws and selected national libraries regarding legal and copyright related to the digital preservation and archiving of newspapers. **Findings:** In this research, the Copyright law of Iran 1968, the draft bill of literary and artistic property of Iran, the copyright law of Australia, the copyright law of the United States, the UNESCO guidelines regarding digital preservation and archiving are reviewed. Then the portal the selected national libraries of Iran, Australia, and the US Congress were studied for this purpose and the final analysis was presented using open coding (primary, secondary coding and categorization). 46 categories were obtained in 13 common classes with the focus on protection and digital archives by analysing rules. The number of 35 categories in 8 classes was also obtained by analysing the portal of selected national libraries. **Results:** The analysis of the results showed that the preservation of important historical resources in archival centres and libraries, determining the legal framework of copyright for digital preservation, digital archiving content under the law, temporary and permanent storage, preparing backup copies of digital resources, publishing articles newspaper (as a result of employment), reproduction of newspaper articles with profit and non-profit purposes, protection of newspaper articles by copyright law, exceptions to newspapers in the copyright law for libraries and archival centres and the like. They can be used in the draft bill and the National Library and Archives of Iran (NLAI) for the digital preservation of newspapers. **Conclusions:** The implementation of digital preservation and archive programs in libraries and archive centres requires the use of standards and models such as OAI and paying attention to legal metadata that can provide long-term protection of digital content. In the WIPO document to the importance of legal metadata in libraries and archive is mentioned. According to the analysis and the obtained results, the following suggestions are made to pay attention to the issues of copyright protection and digital archives in libraries and to revise the laws.

Cite this article: Cite this article: papi, Zeinab., (2022). Legal issues of digital and archiving preservation of newspapers in libraries; Studying copyright laws and selected national libraries *News Science*, 11 (42), 95-124



مسائل حقوقی حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها در کتابخانه‌ها؛ مطالعه قوانین کپی‌رایت و کتابخانه‌های ملی منتخب

زینب پاپی^۱

۱. دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، استادیار گروه پژوهشی مدیریت اطلاعات و سازماندهی دانش، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تهران. رایانامه: zeinab.papi12@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۶</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: آرشیو دیجیتال، حفاظت دیجیتال، روزنامه‌ها، کپی‌رایت، کتابخانه‌های ملی منتخب</p>	<p>هدف: بررسی مسائل حقوقی حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها در کتابخانه‌های ملی ایران، استرالیا و کنگره آمریکا هدف پژوهش کنونی است.</p> <p>روش پژوهش: پژوهش پیش‌رو با رویکرد کیفی و تطبیقی و روش تحلیل اسنادی به مطالعه و تحلیل اسناد و قوانین مرتبط و کتابخانه‌های ملی منتخب از باب حقوقی و کپی‌رایت پیرامون حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها پرداخت. یافته‌ها: قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران ۱۳۴۸، پیش‌نویس لایحه مالکیت ادبی و هنری ایران، قانون کپی‌رایت استرالیا، قانون کپی‌رایت ایالات متحده و رهنمودهای یونسکو در خصوص حفاظت و آرشیو دیجیتال بررسی و سپس پورتال کتابخانه‌های ملی منتخب ایران، استرالیا و کنگره آمریکا به همین منظور مطالعه و با استفاده از کدگذاری باز (کدگذاری اولیه، ثانویه و مقوله‌بندی) تحلیل نهایی ارائه شد. ۴۶ مقوله در ۱۳ طبقه مشترک با محوریت حفاظت و آرشیو دیجیتال با تحلیل قوانین و تعداد ۳۵ مقوله در ۸ طبقه نیز با تحلیل پورتال کتابخانه‌های ملی منتخب در همین موضوع به دست آمد. نتیجه‌گیری: حفاظت از منابع مهم تاریخی در مراکز آرشیوی و کتابخانه‌ها، تعیین چارچوب قانونی کپی‌رایت، آرشیوسازی محتوای دیجیتال تحت قانون، ذخیره‌سازی موقت و دائم، تهیه نسخه پشتیبان از منابع دیجیتال، انتشار مقالات روزنامه (در اثر استخدام)، تکثیر مقالات روزنامه‌ها با اهداف انتفاعی و غیرانتفاعی، حمایت قانون کپی‌رایت از مقالات روزنامه‌ها، مالکیت عمومی روزنامه‌ها و تکثیر روزنامه‌ها در ارتباط با حفاظت و آرشیوسازی دیجیتال با توجه به چارچوب‌های قانونی و کپی‌رایت می‌توانند در قوانین و در کتابخانه ملی ایران جهت حفاظت دیجیتال از روزنامه‌ها بهره‌برداری شود. همچنین اجرای برنامه‌های حفاظت و آرشیو دیجیتال در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی نیازمند بهره‌گیری از استانداردها و مدل‌هایی مانند OAI و توجه به فراداده‌های حقوقی است که بتواند حفاظت بلندمدت از محتوای دیجیتال را ارائه کند.</p>

استناد: پاپی؛ زینب (۱۴۰۱): مسائل حقوقی حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها در کتابخانه‌ها؛ مطالعه قوانین کپی‌رایت و کتابخانه‌های ملی منتخب، *علوم خبری*، ۱۱ (۴۲)، ۹۵-۱۲۴



مقدمه

در دهه‌های گذشته، برخی از کتابخانه‌ها گام‌های بلندی برای دیجیتالی کردن و در دسترس قرار دادن حجم زیادی از منابع مانند اسناد، روزنامه‌ها و سایر مجموعه‌های ارزشمند و منحصر به فرد جهت حفاظت بلندمدت از منابع آرشیوی برداشته‌اند. روزنامه‌ها و نشریات بسیاری از دهه‌های گذشته تاکنون در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی حفاظت می‌شوند.

فعالیت‌های حفاظت دیجیتال منابع در دو مرحله انجام می‌گیرد: آرشیوسازی دیجیتالی^۱ و دستیابی دائمی^۲ آرشیوسازی دیجیتال به معنای فرایند پشتیبانی و نگهداری حفاظت دیجیتال است. دستیابی دائمی فراهم‌سازی شرایط دسترسی دائم به شیء دیجیتال است. از سوی دیگر، مطالعات کتابخانه‌های دیجیتالی در عرصه جهانی نشان داده است که یکی از زیربخش‌های اصلی در حوزه فناوری اطلاعات را حفاظت دیجیتال به خود اختصاص می‌دهد (نوروزی، ۱۳۹۵).

اکثر کتابخانه‌های ملی دنیا در حال گردآوری منابع مختلف دیجیتال به طرق مختلف هستند. این کتابخانه‌ها مایلند امکان دستیابی آزاد را برای همه منابع دیجیتال فراهم کنند. اگرچه چنین دستیابی در وهله اول ممکن است محتمل به نظر برسد، اما چنین نیست. دستیابی اغلب از طریق مقررات کپی‌رایت و سایر موافقت‌نامه‌ها محدود می‌شود (صمیعی، ۱۳۹۸). روند روبه رشد و سریع دنیای دیجیتال، محتوا و فناوری‌های دیجیتالی را روزانه با پیشرفت‌های قابل توجهی مواجه کرده است. این روند، سبب چالش جدی در انتخاب، حفاظت و دسترسی به میراث مستند برای مؤسسات میراث فرهنگی و سایر نهادهای اطلاع‌رسانی در دنیا شده است. برخی از کتابخانه‌ها صرفاً گردآورنده حافظه محلی یا منطقه‌ای هستند. روزنامه‌ها و مواد دیداری-شنیداری از جمله حافظه تاریخی قلمداد می‌شوند (گروه کاری محتوای یونسکو/پرسیست^۳، ۲۰۲۱). روزنامه‌ها از جمله منابع مهم و قابل استنادی محسوب می‌شوند که در دوره‌های تاریخی مختلف به عنوان سند و یکی از منابع پژوهشی قابل ارزش‌گذاری است. روزنامه‌هایی مانند وقایع اتفاقیه و کاغذ اخبار، به عنوان قدیمی‌ترین روزنامه‌ها در ایران نام برده می‌شود.

روزنامه‌ها بخش مهمی از میراث و تاریخ یک کشور محسوب می‌شوند و استفاده‌کنندگان از هر طبقه‌ای برای اهداف مختلف از آنها بهره‌برداری می‌کنند. بنابراین نباید

1. Digital Archiving
2. Permanent Access
3. UNESCO/PERSIST Content Task Force

اجازه داد به حدی شرایط حفاظت از آنها بدتر شود که اطلاعات موجود در آنها برای همیشه از بین برود (نیکلسون،^۴ ۲۰۰۳). البته با ورود روزنامه‌نگاری الکترونیکی، موضوع دیجیتال‌سازی و حفاظت از روزنامه‌ها به ویژه روزنامه‌های قدیمی به عنصر و مؤلفه‌ای مهم در عرصه مدیریت اطلاعات مطرح شده است.

در اکثر پروژه‌های دیجیتال‌سازی، هدف، دسترسی بهتر به کاربران بیشتر است. بنابراین کپی‌های متعددی را شامل می‌شود که در قانون اجازه آن داده نشده است. همچنین، فرآیند فنی دیجیتالی شدن به طور خودکار بیش از یک نسخه ایجاد می‌کند، بنابراین برای دیجیتالی کردن کل یا بخش بزرگی از مجموعه روزنامه، مجوز کپی‌رایت ضروری است. دارندگان حقوق/مالکان، تمایلی به دادن مجوز برای پروژه‌های دیجیتالی کردن ندارند، به خصوص که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان می‌توانند به منابع دسترسی داشته باشند. حفاظت دیجیتالی بخش مهمی از ایجاد و مدیریت هر مجموعه دیجیتالی است. همواره هر راهبرد حفاظتی اعم از ذخیره‌سازی یا قالب‌بندی نیازمند کسب اجازه از دارندگان / مالکان کپی‌رایت است. ضمن اینکه پروژه‌های این‌چنینی برای اجازه کپی‌رایت، ضروری است مقرراتی جهت استفاده منصفانه، امانت بین کتابخانه‌ای، آرشیوسازی، هایپرلینک کردن و کپی‌های متعدد در نظر بگیرند. به دلیل مشکلات فراوان مرتبط با کپی‌رایت، کتابخانه‌هایی که نیاز به می‌کروفیلم یا دیجیتالی کردن مجموعه‌های روزنامه‌ها دارند، فقط می‌توانند مطالب بسیار قدیمی را که در مالکیت عمومی قرار دارند، دیجیتالی نمایند (نیکلسون، ۲۰۰۳). بنابراین استفاده از راهبردهای مؤثر برای حفاظت و آرشیو دیجیتالی روزنامه‌ها به ویژه روزنامه‌های قدیمی از اهمیت بسزایی برخوردار است. شاید به این دلیل است که پروژه‌ها و استانداردهای مختلفی مانند پرمیس^۵، برنامه ملی روزنامه دیجیتال^۶، پاندورا^۷ در کتابخانه‌هایی مانند کتابخانه ملی استرالیا و کنگره آمریکا و رهنمودهای یونسکو برای حفاظت و آرشیو دیجیتالی روزنامه‌ها و سایر منابع پیاده‌سازی شده است.

4. Nicholson

5. PREMIS

6. National Digital Newspaper Program

7. Preserving and Accessing Networked Documentary Resources of Australia (PANDORA)

همان‌طور که انجمن حفاظت از میراث ووزیه^۸ از سال تاسیس آن یعنی ۱۹۸۴ تاکنون، ضمن تأکید بر حفاظت از بناها، اشیاء و سایر عناصر میراثی فرانسه، ثبت و حفاظت از اسناد چاپ‌شده قدیمی مانند روزنامه‌ها را از جمله فعالیت‌ها و اقدامات مؤثر خود یاد می‌کند (رضایی، فرجی، ۱۳۹۷). کتابخانه کنگره آمریکا نیز در سال ۲۰۰۵ به بنیاد ملی علوم انسانی^۹ پیوسته تا دسترسی دیجیتالی به روزنامه‌های حفاظت‌شده با ارزش تاریخی را فراهم کند (مارکوم، ۲۰۰۷). تعهد قانونی نهادها و کتابخانه‌ها در قبال حفاظت از منابع؛ سیاست‌های نهادها در زمینه حفاظت دیجیتالی و توسعه مجموعه؛ توجه به موانع احتمالی یا محدودیت‌هایی مانند مالکیت فکری و حریم خصوصی (گروه کاری محتوای یونسکو/ پرسیست^{۱۱}، ۲۰۲۱) می‌تواند در زمان انتخاب منابع برای دیجیتال‌سازی و هنگام حفاظت دیجیتال مؤثر افتد.

در آرشیو دیجیتال منابع سه رویکرد سازمانی، ملی و بین‌المللی وجود دارد. مسئولیت آن برعهده ناشران، مؤسسات، کتابخانه‌های ملی و آرشیو اینترنت گذاشته شده است. اما در عمل تأکید بیش‌تر بر آن است که حفاظت از اطلاعات دیجیتالی به صورت ملی و توسط کتابخانه‌های ملی انجام پذیرد (شریف، ۱۳۸۵). بر همین اساس، پژوهش کنونی با هدف بررسی مسائل حقوقی حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها در کتابخانه‌های ملی ایران، استرالیا و کنگره آمریکا به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- ۱) حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها در قوانین کشورهای منتخب چگونه است؟
- ۲) حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها در کتابخانه‌های ملی منتخب از منظر حقوقی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

هدف و مساله پژوهش در مقاله پیش رو، حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها و مسائل کپی‌رایت پیرامون آنهاست. با جستجوهای متعدد در پایگاه‌های مختلف، می‌توان گفت دو رویکرد در پژوهش‌های به دست آمده قابل رویت است؛ پژوهش‌هایی که وضعیت حفاظت دیجیتال و استفاده از اقدامات حفاظتی را در کتابخانه‌ها مطالعه نمودند. این پژوهش‌ها بیشتر در داخل کشور انجام شده است. رویکرد دیگر، به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که برنامه‌های حفاظت و آرشیو

8. Association de sauvegarde du patrimoine Vouzinois (ASPV)

9. The National Endowment for the Humanities

10. Marcum

11. UNESCO/PERSIST Content Task Force

دیجیتالی را هدف قرار داده و بیشتر آنها در خارج از کشور انجام شده است. از آنجا که پژوهش مشابهی با پژوهش حاضر در داخل و خارج از کشور یافت نشد، در ادامه چند نمونه از پژوهش‌های نسبتاً مرتبط بیان می‌شوند. ضمن اینکه پژوهش‌هایی مانند صمیعی و خسروی (۱۳۸۹)؛ درخشنده حقیقی (۱۳۹۲)؛ عبداللهی (۱۳۹۶)؛ فوندرن و مک کان (۲۰۱۸) و مارکوم (۲۰۰۷) به آرشیوسازی و حفاظت دیجیتالی منابع پرداخته‌اند و کمتر موضوع کپی‌رایت و روزنامه‌ها در آنها مدنظر قرار گرفته بود، بنابراین در پیشینه استفاده نشد.

شریف (۱۳۸۵) در مقاله‌ای به رویکردهای مدیریت در حفاظت دیجیتالی پرداخته است. وی معتقد است که حفاظت از اطلاعات دیجیتالی و دسترسی به محتوا نیازمند کسب مجوز و مواجه با مسائل حقوقی است. وی توجه کتابخانه‌ها را به حفاظت از انواع اطلاعاتی مهم مانند روزنامه‌ها، راهنماها و نشریات الکترونیکی جلب نموده و استفاده از فناوری‌ها و قوانین موجود مالکیت فکری برای منابع دیجیتال، می‌تواند در انتخاب مناسب‌ترین و عملی‌ترین راهبرد حفاظت به مدیران کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی یا آرشیویست‌ها کمک نماید.

در مقاله شادان‌پور (۱۳۸۶) حفظ میراث دیجیتالی با توجه به اقدامات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران مورد توجه قرار گرفته است. وی با بهره‌گیری از اقدامات و رویکردهای مدیریتی، فنی و برشمردن برخی برنامه‌های حفاظت دیجیتال در کتابخانه‌های ملی استرالیا، کنگره آمریکا، بریتانیا و کانادا، اقدامات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران را نیز برشمرده است، اقداماتی که در مرحله ابتدایی قرار دارند. وی در پایان با طرح پرسش‌هایی خواستار اقدامات معقول و ثمربخش با نگاه منطقی، آینده‌نگر، و واقع‌بینانه در حفظ اطلاعات دیجیتالی شده است. پژوهش تاجداران، رضایی شریف آبادی و همت‌زاده (۱۳۹۰) نیز وضعیت حفاظت و نگهداری میراث ملی دیجیتالی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران را بررسی و با کتابخانه‌های ملی استرالیا، انگلستان، ایالات متحده، و کانادا نیز مقایسه شده است. پژوهش با روش کتابخانه‌ای و پیمایشی - توصیفی انجام شده و به این نتیجه دست یافت که تدوین برنامه حفاظت دیجیتالی مبتنی بر مدل مرجع نظام اطلاعاتی آرشیوی باز^{۱۳} در کتابخانه ملی ایران ضروری است. ضمن اینکه استفاده از فراداده‌هایی مانند متس^{۱۴}، دابلین کور^{۱۵} و هماهنگی با نظام اطلاعاتی آرشیوی باز می‌تواند از اقدامات حفاظت دیجیتالی در کتابخانه ملی

12. Fondren and McCune

13. Reference Model for an Open Archival Information System (OAIS)

14. Metadata Encoding and Transmission Standard (METS)

15. Dublin core

ایران باشد. همچنین پژوهشگران پیشنهاد دادند، تصویب قانون واسپاری شیء دیجیتال، عقد قراردادهای و توافقنامه‌ها با ناشران بزرگ، توافقات با پدیدآورندگان و ناشران برای دریافت فایل‌های اشیاء دیجیتال، بومی‌سازی فراداده پرمیس برای تسهیل فراهم‌آوری و حفاظت دیجیتال در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ضروری است.

پروژه‌ای توسط کتابخانه کنگره آمریکا با عنوان برنامه ملی زیرساخت و حفاظت اطلاعات دیجیتال در سال ۲۰۰۰ شروع به کار کرد. هدف آن ایجاد یک مخزن ملی اطلاعات دیجیتال به منظور جلوگیری از نابودی منابع برای نسل‌های فعلی و آتی است. این برنامه در ارتباط با دفتر کپی‌رایت کتابخانه کنگره برای سیاست‌ها، پروتکل‌ها و راهبردها جهت حفاظت طولانی مدت از منابع است. اقدامات و فعالیت‌های دیجیتال‌سازی پروژه مطابق با بخش ۱۰۸ از قانون کپی‌رایت ایالات متحده پیش می‌رود. استثنائات و محدودیت‌ها برای تکثیر و دسترسی به محتوای دیجیتال در بخش ۱۰۸ قانون بیان شده است (اسمیت، ۲۰۰۶).

نیکلسون (۲۰۰۳) در مقاله‌ای قوانین کنونی کپی‌رایت آفریقای جنوبی و تعهدات بین‌المللی و منطقه‌ای آن را در ارتباط با کپی‌رایت و روزنامه‌ها بررسی کرده است. تمرکز مقاله بر کپی‌رایت برای روزنامه‌ها، کتابخانه‌ها و آرشیوها و به علاوه بریده‌ها و جراید روزنامه‌ها و پروژه‌های حفاظتی است. وی پس از مطالعه قوانین، پیشنهاد حفاظت از روزنامه‌ها برای نسل‌های آتی و وضع مقررات مناسب برای دیجیتال‌کردن اطلاعات روزنامه‌ها در قانون واسپاری و قانون کپی‌رایت آفریقای جنوبی را ارائه می‌کند.

شارما^{۱۶} (۲۰۱۳) در مقاله دیگری به قانون کپی‌رایت در خصوص حفاظت دیجیتال و تأثیر آن بر کتابخانه‌ها پرداخته است. وی به محدودیت‌هایی مانند طول مدت حمایت از کپی‌رایت و توجه بیشتر به آثاری مانند کتاب در تدوین قوانین را دو چالش اصلی کپی‌رایت در حمایت از حفاظت دیجیتال بیان می‌کند. وی معتقد است بیشتر قوانین بر مبنای کتاب وضع شده‌اند و نه سایر آثار.

نتایج پژوهش گلینی مقدم^{۱۷} (۲۰۱۰) نشان داد که نگرانی‌های حفاظت دیجیتال منابع از نقطه نظر کتابداران در سه حوزه مسائل فنی، حقوقی و سازمانی قابل بررسی است. وی بیان

16. National Digital Information Infrastructure and Preservation Program (NDIIPP)

17. Sharma

18. Galyani Moghaddam

می‌کند که مسائل مربوط به کپی‌رایت برای منابع دیجیتال پیچیده‌تر و مهم‌تر از منابع سنتی است. اگر این موضوع مورد توجه قرار نگیرد، می‌تواند از فعالیت‌های حفاظتی جلوگیری کند. پروژه ANPlan^{۱۹} روزنامه‌های ملی و منطقه‌ای را دیجیتال‌سازی و حفاظت می‌کند. این یک تلاش مشترک بین کتابخانه‌های ملی، ایالتی و منطقه‌ای استرالیا برای جمع‌آوری، حفظ و دسترسی به روزنامه‌های استرالیایی در قالب دیجیتال است. تقریباً ۱۱۱۰ عنوان روزنامه تاریخی استرالیا دیجیتالی شده است (اسمیت، ۲۰۱۶). دسترسی به روزنامه‌های دیجیتال در استرالیا مطابق قانون کپی‌رایت سال ۱۹۶۸ استرالیا است (کتابخانه ملی استرالیا،^{۲۰} ۲۰۲۳).

شاید جدیدترین سند، مربوط به چهل و سومین کمیته دائمی کپی‌رایت و حقوق مرتبط وایپو^{۲۱} (۲۰۲۳) باشد که به حفاظت در مؤسسات فرهنگی مانند کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌ها اختصاص داده است. در این سند، چهار پرسش اساسی برای حفاظت از آثار که قانونگذاران باید در نظر بگیرند مدنظر قرار گرفته است؛ چه کسی از استثنائات استفاده می‌کند؟ از چه آثاری استفاده می‌شود؟ چرا از آثار استفاده می‌شود؟ چگونه از آثار استفاده می‌شود؟ در این سند به فراداده‌های حقوقی استاندارد جهت حفاظت از میراث دیجیتال اشاره شده است. فراداده‌های حقوقی استاندارد برای حفاظت از نسخه‌ها در مجموعه‌های میراث فرهنگی می‌تواند بخشی سودمند از مدیریت مجموعه تلقی شود. فراداده شامل فهرست‌نویسی شرایط حفاظت از نسخه و سطح حقوق مجوزدهی است. بنابراین کشورها باید به استفاده از فراداده حقوقی استاندارد در زمینه حفاظت و میراث فرهنگی تشویق شوند (پانتالونی، کروز و ساتن، ۲۰۲۳).

در پروژه دیگری که توسط کتابخانه‌های دولتی سنگاپور انجام شده است. دیجیتالی کردن کتاب‌ها و روزنامه‌های کمیاب مربوط به تاریخ سنگاپور و منطقه جنوب شرقی آسیا را آغاز کرده‌اند. بنابراین مجموعه‌های دیجیتالی آن شامل کتاب‌ها و نشریات منتشر شده در دهه ۱۸۳۰، سوابق تاریخی و روزنامه‌های سنگاپور قبل از جنگ و همچنین نشریات ژاپنی در آسیای

19. Australian Newspaper Plan (ANPlan)

20. Smith, M

21. National Library of Australia

22. Standing Committee on Copyright and Related Rights WIPO

23. Pantalony, Crews and Sutton

جنوب شرقی در طول جنگ جهانی دوم است. همه این مجموعه‌ها به صورت برخط از طریق وب سایت کتابخانه‌های مذکور در دسترس هستند (سنگ، ۲۰۰۸).

بنابراین با توجه به بررسی و تحلیل مطالعات صورت گرفته می‌توان اذعان نمود که تاکنون چنین پژوهشی در کشور انجام نشده است. بر این اساس، چند ویژگی برای پژوهش حاضر قابل ارائه است: از سویی پژوهش حاضر تأکید آن بر مسائل حقوقی و کپی‌رایت در حفاظت و آرشیو دیجیتال است و از سویی دیگر، روزنامه‌ها هدف پژوهش پیش رو است. در بیشتر پژوهش‌هایی که انجام شده است، به صورت کلی به موضوع حفاظت و آرشیو دیجیتال پرداخته‌اند و روزنامه‌ها به صورت خاص موضوع و هدف پژوهش‌ها نبوده است. تنها در پروژه‌هایی که در کتابخانه ملی استرالیا و کنگره آمریکا در خصوص حفاظت دیجیتال به صورت عام و حفاظت دیجیتال روزنامه‌ها صورت گرفته، موضوع کپی‌رایت پیش از انتخاب منابع برای حفاظت و آرشیو دیجیتال مورد توجه بوده و مطابق با قوانین کپی‌رایت داخلی خود عمل نموده‌اند.

روشی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و نوع روش با رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی انجام شد. جامعه پژوهش، شامل اسناد و قوانین مرتبط با کپی‌رایت و حفاظت دیجیتال شامل "قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران ۱۳۴۸"، "پیش‌نویس لایحه قانون مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط ایران"، "قانون کپی‌رایت استرالیا و اصلاحیه‌های بعدی آن (مانند سال ۱۹۶۸ و ۲۰۰۵)"، "قانون کپی‌رایت ایالات متحده" و "رهنمودهای یونسکو برای انتخاب میراث دیجیتال جهت حفاظت طولانی مدت" است. گفتنی است با توجه به برخی محدودیت‌ها، فرصت پرداختن به سایر قوانین مانند قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹، امکان‌پذیر نشد.

کتابخانه‌های ملی ایران، کنگره آمریکا و ملی استرالیا از باب حقوقی پیرامون حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها مطالعه و تحلیل شدند. کتابخانه‌های ملی استرالیا و کنگره آمریکا با نمونه‌گیری هدفمند به دلیل داشتن برنامه‌ها و پروژه‌های انجام شده در حوزه حفاظت و آرشیو دیجیتال در کنار ایران برای بررسی و مطالعه انتخاب شدند. کتابخانه ملی ایران نیز در بین

سایر کتابخانه‌های ایران به دلیل مرجعیت و باتوجه به گردآوری و حفاظت و نگهداری تمامی منابع مطابق قانون اساسنامه خود، برای پژوهش حاضر انتخاب شد. ضمن اینکه تلاش نموده تا منابع مختلف اعم از منابع کتابی، غیرکتابی، نسخ خطی و کتاب سنگی، منابع دیجیتال و نظایر آن را گردآوری نماید.

برای بررسی و تحلیل دقیق منابع و قوانین از ابزار مشاهده نظام‌مند (دقیق یا منظم) برای بررسی و مطالعه پورتال‌ها و مرور منابع استفاده شد. پورتال‌ها طی بازه زمانی دی و بهمن ۱۴۰۱ مشاهده و بررسی شدند. برای تحلیل یافته‌ها، در روش تحلیل اسنادی از کدگذاری و مقوله‌بندی مفاهیم (کدگذاری باز) استفاده شده است. پس از تحلیل و احصاء مقوله‌ها، مقوله‌های مشابه در طبقات مشترک قرار گرفتند.

یافته‌ها

مطالعه و تحلیل قوانین و رهنمودهای یونسکو با تمرکز بر کمی‌رایت در حفاظت و آرشیو دیجیتالی صورت گرفت. همان‌طور که در جدول زیر قابل مشاهده است، تحلیل به صورت کدگذاری و استخراج مقوله‌ها انجام شده است.

پرسش اول. حفاظت و آرشیو دیجیتالی روزنامه‌ها در قوانین کشورهای منتخب:

تحلیل و کدگذاری قوانین و رهنمودهای یونسکو حاکی از آن است که تعداد ۴۶ مقوله با محوریت حفاظت و آرشیو دیجیتالی از منظر کمی‌رایت به دست آمد. که با ترکیب مقولات مشابه در طبقات مشترک، تعداد ۱۳ طبقه استخراج شد. طبقات عبارت است از: حفاظت از منابع مهم تاریخی در مراکز آرشیوی و کتابخانه‌ها، حفاظت از میراث دیجیتالی توسط مؤسسات ملی، تعیین چارچوب قانونی کمی‌رایت برای حفاظت دیجیتال، آرشیوسازی محتوای دیجیتالی تحت قانون، ذخیره‌سازی موقت، ذخیره‌سازی دائم، تکثیر منابع با اهداف حفاظتی توسط کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی، تکثیر موقت منابع دیجیتالی، نسخه پشتیبان از منابع دیجیتال، انتشار مقالات روزنامه (در اثر استخدام)، تکثیر مقالات روزنامه‌ها با اهداف انتفاعی و غیرانتفاعی، حمایت قانون کمی‌رایت از مقالات روزنامه‌ها، استفاده و استثنائات آرشیوی در کمی‌رایت.

با نگاهی به مقولات و طبقات استخراج‌شده می‌توان گفت که در قوانین مورد بررسی (به جز قانون سال ۱۳۴۸ ایران) به حفاظت از منابع و تحت حمایت قراردادن روزنامه‌ها به دلیل اهمیت تاریخی و فرهنگی توجه نشان داده‌اند. توجه به تکثیر (موقت، دائم) به ویژه در محیط دیجیتالی از نکات مهم و قابل توجه در قوانین فوق بود که با توجه به جریان سریع و روبه رشد

محتوای دیجیتالی از ضروریات حفاظت و آرشیوسازی دیجیتالی است. نتایج بیشتری از تحلیل یافته‌های پرسش نخست در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. بررسی قوانین و اسناد در خصوص حفاظت و آرشیو دیجیتال کشورهای منتخب

مقوله/مقوله‌ها	حفاظت و آرشیو دیجیتال/ نمونه جملات	اسناد مورد بررسی / مؤلفه‌ها
<ul style="list-style-type: none"> - استفاده شخصی و غیرانتفاعی - استفاده منصفانه 	<ul style="list-style-type: none"> - نسخه‌برداری از اثرهای مورد حمایت قانون ۱۳۴۸ و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد، مجاز است (ماده ۱۱). 	<p>قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران (۱۳۴۸)</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تکثیر آثار برای مقاصد شخصی - ذخیره‌سازی موقت - ذخیره‌سازی دائم - قابل تکثیر نبودن تمام یا بخش عمده پایگاه داده الکترونیکی - تهیه نسخه پشتیبان - مجازبودن تکثیر توسط کتابخانه با اهداف غیرانتفاعی - تکثیر از آثار به منظور جایگزین کردن در مجموعه کتابخانه در صورت مفقودی اثر - اطلاع‌رسانی مقاله منتشرشده یک روزنامه بدون اجازه از صاحب حق - غیرمجازبودن تکثیر مقاله روزنامه 	<ul style="list-style-type: none"> - صرف اخبار روز و رویدادهای جاری تحت حمایت قانون قرار نمی‌گیرد (ماده ۶). - پدیدآورنده یا دارنده حق، متناسب با نوع اثر، حق انحصاری انجام یا تجویز انجام فعل زیر را دارد: اجاره‌ی اصل یا کپی اثر دیداری-شنیداری و اثر گنجانده شده در حامل شنیداری، در مواردی که اجاره‌ی تجاری آن منجر به نسخه‌برداری گسترده و ورود آسیب جدی به حق تکثیر شود و نیز اجاره‌ی اصل یا کپی برنامه‌ی رایانه‌ای، جز در مواردی که برنامه‌ی رایانه‌ای موضوع اصلی اجاره نیست (ماده ۱۵). - تکثیر آثاری که به صورت قانونی در دسترس عموم قرار گرفته‌اند در یک نسخه بدون اجازه‌ی دارنده‌ی حق مجاز است، به شرط اینکه تکثیر توسط شخصی حقیقی انجام شود و منحصراً برای مقاصد شخصی تکثیرکننده مورد استفاده قرار گیرد (ماده ۱۸). البته تکثیر اثر معماری، عکسبرداری تمام یا بخش اثر موسیقی، تکثیر آثار هنرهای تجسمی، تکثیر تمام یا بخش عمده پایگاه داده به صورت الکترونیکی شامل موارد بالا نمی‌شود (تبصره ماده ۱۸). - تکثیر توسط کتابخانه و مؤسسه بایگانی که جنبه انتفاعی نداشته باشد، بدون کسب اجازه از دارنده‌ی حق برای مقاصد زیر مجاز است: ۱) تکثیر مقاله یا دیگر آثار کوتاه یا چکیده‌ی اثر، برای تأمین درخواست یک شخص حقیقی، به شرط اینکه: کتابخانه یا مرکز یا مؤسسه بایگانی متقاعد شود که نسخه‌ی تکثیرشده فقط برای مطالعه یا پژوهش شخصی به کار خواهد رفت؛ عمل تکثیر یک بار جداگانه و در صورت تکرار در نوبت‌های جداگانه، بی‌ارتباط با هم باشد. ۲) تکثیر آثار به منظور حفظ و در صورت لزوم، جایگزین کردن نسخه‌ی تکثیرشده به جای نسخه‌ی دیگری که در مجموعه‌ی دائمی خود یا کتابخانه یا مرکز یا مؤسسه بایگانی دیگر مفقود، 	<p>پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط ایران</p>

<p>در صورت اجازه ندادن دارنده حق - تکثیر موقت - تکثیر موقت با اجازه دارنده اثر - تکثیر موقت به معنای انتقال دیجیتال - تکثیر موقت به معنای دریافت اثر</p>	<p>تلف یا غیرقابل استفاده شده، به شرط اینکه تهیه‌ی اثر به طور متعارف ممکن نباشد (ماده ۲۰). - تکثیر برنامه‌ی رادیوتلوویزیونی یا مقاله‌ی منتشرشده در یک روزنامه یا نشریه‌ی ادواری درباره مباحث روز اقتصادی، سیاسی یا مذهبی در روزنامه و نشریه‌ی ادواری دیگر، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه‌ها بدون اجازه‌ی دارنده‌ی حق به قصد اطلاع‌رسانی مجاز است؛ این اجازه شامل موردی نخواهد بود که دارنده حق، اجازه‌ی تکثیر آن را صریحاً در روزنامه یا نشریه یا برنامه‌ی مورد نظر برای خود محفوظ اعلام کرده است (ماده ۲۱). این موضوع در بند ۱ از ماده ۱۰ کنوانسیون برن نیز بیان شده است (Okediji, 2006). - تکثیر موقت اثر با رعایت شرایط زیر مجاز است: در فرایند انتقال دیجیتال اثر یا دریافت اثر ذخیره شده صورت گرفته باشد؛ به وسیله‌ی شخص حقیقی یا حقوقی انجام شده باشد که با اجازه‌ی دارنده‌ی حق یا به موجب قانون مجاز به انتقال دیجیتال یا دریافت اثر است؛ جزء لاینفک فرایند انتقال یا دریافت اثر باشد که هنگام عملیات عادی دستگاه مورد استفاده رخ میدهد و نسخه‌ی تکثیر شده سپس خود به خود و بدون اینکه بازایی آن برای سایر مقاصد امکان‌پذیر باشد، حذف شود (ماده ۲۲). - تهیه نسخه پشتیبان توسط کاربر قانونی برای استفاده در مواقعی که نسخه اصلی مفقود، تلف یا غیرقابل استفاده باشد (ماده ۲۳).</p>	
<p>- تکثیر برای دانشجویان، پژوهشگران، نمایندگان مجلس و سایر کتابخانه‌ها توسط کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی - تکثیر با اهداف آموزشی برای معاونان مؤسسات آموزشی</p>	<p>- کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی می‌توانند برای دانشجویان، پژوهشگران، نمایندگان مجلس و سایر کتابخانه‌ها، تکثیر انجام دهند (ماده ۱۰۸/۲۰۰۵). - برخی مؤسسات آموزشی می‌توانند برای افراد دارای معلولیت جهت اهداف آموزشی، منابع را تکثیر و ارسال کنند (ماده ۱۰۹/۲۰۰۵). - قانون کپی‌رایت از آثار ادبی مانند کتاب‌ها، اشعار و مقالات روزنامه حمایت می‌کند (ماده ۱۶،۳/۲۰۰۵). - معامله منصفانه در استفاده از آثار تحت حمایت کپی‌رایت برای مقاصد شخصی مجاز است (ماده ۱۰،۲/۲۰۰۵). - کپی یا تکثیر اثر (مانند فتوکپی، تکثیر، ضبط و اسکن) (ماده ۵۱ و ۱۱۰/۱۹۶۸A).</p>	<p>قانون کپی‌رایت استرالیا ۱۹۶۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن</p>

<p>- حمایت قانون کپی‌رایت از مقالات روزنامه‌ها - امکان کپی و تکثیر اثر - معامله منصفانه - تهیه نسخه الکترونیکی از منابع تحت حمایت کپی‌رایت برای اهداف حفاظتی</p> <p>- تکثیر روزنامه‌ها و نشریات ادواری به منظور استفاده شخصی - تکثیر از منابع مهم تاریخی و فرهنگی با اهداف حفاظتی</p> <p>- مجازبودن تکثیر مقالات در نشریات ادواری توسط کتابخانه‌ها با اهداف غیرانتفاعی</p> <p>- امانت بین کتابخانه‌ای اسناد - تکثیر و عرضه آثار در آرشیو استرالیا جهت دسترسی‌پذیری - انتشار آثار منتشرشده توسط کتابخانه‌ها</p> <p>- تدوین استثنائات مختلف برای کتابخانه‌ها، آرشیوها، گالری‌ها و موزه‌های غیرانتفاعی</p>	<p>- استفاده از منابع تحت حمایت کپی‌رایت به منظور حفاظت؛ بدین منظور یک نسخه الکترونیکی نگهداری می‌شود (ماده H113 / 1968).</p> <p>- تکثیر کتب، روزنامه‌ها و نشریات ادواری در قالب‌های متفاوت به منظور استفاده شخصی (ماده C43 / اصلاحیه 2006).</p> <p>- مؤسسات فرهنگی مهم می‌توانند از منابع با اهمیت تاریخی و فرهنگی استرالیا در مجموعه‌های خود به منظور حفاظت کپی تهیه کنند. یک نسخه الکترونیکی برای دسترس عموم نگهداری و حفاظت می‌شود (ماده H113 / اصلاحیه و به روز شده 2017).</p> <p>- تکثیر مقاله در نشریات ادواری توسط کتابخانه‌ها با اهداف غیرانتفاعی برای دانشجویان و اعضای پارلمان، نقض کپی‌رایت محسوب نمی‌شود (ماده 49، بخش 5 / 1968)</p> <p>- تکثیر برای سایر کتابخانه‌ها یا آرشیوها (امانت بین کتابخانه‌ای برای تهیه اسناد) (ماده 50 / 1968).</p> <p>- تکثیر و عرضه آثار در آرشیو استرالیا؛ این نوع اقدام به مجموعه آرشیو استرالیا کمک می‌کند تا آرشیو در سراسر استرالیا در دسترس باشد (ماده AA51 / 1968).</p> <p>- انتشار آثار منتشرنشده‌ای که در کتابخانه‌ها یا آرشیو نگهداری می‌شوند، می‌تواند تکثیر شوند. چرا که به شناخت ارزش و اهمیت تاریخی آثار منتشرنشده کمک نموده و تحقیقات علمی و انتشار نتایج آنها را تسهیل می‌کند (ماده 52 / 1968).</p> <p>- در نظر گرفتن استثنائات مختلف برای کتابخانه‌ها، آرشیوها، گالری‌ها و موزه‌های غیرانتفاعی (Part III, Division 5& s110B).</p> <p>- اجازه حفاظت از آثار در مجموعه مانند فیلم‌ها و صداهای ضبط شده در صورتی که: آسیب‌دیده، به سرقت رفته، گم شده و یا خراب شده باشند؛ منابع، با قیمت معمول تجاری جهت خرید در دسترس نباشند؛ و نسخه‌های خطی و هنری اصیل (Part III, Division 5& ss51A and 110B).</p> <p>- مؤسسات فرهنگی مهم (مجموعه‌های ایالتی و فدرال) می‌توانند سه کپی از منابع مهم تاریخی یا فرهنگی برای استرالیا را تهیه کنند تا از بین رفتن و نابودی محافظت شوند (ss51B, 110BA, 112 112AA).</p>
---	---

<p>- حفاظت از آثار ماندن نسخه‌های خطی و هنری اصیل</p> <p>- حفاظت از آثار آسیب‌دیده</p> <p>- تهیه سه نسخه از منابع مهم تاریخی و یا فرهنگی توسط مؤسسات فرهنگی دولتی با اهداف حفاظتی</p>		
<p>- حفاظت و امنیت نسخه‌های خطی و آثار منتشر نشده</p> <p>- تکثیر سه نسخه از اثر توسط کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی با اهداف حفاظتی</p> <p>- تایید کتابدار کتابخانه مبنی بر استفاده‌های غیرانتفاعی از آثار دارای کپی‌رایت</p>	<p>- مقرراتی در بخش ۱۰۸ (b) برای حفاظت و امنیت نسخه‌های خطی و آثار منتشر نشده آمده است (Section 180 b).</p> <p>- تکثیر توسط کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی، شامل سه نسخه از اثر یا ضبط صدا از یک اثر منتشر نشده را برای حفاظت و امنیت و یا برای واسپاری قانونی صورت می‌گیرد.</p> <p>- تکثیر شامل سه نسخه یا فایل صوتی از یک اثر منتشر شده که برای جایگزینی نسخه اصلی یا آسیب‌دیده، خراب‌شده، به سرقت رفته و منسوخ شده استفاده می‌شود (Section 108 a, b, c).</p> <p>- در دوره سه ساله از قانون، کتابدار کنگره باید بررسی کند که آیا استفاده از آثار دارای کپی‌رایت در دسترس بوده و استفاده از آثار به منظور استفاده‌های غیرانتفاعی آرشیوی، حفاظتی و آموزشی بوده است (Section 1201).</p>	<p>قانون کپی‌رایت ایالات متحده</p>
<p>- تلاش مؤسسات ملی درگیر با کپی‌رایت در انتخاب، جمع‌آوری و حفاظت از آثار</p> <p>- اجازه قانون کپی‌رایت به حفاظت از میراث دیجیتالی توسط مؤسسات ملی</p> <p>- منع دسترسی به میراث دیجیتالی با</p>	<p>- ضروری است مؤسسات ملی شبکه تخصصی خود را برای برنامه هماهنگ و مشترک جهت توسعه راهبردها، و استانداردهای ملی انتخاب، جمع‌آوری، و حفاظت اختصاص دهند. این شبکه شامل گردآوردگان میراث، سازمان‌های دولتی کلیدی و سایر نهادهایی هستند که با نوآوری‌های فناوری، حفاظت از داده‌ها، کپی‌رایت و رسانه‌های دیجیتال سروکار دارند.</p> <p>- قانون کپی‌رایت و حقوق مرتبط باید اجازه دهد که فرآیندهای حفاظت میراث دیجیتال به طور قانونی توسط چنین مؤسساتی (کتابخانه‌ها، آرشیوها، موزه‌ها و سایر مخازن عمومی) انجام شود.</p> <p>- برخی از کشورها قوانینی را برای منع دور زدن اقدامات حفاظتی فناوریانه وضع کرده‌اند که از تکثیر و توزیع مجدد جلوگیری می‌کند و در نتیجه مانع از حفاظت و دسترسی قانونی در آینده به میراث دیجیتال می‌شوند.</p>	<p>رهنمودهای یونسکو</p>

<p>اقدامات حفاظتی فناوریانه</p> <p>- تأثیر قوانین کپی‌رایت بر حفاظت از آثار و ذخیره آنها</p> <p>- جمع‌آوری روزنامه‌ها، منابع دیجیتالی و صوتی و دیداری توسط مؤسسات محلی و منطقه‌ای</p> <p>- چارچوب قانونی برای حفاظت بلندمدت از منابع</p> <p>- تعهد قانونی مؤسسات برای حفاظت از منابع</p> <p>- داشتن سیاست مؤسسه در خصوص حفاظت دیجیتال</p> <p>- توجه به حقوق مالکیت فکری در حفاظت از منابع</p> <p>- حفاظت از محتوای دیجیتال توسط مؤسسات</p> <p>- الزام قانون به تعیین نوع اطلاعات دیجیتالی توسط مؤسسات آرشیوی</p> <p>- آرشیوسازی محتوای دیجیتالی دارای مجوز</p>	<p>- عدم انسجام بین‌المللی در قوانین کپی‌رایت، و نبود شفافیت در مورد نحوه همکاری برون‌مرزی، می‌تواند تأثیر ناخواسته‌ای بر تلاش‌ها برای حفاظت از آثار (از طریق شبکه‌های حفاظت دیجیتال) و ذخیره آنها (در فضای ابری) داشته باشد.</p> <p>- همه کتابخانه‌ها دارای مجموعه‌های میراث فرهنگی نیستند که در چارچوب‌های ملی یا بین‌المللی شناخته شده باشند، بسیاری از آنها گردآورنده حافظه محلی یا منطقه‌ای هستند. این منابع شامل روزنامه‌ها، فایل‌های صوتی و دیداری، و منابع دیجیتالی به شمار می‌روند.</p> <p>- پرسیدن پرسش‌های زیر برای داشتن چارچوب قانونی جهت شناسایی مسائل حقوقی مربوط به حفاظت طولانی مدت ضروری است:</p> <p>آیا مؤسسه تعهد قانونی در قبال حفاظت از منابع دارد؟ آیا الزامات یا سیاست‌های مؤسسه در زمینه حفاظت دیجیتال و توسعه مجموعه‌ها وجود دارد؟ آیا موانع احتمالی برای حفاظت، مانند حقوق مالکیت فکری یا محدودیت‌های حریم خصوصی در نظر گرفته شده است؟</p> <p>- بررسی مسائل بیرونی مانند چالش‌های قانونی و نقش مشارکت سودمند است و می‌تواند بر حفاظت دیجیتال بلندمدت تأثیرگذار باشد.</p> <p>- ضروری است سازمان‌های اجراکننده برنامه‌های حفاظت دیجیتال، اطمینان حاصل کنند که زمینه قانونی که در آن فعالیت می‌کنند بتواند محتوای دیجیتال را برای حفظ امنیت نگه دارند.</p> <p>- آرشیوها بر اهمیت اصالت و منشا تمرکز دارند. شرایط قانونی در محیط آرشیوی اغلب تأکید می‌کند که چه نوع اطلاعات دیجیتالی باید توسط آرشیو جمع‌آوری شود و چگونه، یا اگر می‌توان آن‌ها را برای دسترسی عمومی و پژوهش در دسترس قرار داد. در برخی موارد، محتوای دیجیتالی دارای مجوز را می‌توان به طور انبوه آرشیو کرد.</p>	
مجموع = ۴۶ مقوله		

پرسش دوم. حفاظت و آرشیو دیجیتالی روزنامه‌ها در کتابخانه‌های ملی منتخب

از منظر حقوقی: برای پاسخ به این پرسش، پورتال کتابخانه‌های ملی منتخب مطالعه و بررسی شد. جملات و عباراتی که در ارتباط با کپی‌رایت در حفاظت و آرشیو دیجیتالی بودند، استخراج و کدگذاری باز و احصاء مقوله‌ها انجام شد. در ادامه نیز برای تبیین موضوع، مقوله‌های مشترک در طبقات مشترک جای گرفتند. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تعداد ۳۵ مقوله در خصوص حفاظت و آرشیو دیجیتالی با توجه به کپی‌رایت به دست آمد. پس از قرارگیری مقولات مشابه، ۸ طبقه از موضوعات مختلف نظیر حفاظت از روزنامه‌ها، روزنامه‌های قدیمی و تاریخی، حفاظت دیجیتالی، استثنائات روزنامه‌ها در قانون کپی‌رایت برای کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی، آرشیوسازی دیجیتالی، مالکیت عمومی روزنامه‌ها، تکثیر روزنامه‌ها و نسخه‌های موقتی شکل گرفت. کدگذاری در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. بررسی حفاظت و آرشیو دیجیتال روزنامه‌ها در کتابخانه‌های ملی منتخب از منظر کپی‌رایت

مقوله/مقوله‌ها	حفاظت و آرشیو دیجیتال	مؤلفه‌ها نام کتابخانه
<p>- گردآوری نشریات دوره قاجار، پهلوی (روزنامه‌های قدیمی) و معاصر - گردآوری دو نسخه از شماره هر روزنامه و نشریه - حفاظت از نشریات و روزنامه‌ها در مخازن - مرمت روزنامه‌ها - عدم دسترسی ناشران و کتابخانه به روزنامه‌های قدیمی - تهیه روزنامه‌های قدیمی از طریق مبادله جهت حفاظت از نسخ - دیجیتال‌سازی روزنامه‌های قدیمی جهت حفاظت دیجیتالی</p>	<p>مجموعه نشریات شامل نشریات غنی مربوط به دوره قاجار، پهلوی اول و دوم از سال ۱۲۸۸ هجری شمسی تا کنون است. نشریات به زبان‌های مختلف نگهداری می‌شوند.</p> <p>- مطابق بخشنامه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تمام ناشران مطبوعات تعداد ۱۰ نسخه از نشریات خود را باید به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل دهند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز مکلف است، نسخه‌های مزبور را بین کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی از جمله کتابخانه ملی ایران (دونسخه از هر شماره) توزیع کند که تعدادی از نشریات بدین طریق گردآوری می‌شود.</p> <p>- در آرشیو نشریات کتابخانه ملی با توجه به مصوبه فوق، کلیه نشریات فارسی زبان منتشر شده در داخل کشور، نشریات عربی زبان با موضوع ایران و اسلام، نشریات لاتین منتشر شده در داخل کشور و همچنین نشریات لاتین منتشره در خارج کشور با موضوع کتابداری نگهداری می‌شود. نشریات در مخازن فیزیکی حفاظت می‌شود.</p> <p>- در صورت خرابی، روزنامه‌ها مرمت می‌شود. کسری نسخ برای تکمیل مجموعه و حفاظت، از ناشران پیگیری می‌شود اما روزنامه‌های قدیمی را به علت اینکه در دست ناشر نیست، عملاً در تهیه روزنامه‌های قدیمی از ناشر مشکل وجود دارد.</p> <p>- برای حفاظت از روزنامه‌های قدیمی، از طریق مبادله از کتابخانه‌ها برای جایگزینی نسخ اقدام می‌شود.</p> <p>- برای حفاظت بهتر از مجموعه نشریات و روزنامه‌ها به ویژه روزنامه‌های قدیمی، اسکن و فرایند دیجیتال‌سازی انجام می‌شود.</p>	کتابخانه ملی ایران
<p>- پیاده‌سازی برنامه NDIIPP جهت حفاظت دیجیتالی - مشارکت اداره کپی‌رایت در برنامه فوق</p>	<p>- برنامه NDIIPP جهت حفاظت دیجیتالی از منابع پیاده‌سازی شده است.</p> <p>- راهبرد ملی برای حفاظت از محتوای دیجیتالی مهم و دارای ریسک بالا در برنامه NDIIPP توسعه یافته است.</p> <p>- گروه مستقلی از متخصصان و حامیان مالی توسط برنامه NDIIPP در مشارکت با اداره کپی‌رایت تشکیل می‌شوند.</p>	کتابخانه کنگره آمریکا

<p>- بازنگری قانون کپی‌رایت برای استثنائات روزنامه‌ها - تعادل بین منابع، دارندگان حقوق کپی‌رایت و کتابخانه‌ها و آرشیوها در قوانین جدید - استفاده از بخش ۱۰۸ قانون کپی‌رایت در برنامه فوق - کپی‌رایت مانعی اصلی در حفاظت دیجیتالی - اعمال استفاده منصفانه، اخذ مجوز و توجه به بخش ۱۰۸ برای حفاظت از روزنامه‌ها - برنامه ملی روزنامه دیجیتال در حفاظت دیجیتال از روزنامه‌های تاریخی - استفاده از مدل OAIS حفاظت دیجیتالی برای روزنامه‌ها - استفاده از قوانین حقوقی در مدل OAIS - مالکیت عمومی روزنامه‌های قدیمی بالای ۹۵ سال</p>	<p>- برنامه فوق درخواست بررسی مجدد استثنائات را در قانون کپی‌رایت برای کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی با توجه به فناوری‌های دیجیتال ارائه و توصیه‌هایی در مورد بازنگری قانون کپی‌رایت به منظور اطمینان از تعادل مناسب بین منابع پدیدآورندگان، دارندگان حقوق کپی‌رایت و کتابخانه‌ها و آرشیوها مطرح خواهد کرد. - از بخش ۱۰۸ قانون کپی‌رایت (کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی) در برنامه فوق استفاده شده است. - کپی‌رایت به عنوان یکی از موانع اصلی در حفاظت دیجیتال شناخته می‌شود. - فعالیت‌های حفاظتی لزوماً مستلزم اعمال حق بازتولید است - دکتین اولین فروش قابل اجرا نیست، نقض رخ می‌دهد مگر اینکه استفاده منصفانه، اخذ مجوز و مواد b و c بخش ۱۰۸ (حفاظت و امنیت منابع) اعمال شود. - برنامه ملی روزنامه دیجیتال توسط کتابخانه کنگره برای حفاظت از روزنامه‌ها در نظر گرفته شده است. مخزن آن روزنامه‌های تاریخی ایالت‌ها را از سال ۱۹۸۲ - ۲۰۱۱ در برمی‌گیرد. - مخزن روزنامه‌ها از مدل مرجع OAIS برای حفاظت دیجیتال استفاده می‌کند. این مدل قوانین حقوقی برای حفاظت از اطلاعات مانند مفاهیم کپی‌رایت، اعتباربخشی و توافقنامه با سازمان‌های بیرونی به کار می‌گیرد. - کتابخانه کنگره معتقد است که روزنامه کرونیکل (بزرگترین روزنامه در شمال کالیفرنیا) در مالکیت عمومی است. روزنامه‌هایی که بیش از ۹۵ سال پیش در ایالات متحده منتشر شده‌اند به طور کامل در مالکیت عمومی هستند. البته هر روزنامه در کرونیکل با کمتر از ۹۵ سال انتشار، در مالکیت عمومی است، اما ممکن است حاوی مطالب شخصی دارای کپی‌رایت باشند. پژوهشگران در استفاده از روزنامه‌های با کمتر از ۹۵ سال نسبت به کپی‌رایت آنها توجه کنند. چرا که مسئولیت نقض متوجه افراد استفاده کننده از روزنامه است. - کتابخانه کنگره برای حفاظت مجموعه‌های ارزشمند مانند نسخ خطی، عکس‌ها، نقشه‌ها، فیلم‌ها و نظیر آن، برنامه‌های سالانه‌ای را اختصاص داده است.</p>
--	---

- روزنامه‌های کمتر از ۹۵ سال و دارای مطالب شخصی تحت حمایت کپی‌رایت		
--	--	--

<p>- به کارگیری برنامه پاندورا برای آرشوسازی روزنامه‌ها و نشریات - گردآوری نشریات برخی مهم تحت مجوز - استفاده از مدل برای OAIS حفاظت دیجیتال و بلندمدت - ممنوعیت تهیه کپی از مقالات روزنامه صحافی شده - ارائه راهنمای کپی‌رایت در کنار دستگاه‌های کپی - توجه به فیلد وضعیت کپی‌رایت در پیشینه کتابشناختی - در مالکیت عمومی نبودن مقالات منفرد در روزنامه‌ها - روزنامه‌های خارج از حمایت کپی‌رایت در سامانه دیجیتال (مالکیت عمومی روزنامه‌ها) - روزنامه‌های تحت حمایت</p>	<p>برنامه پاندورا توسط کتابخانه ملی استرالیا در سال ۱۹۹۶ به منظور انتشارات الکترونیکی و پایگاه‌های اطلاعاتی مربوط به استرالیا یا پدیدآمده توسط استرالیایی‌ها، در شبکه جهانی وب آغاز شد. در مرحله دوم این طرح که پادی نام دارد، علاوه بر کتابخانه ملی استرالیا، آرشیو ملی منابع دیداری و شنیداری، موزه ملی استرالیا و مراکز پژوهشی و دانشگاهی استرالیا با هدف تهیه و اجرای الگوی ملی آرشیو مشترک از داده‌های الکترونیک و شبکه جهانی استرالیایی شرکت دارند. نشریات برخط بااهمیت فرهنگی را با مجوز جمع‌آوری می‌کنند. از مدل مرجع آرشیوی باز برای حفاظت طولانی‌مدت منابع استفاده می‌کند.</p> <p>- فتوکپی مقالات یا صفحات از جلد‌های صحافی شده اجازه داده نمی‌شود.</p> <p>- در نزدیکی دستگاه‌های چاپگر و دستگاه‌های فتوکپی تابلوهای راهنمایی برای کپی‌رایت وجود دارد که جزئیات را نشان می‌دهد.</p> <p>- برای تکثیر، پس از جستجو عنوان روزنامه، می‌بایست در پیشینه کتابشناختی "وضعیت کپی‌رایت"^{۲۵} بررسی شود (البته این مورد هنگام کپی کل شماره یک روزنامه صدق می‌کند، نه مقالات منفرد).</p> <p>- پس از بررسی وضعیت کپی‌رایت روزنامه در سامانه دیجیتال روزنامه‌های استرالیا، سه وضعیت به کاربر نشان داده می‌شود: (۱) خارج از حمایت کپی‌رایت: بدین معنی که کل منبع قابل کپی است و از طریق ایمیل یا پست به کاربر ارسال خواهد شد؛ (۲) تحت حمایت کپی‌رایت: محدودیت‌هایی برای کپی از منبع وجود دارد، کاربر صرفاً ۱۰ درصد از منبع را آنهم با هدف پژوهش و مطالعه می‌تواند تکثیر کند؛ (۳) نامشخص بودن وضعیت کپی‌رایت: وضعیت کپی‌رایت بسته به تاریخ هر شماره متفاوت است. ممکن است تحت برخی شرایط، برای پژوهش و مطالعه، تکثیر امکان‌پذیر باشد اما باید با کتابدار مشورت انجام گیرد.</p> <p>- اگر کاربری قصد تکثیر و کپی مقالات روزنامه را داشته باشد، می‌بایست به قانون کپی‌رایت استرالیا مصوب ۱۹۶۸ مراجعه نماید.</p> <p>- در کتابخانه تهیه نسخه‌های موقتی از آثار (مانند ذخیره‌سازی در حافظه پنهان) یا سایر موضوعاتی مانند استفاده از کپی یک اثر، مطابق قانون کپی‌رایت تخلف محسوب نمی‌شود.</p> <p>- برای کتابخانه‌ها، آرشیوها و مؤسسات فرهنگی (گالری‌ها و موزه‌ها) در قانون استثنائاتی در نظر گرفته شده است که اجازه می‌دهد آثار جهت ارائه به کاربران، حفاظت از منابع موجود در مجموعه و مدیریت مجموعه تهیه شوند.</p> <p>- موضوع حفاظت از منابع در کتابخانه با اصلاحیه قانون کپی‌رایت (دسترسی معلولان و سایر اقدامات) راحت‌تر شد. چرا که استفاده از اقداماتی برای حفاظت از منابع، نقض محسوب نمی‌شود.</p> <p>- کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی باید پیش از قدیمی شدن منابع و خرابی آنها نسبت به حفاظت اقدام کنند.</p>	<p>کتابخانه ملی استرالیا</p>
--	--	------------------------------

<p>کپی‌رایت در سامانه دیجیتال (تهیه ده درصد کپی از روزنامه)</p> <p>- نامشخص بودن وضعیت کپی‌رایت</p> <p>- بهره‌گیری کتابخانه از قانون کپی‌رایت در تکثیر روزنامه‌ها</p> <p>- نسخه‌های موقتی</p> <p>- استثنائات برای کتابخانه‌ها، آرشیوها و مؤسسات فرهنگی در حفاظت از مجموعه</p> <p>- غیرمجاز نبودن حفاظت از منابع در قانون کپی‌رایت</p> <p>- حفاظت از منابع پیش از خرابی و قدیمی شدن</p> <p>- تهیه کپی از منابع جهت حفاظت</p>	<p>- کتابخانه یا آرشیو باید متقاعد شود که تهیه کپی از منابع برای حفاظت از طریق دیگری (با یک قیمت منطقی و به صورت تجاری) قابل تهیه نیست.</p>	
مجموع: ۳۵ مقوله		

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رسالت و چشم‌انداز کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی، حفاظت و دسترسی دائمی به منابع اطلاعاتی برای کاربران و مراجعان است. به همین منظور روزانه بر حجم اطلاعات به صورت چاپی و دیجیتال به این مراکز افزوده می‌شود. در دهه گذشته، برخی از کتابخانه‌ها گام‌های بلندی برای دیجیتالی کردن و در دسترس قرار دادن حجم زیادی از اسناد، روزنامه‌های تاریخی، و سایر مجموعه‌ها برداشته‌اند. کتابخانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ روزنامه‌ها قدیمی به عهده دارند و لازم است با در نظر گرفتن راهبردهایی در حفظ و نگهداری آنها بکوشند. همان‌طور که یافته‌ها نشان داد، برنامه‌ها و پروژه‌های مختلفی در خصوص حفاظت و آرشیوسازی دیجیتالی روزنامه‌های تاریخی و قدیمی توسط دو کتابخانه کنگره آمریکا و ملی استرالیا با رعایت مسائل کپی‌رایت اجرا شده است.

در هر کدام از پروژه‌ها نگرانی‌هایی در ارتباط با کپی‌رایت مطرح شده و تلاش داشتند تا استثنائاتی را در حفاظت دیجیتالی از روزنامه‌ها مدنظر قرار دهند. اما در قانون سال ۱۳۴۸ ایران به این موضوع توجهی نشان ندادند و تنها در پیش‌نویس لایحه در انتظار تصویب، بندهایی در تهیه تکثیر توسط کتابخانه و مؤسسه بایگانی به منظور جایگزینی، تکثیر موقت و تهیه نسخه پشتیبان اختصاص داده شده است. البته مختص تمام منابع است و به روزنامه‌ها به تنهایی اختصاص ندارد. در صورتی که قوانین مورد بررسی دیگر و رهنمودهای یونسکو، به طور مشخص به روزنامه‌ها، حفاظت دیجیتالی و کپی‌رایت پرداخته‌اند. ناگفته نماند، در کتابخانه ملی ایران به حفاظت دیجیتالی به صورت فیزیکی بیشتر پرداخته شده است و تنها بخشی از روزنامه‌ها در کتابخانه ملی ایران در فرایند دیجیتال‌سازی قرار گرفته‌اند و امید این است که در آینده این موضوع به مأموریت اصلی آن تبدیل شود. تحلیل و مطالعه قوانین کپی‌رایت، رهنمودهای یونسکو و بررسی پورتال کتابخانه‌های منتخب نشان از آن دارد که حفاظت از منابع مهم تاریخی در مراکز آرشیوی و کتابخانه‌ها، تعیین چارچوب قانونی کپی‌رایت برای حفاظت دیجیتال، آرشیوسازی محتوای دیجیتالی تحت قانون، ذخیره‌سازی موقت و دائم، تهیه نسخه پشتیبان از منابع دیجیتال، انتشار مقالات روزنامه (در اثر استخدام)، تکثیر مقالات روزنامه‌ها با اهداف انتفاعی و غیرانتفاعی، حمایت قانون کپی‌رایت از مقالات روزنامه‌ها، استثنائات روزنامه‌ها در قانون کپی‌رایت برای کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی، مالکیت عمومی روزنامه‌ها و تکثیر روزنامه‌ها و نسخه‌های موقتی در ارتباط با حفاظت و آرشیوسازی دیجیتال با توجه به چارچوب‌های قانونی و کپی‌رایت می‌توانند در پیش‌نویس لایحه یادشده و در کتابخانه ملی ایران جهت حفاظت دیجیتالی از روزنامه‌ها بهره‌برداری شود. چرا که حفاظت و آرشیو دیجیتالی با رعایت مسائل کپی‌رایت به تلاش آگاهانه و سرمایه‌گذاری مستمر نیاز دارد.

اجرای برنامه‌های حفاظت و آرشیو دیجیتال در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی نیازمند بهره‌گیری از استانداردها و مدل‌هایی مانند OAIS و توجه به فراداده‌های حقوقی است که بتواند حفاظت بلندمدت از محتوای دیجیتالی را ارائه کند، در سند واپیو به اهمیت فراداده‌های حقوقی در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی اشاره شده است.

یکی از اقدامات مدل مرجع امکان قرارداد بین تولیدکننده و آرشیو برای مدیریت بهتر مسائل مربوط به کپی‌رایت است. این موضوع در پژوهش تاجداران، رضایی شریف آبادی و همت‌زاده (۱۳۹۰) مورد تأکید قرار گرفته است. ضمن اینکه پژوهش شادان‌پور نیز خواستار اقدامات آینده‌نگرانه در حفظ دیجیتالی منابع است. اقداماتی مانند برنامه NDIIPP، برنامه ملی روزنامه دیجیتال، پرمیس، پاندورا و ANPlan ضمن استفاده از قوانین کپی‌رایت، برخی از آنها توانسته‌اند تا حدود زیادی با بهره‌گیری از مدل مرجع OAIS و قوانین کپی‌رایت، توافقات بین تولیدکننده محتوا و کتابخانه‌ها را در حفاظت و آرشیوسازی دیجیتالی از منابع افزایش دهند. بنابراین توجه به مسائل کپی‌رایت در حفاظت و آرشیو دیجیتالی روزنامه‌ها حائز اهمیت است. این موضوع در هم‌سویی با پژوهش‌های شریف (۱۳۸۵)، نیکلسون (۲۰۰۳)، شارما (۲۰۱۳)، گلینی‌مقدم (۲۰۱۰) بوده و هم‌راستا با نتایج پژوهش کنونی است، که مسائل حقوقی و حفاظت از روزنامه‌ها را در کنار هم مورد توجه قرار داده است. با توجه به تحلیل و نتایج به دست‌آمده، پیشنهادهای زیر جهت توجه به مسائل کپی‌رایت حفاظت و آرشیو دیجیتالی در کتابخانه‌ها و بازنگری قوانین بیان می‌شوند:

- بازنگری در قانون سال ۱۳۴۸ و پیش‌نویس لایحه در خصوص حفاظت/ و حفاظت دیجیتال از منابع به ویژه روزنامه‌ها

- توجه به استثنائات استفاده از روزنامه‌ها در پیش‌نویس لایحه

- پیش‌بینی استثنائات کپی‌رایت برای اهداف حفاظتی در چارچوب‌های قانونی موجود بدون توجه به تعداد نسخ جایگزین در کتابخانه‌ها

برای دو بند فوق افزودن ماده/ یا مواد جدیدی در خصوص آثار جمعی برای روزنامه‌ها پیشنهاد می‌شود. بدین صورت که ناشران مطبوعاتی معمولاً مالک کپی‌رایت اثر جمعی مانند نسخه چاپی یا پورتال حاوی مقالات خبری مجزا هستند که مالکیت آن با توجه به قواعد در اثر استخدام تعیین می‌شود. البته به "در اثر استخدام" در قانون سال ۱۳۴۸ اشاره‌ای نشده و علی‌رغم بیان در پیش‌نویس لایحه، در خصوص روزنامه‌ها و ناشران مطبوعات برعکس قوانین سایر کشورها شفافیتی صورت نگرفته است.

- چشم‌پوشی کردن ناشران از حقوق مادی روزنامه‌ها در جهت اهداف حفاظتی و انتقال روزنامه‌ها به کتابخانه‌ها
- رویکرد مسئولانه ناشران نسبت به حفاظت و آرشیو روزنامه‌ها به ویژه روزنامه‌های قدیمی در همکاری با کتابخانه ملی ایران
- اختصاص فیلدی در نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای توسط کتابخانه ملی ایران به "وضعیت کپی‌رایت" روزنامه‌ها برای کاهش نگرانی ناشران و سایر ذینفعان
- توجه به فراداده‌های حقوقی استاندارد در کتابخانه‌ها، مراکز آرشیوی و مؤسسات میراث فرهنگی

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

سپاسگزاری

از دوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع فارسی

۱. پیش‌نویس لایحه قانون جامع حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط.
۲. تاجداران، منصور، رضایی شریف‌آبادی، سعید و همت‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۰). "وضعیت حفاظت در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با کتابخانه‌های ملی استرالیا، انگلستان، ایالات متحده و کانادا"، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۸۸، ۱۶۲-۱۸۰.
۳. درخشنده حقیقی، رخشان. (۱۳۹۲). بررسی نگرش سردبیران و مدیران مسوول مجلات علمی پژوهشی ایران پیرامون حفاظت دیجیتال مجلات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۴. رضایی، نعیمه و فرجی، فرناز. (۱۳۹۷). "ارزیابی نقش سازمان‌های غیردولتی در حفاظت از میراث معماری و شهری؛ مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه". هویت شهر، ۱۲ (۱)، ۲۷-۳۶.
۵. شادان‌پور، فرزانه. (۱۳۸۶). "تاملی بر میراث ملی دیجیتالی". فصلنامه کتاب، ۷۲، ۹۳-۱۰۸.
۶. شریف، عاطفه. (۱۳۸۵). "رویکردهای مدیریتی در حفاظت دیجیتالی". فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات، ۲۱ (۳)، ۱۰۳-۱۲۴.
۷. صمیعی، می‌ترا، خسروی، فریبرز. (۱۳۸۹). "راهبردهای حفاظت رقمی در کتابخانه‌های ملی عضو کنسرسیوم بین‌المللی حفاظت اینترنتی". اطلاع‌شناسی، ۲۷، ۱۸۱-۲۰۲.
۸. عبداللهی، الهه. (۱۳۹۶). مطالعه وضعیت زیرساخت‌های سازمانی و فناوریانه حفاظت اشیای دیجیتال کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
۹. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96427>
۱۰. نوروزی، یعقوب. (۱۳۹۵). "حفاظت در کتابخانه‌های دیجیتالی". فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، ۳ (۱۰)، ۴۳-۵۴.

References

1. Abdullahi, E. (2016). *Studying the status of the organizational and technological infrastructures for the preservation of digital objects of the Parliamentary Library of Iran*. Master's thesis, Shahed University (In Persian).
2. Act on Protection of Authors, Composers and Artists Rights, 1970 (In Persian).
3. The draft law on literary and artistic property rights and related rights (In Persian).



4. Derakhshandeh Haghghi, R. (2014). *The Survey attitude of editors and responsible managers of scientific research journals in Iran regarding the digital protection of journals*. Master's thesis, Shiraz University (In Persian).
5. Fondren, E & Mccune, M.M. (2018). "Archiving and Preserving Social Media at the Library of Congress: Institutional and Cultural Challenges to Build a Twitter Archive", *Digital Technology & Culture*, 47, 33-44. <https://doi.org/10.1515/pdct-2018-0011>
6. Galyani Moghaddam, G. (2010). "Preserving digital resources: issues and concerns from a view of librarians". *Collection Building*, 29 (2), 65-69.
7. Marcum, D.B. (2007). "Digitizing for access and preservation: strategies of the library of congress. Peer- reviewed journal on the internet".
<https://firstmonday.org/ojs/index.php/fm/article/view/1924/1806>
8. National Library of Australia (2023). *Overseas newspapers: copies*. <https://www.nla.gov.au/research-guides/overseas-newspapers/copies>
9. Nicholson, D. R. (2003, August 1-9). "WHAT HAS COPYRIGHT GOT TO DO WITH NEWSPAPERS? – A SOUTH AFRICAN PERSPECTIVE". 69th IFLA General Conference and Council, Berlin
10. Norouzi, Y. (2015). Preservation in digital libraries. *Information & Communication Quarterly Book Review*, 3 (10): 43-54 (In Persian).
11. Okediji, R. L. (2006). *THE INTERNATIONAL COPYRIGHT SYSTEM: Limitations, Exceptions and Public Interest Considerations for Developing Countries*. Switzerland: ICTSD and UNCTAD.
12. https://unctad.org/system/files/official-document/iteipc200610_en.pdf

13. Pantalony, R.E, Crews, K.D. & Sutton, S. (2023). *TOOLKIT ON PRESERVATION*. In *Standing Committee on Copyright and Related Rights*, Forty-Third Session Geneva, March.
14. Rezaei, N., & Faraji, F. (2018). An Evaluation of the Role of NGOs in Heritage Conservation; a Comparative Study on Iran and France. *Hoviatshahr*, 12(1), 27-36 (In Persian).
15. Samiei, Mitra & Khosravi, Fariborz (2011). Digital preservation strategies in national libraries, members of the International Internet preservation Consortium. *Informatics*, 27, 181-202 (In Persian).
16. Seng, D. (2008). *International Study on the Impact of Copyright Law on Digital Preservation*. In WIPO International Workshop on Digital Preservation and Copyright.
17. Shadanpour, F. (2008). The digital heritage. *Librarianship and Information Organization Studies*. 18 (4): 93-108 (In Persian).
18. Sharif, A. (2022). Management Approaches to Digital Preservation. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 21(3), 103-124 (In Persian).
19. Sharma, A. K (2013). "COPYRIGHT LAW ON DIGITAL PRESERVATION AND ITS IMPACT ON LIBRARIES". *International Journal of Library and Information Science Research and Development (IJLISRD)*, 2 (1): 46-59. www.prjpublication.com/ijlisrd.asp
20. Smith, A. (2006). "Distributed Preservation in a National Context: NDIIPP at Mid-point". *D-Lib Magazine*, 12(6). www.dlib.org/dlib/june06/smith/06smith.html
21. Smith, M. (2016). "At Risk: An Analysis of newspaper source materials digitized by U.S. and European repositories. Satellite meeting - News, new roles & preservation advocacy: moving libraries into action", 10 – 11 August 2016 Lexington, Kentucky USA.
22. Tajdaran, M., Rezaei Sharifabadi, S & Hemmatzadeh, F. (2012). Preservation Status in the National Library and Archives of I.R. Iran in Comparison with the National Libraries of Canada, the U.S.,

the U.K. and Australia. *Librarianship and Information Organization Studies*. 22 (4): 162-180 (*In Persian*).

23. UNESCO/PERSIST Content Task Force (2021). “*The UNESCO/PERSIST Guidelines for the Selection of Digital Heritage for Long Term Preservation*”.
<https://repository.ifla.org/bitstream/123456789/1863/1/Guidelines%20For%20the%20Selection%20Of%20Digital%20Heritage%20For%20Long-Term%20Preservation%20-%202nd%20Edition.pdf>

Investigating Constitutional Revolution with Emphasis on Chalmers Johnson's Theory

Latifi Gholamreza¹  | Ghasemi Daryosh²  | latifi Sahar³ 

1. Professor, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. E-mail: latifi@aut.ac.ir
2. Corresponding author, Ph.D. Candidate, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, E-mail: Ghasemi-dar@yahoo.com.
3. Architect, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: S_latifi@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received :14 July 2022
Received in revised form
9 August 2022
Accepted: 30 August 2022
Published online: 21
September 2022

Keywords:

Chalmers Johnson,
Constitutional Revolution,
Theory
Value Changes,

ABSTRACT

Objective: Constitutional Revolution is one of the most important events in contemporary history of Iran because subsequently we observe the major changes in applying the rule. because king did not come to light of God. This article reviews the background and causes of this event based on Chalmers Johnson's theory. Johnson's theory belongs to the functionalist approach. According to this approach Society is considered as a System that each of the different components shares in maintaining the balance of total with playing a specific role. According to Johnson what has caused the revolution to take place is inconsistencies occurred due to system imbalances caused by environmental and value changes. In this article has been trying to investigate the process of environmental and value changes in society (that mismatch of them led to a revolutionary situation) based on Johnson's theory using indicators derived from this theory. The research results indicate that Value and environmental changes have taken place during the Qajar rule led to destruction the previous balance and finally occurrence of Revolution.

Cite this article: Latifi Gholamreza; Ghasemi Daryosh; latifi Sahar. (2022). Investigating Constitutional Revolution with Emphasis on Chalmers Johnson's Theory. *News Science*, 11 (42), 125-156.





بررسی انقلاب مشروطه با تأکید بر نظریه چالمرز جانسون

غلامرضا لطیفی^۱ | داریوش قاسمی^۲ | سحر لطیفی^۳

۱. استاد، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، رایانامه: latifi@atu.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رایانامه: Ghasemi-dar@yahoo.com
۳. معمار، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، رایانامه: ltfi.sahar@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

انقلاب مشروطه یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است که به دنبال آن شاهد دگرگونی بزرگی در شیوه اعمال حاکمیت هستیم. چرا که شاه دیگر سایه خدا به حساب نیامده و مطابق قانون اساسی مشروطه قدرت موهبتی بود که از جانب ملت به وی تفویض می‌شد. این مقاله به بررسی وقوع این رویداد و زمینه‌ها و علل وقوع آن بر مبنای نظریه چالمرز جانسون پرداخته است. نظریه جانسون به رویکرد کارکردگرا تعلق دارد. مطابق این رویکرد جامعه به صورت یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که هر یک از اجزای مختلف آن با ایفای یک نقش خاص در حفظ تعادل کل سهمیم است. از نظر جانسون آنچه باعث وقوع انقلاب است به هم خوردن تعادل سیستم بر اثر ناهماهنگی پیش آمده ناشی از تغییرات ارزشی و محیطی صورت گرفته می‌باشد. در این نوشته تلاش شده است تا روند تحولات و تغییرات محیطی و ارزشی جامعه (که عدم تطابق این دو باعث وضع انقلابی است) بر اساس نظریه جانسون و با استفاده از شاخص‌ها و معرف‌های برگرفته از این نظریه مورد بررسی قرار گیرند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که تغییرات ارزشی و محیطی صورت گرفته در طول حکومت قاجار باعث برهم خوردن تعادل پیشین و در نهایت وقوع انقلاب مشروطه شده‌اند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۳۰

کلیدواژه‌ها:

انقلاب مشروطه، تغییرات ارزشی
چالمرز جانسون، نظریه

استناد: لطیفی، غلامرضا؛ قاسمی، داریوش؛ و لطیفی، سحر (۱۴۰۱). بررسی انقلاب مشروطه با تأکید بر نظریه چالمرز جانسون. *علوم خبری*، ۱۱ (۴۲)، ۱۵۶-۱۲۵.



مقدمه

انقلاب مشروطه نقطه تحول و بنیادین جامعه ایرانی است، و خط بطلانی بر نظام استبدادی و ملوک الطوائفی قاجار و ورود به دولت متمرکز و شبه مدرن پهلوی است و همزمانی این رویداد با آغاز مدرنیته در غرب و شیفتگی برای کسب ویژگی‌های تجدد و نوگرایی در جامعه سنتی و استبداد زده ایرانی، سرآغاز تحولات و دگرگونی‌های زیادی در جامعه ایران شد. انقلاب مشروطه زایش نوگرایی در منطقه خاورمیانه است و گستردگی دیدگاه‌ها و نظرات متفکران در این عرصه قابل تأمل است. بر اساس درکی شهودی اصطلاح «تحول انقلابی» مفهوم رخدادی ریشه‌ای را به ذهن متبادر می‌سازد که طی آن قالب‌های کهن از میان رفته است یا دستکم در حال جایگزین شدن با نگرش‌های جدید و غالباً تجربه نشده می‌باشد. با اتخاذ این رویکرد در جامعه شناسی و علوم سیاسی می‌توان انقلاب را تحولی دانست که طی آن قالب‌های کهن در حوزه شیوه اعمال حاکمیت از بین می‌رود یا دستکم در حال جایگزین شدن با نگرش‌های جدید و غالباً تجربه نشده است (کوهن، ۱۳۸۶: ۳۲).

هر چند در جامعه‌شناسی یک توافق کلی و واحد در مورد تعریف انقلاب وجود ندارد و هر متفکری سعی کرده است تا بر ابعادی از این پدیده تأکید کند، ولی با این حال یکی از مسائلی که مورد پذیرش تمام ناظران قرار دارد آن است که انقلاب اصطلاحی است که به معنای دقیق کلمه به فرایندهای تحول بنیادین اجتماعی اطلاق می‌شود. در این میان می‌توان به نمونه‌هایی مانند انقلاب انگلستان، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب روسیه و انقلاب چین اشاره کرد. انقلاب مشروطه مردم ایران در اوایل قرن بیستم میلادی نیز از جمله انقلاب‌هایی است که منجر به تغییرات بنیادی - اجتماعی شد و بر تحولات پس از خود اثرات عمیقی را به جای گذاشت. انقلاب مشروطه به عنوان یک تحول انقلابی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است. به دنبال این انقلاب بود که شاهد ظهور ارزش‌ها و مفاهیم جدیدی هستیم که در طول تاریخ این سرزمین سابقه نداشت. چنانکه به عنوان مثال برای اولین بار امری بنام حقوق ملت ایران در قانون اساسی مشروطیت مطرح شد که خود تحولی مهم در زمینه شیوه اعمال حاکمیت در ایران به شمار می‌رود. تاکنون تبیین‌های مختلفی از علل و عوامل وقوع این پدیده صورت گرفته که هر کدام از منظری خاص به بررسی آن پرداخته‌اند. در این نوشته تلاش شده است که وقوع انقلاب مشروطه بر مبنای تئوری انقلاب چالمرز جانسون بررسی شود. از نظر جانسون انقلاب اساساً نتیجه پیدایش عدم هماهنگی میان محیط و ارزش‌هاست. به نظر او

انقلاب را می‌بایست در زمینه سیستم‌های اجتماعی مطالعه کرد و اساساً جامعه‌شناسی ثبات پیش از جامعه‌شناسی انقلاب می‌آید (بشیریه، ۱۳۸۲: ۵۲).

بیان مسئله

با وقوع انقلاب مشروطه به تدریج جامعه دچار تغییرات اجتماعی و فرهنگی می‌شود، نظام اجتماعی ایران در دوره قاجار با تحولات خاصی روبرو است که در مجموع بر وقوع انقلاب مشروطه اثرگذار است، از تمرکز بالای نظم سیاسی آغامحمدخان و ورود به دوره فتحعلی شاه و تحمیل قراردادهای ننگین ترکمنچای و گلستان و جدایی نوزده شهر ایران و قتل قائم مقام فراهانی (وزیرکشی) و دوره ناصرالدین شاه و وقایع عمده آن مانند چاپ روزنامه کاغذ اخبار (اولین روزنامه) و وقایع اتفاقیه و صدارت امیرکبیر و اقدامات اصلاحی وی و قتل او (وزیرکشی) ورود مدرنیته به ایران، واقعه رژی و آگاهی مردم به قدرت خویش و دخالت‌های گسترده دولت‌های روس و انگلیس (نیمه مستعمره شدن کشور) و ضرورت تغییرات اجتماعی و دگرگونی ساختار قدرت و مشروط و محدود ساختن قدرت حکام تمامیت خواه، باعث تغییر در نگرش‌ها و باورهای مردم به ارکان قدرت شد و ضمیمه ساز انقلاب مشروطه گردید.

این تغییرات ارزشی درونی و بیرونی چه تأثیری در شکل‌گیری و وقوع انقلاب مشروطه داشت و با توجه به ویژگی‌های جامعه ایرانی و رخداد‌های ناشی از آن و نیز تغییرات محیطی درونی و بیرونی چه تأثیری در وقوع آن (انقلاب مشروطه) داشته است، که در این مقاله سعی خواهد شد که از دیدگاه چالمرز این رخداد اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روش تحقیق

با توجه به وقوع انقلاب مشروطه در تاریخ ۱۲۸۵ شمسی، و بررسی آن رخداد روش تحقیق به کار گرفته روش اسنادی و تاریخی است. تحقیق تاریخی فعالیتی است برای شناخت واقعیت‌های گذشته و یک از دشوارترین انواع پژوهش است این تحقیق وقایع مربوط به گذشته را مورد تعبیر و تفسیر و ارزیابی قرار می‌دهد. در این روش هدف این است که وقایع گذشته دقیق و درست شناسایی شوند تا وضع موجود بهتر درک گردد در روش‌های دیگر مانند توصیفی یا تجربی محقق می‌تواند نمونه مورد مطالعه را با میل خود انتخاب نماید، اما در تحقیق تاریخی مجبور است فقط اطلاعات و اسنادی را که از گذشته باقی مانده‌اند مورد بررسی قرار دهد.

در این مقاله وقوع انقلاب مشروطه از دید یک نظریه پرداز مورد مذاقه قرار گرفته است.

چارچوب نظری

آثار جانسون نمایانگر تلاشی عمده برای بهره‌گیری از نوشته‌های پارسونز در جهت تحلیل تحولات عمیق اجتماعی است (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۵۷). جانسون معتقد است که جامعه، اجتماعی اخلاقی است؛ به این معنا که جامعه از گروهی از افراد بشر تشکیل یافته که درباره ارزش‌هایی مخصوص اتفاق نظر دارند و درباره آنچه درست یا نادرست انگاشته می‌شود یکسان می‌اندیشند. این ارزش‌ها به نوبه خود نابرابری موجود در سازمان اجتماعی را مشروعیت می‌بخشند و آنها را اخلاقاً برای افراد جامعه قابل پذیرش می‌نمایند (جانسون، ۱۳۶۳: ۳۶-۳۵). ارزش‌ها موجب ایجاد همبستگی در افراد جامعه می‌شوند، به گونه‌ای که جانسون آنها را نمادهای تعریف شده‌ای که وقتی مورد پذیرش همه واقع شوند همبستگی آگاهانه‌ای را ایجاد می‌کنند که وجه مشخصه انسان‌های پیوسته به هم در یک جمع بهنجار است، می‌خواند. ارزش‌ها همچنین به منزله توضیح وقایع و نیز تبیین‌هایی برای محیط خاص یک جامعه عمل می‌کنند (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۵۹). به عبارتی می‌توان گفت که ارزش‌ها، هم تبیین‌کننده واقعیت‌های اجتماعی و هم معیاری برای تعیین واکنش مناسب در برابر آنها هستند. ارزش‌ها، الگوهای پیدایش انتظارات مشترک و معیاری برای هدایت و تنظیم رفتار افراد هستند. ارزش‌ها به نظام تقسیم کار اجتماعی یک جامعه سازمان می‌بخشند چرا که با بهره‌گیری از آنها نیاز به استفاده از زور برای انتصاب افراد به وظیفه تعیین شده، منتفی می‌گردد. مهمترین کارکرد نظام ارزشی، مشروعیت بخشی به بهره‌برداری از قدرت مجریه، مقننه، قضائیه و نیروی قهریه است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۵۴).

جانسون کار خود را با این اصل آغاز می‌کند که انقلاب باید در ارتباط با نظام اجتماعی بخصوصی که در آن واقع شده است بررسی گردد و تجزیه و تحلیل انقلاب مرتبط با بررسی کارکرد جامعه می‌باشد و هرگونه تلاش برای مجزا ساختن این دو، چندان فایده‌ای نخواهد داشت (جانسون، ۱۳۶۳: ۱۸). سؤال اساسی که جانسون برای بررسی انقلاب مطرح می‌کند این است که "چرا جوامع باثبات ناگهان دچار اغتشاش می‌شوند و ساخت آنها تغییر می‌کند؟" وی معتقد است که ابتدا باید دید چگونه نظم، ثبات و تعادل حاصل می‌گردد و تداوم می‌یابد

(ملکوئیان، ۱۳۷۲: ۸۸). از نظر او تعادل یک نظام اجتماعی وابسته به درجه سازگاری بین ارزش‌ها و تقسیم کار در آن است و از آنجایی که این دو عامل تعیین‌کننده ساخت نظام جامعه نیز هستند تغییر در آنها به تحول در ساخت اجتماعی منجر می‌گردد؛ زمانی که وجود فشارهایی از داخل یا خارج نظام که باعث اختلال در حالت تعادلی آنها می‌شوند، محسوس گردد و تغییر در ساخت اجتماعی ضروری به نظر برسد آنگاه شکل متفاوتی از تغییر و تحول در نظام جامعه بروز می‌نماید. در چنین موقعی سیاست‌هایی برای ایجاد تغییر در ساخت جامعه ضروری می‌باشد و تنها در این شرایط است که خطر بروز انقلاب واقعیت می‌یابد. به نظر جانسون، انقلاب عبارت است از تلاش‌های موفق یا ناموفق که به منظور ایجاد تغییرات در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌پذیرد (جانسون، ۱۳۶۳: ۱۷).

از دیدگاه کارکردگرایی در سیستمی که در حالت تعادل و توازن قرار دارد، ارزش‌ها و محیط با یکدیگر همخوان و هماهنگ هستند و تغییر در هر کدام از آنها باعث برهم خوردن تعادل و توازن می‌شود و این امر، مستلزم تغییر در دیگری جهت برقراری تعادل و توازن مجدد است (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۶۲). در درون جامعه‌ای که پیش از این به درستی کارایی داشته است، یعنی در جایی که یک وضعیت انقلابی یا خشونت‌آمیز بروز نکرده است، ممکن است برخی فشارها رو به فزونی گذارد، که می‌توان آنها را در یک دسته‌بندی چهار وجهی از منابع تغییر طبقه بندی کرد: منابع بیرونی تغییر ارزش‌ها، منابع درونی تغییرات ارزش‌ها، منابع بیرونی تغییر محیط، منابع درونی تغییر محیط (همان: ۱۶۵).

منابع بیرونی تغییر ارزش‌ها: منابع خارجی تغییر در ارزش‌ها برای ما بسیار آشنا هستند. وسایل ارتباط جهانی، آثار بروز انقلاب در همسایگی یک جامعه، فعالیت‌های عمال گروه‌های سیاسی بین‌المللی مانند احزاب کمونیست و یا انجام وظیفه سازمان‌هایی مانند یونسکو و سپاه صلح ایالات متحده را می‌توان به عنوان مثال ذکر کرد. تمام این وسایل به تماس و مقایسه فرهنگی انجامیده‌اند. نمونه تغییرات ارزشی که از تماس‌های فرهنگی حاصل می‌شوند، به آسانی قابل تفکیک هستند. مثلاً می‌توان نشان داد که مسافرت و تحصیل در خارج به تغییر در ارزش‌ها در دانشجویانی که از مستعمرات به اروپا سفر کرده بودند منجر شد (جانسون، ۱۳۶۳: ۷۴).

منابع درونی تغییر ارزش‌ها: جمع‌بندی منابع داخلی تحول در ارزش‌ها در مفاهیمی مشخص، چندان آسان نیست. اینها معمولاً عبارتند از تغییر در ارزش‌ها که از ترقی و تعالی فکری و پذیرش تفکرات و کشفیات جدید ناشی می‌شوند. منظور ما از منابع داخلی تحول در

ارزش‌ها آن دسته از عقاید و تفکراتی هستند که مستقیماً بر ساخت ارزشی اثر می‌گذارند، نه آنهایی که به صورت نتایج تغییر در شرایط محیطی به طور غیر مستقیم ارزش‌ها را تغییر می‌دهند. زمانی که منبع تغییرات اثر نخستین خود را بر ارزش‌ها باقی می‌گذارد، آنگاه بر نحوه تقسیم کار نیز تأثیر می‌نماید. مثلاً فراگیر شدن اعتقاد به استقلال ملی - که بدو تغییر در ساخت ارزشی است - معمولاً به تغییرات محیطی چندی منجر می‌شود، مانند: ثبت نام و آمارگیری از بیگانگان ساکن در کشور، وضع حقوق و تعرفه‌های گمرکی، ایجاد نظام وظیفه، برقراری مرقت‌های مرزی، و دوباره‌نویسی کتاب‌های تاریخ به نحوی که بر ویژگی‌های ملی تأکید داشته باشند (جانسون: ۱۳۶۳: ۱۲۶). جانسون بدعت‌گذاران داخلی را سرچشمه‌های احتمالی منابع درونی تغییر ارزش‌ها می‌داند. البته او به دشوار بودن جا دادن منابع تغییر در طبقه‌بندی‌های خاص اذعان دارد زیرا تبدیل یک فرد به یک بدعت‌گذار داخلی بدون دسترسی‌ها به اندیشه‌هایی که در خارج از محیط وی وجود داشته است در بهترین حالت امری قابل تردید به نظر می‌رسد (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۶۵). به طور خلاصه مهمترین موردی که جانسون در این خصوص مطرح می‌کند تأثیرگذاری عده‌ای از افراد خلاق و مبتکر در ساخت ارزش‌های جامعه می‌باشد.

منابع بیرونی تغییر محیط: عوامل خارجی که بر نحوه هماهنگی با محیط تأثیر می‌گذارند مشخص هستند. از میان آنها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: مانند وارد ساختن دانش پزشکی در جوامع توسعه نیافته که به افزایش میزان رشد جمعیت منجر می‌شود، رونق داد و ستد به واسطه گشایش بازار ارز خارجی، ورود صنایع و حرف مختلف، مهاجرت افراد، روابط سیاسی بین جوامع، اشغال نظامی و ... (جانسون، ۱۳۶۳: ۷۸). همچنین منابع خارجی تغییر محیط می‌تواند به شکل یک تهاجم خارجی یا کاربست فنون آبیاری جدیدی باشد که نخستین بار با موفقیت در جاهای دیگر به کار رفته‌اند (کوهن: ۱۶۵).

منابع درونی تغییر محیط: منابع داخلی تغییر محیطی، اختراعات صنعتی مانند اختراع چرخ یا راه آهن را شامل می‌شوند (جانسون: ۷۸). همچنین این تغییرات ممکن است به شکل افزایش ناگهانی جمعیت باشد که موجب وارد آمدن فشار بر ذخایر غذایی و ارضی کشور می‌گردد، باشد (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

هرگاه منابع تغییر بر یک نظام اجتماعی تأثیر گذارد، بروز یکی از دو حالت قطعی است: یا هماهنگی و تطابق عناصر مختلف با هم در حفظ حالت تعادلی، برغم فشارهای جدید، موفق خواهد شد؛ و یا ظرفیت انطباق نظام موجود توانایی ایجاد هماهنگی‌های لازم را نخواهند داشت، که در چنین صورتی بین ارزش‌ها و شرایط محیطی فاصله ایجاد شده و ناهماهنگی بین آنها به مختل شدن حالت تعادلی منجر خواهد شد (جانسون، ۱۶۳: ۷۹). به عبارت دیگر اگر نظام بتواند خود را با تغییرات هماهنگ سازد دیگر مشکلی وجود ندارد و نظام بار دیگر به حالت تعادل باز می‌گردد. مثلاً با فشار جمعیت می‌توان به وسیله شیوه‌های کنترل موالیید، توزیع عادلانه‌تر اراضی، یا با گسترش بخش صنعتی و از آن طریق فراهم کردن مشاغل جدیدی برای جمعیت اضافی که به نوبه خود بازارهای بیشتری را برای کالاها ایجاد می‌نماید مقابله کرد. یا ممکن است نخبگان بالقوه و اندیشه‌های جدید آنان در گروه نخبگان حاکم پذیرفته یا جا داده شوند و راه فعالیت آنان به دست نخبگان حاکم مسدود نگردد. ولی اگر نظام نتواند از عهده فشارهای مختلف برآید و آن فشارها گسترش یابد می‌توان قائل به وجود حالتی از بدکارکردی چندجانبه‌اشد. این حالت را می‌توان با وضعیت بدن یک موجود زنده که از بیماری‌های مختلف رنج میبرد مقایسه کرد (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

جانسون خود اعتراف می‌کند که معیارهای کامل برای اندازه‌گیری انحراف نظام اجتماعی از حالت تعادل وجود ندارد و مقیاس‌های گوناگونی را برای ارزیابی این وضعیت ارائه می‌دهد که اگرچه جامع و کامل نیست اما می‌تواند به عنوان نمونه‌هایی از یک شاخص کلی در نظر گرفته شود؛ مثلاً افزایش اعتیاد به الکل و فساد، زیر پا گذاشتن هنجارها، افزایش میزان خودکشی‌ها، افزایش تعداد و محبوبیت ایدئولوژی‌های گوناگون، افزایش تعداد نیروهای مسلح نسبت به تعداد جمعیت غیرنظامی و رابطه بین میزان جنحه و جنایت و عدم تعادل از نشانه‌های عمده عدم تعادل محسوب می‌شود. همچنین جانسون ضعیف شدن ارزش‌ها و قدرت‌گیری هنجارها به جای آن را به عنوان یکی دیگر از معیارهای عدم تعادل نام می‌برد (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۳۸).

نخبگان سیاسی جامعه باید با وضعیت بدکارکردی چندجانبه که زاده فشارهای وارد آمده از سوی منابع تغییرات است مقابله کنند و برای این کار اساساً یکی از دو راه حل جایگزین در اختیار آنهاست: این گروه ممکن است با فشار برای تغییر همراهی کنند یا در مقابل آن به

مقاومت برخیزند. اگر با فشارها همراهی کنند و در انجام این کار به حد کافی موفق شوند تنش اجتماعی کاهش می‌یابد. البته ممکن است موقعیت خود آن گروه دشوارتر گردد. اما اگر راه مقاومت را در پیش گیرند، باید برای حفظ موقعیت خود هرچه بیشتر و بیشتر از زور استفاده نمایند. جانسون این کاربرد زور را فرو نهشت قدرت^۱ [یا کاهش قدرت] می‌نامد.

اگر گروه نخبگان نتواند به تقاضا یا فشار برای تغییر پایان دهد آنگاه توده مردم استفاده مستمر از زور را (جهت حفظ تمامیت اجتماعی در دوران عدم تعادل)، نامشروع تلقی خواهند کرد. سطح پایین‌تر مشروعیت را از دست دادن اقتدار^۲ می‌نامند. فرو نهشت قدرت و از دست دادن اقتدار را که هر دو نشانه سرسختی و مصالحه ناپذیری نخبگان^۳ است می‌توان توأمان به عنوان شرایط لازم به شمار آورد. شرط کافی که جانسون آن را عامل شتابزا^۴ خوانده است به احتمال زیاد عبارت خواهد بود از ناتوانی نخبگان مصالحه ناپذیر از حفظ پشتیبانی ابزارهای اجبار که معمولاً به شکل ارتش هستند (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

به عبارت دیگر می‌توان گفت که برای وقوع یک انقلاب ۳ شرط مؤثرند، که از این سه شرط دو مورد شرط لازم و یک مورد شرط کافی می‌باشند. بدین صورت که:

الف- نخست فشارهایی که به وسیله یک نظام اجتماعی نامتعادل ایجاد می‌شوند، نظامی که در حال تغییر است و برای ادامه حیات به تغییرات بیشتری نیاز دارد. در میان تمام ویژگی‌های یک نظام نامتعادل آنچه بیش از همه به بروز انقلاب کمک می‌کند پدیده رکورد قدرت است یعنی این واقعیت که در دوره تحول و تغییر، حفظ تمامیت نظام اجتماعی بیش از پیش به استفاده از قوه قهریه توسط صاحبان مناصب اعتبار متکی می‌شود.

ب- دومین رشته از علل لازم از رفتار رهبران سیاسی مایه می‌گیرد. این علل بالاخص مربوطند به توانایی رهبران در ایجاد تحولات صریح و قاطع در شرایط عدم تعادل اجتماعی. اگر این افراد قادر به ارائه و پیاده کردن سیاست‌هایی برای حفظ اعتماد افراد عادی جامعه نسبت به نظام و قابلیت آن برای حرکت به سوی سازگاری مجدد، نباشند، آنگاه اعتبارشان را از کف خواهند داد. در این زمان است که استفاده از قوه قهریه توسط گروه حاکمه و ارباب اعتبار دیگر مشروع تلقی نخواهد شد. اما هنوز هم این به معنی بروز فوری انقلاب نخواهد بود. تا زمانی که

1. Powere deflation

2. Loss of authority

3. Elite intransigence

4. Accelerator

رهبران بتوانند از نیروی نظامی برای حفظ روابط اجتماعی استفاده برند، نظام حاکم بر جای خواهد ماند اما رکود قدرت به حد نهایی خود خواهد رسید و به ایجاد «حکومتی پلیسی» منجر خواهد شد.

ج- علت نهایی، یا کافی، برای انقلاب عاملی است که معمولاً به طور اتفاقی وقوع می‌یابد، مانند شورش نظامیان. چنین علل بروز فوری انقلاب را اصطلاحاً «عوامل شتابزا» می‌نامیم، زیرا اینها باعث حرکت سریع‌تر روند انقلابی می‌شوند. عوامل شتابزا فشارهایی هستند که می‌توانند در جامعه‌ای که دچار رکود قدرت و ضعف اعتبار شده است حرکت انقلابی را سرعت بخشند (جانسون، ۱۳۶۳: ۹۷-۹۶).

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در صورت مصالحه‌ناپذیری، نخبگان مجبور خواهند شد تا برای بقای نظام به زور متوسل شوند که در نهایت منجر به کاهش مشروعیت نظام برای به‌کارگیری قدرت نظامی خواهد شد و این امر رکود قدرت را به دنبال خواهد داشت؛ وضعیتی که در آن قدرت نظامی کارآیی خود را از دست می‌دهد. در صورت بروز چنین وضعیتی، شکل‌گیری برخی حوادث به تنهایی می‌تواند به عنوان جرقه‌ای باشد که موجب بروز نهایی انقلاب شود. بدین ترتیب عامل نهایی انقلاب در نظریه جانسون عامل شتابزا است که عبارت است از مواردی که با ظاهر ساختن ناتوانی نخبگان در حفظ انحصار خود بر قوه قهریه، بروز انقلاب را ممکن می‌سازد. به عبارت دیگر، عامل شتابزا مجموعه‌ای از حوادث خاص و ویژه را شامل می‌شود که موجب در هم شکستن ظاهر قدرتمند سیستم می‌شود و انحصار خشونت را از دست سیستم خارج می‌کند (جانسون: ۱۰۳).

تبیین انقلاب مشروطه بر اساس نظریه چالمرز جانسون

دیدگاه کارکردگرا در مورد جامعه توجه خود را به روشی معطوف می‌دارد که به موجب آن اجزای گوناگون جامعه برای حفظ ثبات کل نظام اجتماعی دارای کارکرد یا تأثیر مثبت می‌باشند. نظریه کارکردگرا بیان می‌کند که در شرایط معمولی، همه عناصر در نظام اجتماعی به سازگاری با هم گرایش دارند به این ترتیب که هر عنصر به حفظ ثبات کلی و همگانی کمک می‌کند، یعنی دوام جامعه به همکاری متقابل این عناصر بستگی دارد. به عبارت دیگر جامعه در نظریه کارکردگرا، از نوعی تمایل به سوی ثبات و یا تعادل برخوردار است (رابرتسون، ۱۳۷۷، ۳۶). از این رو لازم است که اجزای این کل در حالت تعادل مورد بررسی قرار گیرند، تا پس از آن روندهایی را که منجر بهم خوردن این حالت تعادل و در نهایت پیش آمدن وضعیت انقلابی

شدند، ذکر شوند. به همین دلیل نگاهی کوتاه داریم به اجزا و عناصر اساسی جامعه ایران قبل از وقوع انقلاب مشروطه و برخی اجزای اصلی آن مانند ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را که در حالت عادی با ایفای نقش و کارکرد خود به حفظ تعادل و ثبات جامعه کمک می‌کنند، بررسی خواهیم کرد.

اوضاع اقتصادی

بررسی اوضاع اقتصادی این دوران نشان می‌دهد که اساس و ستون فقرات آن متکی به کشاورزی و دامداری یا اقتصاد شبانی بود. ثانیاً، مراکز تولیدی آن (در قالب ۲۰ هزار روستای پراکنده و کم جمعیت) از یکدیگر دور بوده و در مجموع در حالتی خودکفا و بدون ارتباط با یکدیگر به سر می‌بردند. اقتصاد ایران را در این مقطع به درستی می‌توان یک اقتصاد معیشتی یا بخور و نمیر تعریف نمود (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۱۰۳). از این رو دو ویژگی مهم برای اقتصاد ایران در این برهه می‌توان متصور بود: ویژگی اول خودکفایی و خودبسندگی ناشی از ضعف امکانات و نه منتج از یک برنامه طراحی شده بود که تولید مازاد و مبادله آن را ناممکن می‌ساخت و ویژگی دوم فقدان ارتباطات به علت نبود زیرساخت‌های لازم بود. به همین ترتیب که واحدهای اقتصادی ایران پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگر بودند، مجموعه اقتصاد ایران نیز به همان نسبت منفک و جدای از اقتصاد و تجارت جهانی بود. در یک کلام اقتصاد ایران در آستانه قرن نوزدهم را می‌توان اقتصاد یک روستای عقب‌مانده، کم آب و دورافتاده توصیف نمود که دارای پنج میلیون نفر جمعیت است (همان: ۱۰۶-۱۰۴).

اوضاع اجتماعی

اوضاع اجتماعی ایران نیز در این مقطع تفاوت زیادی با وضعیت اقتصادی آن نداشت. اگر سواد را به عنوان یک شاخص در نظر بگیریم، شمار باسوادان صرفاً به کمتر از پنج درصد جمعیت شهرنشین محدود می‌شد (همان: ۱۰۶). اصولاً خواندن و نوشتن در سطح کل جامعه به سه قشر دربار، روحانیون و بازار منحصر می‌گردید و در میان مابقی اقشار شهرنشین باسواد بودن بیشتر یک استثناء بود تا قاعده. در شروع قرن نوزدهم هیچ مدرسه جدیدی در ایران وجود نداشت و در پایان آن صرفاً بیست مدرسه جدید به‌علاوه یک دبیرستان احداث شده بود. هیچ‌یک از دانش‌های جدید: فیزیک، شیمی، بیولوژی، علوم سیاسی، اقتصاد و پزشکی در ایران قرن نوزدهم

شناخته شده نبودند. نه روزنامه، نه مجله، نه کتاب، نه مسافرت و نه هیچ وسیله اطلاع‌رسانی وجود نداشت. آگاهی ایرانیان حتی نخبگان سیاسی و اجتماعی جامعه از جهان بیرون از ایران در حد صفر بود. تغییر و تحولات تاریخی مغرب‌زمین در طی چند قرن از رنسانس به این سو حتی به گوش ایرانیان نیز نرسیده بود. رنسانس، کشف قاره آمریکا، دور زدن قاره آفریقا و کشف سرزمین‌های جدید، انقلاب علمی، انقلاب صنعتی و انقلاب کبیر فرانسه برای ایرانیان از اساس و بنیان ناشناس مانده بود. بی‌خبری ایرانیان از دنیایی که در آن می‌زیستند آن‌چنان عمیق و گسترده بود که فتح‌علیشاه، رهبر سیاسی جامعه گمان می‌کرد که: «راه رسیدن به قاره آمریکا از طریق کندن زمین و حفر چاه می‌باشد» (همان: ۱۰۷).

اوضاع سیاسی

الف- نبودن حدود سنتی یا قانونی برای قدرت حکومت.

ب- وسعت دامنه قدرت خودسرانه که به کار برده می‌شود (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۵).

بنابراین یکی از ویژگی‌های ساختار سیاسی قاجاریه خودکامه بودن آن بود. منظور از خودکامگی داشتن قدرت مطلق نه تنها در قانونگذاری، بلکه در اعمال بی‌قانونی است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۷۲).

و اما ارکان مشروعیت بخشی و مقبولیت شاه در این دوران را می‌توان در دو دسته

کلی بررسی کرد:

- ۱- منشأ آسمانی شاهی: آنچه که از دیرباز ایرانیان همواره تکرار کرده‌اند و در متون تاریخی ملاحظه می‌شود، اعتقاد به منشأ آسمانی در مورد پادشاهان است. بر اساس این باور، جنس پادشاهان از دیگر ابنای بشر جداست و به واسطه موهبت الهی به درجه‌ای از کمال و ادراک دست یافته‌اند که دیگر ابنای بشر از فهم آن ناتوانند. برای نمونه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه مشهور به خوابنامه در این باره می‌نویسد: «سلطان سایه یزدان است. هر که را که تقدیر الهی به این موهبت و عنایت اختصاص داد، پیکرش را به جامه قدس و شرف پوشاند و صاحب دیهیم کرامت و امر حکومت گردانید. جبین او را به انوار تأیید و سعادت جاوید منور نمود، پس از آن که یک نفس نفیس را از میان کرورها مختار و منتخب فرمود».
- ۲- سلطان عادل: اگرچه تفکر سیاسی در نزد عالمان دینی، بخصوص عالمان شیعی، فراز و نشیب‌های گوناگونی داشته است ولی از متون دینی و سیاسی که توسط آنان نوشته شده،

به خوبی می‌توان دریافت که در زمان قاجاریه گفتمان غالب که سازنده ذهنیت توده‌های مردم نیز بوده، وجود سلطان عادل را پذیرفته است. به عنوان مثال حاج محمد حسین نصرالله دماوندی که عالمی متشرع بوده در کتابی تحت عنوان تحفه‌الناصریه معتقد است که «سلطنت و نبوت دو نگین‌اند که در یک خاتم‌اند. امامت و امارت توأم‌اند که به یک شکم زاده‌اند. پس گفته پیغمبر و سلطان یکی است و شک نیست که سلطان عادل را اطاعت فرض است، چه او ظل‌الله فی‌الارض است. فرمانروا حق اجتهاد هم دارد. اجتهاد سلطان به فرد است و عقل اوست که مدرک حسن و قبح اشیاء است» (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۹). بنابراین پادشاه در رأس الیگارش‌ی حاکم قرار داشت و فرمانروای مطلق بود. حکمش قانون، کلامش حق، اراده‌اش مطلق، عقش بالاتر از همه، منویاتش واجب‌الاطاعه، رأیش ثاقب و وجود مبارکش «سایه خدا» بود بر روی زمین که هر جنبنده‌ای به زیر آن پناه می‌برد. نه حزبی وجود داشت نه تشکیلات سیاسی، نه حق و حقوق صنفی، نه امنیت سیاسی، نه ملجأ و پناه اجتماعی و نه هیچ قانون و قدرت دیگری که بتواند در مقابل حکومت عرض اندام نماید. توده مردم رعیت به حساب می‌آمدند و تنها انتظاری که از آنان می‌رفت آن بود که همچون گله گوسفند از شبان خود یعنی «قبله عالم» تبعیت نمایند. در یک کلام، چارلز عیسوی مؤلف اثر مشهور تاریخ اقتصادی ایران در چند جمله کوتاه اما گویا جمع‌بندی نسبتاً کاملی از ایران قرن نوزدهم ارائه می‌دهد. او بر اساس مجموعه شواهد موجود از جمله آثار و سفرنامه‌های مسافری، دیپلمات‌ها و بازرگانانی که در قرن نوزدهم به ایران آمده‌اند می‌نویسد که: ایران در ابتدای قرن نوزدهم جامعه‌ای بود که به لحاظ اقتصادی بسیار فقیر، عقب‌مانده و کم‌جمعیت، به لحاظ ارتباطات پراکنده و بی ارتباط و به لحاظ اجتماعی در تجارت، سیاست، روابط بین‌الملل، علم و فرهنگ منقطع، منفک و جای‌مانده از مابقی جهان (زیباکلام: ۱۰۸).

از دید جانسون هنگامی که جامعه‌ای نتواند عوامل و شرایط انسجام خود را حفظ کند، می‌توان گذار از وضع عادی و متعادل را به مرحله انقلابی و عدم تعادل پیش‌بینی کرد. تغییر در ساختارها و عوامل ایجادکننده ثبات و تعادل جامعه باعث می‌شود جامعه به سمت شرایط بحرانی پیش برود و زمینه بروز جنبش‌های انقلابی پدیدار گردد. به عبارتی همان‌گونه که در وضع عادی عوامل ثبات و تعادل جامعه را در ساختارهای مختلف بررسی کردیم در این بخش روند تحولات این ساختارها و ارزش‌های تعیین‌کننده این ساختارها که علت بروز شرایط انقلابی است را بررسی می‌کنیم و خواهیم دید که با از بین رفتن این عوامل ثبات سیستم، جامعه به عدم تعادل دچار می‌شود. بنابراین در این قسمت روند تحولات و تغییرات محیطی و ارزشی جامعه را (که

عدم تطابق این دو باعث وضع انقلابی است) بر اساس چارچوب نظری و روشی از پیش تعیین شده و با الگویی از شاخص‌ها و معرف‌های برگرفته از این چارچوب‌ها و متغیرها مورد بررسی قرار خواهیم داد.

منابع و نحوه تغییر ارزش‌ها

تحول در ارزش‌های مسلط بر جامعه که انگیزه‌ها و مطالبات جدید را به دنبال دارد، باعث برهم خوردن ثبات و تعادل سیستم اجتماعی روزمره می‌شود و جامعه را در آستانه بی‌ثباتی، بی‌نظمی و اختلال در ساختارهای کلی جامعه قرار می‌دهد. اگر حاکمیت در این شرایط مطالبات نوظهور را نادیده بگیرد و خواسته‌های موجود را سرکوب کند، منابع قدرت از دست می‌رود. در پی این رکود قدرت است که مشروعیت نظام زیر سؤال می‌رود و حکومت وجهه و اعتماد خود را در نظر مردم از دست می‌دهد و دیگر نمی‌تواند قدرت و سلطه خود را با توسل به ارزش‌های مورد نظرش توجیه کند. مردم نیز از نهادها و قدرت‌های سیاسی موجود اطاعت نمی‌کنند و بحران جامعه را فرا می‌گیرد. در برخی مقاطع تاریخی در ایران به دلایلی از جمله جنگ‌ها و برخوردهای نظامی، ظهور رهبران و سلاطین قدرتمند و ... بازنگری ارزش‌ها آغاز و در واقع زمینه‌ای برای کسب ارزش و یا ترک ارزش فراهم شده است. از جمله دوران تاریخی مهم در تاریخ ایران می‌توان به برخورد ایران با تمدن غرب اشاره کرد که تأثیر زیادی در تغییر نگرش و زمینه‌سازی برای تغییر ارزشی در جامعه را فراهم نمود که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

برخی از منابع و شاخص‌های تغییر ارزشی در جامعه ایران قبل از انقلاب مشروطه را که از تئوری جانسون استخراج شده‌اند می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

۱- پیدایش مطبوعات و وسایل ارتباطی جدید و گسترش نهضت ترجمه

معرفی فن چاپ در ایران به عنوان فرآورده و میوه تمدن غرب، در سال ۱۰۱۸ ه.ش (۱۶۳۹ میلادی) نزدیک به دو قرن پس از اختراع گوتنبرگ در آلمان، صورت گرفت. به هر صورت تاریخ ارتباطات اجتماعی ایران در سومین سال فرمانروایی محمدشاه قاجار شاهد تأسیس و انتشار نخستین روزنامه فارسی زبان چاپی بود که عنوان رسمی نداشت و به عنوان "کاغذ اخبار" معروف بود و به مدیریت و سردبیری میرزا صالح شیرازی در تهران انتشار یافت (جبارلوی شبستری، ۱۳۸۵: ۳۲۸). بررسی وضع مطبوعات نشان می‌دهد که از سال انتشار آن تا انقلاب

مشروطه که چاپ مطبوعات روندی تصاعدی داشت، یعنی دوره‌ای نزدیک به ۶۸ سال هشتاد و نه نشریه به صورت روزانه، سه روز در هفته، هفتگی، دو هفته‌نامه، ماهانه و نامنظم به چاپ رسیدند. البته روند افزایش مطبوعات همراه با انقلاب مشروطیت سرعتی بیشتری گرفت (همان: ۳۳۳).

صنعت چاپ نه تنها در زمینه نشریات ادواری بلکه در چاپ کتب نیز نقش مهمی را ایفاء می‌کردند. در این دوران، گروهی از نویسندگان ایرانی که بیشترشان در خارج از مملکت می‌زیستند آثاری به چاپ رساندند که در ایران دست به دست می‌گشت و موجب بیداری فکر ایرانیان شد. این کوشندگان خارج از کشور که از یک سوی شاهد درماندگی و عقب ماندگی و وطنشان بودند و از سوی دیگر با اوضاع اروپا آشنایی داشتند و اندیشه‌های غربی را می‌شناختند، در همه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصاد و حتی فلسفی کتاب و رساله و مقاله نوشتند و یا آثار خارجی را ترجمه کردند، نام‌هایشان معروف است: آخوند زاده، طالبوف، مراغه‌ای، ملک‌خان، سید جمال‌الدین، مستشارالدوله و ... شایان ذکر است که در این میان کتاب‌هایی که از آزادی مردمان کشورهای دیگر سخن می‌گفتند خواستار بیشتری داشتند (بهنام، ۱۳۸۶: ۴۸).

۲- افزایش رفت و آمدها

الف- مسافرت ایرانیان به خارج از کشور

مسافرت‌های ایرانیان به خارج که از ابتدای قرن نوزدهم به شدت افزایش یافت، تأثیر اصلی را در بیداری و تغییر ذهنی ایرانیان بر جای گذارد. ایرانیانی که در آن روزگار به خارج از کشور سفر می‌نمودند ناگهان با جوامعی مواجه می‌شدند که هیچ ارتباط و سنخیتی با ایران آنان نداشت. فی‌الواقع آنچه که آنان می‌دیدند آن چنان و آنقدر برایشان جدید و محیرالعقول بود که اسباب شگفتی و تحیر آنان را بر می‌انگیخت به طوری که برخ از آنان به حیرت‌نامه نویسی روی آوردند (زیباکلام: ۲۲۹-۲۲۷). از جمله می‌توان به افرادی مانند عبداللطیف موسوی شوشتری، میرزا ابوالحسن شیرازی (ایلچی)، آقا احمد بهبهانی، سلطان‌الواعظین، زین‌العابدین شیروانی و میرزا صالح اشاره کرد که با درجات متفاوتی، آگاهی‌هایی را درباره غرب و نوآوری‌ها و پیشرفت‌های جوامع غربی، به جامعه روزگار خود ارائه کردند. به عنوان مثال می‌توان به میرزا ابوالحسن شیرازی (ایلچی) اشاره کرد که در سال ۱۲۲۴ ه.ق به عنوان یک دیپلمات ایرانی به لندن عزیمت کرده بود، پس از بازگشت به ایران، در سفرنامه‌ای با نام «حیرت‌نامه سفر»

آگاهی‌هایی را در زمینه نوآوری و پیشرفت‌های روزافزون علمی، صنعتی، فنی، پزشکی، بهداشتی، نظامی، کشاورزی، نظام مالیاتی و شیوه‌های نوین اداری در انگلیس و حکومت دموکراسی پارلمانی در غرب و نقش مردم و نمایندگان آنان در پارلمان برای تصمیم‌گیری‌ها در حکومت و جامعه ارائه کرد (آجدانی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۱). اما به تدریج حیرت و شگفتی جای خود را به عبرت و تأمل و تعمق داد. تعمق و تأمل نیز به نوبه خود بدل به این پرسش شد که چرا ما نه؟ چرا در جامعه ما ترقی، پیشرفت، صنعت، تراموا، قطار، بهداشت، دانشگاه، روزنامه، پارلمان، احزاب و ... به وجود نیامده؟ به تدریج که ایرانیان از وضعیت خود و عمق عقب‌ماندگی‌شان آگاه می‌شدند، آن سؤال تاریخی عباس میرزا در ذهنشان خلجان می‌یافت: چرا مغرب‌زمینیان توانسته بودند به آن چنان جوامعی برسند، ولی وضعیت ما برعکس آن گونه بود؟

ب- ورود اروپاییان به ایران تحت عناوین مختلف

اگر در تمامی قرن شانزدهم تعدادی انگشت‌شمار از غربی‌ها وارد ایران شدند در نخستین دهه قرن نوزدهم چندین برابر مجموع کسانی که ظرف دوپست سال از ایران دیدن کرده بودند، وارد ایران شدند. آنچه امواج گسترده رفت و آمد را امکان‌پذیر ساخت سهولت ارتباطات و گسترش و تسریع حمل‌ونقل بود. از همین رو بود که صدها اروپایی در قالب هیأت‌های سیاسی، مستشرق، تاجر، آنتروپرونر، میسیونر مذهبی، وابستگان نظامی، دیپلمات، جهانگرد، ماجراجو، محقق و متخصص به ایران آمدند (زیباکلام: ۲۲۵). همین مناسبات باعث می‌شد که افراد بسیاری با اوضاع کشورهای دیگر آشنا شده و خواه‌ناخواه دست به مقایسه اوضاع مملکت با این ممالک بیگانه بزنند.

۳- شکست‌های نظامی از روسیه

یکی دیگر از عواملی که باعث تغییر ذهنیت بسیاری از ایرانیان شد شکست‌های پیاپی نظامی خصوصاً از روسیه بود. روابط پیوسته میان ایران و غرب با پایان جنگ‌های ایران و روسیه آغاز شد. شکست‌های پیاپی ایران از روسیه میان سال‌های ۱۲۱۸ و ۱۲۴۳ ه.ق برای نخستین بار گروهی از ایرانیان را به خود آورد و در حالی که فتحعلیشاه هنوز در بی‌خبری و غرور به سر می‌برد، عباس میرزا که خود در جنگ‌ها درگیر بود، به ضعف و عقب‌ماندگی فنی و علمی ایران پی برد و وزیرش قائم‌مقام نیز در این اندیشه با وی هم‌آواز شد. به اصطلاح آن زمان، «هنگامه روس» حالت تنبّهی انفعالی برانگیخت و این آگاهی و در پی آن تجددخواهی از تبریز، که

همسایه روسیه و با آن در ارتباط بود، آغاز گردید. قراردادهای تحمیلی، گروهی کوچک از کارگزاران دولت را واداشت تا آنچه را که در روسیه و عثمانی دیده بودند با اوضاع ایران بسنجند و پرسش‌هایی برایشان مطرح شود و در پی چاره‌جویی برآیند (بهنام، ۱۳۸۶: ۱۹).

۴- تأسیس مدارس جدید

تأسیس مدارس جدید جنبه دیگر حرکت فرهنگی آخر قرن ۱۹ است. هر چند تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ه.ق را آغاز آموزش نوین در ایران می‌دانند اما به یک تعبیر دیگر باید سال ۱۲۲۶ ه.ق را آغاز این حرکت دانست زیرا در این سال عباس میرزا دو محصل را برای کسب دانش و فن به اروپا اعزام کرد. یکی دیگر از عوامل گسترش آموزش را می‌توان افزایش حضور خارجی‌ان در ایران ذکر کرد. اولین مدرسه‌ای که توسط آنها ایجاد شد، حدود بیست سال پس از اعزام دانشجو به خارج کشور توسط یک کشیش آمریکایی در زمان محمد شاه در ارومیه بود (افشارکهن، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۵).

در سال ۱۲۶۷ (۱۳۰۵ ق.) میرزا حسن رشیدیه درصدد تأسیس مدرسه‌ای به سبک جدید برآمد. این اقدام میرزا حسن با واکنش گروهی روبرو شد که آن را شیوه‌ای غربی می‌دانستند و با شکستن نیمکت‌ها و تخته‌ها بالاخره دبستان وی تعطیل شد، اما سال‌ها بعد با روی کار آمدن امین‌الدوله از سال ۱۳۱۴/۱۲۷۵ رواج روزافزون دبستان آغاز شد اول به دست رشیدیه در تبریز بعد در تهران و دیگر شهرها (کسروی، ۱۳۵۴: ۲۰-۱۹).

پس از دارالفنون نوبت به مدرسه نظامی اصفهان و مدرسه نظامی تهران می‌رسد و آنگاه مدرسه سیاسی (۱۳۱۷/۱۸۹۹ ق) مدرسه فلاح (۱۳۱۸/۱۹۰۰ ق). در میان این مدارس عالی، مدرسه عالی سیاسی اهمیت بیشتری داشت و هدف از تأسیس آن تربیت مأموران مجرب و مطلع برای وزارت خارجه بود (بهنام: ۴۸). اما مدارس ابتدایی و متوسطه جدید نسبت به مدارس عالی دیرتر احداث شدند. از این تاریخ به بعد با پشتکار و فداکاری تعدادی از مردان و زنان فرهنگ‌دوست نخست مدارس پسرانه و آنگاه چند مدرسه دخترانه تأسیس شد (بهنام، ۱۳۸۶: ۵۰).

۵- ظهور نوآوران دینی در میان علمای دینی

همان‌گونه که قبلاً بیان شد یکی از دلایل تقویت حکام قاجار حمایت علمای دینی از آنان بود، که شرح آن قبلاً ذکر شد. در این دوران بود که نظراتی نو درباره حکومت و حاکمیت از

سوی برخی علمای دینی مانند آیت‌الله نایینی طرح شد که تا آن زمان سابقه نداشت. پرداختن به این نظرات خود نیازمند مباحثی است که در این مقاله نمی‌گنجد. اما برای آشنایی به نکاتی چند در این زمینه اشاره می‌شود. از نظر آنان در غیبت امام، امور عبادی و شرعی به مجتهدین و اداره مملکت اسلامی به سلاطین اسلام سپرده شده است. اما از آنجا که سلطنت‌های مقیده و مشروطه (یعنی سلطنت‌هایی که به قیودی مقید و به قوانین و شروطی مشروطند)، فساد و جور و ظلم کمتری نسبت به سلطنت‌های مستقله (یعنی سلطنت‌های استبدادی که به هیچ قانون و شروطی مقید و مشروط نیستند) دارند، عقلاً و شرعاً حمایت از چنین سلطنتی که ظلم و جور آن کمتر از سلطنت مستقله و مستبده است، ضروری است (آجودانی، ۱۳۸۳: ۲۹۲).

تغییرات محیطی

منظور از تغییرات محیطی تغییراتی بود که در ارکان و نهادها یا ساختارهای عینی جامعه به وقوع پیوست. تغییرات محیطی صورت گرفته در این دوران را می‌توان در ۲ مقوله زیر خلاصه کرد:

۱- گسترش جمعیت شهری و تغییر ترکیب جمعیتی (افزایش قدر مطلق و نیز

ترکیب دموگرافیک)

۲- گسترش تبادلات اقتصادی و تجاری

تغییر ترکیب جمعیتی (افزایش قدر مطلق و نیز ترکیب دموگرافیک)

در مورد جمعیت ایران در طی قرن نوزدهم ارقام متفاوتی بیان شده است. چارلز عیسوی و کدی جمعیت ایران را در حدود سال ۱۸۰۰ میلادی به طور تقریبی پنج میلیون نفر تخمین زده‌اند که تا سال ۱۹۱۹ به حدود ده میلیون نفر می‌رسد. نکته مهم در مورد افزایش جمعیت سهم بسیار بالای جمعیت شهرنشین در مقایسه با دیگر اقشار است. به عبارت دیگر بخش عمده‌ای از قریب پنج میلیون نفری که به جمعیت اضافه گردید، جمعیت شهرنشین بود (کسرای، ۱۳۷۹: ۲۱۶-۱۹۹). بدین ترتیب جمعیت شهری ایران از ۱۴-۱۰ درصد کل جمعیت در ابتدای قرن نوزدهم به ۲۵-۲۰ درصد در پایان این قرن افزایش یافت. رشد ۳۰۰ درصدی جمعیت شهرنشین در طول قرن نوزدهم به معنای آن بود که جمعیت شهرنشین از ۸۰۰-۵۰۰ هزار نفر در اوایل این قرن به ۲-۲/۵ میلیون نفر در انتهای آن رسید (زیبا کلام: ۲۱۳). گسترش شهرنشینی به گونه‌ای اجتناب ناپذیر مسأله خدمات و نیازهای شهری را با خود به دنبال می‌آورد. خدمات و نیازهایی

که حکومت چه می‌خواست و چه نمی‌خواست به هر حال برایش وظایف و مسئولیت‌های جدیدی را ایجاد کرده بود. به عبارت دیگر گسترش شهرها بدون تردید انتظارات، خواسته‌ها و توقعات جدید از حکومت را با خود به دنبال می‌آورد. امنیت، بهداشت، ایجاد کوچه، خیابان و جاده، مدرسه، مکتب‌خانه، حمل و نقل و دریک کلام آنچه امروزه خدمات شهری نامیده می‌شود، به تدریج بدل به ضرورت‌ها و نیازمندی‌های یک جامعه شهرنشین می‌شد. و حکومت بالطبع نمی‌توانست نسبت به برآوردن این نیازها و ارائه خدمات ولو به گونه‌ای اندک و ناقص بی‌تفاوت باشد. از طرفی برآوردن این نیازها مستلزم گسترش بوروکراسی بود، در حالی که ارکان حکومت قاجار در اوایل سلطنت بسیار کم‌شمار و محدود بود یک قرن بعد به ۱۹ وزارتخانه و چندین هزار شغل و منصب می‌رسید که همین خود بر هزینه‌های حکومتی می‌افزود. بنابراین اکثر درآمد حکومت صرف هزینه‌های جاری می‌شد و بدین ترتیب سهم بسیار ناچیزی صرف سرمایه‌گذاری و امور عمرانی می‌شد (همان: ۲۱۷). به طوری که طبق برآوردهای مربوط به سال‌های ۱۲۴۶ و ۱۲۴۷ و ۱۲۶۴ ه.ش، کمتر از ۶۰ درصد درآمد به ارتش و دستگاه دیوانی (۴۰ درصد به ارتش) اختصاص می‌یافت و بقیه صرف دربار و مستمری‌های اشراف و روحانیون و سایر پرداخت‌های ویژه می‌شد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۸۷).

حکومت برای تأمین این هزینه‌ها ۲ راه پیش رو داشت:

۱- افزایش مالیات‌ها (۹۰ درصد درآمد): مالیات‌ها که عمدتاً شامل مالیات اراضی، مالیات سرانه، مالیات بر درآمد پیشه‌وران و تعرفه‌های گمرکی بود و در این میان مالیات اراضی بیشترین سهم را داشت (همان: ۷۶) و منبع اصلی قاجارها برای تأمین نیازهای روزافزونشان بود، به طوری که بیش از ۹۵ درصد بودجه دولت از این طریق به دست می‌آمد. علاوه بر گسترش بوروکراسی عوامل دیگری از جمله افزایش شمار حقوق‌بگیران و مستمری‌بگیران دربار، بالا رفتن مخارج دربار و تأمین هزینه قوای نظامی و انتظامی باعث افزایش هزینه‌های حکومت می‌شد. بالا رفتن هزینه‌ها سبب می‌شد تا حکومت بر فشار خود مبنی بر گرفتن مالیات بیشتر از مردم بیافزاید که خود این امر باعث ایجاد نارضایتی از حکومت میشد.

۲- حکومت قاجار به تدریج برای تأمین هزینه‌های فوق به سراغ روش‌های دیگر ایجاد درآمد (غیر از مالیات) رفت از جمله اخذ وام از کشورهای دیگر و واگذاری امتیازهای گوناگون به آنها. برخی از این امتیازات عبارتند از: امتیاز رویتر، امتیاز تنباکو، امتیاز نفت داری، امتیاز بانک استقراضی و امتیاز بانک شاهنشاهی (زیبا کلام: ۲۱۲). درآمد حاصل از امتیازات و وام‌ها در راه‌های گوناگونی [غیر از تأمین هزینه‌ها] به مصرف می‌رسید. همچنان که منتقدان

دربار اشاره می‌کنند، مقداری از این پول‌ها به مصارف بی‌حساب دربار می‌رسید. اما بیشتر این درآمدها برای مقابله با تورم شدید و تأمین هزینه‌های فراوان طرح‌های نوسازی به کار می‌رفت (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۷۲). بنابراین از یکسو حکومت برای تأمین مخارجش به بیگانگان امتیاز می‌داد و از سوی دیگر همین امر باعث گسترش مخالفت مردم با حکومت قاجارها می‌شد (زیبا کلام: ۲۱۲).

گسترش تبادلات اقتصادی و تجاری با دول غربی

تحول عینی دیگری که از یک سو بر مشکلات حاکمیت قاجارها می‌افزود و از سوی دیگر بر نارضایتی از آنان دامن می‌زد، مناسبات تجاری و اقتصادی با خارجیان بود. طبق برآورد عیسوی در این دوره حجم تجارت خارجی ایران حدوداً ۱۲ برابر شد، ولی باید در این زمینه باید به نکات زیر هم توجه کرد:

اولاً رشد بازرگانی خارجی ایران احتمالاً ناشی از هیچ‌گونه توسعه قابل ملاحظه اقتصادی نبوده است، برعکس حاصل تقاضای اروپاییان برای مواد اولیه و فشار آنان (هم به‌طور مستقیم و هم از طریق اعمال نرخ‌های تعرفه خاص) برای فروش محصولات صنعتی‌شان بوده است؛ و ثانیاً این روند نه تنها در حجم، بلکه در ترکیب واردات و صادرات ایران نیز تغییراتی داد که پی‌آمدهای آن برای اقتصاد ملی کشور روی هم رفته نامطلوب بود (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۸۱). در این دوره روند صادرات و واردات کشور به گونه‌ای دیگر شد مثلاً منسوجات که یکی از اقلام مهم صادراتی ایران بود یکی از اقلام واردات شد، چون صنایع دستی محلی توانایی رقابت با فرآورده‌های ماشینی اروپا را نداشتند. همچنین ایران از مقام صادرکننده حیوانات به مقام واردکننده آنها تنزل کرد و در این روند اقتصادی آرام آرام کشور را از یک اقتصاد خودبسته به یک اقتصاد وابسته تبدیل شد. در واقع ادغام ایران در بازار جهانی به صورت یک سرزمین نیمه مستعمره، سرآغاز از هم پاشیدگی بازارهای کوچک و غیر قابل انعطاف محلی گردید (کسرابی: ۲۱۶-۱۹۹).

رشد تجارت خارجی، تخصص در تولید مواد خام، زوال صنایع دستی، اعتیاد به مصرف مصنوعات غربی و در نهایت وابستگی به قدرت‌های استعماری، از مشخصات این وضعیت تازه بود که نتیجتاً بر هم خوردن توازن پرداخت‌ها، افزایش قرضه‌های خارجی، سلطه قدرت‌های استعماری بر مؤسسات اقتصادی مانند بانک‌ها، گمرک‌ها و بازارهای محلی و همچنین تسلط

آنها بر بازرگانان و اصناف بود. اگرچه کارکرد پنهان این روابط (مراودات تجار ایرانی با تجار و سرمایه‌داران خارجی) را می‌توان رشد آگاهی‌ها و حرکت‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آنها دانست (همان). صنایع داخلی و سنتی و دستی ایران نیز در مواجهه با روند رو به رشد تجارت و ورود کالاهای خارجی به کشور روز به روز میدان را به نفع حریف قدرتمند خالی نمودند. (همان: ۲۰۹) چرا که صنایع ایران که عمدتاً یادگارهای عصر ماقبل انقلاب صنعتی بودند به هیچ روی توان رقابت و برابری با تولیدات صنعتی اروپاییان را نداشتند. در چرخه صادرات و واردات محصولات کشاورزی نیز ما شاهد افزایش صادرات محصولات کشاورزی تجاری و در نتیجه کاهش سایر تولیدات کشاورزی هستیم. افزایش قابل ملاحظه فرآورده‌های کشاورزی تجاری (عمدتاً تریاک، برنج، پنبه، توتون، تنباکو) در دورانی که بازدهی کار افزایش چندانی ندارد، نهادهای جامعه انعطاف‌پذیری ندارند، واز پیشرفت فنی خبری نیست، احتمالاً به کاهش جذب مطلق تولید مواد غذایی اصلی برای مصرف داخلی می‌انجامیده است و با توجه به افزایش قابل ملاحظه جمعیت در قرن؛ عامل دیگری برای بالا رفتن میزان تورم، کمبود دائم مواد غذایی و گسترش فقر آشکار می‌شود و بی‌شک تعادل و ثبات داخلی منوط به تولید قابل ملاحظه مواد غذایی می‌شود

بدین ترتیب اگر در ابتدای حاکمیت قاجارها، اقتصاد ایران به صورت جزیره‌ای جدا افتاده از اقتصاد جهانی بود، اکنون چه ایران می‌خواست و چه نمی‌خواست اقتصاد آن عملاً به اقتصاد جهانی و بازار آزاد پیوند خورده بود. اگرچه اقتصاد ایران در طول قرن نوزدهم به اقتصاد جهانی گره خورده بود، اما ضعف بنیان‌های اصلی اقتصاد کشور و فقدان اصلاحات لازم سبب شد تا به هیچ روی نتواند از مواهب بالقوه متصل شدن به اقتصاد جهانی بهره‌مند شود. بنابراین تجار و سرمایه‌داران ایرانی از همتایان اروپایی خود صدمه دیدند. آنان از یکسو از رقابت با حریفان غربی خود درمانده بودند و از سوی دیگر با فقدان قانون، اجحاف حکومت، زورگویی حکام و مباشرین دولتی و بالاخره فساد و رشوه‌خواری دولتمردان دست و پنجه نرم می‌کردند. اما در مقابل تجار و شرکت‌های غربی به دلیل نفوذ حکومت‌هایشان امنیت لازم را برای فعالیت داشتند (زیباکلام: ۲۲۱).

جامعه ایران در عصر قاجاریه به تدریج با دو دسته تحولات روبرو گردید:

الف- از سوی گسترش سریع ارتباطات در قرن نوزدهم در قالب پیدایش تلگراف، راه آهن، کشتی بخار، صنعت چاپ، ترجمه کتاب، روزنامه و مهمتر از همه مسافرت هزاران ایرانی برای نخستین بار به خارج از ایران باعث شد تا ایرانیان با جوامع دیگر آشنا شوند. جوامعی که

نه به واسطه شهرنشینی، نه به لحاظ شکل حکومتی، نه به لحاظ حاکمیت قانون و امنیت مدنی انسان‌ها در آن، نه به لحاظ آشنایی با علوم و فنون جدید و پیشرفت و ترقی و نه به هیچ لحاظ دیگری با ایرانی که ایرانیان می‌شناختند هیچ شباهتی نداشت.

ب- از سوی دیگر گسترش شهرنشینی و تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی نیازها و انتظارات جدیدی را از حکومت به همراه آورد، نیازها و توقعاتی که حاکمیت قاجاریه نه اعتقادی به برآوردن آنها داشت و نه حتی اگر اعتقاد داشت به لحاظ مالی، اجرایی، دانش مدیریت، تجربه، فن سالاری و تخصص قادر به پاسخگویی به آنها بود.

این تحولات که از آنها با عناوین تحولات ارزشی و محیطی نام برده شده، زمینه ساز پیدایش ارزش‌های جدید و فکر تغییر و ضرورت ایجاد اصلاحات در ایران شد که در نهایت به انقلاب مشروطه انجامید.

وضع ناسامان مالی و اقتصادی

در ایران، در سال‌های پیش از انقلاب، حکومت با مسائل و مشکلات بزرگ اقتصادی یا دستکم مالی روبرو بود. به طوری که همه حکومت‌هایی که در دوره ده ساله ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۴ پیش از انقلاب مشروطیت روی کار آمدند با بحران مالی دست به گریبان بودند. خان خانان در یک رساله خطی که در ۱۵ صفر ۱۳۱۴ به مظفرالدین‌شاه نوشت وضع کشور را بدین‌گونه تشریح کرد: «کار ملک بینهایت بی‌سامان است و حال خلق به غایت پریشان و دست تعدی عمال دراز. گویی بنیاد حکومت ایران بر ظلم است.» این مشکلات اقتصادی، فشار سنگینی بر بیشتر طبقات نیز می‌آورد به گونه‌ای که آنها را ناگزیر از ابراز گلایه از کمبود و فشار اقتصادی می‌کرد. شیوع و با هم مزید بر مشکلات شده بود. دهداران که عمدتاً از اعیان و درباریان بودند گندم و جو را در انبارهای خود احتکار می‌کردند تا نان کمیاب و گران شود تا به قیمت بیشتری بفروشند و حتی نانوایان هم به جای یک من، سه چارک بلکه کمتر می‌دادند و آشکارا هم اعلام می‌کردند که یک من ما سه چارک است مردم بدانید. به نوشته کسروی «نان همیشه کمیاب و جلو نانوایی‌ها پر از انبوه زن و مرد بودی که فریاد و هیاهوی آنان از دور شنیده شدی.... چند بار آشوبی پدید آورد.» از نظر وی «کمی نان در بازار و سختی زندگانی مردم بینوا چاره‌ای کرده نشد و این گرفتاری می‌بود تا جنبش مشروطه‌خواهی پیشامد.» (نوازی، ۱۳۸۵: ۴۵)

دولت ایران در این دوران در بحرانی‌ترین اوضاع اقتصادی و مالی قرار داشت. مظفّرالدین شاه که خود را ظلّ الله می‌دانست دامنه قدرتش از پایتخت فراتر نمی‌رفت و به گونه‌ای که آبراهامیان می‌نویسد: «در حرف قادر مطلق بود... اما در عمل توان سیاسی نداشت...» دولت زیر بار سنگین بدهی خارجی و داخلی و به گفته میرزا حسن خان شیرازی، نماینده نخستین دوره مجلس، زیر «پنجه شیر و... چنگال عقاب» قرار داشت. در دوران صدارت امین‌السلطان (۱۳۲۱-۱۳۱۶ق) در برابر سه وام از بانک استقراضی روس در سال‌های ۱۳۱۸ (۱۹۰۰) و ۱۳۱۹ (۱۹۰۱) درآمد گمرک کل کشور به استثنای گمرک فارس و بندرهای خلیج فارس به وثیقه روسیه سپرده شده بود و در برابر دو وام از بانک شاهنشاهی انگلستان در سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ (۱۹۰۳ و ۱۹۰۴) شیلات دریای خزر گرو گذاشته و مقرر شده بود که اگر درآمد شیلات کافی نباشد اقساط قرض از درآمد پست و تلگراف و باز در صورت لزوم از محل گمرک بندرهای خلیج فارس تأمین شود. با این حال بحران مالی همچنان ادامه داشت و کسر بودجه دولت هر سال ادامه می‌یافت و در نتیجه دولت‌ها با عمری کوتاه در پی هم می‌آمدند و می‌رفتند. میانگین کسر بودجه از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ به یک میلیون و نیم تا دو میلیون تومان در سال می‌رسید و دولت، ناتوان از دریافت مالیات از حکام ولایات، کاری جز اینکه «مالیات امسال به داد اقساط سنه ماضیه» برسد کاری نمی‌توانست بکند. در نتیجه، به هنگام انقلاب مشروطیت، دولت ایران سه میلیون لیره به دولت روسیه تزاری، ۸۰۰ هزار لیره به دولت انگلستان و نزدیک به یک میلیون لیره به بازرگانان و توانگران کشور بدهکار بود و این ارقام بر سر هم به ۶۰ میلیون تومان می‌رسید و به علت ناتوانی در بازپرداخت، نه تنها اقساط بدهی به انگلستان عقب افتاده بود بلکه پرداخت هزینه‌های روزانه هم با دشواری انجام می‌شد (همان: ۴۸).

ظلم و تعدی حکام

از جمله مواردی که باید به آن به عنوان نشانه‌ای از نابسامان بودن اوضاع اشاره کرد، ظلم و تعدی شاه و حکام محلی بود. بیدادگری هیأت حاکم و تعدیات روزافزون شاه و شاهزادگان و حکام و مأموران دولتی به توده‌های محروم، آنان را به ستوه آورده بود و دامنه نارضایتی و اعتراض عمومی را در سرتاسر ولایات (تهران، قزوین، سمنان، قوچان، تبریز، شیراز و مشهد) گسترش داده بود (همان). شاه از حکام محلی تنها اخذ مالیات را انتظار داشت و بنابراین هیچ گونه نظارتی از جانب وی بر حکام محلی صورت نمی‌گرفت. از جمله حوادثی که در آستانه

سال‌های انقلاب مشروطیت روی داد (و در شتابان شدن روند انقلاب مؤثر بود)، مسئله فروش دختران قوچانی به ترکمانان و آرامنه عشق‌آباد در بهار ۱۳۲۳ ه.ق بود. اگر چه مسأله ظلم و جور حکومتی و حتی مسأله دختر فروشی ناشی از این ظلم و بیداد در تاریخ ایران بی‌سابقه نبوده است، اما جالب اینکه شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه و بازگو شدن این حادثه به سرعت تبدیل به یکی از داستان‌های تظلّم‌خواهی ملت علیه دولت شد. این حکایت آن‌چنان انعکاس یافت که به عنوان یکی از موارد مشخص و مستمسک‌های مهم در دست انقلابیون مشروطه‌خواه برای دادخواهی از رژیم استبدادی گردید.

شورش در شهرها

یکی از ویژگی‌های سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه، شورش در شهرهای گوناگون ایران مانند تبریز، مشهد، شیراز، همدان، استرآباد (گرگان)، یزد و اصفهان بود که به علت ناخرسندی همگانی از نبود امنیت و عدالت و زورگویی حکام محلی و حکومت مرکزی، با بهانه گران شدن ارزاق عمومی به‌ویژه نان رخ می‌داد. از ویژگی‌های بارز این شورش‌ها شرکت زنان در آنها بود که گاهی با جرأت و جسارت بیشتری از مردان و پیشاپیش آنان در تظاهرات دیده می‌شدند. از جمله این شورش‌ها می‌توان به شورش اشاره کرد که هشت نه ماه پیش از کشته شدن ناصرالدین‌شاه در تبریز روی داد و به کشته و زخمی شدن گروهی انجامید اشاره کرد. این شورش بر اثر بی‌توجهی و مقامات محلی در تأمین آذوقه مردمی که دچار قحطی و گرسنگی بودند رخ داد (تیموری، ۱۳۸۵: ۱۹).

وقوع انقلاب

نابسامانی اوضاع و بهم خوردن تعادل در جامعه آن روز ایران به تدریج زمینه را برای وقوع یک تحول بزرگ آماده می‌کرد و در طی یکی از شورش‌های مذکور بود که جرقه این کار صورت گرفت. حدود دویست نفر از صرافان و بازرگانان ضمن تعطیل کردن مغازه‌های خود، خواهان انجام یک رشته اصلاحات، بر کناری مسیونوژ بلژیکی و تعهد دولت به بازپرداخت بدهی‌های خود شدند، شاه با وعده و وعید آنها را به سر کار برگردانید اما تا پایان سال خبری نشد. در ۲۰ آذر ۱۲۸۴ دو تن از تاجران سر شناس قند و شکر تهران، را به اتهام گران‌فروشی (قند) به دستور علاءالدوله حاکم تهران به چوب بستند و به دنبال آن دو هزار نفر از روحانیون، طلبه‌ها، اصناف

و بازرگانان در اعتراض به این اقدام، در حرم عبدالعظیم بست نشستند و خواهان برکناری صدراعظم و برپایی عدالت‌خانه شدند. باید در اینجا ذکر کرد که هر چند خواست تأسیس عدالت‌خانه خود بر اثر تغییراتی که به تدریج در اذهان مردم صورت گرفت مطرح شد ولی همان‌گونه که قبلاً ذکر شد هدف اصلی رهبران اصلی انقلاب برپایی مشروطه در کشور بود ولی زمینه را برای طرح آن فراهم نمی‌دیدند. و طرفین پس از قول شاه مبنی بر تأسیس عدالت‌خانه به مصالحه دست یافتند و تحصن پایان یافت. ولی پس از مدتی شاه از عمل به وعده‌های خود طفره رفت و بدین ترتیب بار دیگر مردم در سفارت انگلستان و گروهی دیگر در قم به دست به تحصن زدند. و در طی این تحصن‌ها بود که خواست اصلی انقلابیون مبنی بر تشکیل مجلس و برپایی مشروطه مطرح شد. پس از افزایش فشارها بر مظفرالدین‌شاه و پس از اینکه آشوب پایتخت را فرا گرفت سرانجام شاه عین‌الدوله را برکنار و فرمان برپایی مجلس را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ه.ش صادر کرد. و در مهرماه همان سال بود که مجلس با حضور نمایندگان در تهران تشکیل شد. و به تهیه نظامنامه و تدوین قانون اساسی اقدام کرد. پس از امضای قانون اساسی تدوین شده توسط مجلس به وسیله مظفرالدین‌شاه، شاه درگذشت. و محمدعلیشاه به تخت نشست ولی از همان روز اول به مخالفت با مجلس پرداخت. مخالفت‌های وی با مشروطه‌خواهان و مجلس به حمله به مجلس و براندازی آن و اعدام گروهی از آزادی‌خواهان انجامید. و پس از این واقعه بود که شاهد قیام تبریز بر علیه استبداد به حمایت از مجلس به رهبری ستارخان و باقرخان هستیم. در طی این دوره بود که مصالحه‌ناپذیری شاه بر همگان مشخص شد. و بدین ترتیب به محاصره تبریز اقدام کرد. ولی مقاومت مردم تبریز و شکست شاه باعث زایل شدن ترس دیگر آزادی‌خواهان و آغاز جنبش در دیگر نقاط گردید. و بدینسان مشروطه‌ای که در آستانه نابودی قرار گرفته بود بار دیگر جانی تازه گرفت. شاید بتوان این رویداد را به عنوان عامل شتابزای مورد نظر جانسون به حساب آورد. چرا که هرچند پس از آن شاه دوباره اقدام به محاصره تبریز کرد ولی پس از مقاومت جانانه آنان بود که شاه دستخط استقرار دوباره مشروطه را صادر کرد. (هر چند این اقدام دیر صورت گرفت و روس‌ها وارد تبریز شده بودند.) تحت تأثیر اقدامات قهرمانانه تبریزیان بود که مشروطه‌خواهان دیگر شهرها چاره کار را در براندازی خود شاه می‌دیدند و به فتح تهران و خلع شاه و تشکیل مجلس دست زدند.

نتیجه‌گیری

در حالی که ایران در ابتدای قرن نوزدهم و اوایل دوران قاجار جامعه‌ای بود که به لحاظ اقتصادی بسیار فقیر، عقب‌مانده و کم‌جمعیت، به لحاظ سیاسی دارای حاکمانی مستبد و بی‌خبر از اوضاع جهان که در آن شاه به عنوان ظل‌الله حاکم بر جان و مال و ناموس رعیت، به لحاظ ارتباطات پراکنده و بی‌ارتباط و به لحاظ اجتماعی در تجارت، سیاست، روابط بین‌الملل، علم و فرهنگ منقطع، منفک و جای‌مانده از مابقی جهان، انقلاب مشروطه پایانی است بر دوران پرفراز و نشیب حکومت قاجار. در این دوران کشور شاهد بروز تغییرات مهمی در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، در درون و بیرون سرزمین خود بود. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این تغییرات را در دو دسته کلی تغییرات ذهنی (یا تغییر در افکار، اندیشه‌ها و ارزش‌ها) یا همان تغییر ارزش‌های درونی و بیرونی به تعبیر جانسون و تغییرات عینی (یا تغییر در ساختارهای عینی مانند جمعیت، روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای غربی) یا همان تغییرات بیرونی و درونی محیط به تعبیر جانسون طبقه‌بندی کرد.

تغییرات درونی و بیرونی ارزشی

دلایل تغییرات فوق را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد: از یک طرف به دلایلی مانند شکست‌های نظامی از روسیه، اعزام دانشجویان به اروپا برای فراگیری علوم و فنون، مسافرت ایرانیان به خارج از کشور، ورود اروپاییان به ایران تحت عناوین مختلف، ظهور روشنفکران متأثر از تمدن غرب، ورود صنعت چاپ و گسترش نهضت ترجمه آثار خارجی و نیز پیدایش مطبوعات و نقش آنها در آگاهی جامعه شاهد تغییرات اساسی در افکار، اندیشه‌ها و ارزش‌هایی هستیم که سال‌ها بر مردمان این مملکت حاکم بود و در اصل به تعبیر جانسون به عنوان تبیین‌گر محیط زندگی آنها عمل می‌کردند. و بدین ترتیب بود که به تدریج مفاهیمی مانند ترقی، پیشرفت، صنعت، تراموا، قطار، بهداشت، دانشگاه، روزنامه، پارلمان، احزاب، قانون، مشروطه، ابتدا توسط روشنفکران آشنا با غرب مطرح و آرام آرام وارد زندگی مردم شدند. به دلایل فوق و برخی دلایل دیگر در ضمیر، ذهن یا مخیله ایرانیان افق‌های تازه‌ای پدیدار گشت که بسیاری از نموده‌ها، سنت‌ها، باورها و در یک کلام «تُرْم‌ها» و قالب‌های گذشته را به زیر سوال کشاند و در مقابل باورها و اندیشه‌های جدیدی را جایگزین ساخت.

از یک سو مفاهیمی همچون پیشرفت، ترقی، صنعت، علوم، دانشگاه و راه آهن در ذهن‌شان وارد گردید و از سوی دیگر ایده‌هایی چون آزادی، دموکراسی، برابری، قانون، امنیت، احزاب، محدودیت قدرت حکومت، مطبوعات و پارلمان به مخیله‌شان راه یافت. بدین ترتیب آنها فهمیدند که ممکن است حکومت یک پای در آسمان و یک پای بر زمین نداشته باشد و سایه خدا بر روی زمین نباشد. سلطنت می‌توانست صرفاً نهادی سیاسی باشد با اختیارات محدود که حدود آن را قانون تعریف و تعیین می‌کند. مردم نیز دیگر رعیت یا گله‌ای گوسفند، که نیاز به چوپان دارند، تلقی نشوند، بلکه "شهروند" آنی باشند دارای حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشخص که قانون به آنان اعطاء کرده باشد، چرا که قوای مملکت ناشی از ملت می‌توانست باشد.


همچنین در این دوره شاهد ظهور افرادی هستیم که در حوزه دین دست به نوآوری‌هایی زدند، که باعث تقویت افکار و ایدئولوژی‌هایی شد که با ایدئولوژی حاکم در تضاد قرار داشت. که همین امر خود به بروز نارضایتی‌ها و برهم خوردن تعادل سابق و درنهایت وقوع انقلاب کمک کرد. نتیجه این که تغییرات ارزشی درونی و بیرونی از عوامل بروز انقلاب مشروطه می‌باشند.

روابط سیاسی - اقتصادی با غرب به اضمحلال اقتصاد داخلی و نابودی صنعت سنتی داخلی، ناتوانی کشور در تولید مواد غذایی اصلی و تضعیف بازرگانی کشور در برابر رقبای خارجی و در نتیجه کمبود مواد غذایی و وجود تورم در کشور و به هم خوردن تعادل قبلی و درنهایت وقوع انقلاب مشروطه انجامید. همچنین افزایش سه برابری جمعیت شهرنشین لزوم ارائه خدمات و منابع مالی کافی برای اینکار را مطرح کرد. دولت برای تأمین منابع لازم به افزایش مالیات‌ها و اخذ وام از بیگانگان و واگذاری امتیازات گوناگون روی آورد که نتیجه روندهای بالا افزایش نارضایتی از حکومت و به هم خوردن وضعیت متعادل پیشین و در نهایت وقوع انقلاب مشروطه بود.

منابع:

۱. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۴)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ یازدهم، تهران: نشر نی.
۲. آجودانی، ماشالله. (۱۳۸۶)، *روشنفکران ایران در عصر مشروطیت*، تهران: نشر اختران. (۱۳۸۳)، *مشروطه ایران*، تهران: نشر اختران.
۳. افشارکهن، جواد. (۱۳۸۳)، *بازخوانی جامعه‌شناسی سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران بین دو انقلاب*، تهران: آوای نور.
۴. اکبری، محمدعلی. (۱۳۸۴)، *چالش‌های عصر مدرن در ایران عهد قاجار*، تهران: انتشارات روزنامه ایران.
۵. بشیریه، حسین. (۱۳۸۲)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: دانشگاه تهران.
۶. تیموری، ابراهیم. (۱۳۸۵)، *ایران پیش از انقلاب مشروطیت*، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره اول و دوم، مرداد و آبان.
۷. بهنام، جمشید. (۱۳۸۳)، *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: نشر و پژوهش فروزان رود.
۸. جانسون، چالمرز. (۱۳۶۳)، *تحول انقلابی (بررسی نظری پدیده انقلاب)*، ترجمه حمید رسایی، تهران: امیر کبیر.
۹. جبارلوی شبستری. (۱۳۸۵)، *انقلاب مشروطه و گسترش ارتباطات اجتماعی در ایران*، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره اول و دوم، مرداد و آبان.
۱۰. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن*، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
۱۱. رابرتسون، یان. (۱۳۷۷)، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. زیبا کلام، صادق. (۱۳۷۷)، *سنت و مدرنیسم؛ ریشه‌یابی علل کوشش‌های اصلاح طلبان و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار*، تهران: انتشارات روزنه.
۱۳. فیاضی، عمادالدین. (۱۳۷۸)، *خرید و فروش دختران به روایت اسناد*، مجموعه مقالات نهضت مشروطیت ایران، جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۴. قبادزاده، ناصر. (۱۳۸۱)، *روایت آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب*، تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۵. کاتوزیان، محمد علی همایون. (۱۳۸۳)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا...*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
۱۶. کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۸۳)، *نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران نفت و توسعه اقتصادی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر مرکز.
۱۷. کسرایی، محمد سالار. (۱۳۷۹)، *چالش سنت و مدرنیته؛ از مشروطه تا ۱۳۲۰*، تهران: نشر مرکز.

۱۸. کسروی، احمد. (۱۳۸۵)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات نگاه.
۱۹. کوهن، آوین استفورد. (۱۳۸۶)، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
۲۰. ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۷۲)، سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران، قومس.
۲۱. نوازی، بهرام (۱۳۸۵)، نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت ایران با تکیه بر یافته‌های نظری کرین بریتون، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره اول و دوم، مرداد و آبان.

Analysis of social networks with web data mining (web mining)
Data mining of intergenerational relationships and family values in social networks
Seyedreza Naghibulsadat ¹

1- Associate Professor, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran Tehran.
E-mail: naghibulsadat@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 2 July 2022
Received in revised form 16 August 2022
Accepted: 25 August 2022
Published online: 21 September 2022

Keywords:
Methodology, Social media analysis, Web mining, Web mining techniques

ABSTRACT

Recent developments in the field of new communication technologies, the acceleration of change and the growing capabilities of these technologies, both in terms of ease of use and formal attractions, as well as in terms of content, have led to specific evaluation methods and research methods. The appeal of online social networking has also confirmed the monopolization of this type of research. Database Evaluation Processes Online social networking sites have introduced us to one of the new data fields, big data (BIG DATA), which in the field of methodology has led to the emergence of large research methods with appropriate techniques. In the present article, we have studied web mining methodology for analyzing social networks using the method documents and archival method and meta-analysis. Social network analysis is concerned with the relationship between users using themselves as nodes of a network (graph) and their relationships that are considered as the edges of the network. The study of such structures in various fields of research is an interdisciplinary field such as graph theory, sociology, and data mining.

Cite this article: Naghibulsadat Seyedreza. (2022). Analysis of social networks with web data mining (web mining) Data mining of intergenerational relationships and family values in social networks *News Science*, 11 (42), 157-184



تحلیل شبکه‌های اجتماعی با روش داده‌کاوی وب (وب‌کاوی) داده‌کاوی روابط بین نسلی و ارزش‌های خانوادگی در شبکه‌های اجتماعی

سیدرضا نقیب‌السادات^۱

۱. دانشیار دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران، رایانامه: naghibusadat@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: تحلیل شبکه‌های اجتماعی، تکنیک‌های وب‌کاوی، روش‌شناسی، وب‌کاوی،</p>	<p>تحولات اخیر در عرصه فناوری‌های نوین ارتباطی، وشتاب در تغییر و در قابلیت‌های رو به رشد این فناوری‌ها، چه به لحاظ سهولت بهره‌برداری و جاذبه‌های فرمی، و چه به لحاظ محتوایی، شیوه‌های ارزیابی و روش‌شناسی خاص پژوهش را نیز به همراه آورده است. جاذبه‌های شبکه‌های اجتماعی روی خط نیز بر انحصاری نمودن این نوع از پژوهش، صحنه گذاشته است. فرایندهای ارزیابی پایگاه‌های داده‌ها و سایت‌های شبکه‌های اجتماعی روی خط، مارا با یکی از حوزه‌های جدید داده‌ها، یعنی کلان داده‌ها (BIG DATA) مواجه نموده است، که این امر در حوزه روش‌شناسی نیز باعث ظهور کلان روش‌های تحقیق با تکنیک‌های مقتضی آن نیز شده است. در مقاله حاضر با استفاده از روش اسناد و مدارک علمی و فاحلیل به مطالعه روش‌شناسی وب‌کاوی برای تحلیل شبکه‌های اجتماعی، پرداخته‌ایم. تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی مربوط به ارتباط بین کاربران با استفاده از خود ایشان، به عنوان گره‌های یک شبکه (گراف) و روابط آنها است که به عنوان لبه‌های شبکه در نظر گرفته می‌شود. برای ارزیابی روابط بین نسلی و ارزش‌های خانوادگی نیز از روش داده‌کاوی وب و الگوریتم‌های به دست آمده، در این پژوهش استفاده شده است. مطالعه چنین نوع ساختارهایی در زمینه‌های مختلف تحقیق و به عنوان زمینه‌ای بین بخشی قرار دارد مانند نظریه گراف، جامعه‌شناسی، و داده‌کاوی. در داده‌کاوی روابط بین نسلی در شبکه‌های اجتماعی نیز نتایج به دست آمده نشان داد که مهم‌ترین ویژگی‌ها درت وجه به روابط بین نسلی میزان تعلق به والدین، سن، ارزش‌های خانوادگی و میراث‌های برگرفته از آن است</p>

استناد: نقیب‌السادات سیدرضا (۱۴۰۱). تحلیل شبکه‌های اجتماعی با روش داده‌کاوی وب (وب‌کاوی) داده‌کاوی روابط بین نسلی و ارزش‌های خانوادگی در شبکه‌های اجتماعی. *علوم خبری*، ۱۱ (۴۲)، ۱۸۴-۱۵۷.



مقدمه

ظهور شبکه‌های اجتماعی با جاذبه‌های جوان پسند آن و اقبال از اشکال جدیدتر آن یعنی شبکه‌های اجتماعی همراه، تأثیرپذیری و تغییر را در پیام‌گیران عمیق‌تر کرده است. در این عرصه اگر چه همه نقش و کارکردهای مورد انتظار از رسانه، ایفا می‌گردد، برخی از عملکردها و کارکردها، تأثیری عمیق‌تر را بر مخاطبان و پیام‌گیران این رسانه‌ها به همراه داشته است. میراث‌های انتقال داده شده به پیام‌گیران این رسانه‌ها کمتر بومی و دربردارنده عناصری از همه فرهنگ‌ها موجود در پایگاه‌های داده‌های مرتبط با شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند. الگوهای جدید ارائه شده، سبک جدیدی از زندگی را به پیام‌گیران توصیه می‌کند و قطعاً پذیرش‌کنندگان آن با تغییرات عمیقی در ارزش‌ها و باورهای خود مواجه می‌شوند.

امروزه فرهنگ رسانه‌ای به نیروی مسلط جامعه‌پذیری تبدیل شده است و در نهایت بر باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و به‌طور کلی بر فرهنگ جامعه اثر می‌گذارد و به تدریج با ایجاد تغییرات پیوسته در جنبه‌های مختلف شبکه سنتی خانواده، ارزش‌ها و باورهای متفاوت در بین نسل جدید ظهور می‌کند.

مطالعه در رفتار کاربران شبکه‌های اجتماعی، شیوه‌ها و الگوهای بهره‌برداری و ساختارهای ایجاد شده برای ارائه محتوی و مطالعه در محتوای تولید شده و ارزیابی جایگاه تولیدکنندگان آن و شکل روابط افراد درون شبکه با یکدیگر به شیوه برخط، موضوع وب‌کاوی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی است.

سؤال اصلی در این پژوهش این است که شبکه‌های اجتماعی برخط چگونه با روش تحقیق وب‌کاوی و تکنیک‌های آن، قابل تحلیل و ارزیابی هستند؟ و روش آن دارای چه فرایندی است؟

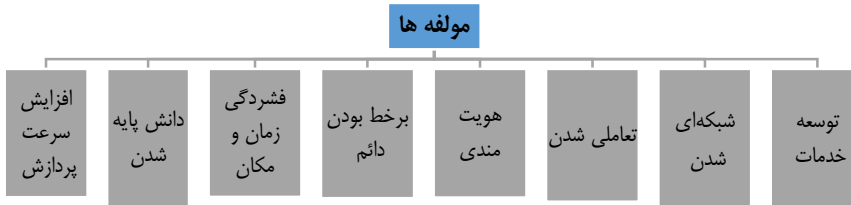
بدین منظور بر متغیرهایی چون شبکه‌های اجتماعی برخط، الگوهای تحلیل رفتار پیام‌گیران، گره‌ها، اتصالات و روابط بین افراد، شناسایی داده‌ها، غربال‌گری داده‌ها و توصیف و تفسیر داده‌ها، تأکید می‌کنیم.

هدف از این پژوهش شناخت شیوه اجرای وب‌کاوی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی با استفاده از تکنیک‌های وب‌کاوی است و البته کاربست آن در ارزیابی مورد مطالعه که روابط بین نسلی و ارزش‌های خانوادگی است تا یک نمونه عملی نیز به دست داده شده باشد.

پیشینه پژوهش:

در این بخش از مطلب، ادبیات مربوط به شبکه اجتماعی، طبقه‌بندی و تکنیک‌های داده‌کاوی وب مورد بررسی قرار گرفته‌است تا دیدگاه گسترده‌ای در مورد این دو موضوع ارائه شود. پیش از آنکه از شبکه‌های اجتماعی سخن بگوییم، لازم است اشاره‌ای به ظهور فضای مجازی بکنیم. فضای مجازی و یا فضای سایبری، در برابر فضای حقیقی به فضایی اطلاق می‌شود که بر اثر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان ایجاد شده و متفاوت از فضای فیزیکی پیش از آن است. این فضا حاصل جمع زمان، مکان و روابط انسانی است. این فضا در یک فضای حقیقی از ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و با اشیاء شکل می‌گیرد که به دلیل ویژگی‌های ارتباطی آن از قبیل قابلیت‌های تولید، ذخیره‌سازی، پالایش، پردازش و توزیع اطلاعات در همه زمان‌ها و مکان‌ها با ویژگی قابلیت تحرک و همچنین امکان تکرار هویتی قابل توجه است. وجه تسمیه آن به "مجازی" نیز به دلیل انعطاف‌پذیری بالا در فضای مزبور و شبه استقلال آن از فضای حقیقی و قابلیت بالای آن در ارتباطات و روایت‌های تصویری است (فیروز آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴).

این فضا دارای مؤلفه‌هایی است که در بردارنده موارد زیر است:



از ویژگی‌های پیام در این فضای جدید ایجاد شده می‌توان به تعاملی بودن، جمع‌زدایی، ارتباط ناهم‌زمان، قابلیت انعطاف، تمرکز زدایی، گستردگی عملکرد، ظرفیت بالا و انبوهی پیام است (نقیب السادات، ۱۳۸۳).

شبکه‌های اجتماعی

شاید پیدایش مفهوم شبکه‌های اجتماعی هم‌زمان با پیدایش بشر باشد، اما کاربرد و مفهوم شبکه اجتماعی نخستین بار در سال ۱۹۴۰ در انسان‌شناسی توسط برون مطرح شد و سپس در اوسط

دهه ۱۹۵۰ توسط بات و بارنز مورد استفاده قرار گرفت (چلبی، ۱۳۹۱: ۱۰). "جی ای بارنز" برای نخستین بار اصطلاح شبکه اجتماعی را برای مشخص کردن الگوهایی از رشته‌ها استفاده کرد که مفاهیم را مشخص می‌کنند و به صورت رایج توسط عموم و دانشمندان علوم اجتماعی به کار می‌رود. بارنز از واژه شبکه‌های اجتماعی برای بررسی پیوندهای اجتماعی در روستای نروژ استفاده کرد. او در این مطالعات به این نتایجی دست یافت که همه زندگی اجتماعی ممکن است به منزله مجموعه‌ای از نقاط دیده شوند که برخی از آن‌ها با خط‌هایی به هم متصل هستند و یک شبکه کلی از آن را می‌سازند (تامپسون، ۲۰۰۸).

در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی یک ساختار اجتماعی است که از گروه‌هایی که عموماً فردی یا سازمانی هستند، تشکیل شده است و به وسیله مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصل هستند و با یکدیگر در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها تعامل دارند. "مانوئل کاستلز" نویسنده اثر معروف عصر اطلاعات که تحولات جهانی را در حوزه‌های اقتصاد، جامعه و فرهنگ بر اساس توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تبیین می‌کند، ظهور جامعه شبکه‌ای را سرآغاز دگرگونی‌های همه‌جانبه در این عصر می‌نامد. وی معتقد است فناوری نوین اطلاعات، نقاط دور عالم را در شبکه‌های جهانی به هم پیوند می‌دهند و ارتباطات رایانه‌ای مجموعه گسترده از جوامع مجازی را به وجود می‌آورند. وی قدرت و حوزه کارکرد شبکه‌ها را در قالب نظریه جامعه شبکه‌ای تحلیل می‌کند. کاستلز معتقد است کارکردها و فرآیندهای مسلط در عصر اطلاعات هرروز پیش از پیش پیرامون شبکه‌ها سازمان می‌یابد. شبکه‌ها صورت‌بندی اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و منطق جامعه شبکه‌ای درحال سرایت به تمام فضاهای زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. در چارچوب اندیشه کاستلز، شبکه مجموعه‌ای از نقاط اتصال یا گره‌های به هم پیوسته است. نقطه اتصال یا گره، نقطه‌ای است که در آن یک منحنی خود را قطع می‌کند. چپستی این نقطه به نوع شبکه بستگی دارد. حضور در شبکه یا حذف از آن و معمای روابط میان شبکه‌ها که توسط فناوری اطلاعات با سرعت نور عمل می‌کند، ریخت و فرآیند و کارکرد مسلط جوامع ما را تعیین می‌کند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۹).

کاستلز معتقد است اینترنت جامعه شبکه‌ای را پشتیبانی می‌کند و مهم‌ترین نقش اینترنت کمک آن به الگوی جدید جامعه مبتنی بر فردگرایی است. شبکه‌های آنلاین خود یک یک جامعه شبکه‌ای است که دوستان، خویشاوندان، همسایگان و سایر افراد را به یکدیگر متصل می‌کند؛ به طوری که ایمیل و شبکه‌های اجتماعی آنلاین نه تنها ابزاری برای در آن‌جا بودن

از فاصله‌ای دور است، بلکه این کار را بدون درگیر شدن در ارتباط عمیق که نیازمند انرژی عاطفی است، انجام می‌دهد. باید توجه داشت که شبکه‌های اجتماعی آنلاین، رسانه‌های ارتباطی هستند که لزوماً به تقویت روابط همه افراد منجر نمی‌شود و بر روی انواع پیوندها از جمله خانواده اثرات متفاوتی بر جای می‌گذارد.

در تعریف شبکه‌های اجتماعی آنلاین "کوه و همکارانش" معتقدند: "شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های اجتماعی مجازی به شمار می‌روند که در آن افرادی که از نظر زمانی و مکانی از یکدیگر جدا هستند، به راحتی می‌توانند اطلاعاتشان را با یکدیگر سهیم شوند و با سایر افراد به تبادل اطلاعات بپردازند (کوه، ۲۰۰۷: ۷۰).

"فوکس" از سایت‌های شبکه اجتماعی چنین تعریفی را پیشنهاد می‌کند: "سایت‌های شبکه اجتماعی، پلتفرم‌ها و پایگاه‌هایی هستند که انواع گوناگون رسانه‌ها، اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی را یکپارچه می‌سازند، به طوری که دست کم به کاربر امکان ایجاد پروفایلی را که معرف او باشد را می‌دهد و پیوندها یا فهرست‌های وی را در صفحه نمایش داده و نیز ارتباط با پیوندهای کاربران موجود در فهرست و ارتباط بین کاربران را فراهم می‌نماید" (فوکس، ۲۰۰۹: ۹). یک جنبه تعامل در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی این است که نقطه شروع ارتباط در آنها فرد است و این نقطه، در مقابل تالارهای گفت‌وگو و انجمن‌های مباحثه است که در آنها ارتباطات به صورت اشتراکی صورت می‌گیرد (بابائی؛ خانیکی، ۱۳۹۰: ۸۷).

انواع سایت‌های شبکه‌های اجتماعی

سایت‌های شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به شیوه‌های گوناگون دسته‌بندی کرد، اما "باس‌من و زاگنچیک" طبقه‌بندی را ارائه کرده‌اند که می‌توان به شکل زیر تلخیص کرد:

۱- شبکه‌های اجتماعی پروفایل محور: این‌گونه سایت‌های شبکه‌های اجتماعی

علاوه بر افراد ممکن است، شامل پروفایل‌های گروه‌ها، شرکت‌ها، رویدادها، سازمان‌های غیرانتفاعی و یا احزاب سیاسی باشند. و، فیس‌بوک و مای‌اسپیس نمونه‌های خوبی از این شبکه‌ها هستند. پس از ایجاد پروفایل و تکمیل مراحل عضویت، کاربران با مشارکت در فضای دوستان و با کمک قابلیت‌های چندرسانه‌ای سایت از قبیل گذاشتن عکس، متن، محتوا یا لینک به محتوای بیرونی، فضای خود را توسعه می‌دهند. در حال حاضر صدها سایت شبکه‌های اجتماعی با قابلیت‌های

مختلف فنی وجود دارند که علایق، آداب و رسوم مختلفی را پشتیبانی می‌کنند و میلیون‌ها کاربر توجه‌شان را به آنها معطوف کرده و این سایت‌ها را در زمره کارها و فعالیت‌های روزانه‌شان قرار داده‌اند. اما در حالی که این شبکه‌ها دارای امکانات فنی متفاوتی هستند همه آنها شامل پروفایل‌هایی نمایان‌اند و فهرست پیوسته دوستان را که کاربرهای سیستم نیز هستند، نشان می‌دهد. پروفایل‌ها صفحات منحصر به فردی هستند که هرکس می‌تواند خود را به گونه‌ای که می‌خواهد نشان دهد.

۲- شبکه‌های اجتماعی محتوا محور: در این نمونه از شبکه‌ها، کانون اصلی ارتباط پروفایل کاربر است که براساس مشارکت در محتوا سازماندهی می‌شود. برای مثال در سایتی همچون فلیکر که به سایت اشتراک عکس معروف است نظرات و دیدگاه‌ها در خصوص عکس‌ها تبادل می‌شود و نوع عکس دلخواه و سبک عکاسی مورد نظر فرد در پروفایل وی برجسته می‌شود. اکثر شبکه‌های حرفه‌ای و تخصصی نیز در این دسته قرار می‌گیرند.

۳- شبکه‌های اجتماعی نامشخص: در این سایت‌ها هیچ‌گونه پیش‌فرض کاربردی لحاظ نشده و کاربر قادر است با کمک امکانات سایت فضای اختصاصی خود را ایجاد و به تبادل با افراد مورد نظر خود، تولید و به اشتراک‌گذاری محتوای دلخواه خود بپردازند. برای نمونه سایت wetpaint.com به کاربران اجازه می‌دهد با عضویت در یک ویکی اجتماعی خاص با توجه به علایق و تمایلات خود تولید محتوا کنند.

۴- شبکه‌های اجتماعی چند کاربر: این نوع سایت‌ها با ایجاد فضایی تخیلی و بازی با اعضای دارای نمادهای مجازی، شرایط تعامل نمادگونه کاربران با یکدیگر را فراهم می‌آورند. سایت‌هایی چون Sscondlife.com از آن جمله‌اند.

۵- شبکه اجتماعی همراه: در حال حاضر بیشتر شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق تلفن همراه قابل دسترسی‌اند و بسیار هم مورد پسند اعضای این شبکه‌ها هستند. این شبکه‌ها در این بخش به صورت کامل بیان خواهد شد.

۶- میکرو بلاگ: برخی سایت‌ها مانند توییتر و فیس‌بوک با ایجاد ارسال پیامک‌های لحظه به لحظه این بستر را فراهم می‌سازند تا کاربران وضعیت آنی خود را به دیگر اعضا نشان دهند.

۷- **شبکه‌های موضوعی:** شبکه‌های خاص پیرامون زمینه‌های خاص هستند که بیشتر جنبه حرفه‌ای، مشورتی، توصیه‌ای و توانمندسازی دارد و افراد عضو می‌توانند دیگه‌ها و تدابیرشان را در موضوعات مورد نظر تبادل کنند. سایت‌های خاص کودکان مانند imbee.com یا سایت‌های طرفداران خدمات اجتماعی communitycare.co.uk از آن جمله‌اند (بوسمن و زاگنس زیگ، ۲۰۱۱: 12-13).

تحلیل شبکه‌های اجتماعی با استفاده از وب‌کاوی

یک شبکه اجتماعی چارچوب اجتماعی متشکل از افراد یا گروه‌هایی است که "گره‌ها" نامیده می‌شوند که با یک یا چند نوع خاص از وابستگی متقابل، مانند دوستی، منافع مشترک، ناسازگار، روابط باورها، دانش، مرتبط می‌شوند.

"میان" و "وهاب سیت" (۲۰۱۲) اظهار می‌دارند که وب‌کاوی بخشی از داده‌کاوی است که با استخراج دانش جالب از شبکه‌های تار عنکبوتی جهانی کار می‌کند. اینترنت پایه‌ای برای تجارت الکترونیک است و چارچوبی برای صاحبان مشاغل فراهم می‌کند تا با مشتری ارتباط برقرار کند و به آنها کمک کند تا درخواست تجدید نظر در سایت خود را به آنها ارائه دهند.

رضایت یک مشتری، مشتری‌های بیشتری را برای فروشنده خاص به همراه می‌آورد. "میرا" و سری و استوا، مساند، اسپیلو پلو (۲۰۰۲) پیشنهاد می‌کنند که سهولت و سرعت که معاملات تجاری را می‌توان بر روی وب نشان داد، یک مسیر هدایت حیاتی در رشد سریع تجارت الکترونیک بوده است.

علاوه بر این، تعاملات مشتری، همراه با محتوای شخصی، خدمات آنلاین مشتری، و نظرسنجی‌های آنلاین، پست الکترونیکی، رسانه‌های جدیدی را فراهم آورده است که قبلاً وجود نداشته یا بسیار ناکارآمد بوده‌اند. وب، انقلابی است که کسب و کارها را با یکدیگر (B2B) و با هر مشتری (C2B) در قالب یک نظام ارتباطی شکل داده است. این روش کاملاً جدیدی برای انجام تجارت است، که شامل مزایده‌ها و مزایده‌های معکوس، محتوای به روز، عرضه‌های

ریز بخش‌ها و قیمت گذاری پویا است. برنامه‌های کاربردی مبتنی بر وب و خدمات وب با سرعت نمایش داده می‌شوند (پتی، پاتیل، 2012).

این موضوع مقدار زیادی از داده‌های وب را با ویژگی‌های عجیب و غریب خود به‌وجود آورده است. این امر به نوبه خود باعث می‌شود تحقیقات در زمینه داده‌کاوی وب دشوارتر شود. داده‌کاوی وب یک برنامه داده‌کاوی است که با استخراج دانش مورد نیاز یا پنهان از شبکه‌های تار عنکبوتی جهانی است.

"هرروز" و دی جودی، (۲۰۱۳) در پژوهش خود آورده‌اند که امروز، وب به یکی از محبوب‌ترین سیستم‌های عامل برای بازیابی اطلاعات و تغییر تبدیل شده است.

از آنجایی که ارائه یا انتشار اسناد و مدارک فعالیتی آسان است، اما هرچه، تعداد کاربران و ناشران، رشد می‌کند و متقابلاً با افزایش تعداد اسناد و مدارک انتشار یافته، جستجوی اطلاعات به یک عملیات بسیار دشوار و وقت‌گیر تبدیل می‌شود. یک شبکه اجتماعی آنلاین یک ساختار اجتماعی متشکل از افراد (یا گروه‌ها) و گره‌هایی هستند که با یک یا چند نوع خاص از وابستگی متقابل مانند دوستی، منافع مشترک، خویشاوندی، ناسپاسی، مبادله مالی، روابط باورها، دانش یا اعتبار سروکار دارند (جی اون و مینگ، ۲۰۰۸).

به طور گسترده‌ای، تجزیه و تحلیل شبکه اجتماعی نشان دهنده ساختار اجتماعی، به عنوان یک شبکه است که پیوند افراد و هدایت منابع، بر ویژگی‌های ارتباطات، به جای ویژگی‌های افراد تأثیر می‌گذارد و جماعات را به عنوان جماعات شخصی در نظر می‌گیرد، که به عنوان شبکه‌هایی از روابط فردی است که افراد آنرا تغذیه، مدیریت و در کار زندگی روزمره از آنها استفاده می‌کنند (بورکو، 2010).

پیشینه تحقیق:

در سال‌های اخیر، تعداد پژوهش‌های مرتبط با شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران، رشد فزاینده‌ای داشته است؛ اما به‌طور کلی تعداد این پژوهش‌ها با استفاده از روش‌های جدید مرتبط با علم داده‌ها نظیر وب‌کاوی و تکنیک‌های آن، بسیار محدود است؛ با این وصف به تجارب خارج از ایران در این عرصه می‌پردازیم و درمجال بعدی فعالیت‌های انجام شده در این خصوص در کشور را مطرح خواهیم کرد.

محبوبیت سایت‌های شبکه اجتماعی دانشگاهی (SNSs) به طور نمادین رو به افزایش است. امروزه کاربران دانشگاهی در سطوح مختلف حرفه‌ای در رشته‌های مختلف، بیشتر

به آنها علاقه‌مند هستند. ایشان از این SNS سایت‌های شبکه اجتماعی دانشگاهی، برای اهداف مختلف استفاده می‌کنند و به همین ترتیب از طریق روش‌های مختلف نظریات خود را شکل می‌دهند. پژوهش سایت‌های شبکه اجتماعی دانشگاهی به دنبال الگوهای بهره‌برداری کاربران از این سایت‌ها است. این پژوهش با هدف توصیف الگوهای استفاده SNS دانشگاهی (یعنی Academia.edu) از طریق گروه‌های مختلف کاربردهای علمی به مطالعه دانش فراهم آمده می‌پردازد. برای رسیدن به این هدف، داده‌های نمایه کاربران به طور مستقیم از وبسایت Academia.edu جمع آوری شده است (الموسی، ۲۰۱۱).

"لی"، چئونگ و تادانی، (۲۰۱۲) پیشنهاد کرده‌اند که سایت‌های شبکه‌های اجتماعی دانشگاهی^۱ پدیده‌های جدیدی در الگوهای تعامل و ارتباطات اجتماعی هستند که تأثیر زیادی در نحوه ارتباط و تعامل افراد با یکدیگر دارند. هدف از این مطالعه، بررسی مدل شناختی-رفتاری پیشرفته اینترنت عمومی^۲ در زمینه فیس‌بوک است. شبکه حرفه‌ای تبدیل به یک ویژگی حیاتی از کار حرفه‌ای چندین مجموعه فعال در این عرصه است (فرود، لیندا الن اولسن گوریبیه، ۲۰۰۹) و خدمات مختلف شبکه‌های اجتماعی آنلاین، کمک به ایجاد و نگهداری شبکه‌های حرفه‌ای می‌کند. این امر همچنین به افزایش پتانسیل متخصصان مختلف کمک کرده است.

"واگنر، مالهوترا، توتی، کومارآگورا، آلمیدا" (۲۰۱۲) می‌گویند که با استفاده و محبوبیت خدمات در حال گسترش رسانه‌های اجتماعی آنلاین، افراد در حال حاضر دارای حساب‌های مختلف کاربری در خدمات متنوعی مانند توییتر، یوتیوب، فیس‌بوک و لینکدین هستند. در این پژوهش (کابی، شائو، هی، یان و هان، ۲۰۰۵) به طور منظم، مسئله کاوش انجمن‌های پنهان را در شبکه‌های اجتماعی ناهمگن تحلیل کرده‌اند. ایشان یک مدل جدید برای یادگیری یک ارتباط خطی بهینه از این روابط ارائه داده‌اند که بهترین ترفندهای کاربر را، می‌توانند پاسخ‌گو باشند. از رابطه به دست آمده، نتیجه کار بهتر، برای کاوش جماعات می‌تواند باشد.

در اینجا کاوش جماعات و تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی، تغییر عمده‌ای در روش‌شناسی از تک-شبکه، تحلیل مستقل کاربر به چند شبکه، وابسته به کاربر و تجزیه و تحلیل مبتنی بر پرس وجو نشان می‌دهد.

¹ SNSs

² GPIU

"کانگ و فالوتسوس" (۲۰۱۲) می‌گویند که نمودارها از انواع مختلفی نظیر شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های استناد، شبکه‌های تلفن همراه، شبکه‌های بیولوژیکی، شبکه‌های رایانه‌ای و شبکه جهانی وب تشکیل شده‌اند. با هزینه ذخیره سازی دیسک و لو هزینه‌های اندک، موفقیت سایت‌های شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توئیتر و برنامه‌های کاربردی گوگل و وب ۲ و دسترسی زیاد به منابع داده‌ها، داده‌های گرافیکی، با سرعت غیرمنتظره‌ای رو به افزایش است. اکنون این فعالیت‌ها با حجم‌های ترابایت^۱ و پتابایت^۲ با بیش از میلیاردها گره و لبه، ارزیابی می‌شوند. به عنوان مثال، فیس‌بوک روزانه ۶۰ ترابایت اطلاعات جدید را بارگیری می‌کند، یاهو در سال ۲۰۰۲ دارای ۱,۴ میلیارد گره وب یا گره‌های گره‌ای گرافیکی بوده است، مایکروسافت در سال ۲۰۰۹ حدود ۱,۱۵ میلیارد جفت پرس و جو داشته است، و گوگل ۲۰ پتابایت در روز پردازش می‌کند (نورد هیوس، هیچ کوب، لازویک، ۲۰۱۰). کاوش و تجزیه و تحلیل، داده‌های وب از شبکه‌های اجتماعی روی خط می‌تواند دشوار باشد به این دلیل که مقدار زیادی از داده‌ها را در بر می‌گیرد. چنین فعالیت‌هایی به‌طور کلی بسیار گران هستند، چون نیاز به تعداد زیادی از منابع محاسباتی دارند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به دلیل دسترسی آسان به منابع محاسباتی ارزان‌تر، در دسترس‌ترند، و اخیراً محاسبات ابری موفقیت زیادی به‌دست آورده است.

در این کار پژوهشگران، پیشنهاد استفاده از خدمات محاسبات ابری^۳ را، در دسترس‌ترین راه حل ممکن برای تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ می‌دانند. توئیتر به عنوان یک منبع برای مجموعه داده‌های بزرگ استفاده می‌شود که گراف آن با ۵۰ میلیون گره و ۱,۸ میلیارد لبه است. استخراج اطلاعات شخصی (۲۰۰۹ هو، کایی) می‌تواند ارتباطات پنهان و ویژگی‌های افراد هدف را که برای عملیات مورد نیاز استفاده شود، پیدا کند. روش بهینه‌سازی ویژگی در اینجا برای حل مشکل و انجام داده‌کاوی کارآمد پیشنهاد شده است.

اگر چه در مطلب حاضر به دنبال قابلیت‌های روش وب‌کاوی و مفاد آن در تحلیل شبکه‌های اجتماعی و پایگاه‌های داده‌ها هستیم؛ اما در ارائه یافته‌های انحصاری شاید ارائه یافته‌ها در این محدوده یا فضای خاص ایجاد شده ننگنجد و بیشتر تمرکز را بر روش‌شناسی کار قرار داده‌ام تا در مقالات دیگر سایر دستاوردها را ارائه دهم. زیرا تا بدین جای مطلب مباحث

^۱ terabytes

^۲ petabytes

مبسوطی در باب آن مطرح شده است که ارائه سایر دستاوردها باعث، طولانی تر شدن مطلب و تداخل مباحث دیگر با این موضوع تخصصی می‌شود.

مفهوم، ابعاد و ویژگی‌های وب‌کاوی شبکه‌های اجتماعی:

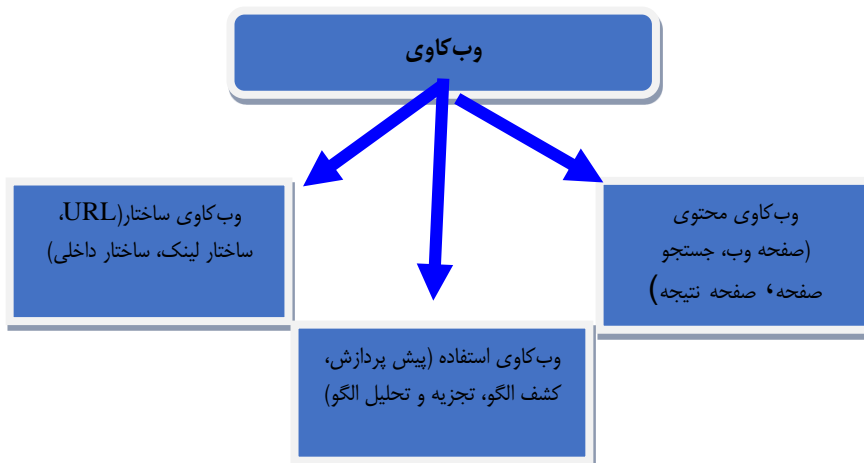
مقیاس داده‌ها بر روی رایانه‌ها به شکل گسترده‌ای به صورت پایگاه داده‌ها و فایل‌ها در حال رشد است. کاربران نیازمند اطلاعات خارج از این پایگاه داده‌ها و فایل‌ها هستند. در حال حاضر استفاده از اینترنت با سرعت بالا به طور خاص در برنامه‌های تجارت الکترونیک و اشتغال‌الکترونیک رو به افزایش است. داده‌کاوی یکی از انواع گونه‌های حمایت از چنین تقاضاهایی است. داده‌کاوی به عنوان روشی برای پیدا کردن اطلاعات پنهان در پایگاه داده‌ها محسوب می‌شود. البته چالش‌هایی درخصوص تحقیقات مرتبط با داده‌کاوی، وب‌کاوی و بالاخره متن‌کاوی وجود دارد. داده‌های کاوی ممکن است ساختار یافته یا غیر ساختار یافته باشد. کاوش سه نوع دارد: داده‌کاوی، وب‌کاوی و متن‌کاوی. داده‌کاوی با داده‌های ساخت یافته که در یک پایگاه داده سازماندهی شده‌اند، سروکار دارد؛ در حالی که متن‌کاوی با داده‌های غیرساخت یافته مرتبط است و از سوی دیگر داده‌های وب‌کاوی، ترکیبی از داده‌های ساخت یافته و ساخت نیافته است و هر دو شکل را بررسی می‌کند. وب‌کاوی هم از شیوه‌های داده‌کاوی وهم از شیوه‌های متن‌کاوی بهره می‌گیرد.

ردیف	شاخصه‌ای مقایسه	وب‌کاوی	داده‌کاوی
۱	ساختار	این اطلاعات از صفحات وب ساخت یافته، نیمه ساخت یافته، ساخت نیافته تشکیل شده‌اند. این اطلاعات از یک پایگاه داده‌های وسیع بیرون کشیده می‌شود.	داده‌کاوی اطلاعات را از یک ساختار آشکار برداشت می‌کند در مقایسه با وب‌کاوی در این نوع از کاوش این اطلاعات از یک پایگاه داده‌های گسترده دریافت نمی‌شود.

۲	دسترسی	دسترسی به داده‌ها عمومی است. در اینجا داده‌هایی که در پایگاه داده وب در دسترس هستند پنهان نیست و برای دسترسی به آنها از قبل نیاز به کسب اجازه نیست.	دسترسی به داده‌ها به صورت خصوصی است و فقط دسترسی کاربر در پایگاه داده‌ها را مجاز می‌شمارد
۳	مقیاس پذیری	در اینجا پردازش اطلاعات جستجو شده بزرگ نیست، به عنوان مثال ۱۰ میلیون شغل در پایگاه داده‌های سرورهای وب وجود دارد.	در داده‌کاوی پردازش جستجو بزرگ است، ۱ میلیون شغل در پایگاه داده. در داده‌کاوی، پردازش جستجو بزرگ است، ۱ میلیون شغل در هر پایگاه داده وجود دارد
۴	ذخیره داده‌ها	داده‌های وب، در پایگاه داده‌های وب هر سرور و سیاهه‌های مربوط به آن سرور ذخیره می‌شود.	در این مخزن اطلاعات، اطلاعات ذخیره می‌شود
۵	نوع داده‌ها	مبتنی بر داده‌های روی خط کار می‌کند	مبتنی بر داده‌های ذخیره شده در دسترس (آفلاین) کار می‌کند.

جدول ۱- مقایسه داده‌کاوی و وب‌کاوی

در ذیل به انواع وب‌کاوی (وب پژوهی) اشاره می‌شود. با توجه به ماهیت هر یک از اشکال زیر، تکنیک‌های متفاوتی نیز مرد استفاده قرار می‌گیرد.



نمودار ۱: طبقه‌بندی وب‌کاوی

وب‌کاوی یا وب‌پژوهی، دارای ۳ شکل است که هر یک در عمل از تکنیک‌های متفاوتی برای اجرا استفاده می‌کنند.

• **محتوای وب** - اطلاعاتی که در عمل در صفحات موجود هستند و اطلاعات را به کاربران وب انتقال می‌دهند. صفحه وب حاوی اطلاعات چندرسانه‌ای است به عنوان مثال متن، HTML، صدا، ویدئو، تصاویر، و غیره به طور عمده شامل:

الف) کاوش داده‌ها / اطلاعات / محتوای اسناد / صفحات سایت‌ها را در بردارد.
ب) بازیابی یا بازبینی، فیلتر کردن، خوشه‌بندی نتایج جستجو، خلاصه سازی، طبقه‌بندی / دسته بندی و غیره را در بر دارد.

• **ساختار وب** - سازماندهی صفحات وب که از طریق فرایوندها به یکدیگر متصل شده‌اند، یعنی بسیاری از تگ‌های HTML

این شکل کار، برای پیوند یک صفحه به صفحه دیگر و یک وب‌سایت به وب‌سایت دیگر استفاده می‌شود. اساساً شامل موارد زیر است:

الف) بررسی ساختار لینک سایت‌ها و لینک صفحات
ب) مقامات و مراکز، تشخیص جماعات و رتبه بندی صفحات (گوگل).

• **استفاده از وب**: داده‌هایی که استفاده از وب را که در پروکسی سرور، سرور وب و مرورگر مشتری با آدرس IP، تاریخ، زمان و غیره نشان می‌دهد، مطالعه می‌کند. این زمینه عموماً شامل:
الف) تجزیه و تحلیل رفتار / الگوهای گشت و گذار، داده‌های مورد استفاده
ب) بازاریابی و تجدید ساختار سایت‌ها را مطالعه می‌کند.

– شبکه اجتماعی

به‌طور کلی یک شبکه اجتماعی ساخته شده، به‌وسیله ارتباطات روزمره در میان مردم شکل می‌گیرد و به همین دلیل شامل انجمن‌های مختلفی نظیر انجمن‌های بین رشت‌های، موقعیت‌ها و نزدیکی میان گروه‌ها یا افراد است (ماتسونو و ایشیزو، ۲۰۰۷).

برای درک ساختار اجتماعی، روابط اجتماعی، تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی و رفتارهای اجتماعی، این روش بسیار مفید و مهم است. تحقیقات در مورد شبکه‌های اجتماعی آنلاین می‌تواند به جامعه‌شناسی، اپیدمیولوژی و انسان‌شناسی بازگردد. برای تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی، اهداف تحلیلی عمدتاً بر منابع وب مانند ساختار، محتوا و رفتار کاربر تمرکز دارد. استفاده از تکنیک‌های داده‌کاوی بر روی وب جهانی، که به عنوان "وب‌کاوی" یا "وب

پژوهی " نامیده می‌شود، می‌تواند برای تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد (2003 . چاکرا بارتی و کولی).

در وب‌کاوی، اهداف کلیدی مورد تحلیل، از وب‌سایت جهانی، در شکل وب‌کاوی محتوی، ساختار و کاربرد است (سری سری سری و استاو)، (1997).

روش‌شناسی پژوهش: وب‌کاوی (وب پژوهی) و فرایند آن

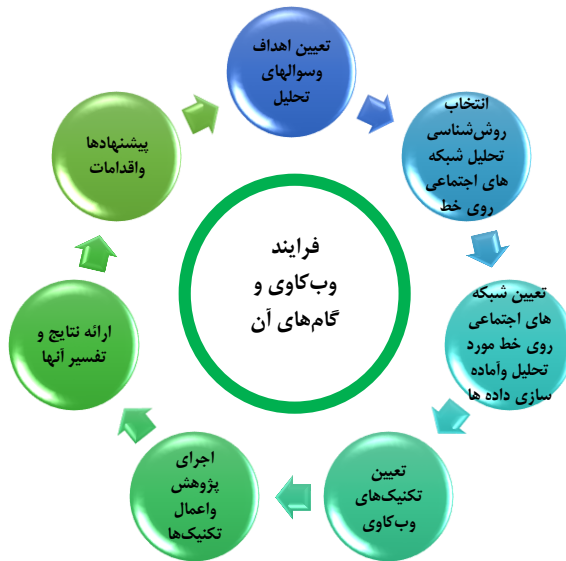
با توجه به ماهیت شبکه‌های اجتماعی و چارچوب‌های روش‌شناختی پژوهش، وب‌کاوی (وب‌پژوهی) دارای ساختار خاص روش خود است. اگر چه همه روش‌های نوظهور پژوهش در حوزه فناوری‌های نوین ارتباطی جزئی از علم داده، محسوب می‌گردند، اما چنان‌که قبلاً در بخش ویژگی‌ها ذکر شد دارای روش‌شناسی خاص خود است.



نمودار ۲- جایگاه داده‌های برگرفته از وب

فرآیند عمومی وب‌کاوی برای تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی

یک فرآیند کلی جهت استفاده از وب‌کاوی برای تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی وجود دارد که دارای مراحل زیر است:



نمودار ۳- فرایند وب پژوهی برای شبکه‌های اجتماعی

1- انتخاب اهداف تحلیل و سؤال‌های آن: اولین گام در وب‌کاوی، انتخاب اهداف

تحلیل، مانند ایمیل، وب، ارتباطات تلفنی و غیره است. انتخاب بیش از یک هدف هم همانند سایر پژوهش‌ها امکان‌پذیر است. سواها نیز در ذیل چتر اهداف قابل طرح است. جنبه‌های عملی تحقق اهداف و پیشرفت تحقیق سؤال‌ها است که در انتهای پژوهش پاسخ خود را می‌یابد.

2- انتخاب روش‌شناسی شبکه‌های اجتماعی روی خط مورد تحلیل: در این

گام روش تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی انتخاب می‌شود. آنچه که در تفاوت وب‌کاوی با داده‌کاوی مطرح شد، ولی خط بودن جمع‌آوری اطلاعات مورد تحلیل و غربال آنها است.

3- تعیین شبکه‌های اجتماعی و تهیه داده‌ها: در این مرحله، شبکه‌های اجتماعی

مورد نظر برای تحلیل شناسایی شده و داده‌های مربوطه برای تجزیه و تحلیل

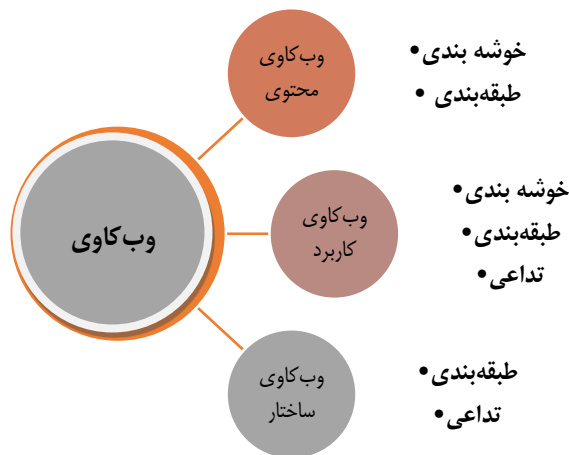
جمع‌آوری می‌شوند و پس از آن داده‌ها باید برای یکپارچه‌سازی جهت تعیین الگوها، پیش پردازش و غربال (تمیز) شده، تا در پایگاه داده‌ها ذخیره شوند.

4- تعیین تکنیک‌های وب‌کاوی: انتخاب تکنیک‌های وب‌کاوی یا ترکیب آنها برای استفاده در جریان پژوهش.

5- اجرای پژوهش و اعمال تکنیک‌ها: پس از تعیین تکنیک‌ها، انجام عملیات استخراج اطلاعات یا داده‌ها با استفاده از این تکنیک‌ها انجام می‌شود.

معمولا با توجه به مفاد و یا اشکال وب‌کاوی، تکنیک‌های متفاوتی مورد استفاده قرار

می‌گیرد:



نمودار ۴- تکنیک‌های وب‌کاوی

در مجموعه تکنیک‌ها، تکنیک طبقه‌بندی وجه مشترک اشکال وب‌کاوی است.

6- ارائه نتایج و تفسیر: نتایج تحلیل پس از وب‌کاوی ارائه شده و سپس تفسیر به صورت خودکار یا دستی و یا با استفاده از تکنیک‌های تجسم بخشی صورت می‌گیرد.

7- **تجسم بخشی به داده‌ها:** فرایندی که از طریق آن داده‌های عددی به تصاویر سه بعدی معنی‌دار تبدیل می‌شوند. مانند مقاصد در نظر گرفته شده برای تجزیه و تحلیل اطلاعات پیچیده داده‌های حاصل از: عکس‌های ماهواره‌ای، اندازه‌گیری‌های سونار (تعیین عمق اشیاء درون آب و عمق تقریبی آن با انعکاس صوت)، نظرسنجی‌ها، و یا شبیه‌سازی‌های کامپیوتری

8- **پیشنهادها و اقدامات:** این بخش یک گام اختیاری است و پس از آنکه نتایج تجزیه و تحلیل به دست آمد، فرآیند پژوهش ممکن است پایان یابد و پیشنهادی یا اقدامی صورت نگیرد. اما در این بخش پیشنهادها برای بهبود فعالیت‌ها یا اقدامات ضروری برای ساماندهی اقدامات در قالب شبکه‌های اجتماعی توصیه می‌شود.

یافته‌های پژوهش

متناسب با روش‌شناسی ذکر شده زمینه مورد ارزیابی روابط بین نسلی و ارزش‌های خانوادگی در شبکه‌های اجتماعی بوده است که بخشی محدود از آن در اینجا ارائه می‌شود. آنچه ارائه شده است، به منظور کشف و دستیابی اطلاعات، عادات و رفتارهای مخاطبین این شبکه‌ها در زمینه‌های روابط بین‌نسلی انتشار یافته در شبکه‌های اجتماعی همراه است. قطعاً این داده‌کاوی نشان‌دهنده ماهیت تعامل، دیدگاه‌ها، نوع تلقی و نگرش کاربران نسبت به زمینه اصلی پژوهش است. نتایج به دست آمده نشان داد که مهم‌ترین ویژگی‌ها در توجه به روابط بین‌نسلی میزان تعلق به والدین، سن، ارزش‌های خانوادگی و میراث‌های برگرفته از آن است.

متغیرهای مرتبط با روابط بین نسلی				متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های فردی				ماهیت
میزان افتخار به میراث‌های خانوادگی	میزان وابستگی به پدر و مادر	میزان تعلق به خانوادگی	میزان وابستگی به ارزش‌های خانوادگی	شغل	سطح تحصیلات	جنس	سن	متغیر

Degree of pride in family heritage	Dependence on parents	Degree of family belonging	Dependence on family values	job	education	sex	Age	متغیر در شبکه نسب مشخصه
------------------------------------	-----------------------	----------------------------	-----------------------------	-----	-----------	-----	-----	----------------------------

به منظور سهولت ارزیابی برخی داده‌های کمی به داده‌های کیفی تبدیل شده‌اند به عنوان مثال با توجه به اینکه نظام محاسبه در بردارنده داده‌هایی است که در سطح فاصله‌ای و یا نسبی قرار دارند؛ اما به منظور درک اطلاعات و سهولت تحلیل به سطح اسمی اندازه‌گیری تبدیل شده‌اند لذا در گروه‌های سنی به کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال و کهنسال تبدیل شده‌اند. به لحاظ جنس مذکر و مؤنث، به لحاظ سطح تحصیلات، به زیردیپلم، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تبدیل شده‌اند. از نظر شغل نیز، شاغل و بیکاراند.

درخصوص متغیرهای مرتبط با اهداف نیز الگوریتم درختی مبنا قرار گرفته است و محاسبات در بردارنده ۲ دسته داده‌های طبقه‌بندی شده به‌طور صحیح و داده‌های طبقه‌بندی شده به‌طور غلط بوده‌اند. در اینجا بر اساس کل رکوردهای ثبت شده که ۵۰۰۰ رکورد بوده است، تعداد ۴۵۵۵ رکورد صحیح و ۴۵۵ رکورد طبقه‌بندی نادرستی داشته‌اند. براین اساس رکوردهای صحیح ۹۱٫۱ درصد و رکوردهای طبقه‌بندی شده غلط ۸٫۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. این داده‌ها به دودسته داده‌های آموزشی و داده‌های آزمایشی بر اساس تناسب ۷۰ درصد به ۳۰ درصد تقسیم شده‌اند.

قوانین به‌دست‌آمده نتیجه به کارگیری الگوریتم‌های هوشمند بوده و تفسیر این قوانین بر اساس اصول و مبانی نظری در حوزه تخصص خبرگان شبکه اجتماعی و اساتید مربوطه است. با توجه به جمع‌بندی نظرات خبرگان از قواعد نهایی منتج شده آراء و دیدگاه‌هایی به شرح زیر به دست می‌آید:

- در شبکه‌های اجتماعی، زنان وابستگی‌های بالاتری را نسبت به والدین نشان می‌دهند.
- در شبکه‌های اجتماعی، مردان افتخار بیشتری به میراث‌های خانوادگی و ارزش‌های مترتب بر آن دارند.
- در شبکه‌های اجتماعی افراد شاغل، احساس وابستگی کمتری به والدین دارند.

- گروه‌های سنی پایین‌تر احساس تعلق بیشتری به والدین و خانواده دارند.
- زنان و مردان با تحصیلات بالاتر، ارزش‌های خانوادگی خود را کمتر مورد تأکید قرار داده‌اند.
- افراد شاغل به دلیل اشتغال و مشغله‌های کاری، زمان کمتری را برای حضور در کنار والدین اعلام داشته‌اند.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

چنان‌که داده‌های وب نیمه‌ساخت یافته یا غیرساخت یافته و غیرهمگن است، اما در کشف اطلاعات دانش مورد نیاز و یا غیر منتظره اطلاعات، دارای یک دشواری خاص است. این واقعیت پیش‌رو، چالش‌های متعددی را به عنوان مشکلات تحقیق مطرح می‌کند. چالش‌ها در قالب کشف نوع جدیدی از اطلاعات، کاوش الگوریتم‌های پیشرفته، استخراج وب‌سایت‌های رو به افزایش، پیدا کردن اطلاعات مرتبط، شخصی‌سازی اطلاعات و یادگیری در مورد مصرف کنندگان یا کاربرهای شخصی است.

در این مطلب، مقصود معرفی روش وب‌کاوی و اشکال، تکنیک‌ها و فرایندها اجرای آن در خصوص شبکه‌های اجتماعی بوده است. بدین منظور ادبیات و ابعاد موضوع هم برای وب‌کاوی و هم شبکه‌های اجتماعی مطالعه و در این مقاله ارائه شد. تحقیقات در زمینه شبکه‌های اجتماعی که از طریق تکنیک‌های وب‌کاوی انجام می‌شود، زمینه جالبی برای پژوهش است. با این حال، چالش‌های زیادی در این زمینه تحقیق وجود دارد که باید با بهبود فرایند اجرای آن، حل شود.

به عنوان مثال، مانند پیدا کردن جماعات در ساختار شبکه‌های اجتماعی، جستجو الگوهای در شبکه‌های اجتماعی و بررسی هم‌پوشانی جماعات است. نکته اساسی در ارزیابی تفاوت کاربرد روش‌های پژوهش قبلی با روش‌های جدید که در تفاوت حجم داده‌ها متجلی شده است، این است که در گذشته محتوی حاصل از رسانه‌ها آماده تحلیل بود و داده‌ها قابل تشخیص در مقیاس خرد و علاوه بر آن نیازی به ادغام جداول برای تشکیل نظام‌های جدید ارزیابی و کشف نبود اما در شرایط کنونی که عملکرد شبکه‌های اجتماعی؛ حجم بزرگی از داده‌ها را مقابل پژوهشگران قرار می‌دهد، داده‌ها همیشه ساخت نیافته‌اند و با این وضعیت قابل تحلیل نیستند بسیاری از جداول پایگاه داده‌های مرتبط نیاز به ادغام دارند. مقاصد داده در داده‌های بزرگ عمدتاً بدون جهت‌گیری یا قصد است در حالی که در داده‌های کوچک غالباً جمع‌آوری اطلاعات با جهت‌گیری و قصد انجام می‌شود. قطعاً وب‌پژوهی به عنوان جزئی از علم داده - روش‌های تحلیل داده‌هایی که به پیش‌بینی آینده می‌پردازد و روش‌های تحلیل داده‌هایی که به کشف گذشته می‌پردازد- در بردارنده تحلیل داده و ارزیابی آن به عنوان یک منظومه در بردارنده الگوهای شناختی، مدل‌سازی ریاضی، هوش مصنوعی، آمار، یادگیری ماشینی، پایگاه‌های داده، نظام‌های اطلاعات و علم مدیریت است.

چالش‌های کنونی در این عرصه از پژوهش - که البته شتاب بسیاری نیز دارد - برای ارائه نتایج منطقی و قابل اتکاء باید رفع گردد. این امر بر عهده پژوهشگران این عرصه است. هدف به عنوان پژوهشگر عرصه ارتباطات، جستجوی تکنیک‌های بهتر وب‌کاوی برای مطالعه سایت‌های اطلاع‌رسانی و شبکه‌های اجتماعی روی خط بوده است. وضعیتی که در حال حاضر انبوه پیام‌های تلگرامی و یا تصاویر اینستاگرامی و یا حتی وبلاگ‌ها دارند، این امر را ضروری‌تر می‌سازد. آنچه که در مورد مطالعه نشان داده شد این است که انبوه اطلاعات عرضه شده در خصوص روابط بین نسلی و ارزش‌های خانوادگی قابلیت بررسی و کشف عادات و علائق افراد را نسبت به مسائل مهم حیات اجتماعی داراست. روابط بین‌نسلی یا والدین و فرزندان و میزان تعلق به ارزش‌های خانوادگی از این دست موضوعات بوده است که تصویر روشنی را با داده‌کاوی در محیط شبکه‌های اجتماعی عرضه داشت. متغیرهایی که در وهله اول نقش کلیدی داشت‌هاند؛ سن و جنس پاسخ‌گویان و سپس سطح تحصیلات و اشتغال از یک سو و در جهت دیگر متغیرهای تخصصی میزان تعلق و وابستگی به والدین و تعلق خاطر به ایشان ابتدا و میزان افتخار به ارزش‌های خانوادگی و میراث‌ها در وهله بعد بوده است. یکی از زمینه‌های تقویت این عرصه آموزش روش‌های جدید پژوهش و پژوهش در کلان داده‌ها به پژوهشگران این عرصه و همچنین وارد کردن آموزه‌های جدید به سرفصل‌های درسی در برنامه‌بازنگری دروس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است تأمین منابع آموزشی، کتب درسی، راهنماهای اجرای طرح‌های تحقیقاتی با روش‌های جدید در عرصه وب‌کاوی، داده‌کاوی و متن‌کاوی است. دانش مقتضی در این عرصه از طریق فعالان این حوزه‌های علمی باید گسترش یابد. ضرورت وارد کردن عناوین درسی مرتبط در برنامه‌های آموزشی دانشگاهی ارتباطات در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان روش‌های تحقیق جدید با توجه به تغییر رویکرد پژوهش‌ها از تمرکز بر روی خرد روش‌ها به کلان روش‌ها.

قطعا انبوهی اطلاعات تولید شده، شتاب تولید اطلاعات، هم بالای ذخیره سازی و قابلیت انعطاف دسترسی به اطلاعات، زمینه بهره‌گیری از روش‌ها و ابزار پیشین را محدودتر نموده و می‌توان با روش‌های جدید ذکر شده نه تنها روندها را شناسایی نمود بلکه تغییرات جدید در این عرصه را نیز مورد ارزیابی قرار داد. شناخت محتوای جدید در میان انبوه پیام‌های تولید شده قبلی - که اگر مورد استفاده قرار نگیرد - به زعم دانیل بل سوخت اطلاعات رخ می‌دهد - کشف روندهای جدید، شناخت عملکرد رقیب در عرصه فعالیت‌های رسانه‌ای یا در عرصه

شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند از دلایل توسعه از نوع از روش‌ها در عرصه آموزش و برنامه‌های درسی دانشگاهی نیز باشد.

منابع

- 1- خانیکی، هادی؛ بابایی، محمود (۱۳۹۱)، تأثیر سازوکارهای ارتباطی اینترنت، بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، (شماره ۵۶، بهار).
- 2- چلیپی، مسعود، جامعه شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی ۱۳۹۱.
- 3- کاستلز، مانوئل قدرت ارتباطات، ترجمه حسین بصریان جهرمی، نشر پژوهشگاه فرهنگ فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳.
- 4- فیروزآبادی، سید ابوالحسن، فضای مجازی- اجتماع و فرهنگ، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۶.
- 5- نقیب السادات، سید رضا، "دسترسی آزادانه‌ی پیام در جامعه‌ی اطلاعاتی"،

www.isna.ir/news

منابع لاتین

1. Jin, Y. Z., Matsuo, Y., and Ishizuka, M., "Extracting Social Networks among Various Entities on the Web", In Proceedings of the Fourth European Semantic Web Conference, pp. 251-266, June 3-7, 2007, Innsbruck, Austria, published by Springer Berlin Heidelberg.
2. Chakrabarti, S., "Mining the Web: Discovering Knowledge from Hypertext Data", Morgan Kaufmann Publishers, USA, 2003.
3. Cooley, R., Mobasher, B. and Srivastava, J., "Web Mining: Information and Pattern Discovery on the World Wide Web", In Proceedings of the 9th IEEE International Conference on Tool with Artificial Intelligence, 1997, pp. 558-567, Newport Beach, CA, USA.
4. Abdul Rahaman Wahab Sait and Dr.T. Meyappan, "Web mining – a catalyst for e-business", Advanced Computing: An International Journal (ACIJ), Vol.3, No.6, November 2012.
5. Ron kohavi, Brij masand, Myra spiliopoulou, Jaideep srivastava, "Web mining", Data Mining and Knowledge Discovery, 6(1), pp. 5-8, ACM SIGKDD International Conference on Knowledge Discovery in Databases (KDD), 2002, Edmonton, Alberta, Canada.

6. Ujwala Manoj Patil, J.B. Patil, “Web Data Mining Trends and Techniques”, in Proceedings of International Conference on Advances in Computing, Communications and Informatics (ICACCI-2012), pp. 961-965, ACM New York, NY, USA, 2012.
7. Abdelhakim Herrouz, Chabane Khentout Mahieddine Djoudi, “Overview of Web Content Mining Tools”, the International Journal of Engineering and Science (IJES), Volume 2, Issue 6, pp. 106-110, 2013.
8. Wen-jun, S., and Hang-ming, Q., “A Social Network Analysis on Blogspheres”, In Proceedings of the 15th IEEE International Conference on Management Science and Engineering, pp. 1769 - 1773, 2008, Long Beach, CA, USA.
9. Borko, F., “Handbook of Social Network Technologies and Applications (1st ed.)”, Springer publication, 2010.
10. Omar Almousa, “Users' Classification and Usage-Pattern Identification in Academic Social Networks”, 2011 IEEE Jordan Conference on Applied Electrical Engineering and Computing Technologies (AEECT), pp. 1-6, 6-8 Dec. 2011, Amman.
11. Zach W.Y. Lee, Christy M.K. Cheung, Dimple R. Thadani, “An Investigation into the Problematic Use of Facebook”, in Proceedings of 45th Hawaii International Conference on System Sciences, pp. 1768-1776, January 04-January 07, 2012, Maui, Hawaii USA.
12. Linda Elen Olsen, Frode Guribye, “The Adoption of Social Networking Services: a case study of LinkedIn’s impact on professional networkers”, in Proceedings of IEEE 2009 International Workshop on Social Informatics, pp. 3-9, 2009, Poland.
13. Anshu Malhotra, Laum Totti, Wagner Meira Jr., Ponnuragam Kumaraguru, Virgilio Almeida, “Studying User Footprints in Different Online Social Networks”, in Proceedings of 2012 IEEE/ACM International Conference on Advances in Social Networks Analysis and Mining, pp. 1065-1070, 26-29 Aug. 2012, Istanbul.

14. Deng Cai, Zheng Shao, Xiaofei He, Xifeng Yan, and Jiawei Han, "Mining Hidden Community in Heterogeneous Social Networks", March 2005, Report No. UIUCDCS-R-2005-2538, UILU-ENG-2005-1731.
15. U Kang and Christos Faloutsos, "Big Graph Mining: Algorithms and Discoveries", ACM SIGKDD Explorations, pp. 29-36, Volume 14, Issue 2, December 2012, ACM New York, NY, USA.
16. Pieter Noordhuis, Michiel Heijkoop, Alexander Lazovik, "Mining Twitter in the Cloud: A Case Study", pp. 107-114, in Proceedings of 2010 IEEE 3rd International Conference on Cloud Computing, 5-10 July, 2010 IEEE Computer Society Washington, DC, USA, Miami, FL.
17. Guilan Hu, Xiaochun Cai, "Research on Feature Optimization Method in Personal Information Mining", in Proceedings of 2009 WASE International Conference on Information Engineering, vol. 1, pp. 656-659, 10-11 July, 2009, Taiyuan, Shanxi.
18. Marmo ,Roberto(2011),Web Mining and Social Network Analysis,IGI Global.
19. Fuchs, Christian (2009) Social Networking Sites and the Surveillance Society. Austria.
20. Liu Q-X, Fang X-Y, Zhou Z-K, Zhang J-T, Deng L-Y (2013) Perceived Parent-Adolescent Relationship, Perceived Parental Online Behaviors and Pathological Internet Use among Adolescents: Gender-Specific Differences. PLOS ONE 8(9): e75642. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0075642>
21. Kertzer, I. David, (1983) Generation as sociological problem, Annual reviews, 1983, No. 9, 190-125.
22. *ve* Listening. WWNorton